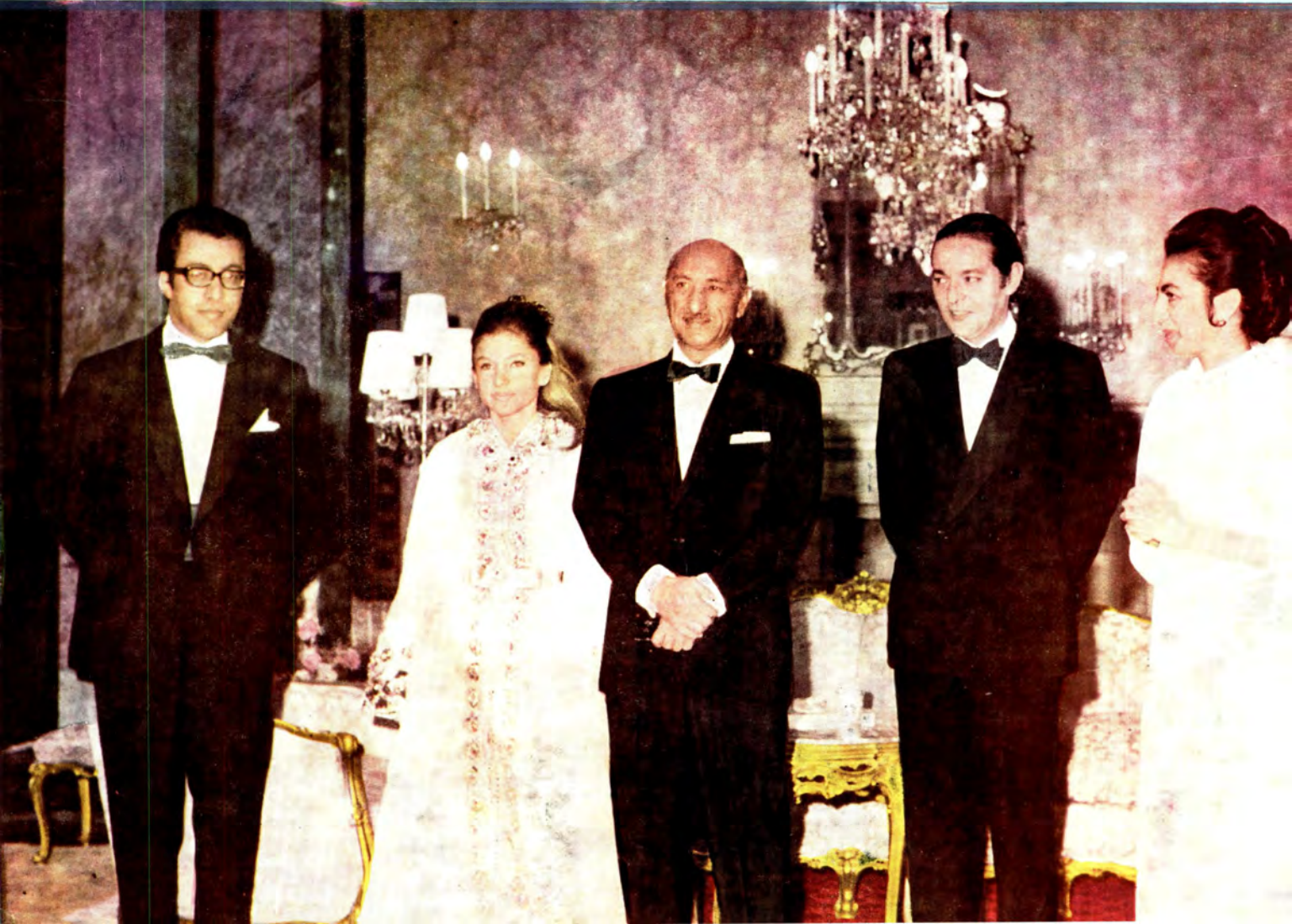


دار و مجله



شماره عقرب ۱۳۴۸

خاطرة بار يابى والا حضرت مولای عبدالله برادر پادشاه مراکش وهمسر محترمه شان
والا حضرت نميعه بحضور اعلي حضرت معظم همايونى در قصر گلخانه



معلقات مسبوکه

خوانندگان محترم البته بهتر مسبوقتند که اعراب دوره جاهلیت در رجز خوانی و سرودن اشعار عالی و نشیده‌ها شهرت عالمگیر داشتند و اشعار معروفشان که در حلقه‌های ادبی خوانده میشد و به کثرت آراء مرغوب و دلپذیر شمرده میشد، آن را تیمناً به دروازه خانه کعبه می‌آویختند (معلقات سبعه) همین اشعاری بود که توسط شعرای عرب به دروازه کعبه آویزان شده بود قسمتی از معلقات (الاهبی) که در اینجا از ملاحظه شما می‌گذرد سروده (عمرو بن کلثوم الثعلبی) است که سرشار از غرور ملی بوده و مجامد غیرت و فضایل معنوی قبیلوی را تمثیل می‌کند چون ترجمه این اشعار حماسی و دلپذیر قلوب همه افراد غیور و وطن پرست را بهیچان می‌آورد ما آن را از جراید خارجی در اینجا با قدری تصرف نشر نموده خوانندگان ارجمند را به مطالعه آن توصیه می‌کنیم .

الاهبی ...

سفر کرده مجدل نشین من لحظه‌ای درنگ کن تا بگویم در مدت هجر تو چه کشیدم
و بگوئی از دوری من چه دیدی !

بایست تا بدانم آیا در این سفر یار دیگری بجای من گرفته‌ای ؟
و بر عاشق صادقی که جان بجای معشوق نمی‌گزیند دوست دیگری گزیده‌ای
بایست ! که از فردا کسی را خبری نیست و نقد عمر ما هم امروز است و بس
تو که ندیده‌ای چه دانی که :

چون به خقیه ناگهان تنها و دور از چشم کسان بر او درائی .
نخست بازوئی سفید می‌بینی که مانند دست و پای ناقه‌ای که غنوز رنج
زادن نجشیده قره و استوار است . و پستانهای نرم و لطیف و دست نخورده
چون دو حقه عاج .

و بهلوانی چنان زیبا که عقر و هوش از سر بپراند .
و ساقهایی چون دو ستون مرمرین مزین بخلخالهایی که هنگام راه رفتن آهنگ
دل انگیزی از آنها طنین می‌افکند .

وقتی بیادش می‌آورم مجزون میشوم و ناله‌ای آندو بهاری سر میدهم در این
حال بناق‌های می‌مانم که بچه گمشده خود را از اقصای بیابان می‌طلبند و جزا نمکاس
صدای خویش نمی‌شنود .

و گاه چون مادری که فرزند رشیدش را بدست خود دفن کرده در قراقش
لوحه و ندبه میکنم .

و شباهنگام که شترش به قبیله بر میگردد ،
ایام عشق و وصالش را بیاد می‌آورم .

تو نبودی جنگی سخت در گرفت جنگی جوشان و خروشان بهراز چکاچاک
شمشیرها و برق نیزه‌ها ، یاران تو در آن نبرد پیروز شدند و بارزوی خود رسیدند
سرزمین (یمامه) در مقابل مان نمایان شد .

و ستون خیمه‌ها و طناب چادرها شبیه مردانی بودند که شمشیر کشیده عزم
قتال داشته باشند .

ای (اباهید) اینسان شتاب مکن .

و بگذار تا حقیقت را با تو در میان نهم

میدانی حقیقت چیست ؟ ؟

ما هر چه‌های شهید گون خود را از یکسو بمعرفه داخل میکنیم

و از سوی دیگر گلگون از خون خصم بیرونشان می‌بریم .

(بقیه در صفحه ۳ جلد)

فهرست مضامین این شماره

صفحه	نویسنده	مضمون
۱	جگرن فیض محمد «عاطفی»	ماه رمضان ...
۳	عبدالعزیز «غیور»	دتوپچی افرادو دروزنی مسئله
۶	دگروال محمد اسمعیل	قیمت وقت در محاربه
۷	دکتور غلام رسول خوشدل	غذا
۱۰	ب ، ضیاء همایون بختیار	پیاده وتانگ
۱۳	تورن ار کانجرب علی احمد جلالی	آسیا صحننه رقابتها
۲۲	تورن غلام سخی اتمر	دبیوونی او روزنی او عملی...
۲۸	تورن ار کانجرب علی احمد جلالی	شرق میانه- کانون حوادث
۳۷	بریدجنرال عبدالقدیر خلیق	فکتورها وعواملیکه درخستگیهای طیارات تاثیر میکند
۴۲	عبدالحی بریدمن قوای هوائی	رویای دلیرانه کیهانی
۳۸	لمری بریدمن نجیب الله	لارا دختر پارتیزان
۵۳	تورن محمد اسحق	دجانان سمندری
۵۸	دکتور قمرالدین اکسیری	طفل شما
۶۲		جهان شعر و ادبیات
۶۴	تورن عبدالرزاق «توخی»	افق بیکران علوم
۶۹	شمس الدین ظریف صدیقی	فداکاری و درس برای بشریت
۷۱	سید فضل احمد چخان سوری	بیلانس نظامی
۷۸	محمد هاشم «شتیزی» وردک	ذروی و سلی
۸۰	جگرن محمد جان فنا	رقیب
۸۱	» » »	حق مغلوب نمی شود
۸۴	لمری بریدمن محمد فاروق لودین	داراضی دروزنی اساسی هسته
۸۷	تورن محمد جان ازق،م	فرود آمدن بعد از ۱۳ ثانیه
۹۱		گام نوین در راه تسخیر فضای کیهانی
۹۴	جگرن فیض محمد عاطفی	مشاهیر جهان درخلال تاریخ
۹۷		جریان انداخت شب درقوای زره دار
۱۰۰		توزیع شهادتنامه های کورس (ب)
۱۰۲		افتتاح پارک قطعه تعلیمی پارا شوتی
۱۰۵		جریان مسابقات پهلوانی خزانی اردو
۱۰۸		مشغولیت های فکری



ماه رمضان

یکی از پنج بنای اساسی دین مقدس اسلام روزه ماه رمضان است که پیروان خود را به ادای این فریضه ضروری، مامور و مکلف ساخته است. قاعدهٔ اسلام دینی است اجتماعی و آشنا بتمام رموز و واجبات طبیعت انسانی، ازینجا است که اغلب دانشمندان جهان، اسلامیت را دین فطرت نام نهاده اند و البته قصد و غرض از فطرت این است که مکلفات و وظایفی که در اسلام وجود دارد بمقتضای فطرت انسانی بنیانگذاری شده است یعنی در دین اسلام اکراه و تکلیف وجود ندارد و هرجاه که اکراه و تکلیف نباشد فطرت و طبیعت بحال کامل خود مجسم شده میتواند در مورد روزه هم اگر بصورت عمیقانه نظر اندازی شود کدام اکراه و تکلیفی بنظر نمی رسد و صرفنظر از فوائد معنوی و جسمی که بشخص روزه دار به پیروی از عادتی که یازده ماه سال بخوردن و نوشیدن مشغول بوده است همینکه یکی دو روز اول را روزه گرفت و تغییر عادت سابقه جای خود را به عادت جدید روزه داد، آنوقت ماه رمضان هم شکل عادی را بخود میگیرد و بنا بران باز می آیم بهمان نظر دانشمندان که اسلام واقعاً دین فطرت است.

در پیرامون منافع معنوی و جسمی ماه صیام، بارها مطالبی را خوانده ایم و این موضوعیست که جهان علم و دنیای طبابت معاصر آن را بخوبی تائید میکنند و حاجت به تکرار آن نخواهد بود تنها ما در این مقالت توجه شمارا به پهلوی منافع اجتماعی روزه معطوف میسازیم که عبارت است از درك احوال برادران و همنوعان کم بضاعت و درعین حال اتفاق و اطعام مساکین توسط توانگران که اساس فلسفه تعاون را تشکیل میدهد شخص مستطیع و سرمایه داری که تمام دوران یازده ماه را (لطفاً ورق بزنید)

را بعیش و نوش و خورد خواب گذشتانده
اگر در یکماه بحکم وجدان و باطاعت
از دستور های مذهبی ، موفق بگرفتن
روزه شود، این گرسنگی و اضطراب ،
قلب او را رؤف و احساسات کممک
بهم نوع وهم کیشان را در نهاد او
بیدار میسازد و با کمک های مادی
بسر وقت مردمی میرسد که باو و معاونت
او احتیاج مبرم دارند و بر علاوه صدقات
فطر، نیز بذات خود یکنوع کمک مادی
دیگراست که باید به مستحقین و ارباب
نیاز و احتیاج سپرده شود و همه این
مسائل در راه بهتر ساختن وضع اجتماع

و کاهش رقابت ها و حسادتها و بغضها
و عداوتها بنحو بارز و انکارناپذیر کمک
می کند و قوس صعودی اختلافات طبقاتی
را تا حدی پایان می آورد.
می بینیم که اسلام با طرح مسائل
اساسی در تمام جریانات حیات اجتماع ،
همیشه مصالح و منافع توده و جامعه را
در نظر می گیرد و در عین حال بحیثیت
و کرامت فردی نیز توجه کامل دارد
تشکیلات خیریه و موسسات عام المنفعه
بهترین منابع توزیع و تسایم این کمک ها
هستند که با در نظر گرفتن حیثیت و
آبروی مردم فقیر و نادار باید در امور

خیریه و توزیع آن عادلانه سهم بگیرند
و مردیکه استطاعت مالی و مادی دارند
لازم است با این موسسات همکاری کنند
تا در اصلاح روابط حسنۀ اجتماع و ایجاد
محیط متعادل و مدینه فاضله قدمهای
استوار و اساسی برداشته شود.

ماه رمضان، ماه نزول رحمت و برکت
است و مردم مسلمان کشور ما واردوی
متدین افغان در این ماه مبارک ، از
صمیم دل پروردگار خود را نیایش
میکنند و دست کمک به برادران
محتاج و مسکین خویش دراز
می نمایند .

خبرهای کوچک از جهان بزرگ

سال ۲۰۰۰ و چگونگی دانش طب

پژوهشها و کشفیات طبی سرانجام بکجا خواهد کشید. تا بحال دانشمندان غیر طب مانند زیست شناسان و پژوهش کنندگان دانش های اجتماعی و فزیک و تکنیک و با داستان نویسان درین باره به پیشگویی های شگفت انگیز دست زده اند .
اما اکنون دو دوکتور مرشناس بنام های پروفیسور گر اول و دکتر فرانکه عضو استیتوی بیولوژی اشعه در مابورگ .
بر مبنای بررسیهای علمی امکانات پیشرفت دانش طب را تا سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ منتشر نموده اند .

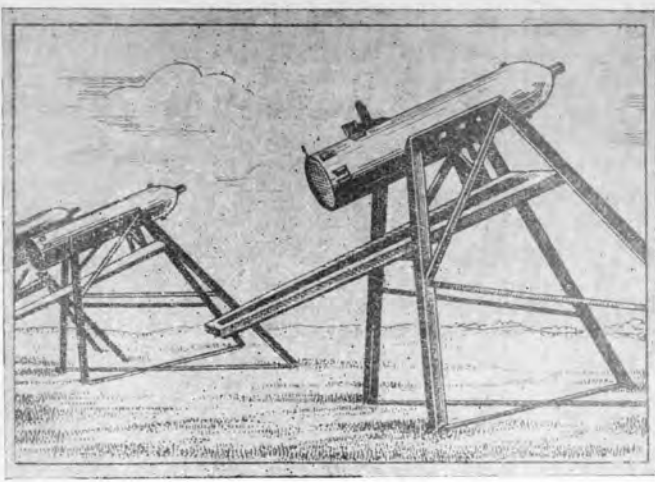
به عقیده نامبردگان در پیوند اعضای بدن باستثنای سیستم مرکزی اعصاب (مغز و نخاع) پیشرفتهای مهمی بدست خواهند آمد. در مورد سیستم مرکزی اعصاب و همه اعضای وابسته بآن مانند چشم و گوش باید هم اکنون گفت که برای همیشه تقویض و پیوند آنها غیر ممکن خواهد بود .
در مورد پیر شدن میتوان پیشبینی کرد که تا سال ۱۹۸۵ دانش طب آنچهان سلطه ای بر جریان بیولوژیک پیری بدست خواهد آورد که معادل عمر انسانها به ۸۵ سال بالغ خواهد شد.
مبارزه بانیماری عفونی و سرطان سال ۱۹۹۰ به مرحله ای خواهد رسید که مرگ در اثر بیماریهای ویروسی بطور قاطع کاهش خواهد یافت .

در عین حال پروفیسور گروال و دکتر فرانکه گمان نمیکنند که در سالهای ۱۹۸۵ و یا ۲۰۰۰ تعداد ناراحتی های بیماری کمتر از امروز خواهد بود. چه بجای بیماریهای که درمان آنها ممکن میگردد بیماری های تازه بویژه بیماری های روانی تعمیم خواهد یافت . بعبارت دیگر در اثر پیشرفت سریع تمدن بیماری های روانی جاگزین بیماری های جسمانی امروزه خواهند گردید .

نخستین مظاهر این جریان را باید در افزایش تمایل انسانها بمصرف دارو های مسکن و محرک جستجو کرد. تا پایان قرن کنونی دانش طب توفیق خواهد یافت که بجای اعضای از دست رفته بدن مانند دست و پا از اعضای مصنوعی با هدایت الکترونیکی بهره برداری و حتی دنیای تنهایی کوران به کمک الکترونیک و رادار روشنتر و پرمجا تر خواهد شد .

دتوپچی افرادو

دروزی مسئله



هغه د تطبیقاتو نظامی وسیلی چه د عملیاتو دپاره چمتو شوی دی

مترجم: غ غمور

ښوونکی او یا اهرتیا سره مرسته کوی د تطبیقاتو د ډگر مخصوصه ښیښه چه سل سائتی متره سورلری یوه بله آله ده چه د تطبیقاتو په وخت کښی دتوپچی افرادو دروزنی سره مرسته کوی دروزنی په ډگر کښی ښائی چه نوموړی ښیښه (هنداره) دیوه لرگی په واسطه په عمودی توگه ودروله شی او وروسته تردی چه نوموړی هنداره په دننه کښی نښه شوی آله و تومیل شوه بیانو دمانوری اود روزنی پروگرام شروع کیری- دادښوونکی دنده چه د تطبیقاتو څخه دمخه غوڅواری په دوه اړخیزه توگه دتار کت زاوی ته تغیر ورکړی دزاوی دبدلون په وخت کښی دقومانده دموقف د تا کلو او څرگندولو مسئله ډیره با ارزښته ده- دهدف اود عملیاتو دمرکز تر مینځ دزاوی دتغیر ورکولو دپاره د(سینچریج) دور کوتو وسایلو او آلاتو پکار اچول او په یوه پراخه اندازه له هغو څخه کار اخستل ډیری ښیکښی لری چه د هغو له جملی یوه داده چه تر روزنی لاندی زده کوونکی کولای شی له تطبیقاتو څخه زیاتی

مرکزونه جوړ کاندی. په بریالی ډول دښوونی او روزنی د چارو دسرته رسولو او په مربوطو تا کتیکي او سوق الجیشی ساحو کښی دجوړ شوو پروگرامونو د عملی کولو دپاره دایو ضروری کار دی چه دهرڅه نه پخوا دروزنی دپاره یو داسی اساس چه په میتریل بانندی ولاړدی جوړ کاندی او هم له دغه عامل څخه د افرادو د استعدادونو دروزلو په برخه کښی په صحیح توگه کار واخلی .

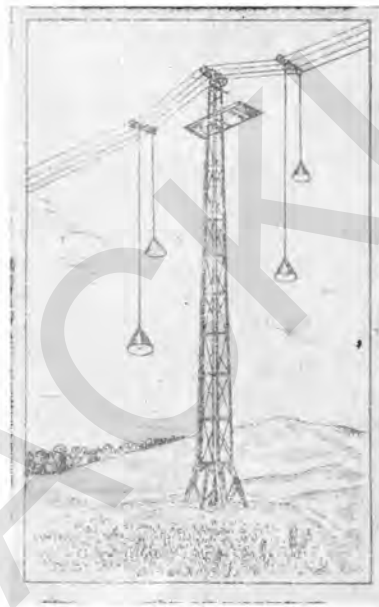
دوروستیو تجربو او آزمینښتونو څخه پوره څرگندیری چه په بریالی ډول سره دتوپونو او توپک پرکتس او تمریناتو دپاره دایو ضروری کاردی چه د تطبیقاتو په ډگر کښی دښوونی او روزنی دپاره ټول وسایل او د ضرورت وړ ملزمی برابر شوی اودهلان له مخی په خپلو مربوطو حوزو کښو بحای په بحای شوی وی (کلاس مینچر) هغه ور کوتی آله ده چه دتار کت (دویشتلو بحای) دنښه کولو په موقع کښی د نظامی وسیلی دعدل بندی اود حساسیت داندازی دبرابرولو په برخه کښی له

د تطبیقاتو له میدانو نو څخه د نظامی افرادو درسولو په برخه کښی گتوری لنتیجی حاصل شویدی په دی نژدی کلونو کښی دتوپچی قواو په ساحه کښی ستر تحولات راغلی اوله پسی دوام لری. ددغو نوو تحولا توپه سیوری کښی دتوپچی آلاتو د حساسیت داور کولو په معیار اود هغو د تا کتیکي فعالیتونو او اغیزو په برخه کښی پوره بدلون لیدل کیری او باید وویل شی چه دراکتبرونکو توپونو په جوړښت او نوعیت کښی هم پوره پرمختگ تر لاسه شویدی- هغه ستر انقلاب چه په دی وروستیو کلونو کښی د نظامی عملیاتو په ډگر کښی مینځ ته راغلی دی قوماندانانو ته زمینه برابره کړیده چه دتوپچی قواو اونورو نظامی وسایلو په مرسته د اور له نوو میتودونو او طریقو سره بلد شی او هم په وار سره دنوو علمی اسانتیاو او تخنیکي امکاناتو څخه په استفاد کولو سره دتوپچی قواؤ د افرادو دښوونی او روزنی د مربوطو چارو د تطبیق اوترسره کولو په لاره کښی اقدام وکړی او یوشمیر نوی تریوی

کتهی واخلی اوهم ښوونکی د تطبیقاتو ډگر په بڼه وجه کنترول کولای شی څرنگه چه د زاوی د بدلون په وخت کېښی دوسره زیاتی غلطی مینځ ته ندرانخی نو دپورتنی اصل له مخه په دغه راز تطبیقاتو او تعلیمی پروگرامونو کېښی زده کوونکی ډیر ژر مقصد ته رسیدای شی. «مینچر زیچ» دور کوتی آلی یوه بله ښیگڼه داده چه دتوپکو په عملیاتو کېښی هم استفاده ورڅخه کیږی .

تر کومی اندازی چه دښوونی او روزنی دبراکت په طریقې پوری اړه لری په دغه طریقه کېښی د پلنیمتریکي آلا نواو وسایو څخه کار اخستل کیږی په دغه طریقه کېښی ښوونکی کولای شی چه په دواړو انفرادی او دله ایزو اړخونو کېښی داور دنووسستمونو په باب درس ور کړی. دغه طریقه ډیره ساده ده او هر زده کوونکی کولای شی چه د ښوونکی دیوه لکچر څخه وروسته دهغی زده کولو بانندی بریالی شی . دپلنیمریک آله په حقیقت کېښی دپلای وود دیوه ډول مخصوصو پاڼو څخه جوړه شویده چه یوه په بله بانندی ایښود له شویده هره پاڼه دپلی پاڼی څخه لږ تر لږه دری اعشاریه پنځه سانتي متره مسافه لری او ټولی پاڼی په یو ثابت مدار کېښی تړل شویدی. باید وویل شی سره ددی چه نوموړی پاڼی دلوړوالی له نظره یوه دبله څخه پوره توپیر لری بیاهم په نظامی مانورو کېښی پوره استفاده ورڅخه تر لاسه کیدای شی دیو خاص فارمول له مخه ددغو پاڼوله جملی څخه هغه پاڼه چه ډیره لږه ارتفاع لری د چوکات په وروستی برخه کېښی او هغه پاڼه چه دلوړ والی

اندازه ئی دنورو پاڼو په نسبت زیاته ده دمحور په پروسبی برخه موقوف لری لکه چه په یو وروستی راهور کېښی ویل شوی دی دداسی یوه رینچ دنورو ښیگڼو څخه یوه هم داده چه دهغی په مرسته ډیر کوونکی او ۸ تنه نور زده کوونکو ټول په یوه مساوی دتوپک او یا دماشینگن دانداخت او مانوری ننداره کولای شی او په حقیقت کېښی دترحد یوه آله بلله کیږی. اوس په زیاترو تطبیقاتو او په تیره دتوپچی افرادو دښوونی او روزنی په مرکزونو کېښی هغه ښوونکی چه غواړی په دله ایزه توگه زده کوونکو ته درس ور کړی نشی کولای



دشپي له خوا دتوپچی قواوو دهدف دتاسیساتو یوه منظره

چه د تطبیقاتو په موقع کېښی د مربوطو ملزمو د عملیاتو اود پکار اچولو دطریقو اساسی لاری چاری ور وښی مگر اوس چه دغه نوی وسیله جوړه شوه نور په انفرادی او غیر انفرادی دواړو حالاتو کېښی دتوپکو او توپونو دپکار اچولو پروبلم حل شویدی.

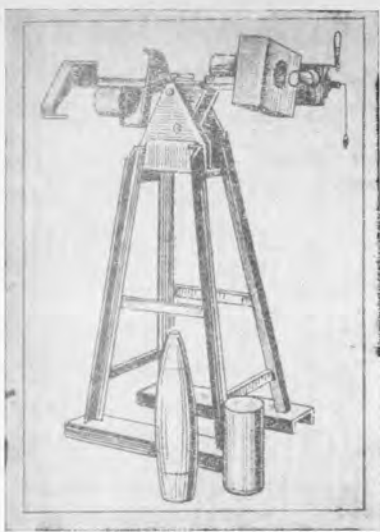
فیلدسکتور رینچ : دغه آله چه

دښوونی اوروزنی په برخه کېښی ستر رول لوبوی دعمل په ډگر کېښی دډیر کولو او اور کولو په باب مقررات او یولړ نوی قوانین زده کوونکو ته وړاندی کوی دحساسیت اندازه ئی زیاته ده اود اور او ډیر کولو هر ډول عملیات او طریقې دهغی په مرسته ترسره کیدای شی. ددغی آلی دنور وښیگڼو څخه یوه هم داده چه ټول زده کوونکی په پرله پسې ډول هغه استعما لولای شی نوموړی آلی د رینچ اوواتنی دټاکلو دپاره په عمومی توگه د پلا نونو او گرافونو څخه کار اخستل کیږی .

روسیایز- رینچ : دا آله هم یوه ستره آله ده چه دهغی په مرسته ښوونکی کولای شی دهغو مرچلونو او سنگرونو په برخه کېښی زده کوونکو ته معلومات ور کړی چه په غیر مستقیم ډول دیوی مانوری سره رابطه ولری. دگراف او یا نقشی له مخه عیاره کیږی اود دښمن دجرسو استحکاماتو اوتاکتیکی سیستمونو په برخه کېښی نتیجه ور کوی ښوونکی کولای شی چه دنوموړی آلی دپکار اچولو په وخت کېښی د تطبیقاتو اود زده کوونکو دپوهی دمعیار دلوړولو دپاره درونیا اود غیر له یوه ډول رادیوئی سگنلونو څخه هم استفاده وکاندی. په گر زنده وهد فونو کېښی داور کولو او ډیر کولو دبرمه کاری دچارو دسرتو رسولو دپاره ښائی چه د ټانک اود پلې گروپونو دافرادو او ملزمو څخه استفاده وشی. ذکر شوی رینچ په اتوماتیک ډول کار کوی او یوازی دیو انستر کتر په واسطه پکار ولیدای شی .

ارتیلیری - رایقل - رینچ : دتوپک

او توپچی فعالیتونو دپاره یوه



دروزی ملزمه چه دستفادی
دپاره چمتو ده

دی څرنگه چه دجسامت او سایز له نظره هم لږه ساحه نیسی ښوونکی کولای شی چه دهغی په مرسته زده کونکوته دمربوطه درس په باب پوره توضیحات ورکړی باید وویل شی چه په نننیو نورو جگړو کښی د بریالیتوب لومړنی عامل دادی چه باید په جگړی کښی استعداد لرونکی اوروزل شوی پرسونل موجود وی . دتوپچی قواو د افرادو د روزنی په برخه کښی دتطبیقاتو دگروته دیوی ښی او په زړه پوری نتیجی ورکوی او همدا اوس دنړی په یو زیات شمیر پرمخ تملو هیوادونو کښی دتطبیقاتو له میدانونو څخه د نظامی افرادو د ښوونی اوروزنی دمربوطو پروژو او تاکتیکی پروگرامونو دتطبیق او عمل کولو په ساحه کښی په یوه پراخه پیمانته استفاده تر گوتو کیږی .

اوساڅو څخه کیدای شی چه دمخصوصو تطبیقاتو او پروگرامونو دتطبیق او پرمخ وړلو کښی استفاده ترلاسه شی او په تیره دغه راز دگروته او تربیوی مرکزونه په محلی او غیر محلی سویه دتوپچی افرادو دروزنی دپاره دیری ښی او گتوری آسانتیاوی برابروی او باید وویل شی چه له دغو میدانونو څخه دپلاتون باتری او د هدف دیلو بیلو زاویو دتاکلو په برخه کښی هم گتوری نتیجی ترلاسه کیدای شی .

تر کومی اندازی چه دتوپچی قواو په تمریناتو کښی دتارکت هدف په بیلو بیلو حالاتو او موقفونو پوری اړه لری دجگړی میدانونه او دغه راز د ښوونی اوروزنی دگروته باید په داسی نقشو الاتو او تاکتیکی ملزمو باندی سمبال کړی شوی وی چه دښمن په تودو جگړو کښی له هغو څخه کار اخستل غواړی د پورتنی مفکوری دتطبیق او عملی کولو دپاره دایو ضروری کاردی چه دتوپچی قواو اودغه راز دنورو نظامی قدرتونو د روزلو په وخت کښی له یوشمیر عصری پورتیبل مودولونو څخه استفاده وشی دتوپچی افرادو دروزنی او تطبیقاتو په مرکزونو او دگرونو کښی دمحان دگوښه کولو شل محایونه دستیو مولیترونو په مرسته ښه کیږی .

سیند تیل : یوه دول گرزنده نقشه ده چه دتغیرو کولو کارنی دیر آسان

اغیزه ناکه آله ده - هغه حالات او شرایط چه په دغه رینج کښی دعمل دگرتی را وړاندی کیږی دجگړی دگر دتولوشرايطو او تاکتیکی امکاناتو سره پوره سمون خوری ددغه رینج په مرسته سره یو ښوونکی کولای شی چه په غیر مستقیمو هدفونو او مرچلونو باندی سربیره د مستقیمو مرچلونو او هدفونو په باره کښی هم زده کوونکو ته پوره او په کافی دول معلومات وړاندی کړی دغه راز وسایل په عمومی دول دجگړو په دگرولو کښی داور د نور سیستمونو دتطبیق او عمل کولو دپاره پکا ربری ددغه رینج په مرسته دغه راز کیدای شی چه داور دسنگر دترصد او شاهداتو دمرکزونو اودمخابراتی شبکو په باب دضرورت وړ معلومات تر گوتو شی دنوموړی آلی دتطبیقاتو په وخت کښی زده کوونکی کولای شی چه دچاودنو اودغه راز داورد مو گیوله وپه موسره بلدشی لکه چه په یو وروستی راهور کښی ویل شویدی دنوموړی آلی څخه دگرزند او ثایتو هدفو دعملیاتو په برخه کښی هم کار اخستل کیدای شی .

ددی دپاره چه په تاکتیکی او تربیوی دواړو ساحو کښی مثبتی او گتوری نتیجی ترلاسه شوی وی دایو ضروری کاردی چه دپلی افرادو تپول یونونو په توپچی قواو باندی سمبال او مجهز گرځول شوی وی له مجهزو دگرونو

فکته و زمان در محاربه رول مهمی دارد چنانچه اهمیت
و ارزش این پدیده را در بالای جریان حرکات حرب دو جهان
(۱۹۴۵-۱۹۴۱) به اثبات رسانید. قوماندانانی که در این
حرب زمان را بصورت صحیح تقدیر، در اجراء، ترتیب و
تنظیم حرکات خویش از آن استفاده خوبی نمودند مؤفقیت
های شایانی نیز نصیب شان گردید.

بخطار دارم که در حرب دوم جهان قطعاً ما وظیفه
گرفته بود تا دشمنی را که از حیث کمیت و کیفیت چندین
مراتبه نسبت به ما قوی تر بودند احاطه نماید. روی این منظور
قرار داده شد تا یکقسمت از قوای ما از جناح دشمن دور
نموده و باقیمت دیگر از قوت های خویش دشمن را در عین وقت
از جبهه تثبیت لمانیم زمان لازمه برای تطبیق چنین طرز حرکت
خیلی کم و ناچیز بود در گرن ولادیمرسکی *Valadimirsky*
مهارت لازمه را بخرچ داده در حال رفتار او امر لازمه را
به قوماندانان مادون اعطا، موقعیت دشمن، نقاط بارز و
هدف تعرض را به آنها در روی اراضی مجسم نموده دشمن
موصوف را بصورت باسحقین بداخل مجبر احاطه در آورد و آنرا
بشکست مجبور ساخت در محاربه جانبین میکوشد تا از وقت
اعظمی استفاده بعمل آمده شرایط مناسب و مساعد تر را نسبت
بطرف مقابل کمائی نماید که جزئی ترین اهمیت در چنین
مواقع نازک منجر به تباهی می گردد.

در محاربات امروزی با وجودیکه اسلحه و وسایط خیلی
پر قدرت و مدرن استخدام میگردد لیکن بانهم بهمان پیمان
فکتور زمان رول مهمی را بازی میکند. طرف متعرض میخواهد
بسرعت ممکنه جبهه و خطوط مقاومت دشمن را شق نموده
خود را به عمق آن رسانیده و نسبت بدشمن در اجرای وظیفه
و بدست آوردن هدف مطلوبه خویش برتری حاصل نماید
بهین ترتیب طرف مدافع نیز میکوشد با تمامی قوای خویش
به کومک احتیاط های خود رخنه باز شده را پوشانیده طرف
مقابل خویش را به عقب نشینی مجبور سازد.

باداشتن قدرت و استعداد خارق العاده قطعات و جزو تام
های مدرن امروزی موازنه قوتها نیز قابل تغییر بوده سرعت

ممکنه قوتها از قسمت جبهه به قسمت دیگر تمرکز داده شده
و یا بعضاً شکل محاربه از تعرض به مدافعه و از مدافعه به تعرض تغییر
نموده رخنه های بزرگی در جبهه دشمن ایجاد و مواصلت
قوتها را در جناح، عقب و عمق ساحه مدافعه دشمن ممکن میگردد
افتتاح آتش قوی، استعمال احتیاط و فرود آوردن دیسانت
های تکنیکی در تامین موازنه قوتها رول مهمی را بازی
نموده شکل محاربه را بسکلی تغییر و وظایف جدید را بار
می آورد در تحت چنین شرایط ارتباط و کنترول دائمی قطعات
از یکدیگر کار بس مشکل بوده نسبت تبدلات آتی در وضعیت
محاربه انسیاتیف شخصی قوماندان نیز کسب اهمیت مینماید
موصوف می باید قادر باشد تا در چنین احوال قرار های ممکنه
و منطقی را اتخاذ نماید در محاربات مدرن امروزی احضارات
دائمی قطعات نیز فوق العاده مهم می باشد زیرا وقت لازمه
جهت گرفتن احضارات حرب نسبت به محاربات سابقه خیلی
محدود و کم می باشد در محاربات گذشته برای گرفتن احضارات
فوق وقت و زمان زیادتر تخصیص داده میشد چنانچه در حرب
دوم جهان تا به (۱۳) روز هم یکزمان جهت گرفتن احضارات
تخصیص داده شده بود لیکن در حرب های امروزی تمام
امور باید در یک وقت کم و زمان خیلی اندک و محدود اجرا
گردد غرض کمائی کردن وقت بسرعت ممکنه کشف دشمن
اجرا و اطلاعات لازمه از منابع مختلفه، جزو تام
های مادون و همجوار مخصوصاً تبدلات جدیدیکه در وضعیت
رخ میدهد بدست آورده و توحید گردد.

صاحب منصبان قرارگاه باید بغور و تعمق کامل وقت و
زمان لازمه را تقسیم و سنجش نموده نظر به آن فعالیت خویش را
بدون ضیاع وقت ترتیب و تنظیم نماید.

اجراآت درست و قرارهای متین قوماندان در بالای جریان
حرکات خیلی مؤثر بوده او امر لازمه باید بصورت قاطع عام
فهم و بسط و جزو تامها بوقت و زمان آن صادر گردد در غیر
حال جز ضیاع وقت و بر باد و امحای قوتها از طرف دشمن دیگر
کدام نتیجه و حاصله توقع نخواهد رفت و قوماندانان مساعی
بخرچ دهند تا حرکات خویش را طبق پلان مرتبه بادر نظر گرفتن
قابلیت محاربه و جزو تامها تنظیم نماید طور مثال اگر در ابتدای
حرکات سرعت رفتار جزو تامها ۴-۵ کیلو متر فی ساعت بوده
و در جریان حرکات بعد از مدت بیست دقیقه در وضعیت محاربه
کدام تغییر جدید رخ دهد میباید قوماندان این مدت بیست
دقیقه را با تزئید فعالیت خویش تلافی نماید در عکس صورت
حصول هدف در زمان معینه آن ناممکن گردیده در تطبیق او امر
تاخیر بعمل میاید.

در شرایط امروزه قوماندانان باید در خصوص محاربات
تصادفی نیز غور و تعمق نموده مستند به راپورها و اطلاعات
واصله زمان و محل اجرای تصادفات را پیش بین باشد تا از
زمان تصرف بعمل آمده اتساع جزو تامها آسان و اجرای مانور
بسرعت صورت گرفته و دشمن امحاء کرده شود.

در محاربات امروزی وقت و زمان برای ترتیب و تنظیم
(یقینه در صفحه ۱۲)

از منابع روسی:

ترجمه و نگارش

دگروال محمد اسمعیل
قوماندان قطعه ۳ توپچی

قیمت وقت

در محاربه

غذا نیکه ما صرف مینمائیم به مقاصد مختلف در عضویت ما بکار میرود. یک قسمت انرژی «Energy» که از مواد غذایی حاصل میشود برای اجرای کارهای جسمانی و دماغی روزمره مصرف میشود و یک قسمت انرژی حاصله برای انجام حوادث استقلابی عضویت ما «تشکل و تولید حجرات جدید و نشو و نما و اعمال حیاتی» بکار میرود. و یک قسمت انرژی که از احتیاجات عضویت ما اضافه میشود در بدن بشکل شحم یاروغن ذخیره میشود که در آن صورت شخص وزن گرفته و چاق میشود اگر انرژی گرفته شده از خارج عضویت کمتر نظر به ضروریات وجود باشد در آن صورت عضویت مجبور است انرژی ذخیره خود را برای انجام اعمال حیاتی و کارهای جسمانی و دماغی مصرف کند که در این صورت شخص لاغر شده و وزن خود را می باز ندانگفته نماند که یک گرم شحم ۹ کالوری انرژی و یک گرم قند و یا پروتئین ۴ کالوری انرژی میدهد.

یک قسمت مواد غذایی که ما میخوریم برای تولید و تشکیل حجرات جدید و ساختمان آنها بکار میرود که البته باعث نشو و نما و به اصطلاح قد کشیدن و کلان شدن از اثر تزاید حجرات عضویت میباشد و کسانیکه به فقر مواد غذایی مبتلا میشوند نشو و نما نکرده و به عین قد و وزن ناگرفته باقی میمانند و یا اینکه نشو و نما شان فوق العاده بطی میباشد.

بصورت عموم غذای ما از اجزای ذیل تشکیل شده که هر جزء آن بذات خود نهایت مهم بوده و کمی یافتن آن هر کدام آن عوارض و تشویشات قابل توجهی را بار می آورند.

A- پروتئینها: پروتئینها جزء بس مهم غذای ما را تشکیل میدهند انواع مختلف داشته و هر نوع از چندین اجزای دیگر که بنام امینواسیدها «Amino acids» یاد میگردد تشکیل شده است پروتئینها جزء مهم ساختمانی حجرات بدن مانند حجرات عضلی حجرات عصبی، حجرات خون، حجرات جلد و غیره را تشکیل میدهد. پروتئینها باعث بلند بردن مقاومت وجود در مقابل انتانات «مکروب» و عوامل خارجی شده و در نتیجه سیستم دفاعی عضویت و تشکیل «Antibody» یک ماده بمقابل عوامل خارجی را تقویت میبخشد. علاوه بر پروتئینهایی که ما از خارج عضویت میگیریم خود بدن مانیز قابلیت ساختمان و ترکیب بعضی پروتئینها را دارا میباشد که این وظیفه را جگر بعهده دارد زیرا مائیکه پروتئینها داخل معده شد ذریعه افراز انزایمهای مختلف پروتئینهای مغلق به پروتئینهای ساده و اجزای ساده تر تجزیه میشود تا در حذای روده

های باریک قابل جذب گردند زیرا مالکولهای بزرگ قابل جذب نمیشوند چنانچه قبلاً متذکر شدیم در کمی فقدان پروتئینها مقاومت وجود کم شده و بزودی وجود در مقابل انتانات و میکروبها مغلوب میشود و در شخص علالتهای گوناگون رخ میدهد. و از باعث کم شدن پروتئین خون در وجود شخص یک پندیدگی عمومی پیدا میشود و شخص کم خون و رنگ جلد زرد میشود. منشأ و منابع مهم پروتئین حیوانی و نباتی میباشد پروتئینهاییکه منبع حیوانی دارند در گوشت، تخم، پنیر و در شیر و سایر لبنیات وجود دارد پروتئینهای منشأ نباتی دارند زیاد تر در نخود، لوبیا و تائیکه اندازه در سایر حبوبات و میوه جات و سبزیجات وجود دارد، یک شخص روزانه بطور اوسط 70kgm پروتئین ضرورت دارد، یا بعبارة دیگر در مقابل هر کیلو وزن بدن یک گرم پروتئین ضرورت است.

B- قندها: جزء دوم غذای ما را قندها تشکیل میدهند و یک منبع مهم انرژی بدن را تشکیل میدهد ساده ترین قندیکه همه ما می شناسیم عبارت از بوره (Sacharose) میباشد البته قندها نیز اقسام مختلف دارند قندها نیز در اثر عمل هضم به اجزای ساده قابل جذب در حذای روده های باریک تجزیه میشوند. یک مقدار این قندها انرژی تولید کرده که برای اجرای کارهای جسمانی، دماغی و غیره بکار میرود و یک مقدار آن در جگر بشکل یک قند مرکب «گلیکوژن Glycogen» ذخیره میشود که در موقع ضرورت دوباره به قند ساده گلوکوز Glucose تبدیل میشود. بطور اوسط سوبه قند خون - ۱۲۰ ملی گرم فی صد سی سی خون میباشد خرابی استقلاب قند عضویت مرض شکر را بار می آورد در نتیجه قند خون بلند رفته و در ادارات که در حالات نورمال باید اطراح نگردد نیز اطراح میگردد. این خرابی استقلاب در اثر عدم موجودیت یک هورمون مخصوص صورت میگیرد، قند اضافی بدن ما به شحم «چربی» تبدیل و شخص را چاق میسازد. منابع قندی در طبیعت به اشکال مختلف فوق العاده فراوان است.

ازین سبب کسی به کمی آن گرفتار نمی شوند «مانند لبلبو، نیشکر میوه جات» و در حبوبات بشکل نشایسته که یک قند چندین قیمته می باشد وجود دارد «مانند گندم، جواری، برنج کچالو و غیره» سلولوز که لیز یک قند چندین قیمته میباشد و ساختمان تمام چوبها، کاهها و علفها را تشکیل کرده اما عضویت انسان آنرا به کدام قند ساده تبدیل نتوانسته و از آن استفاده برده نمیتواند «برخلاف حیوانات» در بدن ما نسج دماغ نظر بسایر حجرات به قند زیاده تر

ضرورت دارد ازین سبب در حالاتیکه سویه قند خون پائین می آید (*Hypoglycemia*) دماغ وظایف خود را بدرستی انجام نتوانسته بعضی تشوشات و حتی بعضاً شخص بیهوش میشود.

C- شحمیات :

جزء سوم مواد غذایی را شحمیات تشکیل میدهد دارای منابع حیوانی و گیاهی هستند دانه اکثر حبوبات مانند کنجد، پنبه دانه، گل آفتاب پرست و میوجات تا اندازه شحم دارند. مغزها نیز دارای شحم می باشند یک گرم شحم ۹ کلوری انرژی میدهد به اثبات رسیده که شحم هایی که منشاء نباتی دارند نظر به روغن های حیوانی از نظر صحتی مفید تر است و از استعمال مداوم آن در عضویت کدام حادثه مرضی بار نمی آید اما بشرطیکه بدرستی بدست آورده شده باشد.

منبع دوم مصرف انرژی بدن را شحم تشکیل میدهد شحم در زیر جلد، در شکم ذخیره شده شخص را چاق می سازد و یگانه تزاید شحم است که چاقی را باری می آورد و چاقی خطرات مصاب شدن به امراض قلبی و فشار خون را زیاد می سازد شحمیات نیز وقتیکه خورده می شوند در جهاز هاضمه ذریعه افزای صفرا به ذرات خورد تبدیل شده (*Emulsion*) و بعداً ذریعه انرژی های مختلف به اسیدهای شحمی که اجزای ساده تر و قابل جذب اند میل میشود. باید متذکر شد که ویتامین های A, D, E, K در شحم منحل اند ازین رو با خوردن شحمیات این ویتامین ها نیز داخل بدن ما می شوند.

D- ویتامین ها : *Vitamins*

جزء چهارم غذای روزمره ما را ویتامین تشکیل میدهد ویتامین ها در تامین اعمال حیاتی، استقلاب مواد در عضویت رول بارزی دارند و از فقدان هر یکی از آنها عوارض مرضی و وظیفوی مهمی در بدن ما رونما میگردد. بعضی ازین ویتامین ها در بدن ذخیره شده (تایک مدتی) و بعضی ذخیره نشده که باید در غذای روزمره گرفته شوند ویتامین به دو گروه تقسیم میشوند ۱- آنهائیکه در آب منحل اند.

۲- آنهائیکه در شحمیات منحل اند.

۱- ویتامین های منحل در آب: اینها عبارت از ویتامین های گروه B بوده که بنام (ب کامپلکس) یاد میشوند. این ویتامین ها در عملیه اوکسیدیشن حجره بحیث یک جزء کوانزایم رول بزرگی را دارا می باشند که بالاخره انرژی از اثر این عملیه تولید شده و باعث انجام اعمال حیاتی حجره میشود.

a- ویتامین ب یک «*B1*» یا «*Thiamine*» این ویتامین در پوست برنج و تنم و سایر حبوبات و تایک اندازه در میوه جات و مغزها یافت میشود. این ویتامین یک رول مهم در متابلیزم کاربوهایدرایت (قندها و نشایسته) ها دارد در اثر فقدان آن مرضی بنام سیاه لنگی (*Beri-Beri*) پیدا میشود. فقدان آن در اثر نخوردن پوست حبوبات (پوست گندم، برنج و غیره) برای مدت زیاد و همچنان در اثر خوردن اسکول مداوم خوردن زیاد کاربوهایدریت ها (قندها و نشایسته ها) بروز میکند بری بری بار اول در هندیهائیکه برنج را بدون پوست

میخوردند بظهور رسید. این مرض متصف به التهاب اعصاب محیطی، آب شدن و خورد شدن کتلات عضلی و فلج می باشد و اکثر در پاها بظهور میرسد اگر مواد غذایی دریک محلول خنثی (آب) و یا محلول اسیدی برای کمتر از یک ساعت در حرارت پایاتر از صدم درجه سانتیگراد حرارت داده و پخته گردد این ویتامین به مقدار جزئی تخریب میگردد در حرارت بلندتر از صدم بکلی تخریب میگردد.

۲ ویتامین ب دو «*Riboflavin B2*»:

نیز از جمله گروه ویتامین های B است. این ویتامین نیز در پوست حبوبات مانند گندم، برنج و تایک اندازه در مغزها وجود دارد از کمی آن در وجود آنت عصبی مرکزی و عصب سباتیک و آفات جلدی و زخمی شدن لبها و کنج لبها دهن و زبان را بار می آورد و لبها معمولاً رنگ قرمز را اختیار میکنند و بعضی زخمها در بالای جلد خصیه و کفیدگی جلد رخسارها نیز از کم بودن این ویتامین نمایندگی میکنند.

۳- ویتامین ب ۶ «*Pyridoxine Vitamin B6 group*»:

این ویتامین بشکل یک گروه بوده و سه نوع آن وجود دارد. در استقلاب اسیدهای شحمی و کاربوهایدریت «قندها و نشایسته» رول دارد در اثر کمی این ویتامین آفات اعصاب محیطی و بعضاً آفات جلدی بظهور میرسد خصوصاً کمی آن در اثر خوردن دوائ ضد تبرکلوز «ایزو و لایزید» بظهور میرسد.

۴- ویتامین ب ۱۲ «*Vitamin B12*»:

این ویتامین در ترکیب و ساختمان یک نوع آمینواسید که نیوکلیئیک اسید نام دارد رول بازی میکند «*Nucleic acid*» ویتامین مذکور در بین حجرات سرخ خون موجود است در اثر کمی آن کم خونی پیدا میشود خصوصاً کمی آن در اثر خوردن آنتی بیوتیک های وسیع الساحه برای مدت زیاد و امراض امعای رقیقه «روده های خورد» و عدم موجودیت ماده که یک فکتور مهم برای جذب ویتامین ب ۱۲ بشمار میرود بحصول می آید.

۵- نیکوتین اماید «*Nicotinamide*» یا ویتامین ب ۳:

این ویتامین نیز یک جزء فعال انرژیها را تشکیل میدهد در فقدان یا کمی آن ابتدایی اشتهائی، بیخوابی عصبانیت و انحطاط عقلی و بالاخره آفات جلدی بروز میکند در کمی آن جلد دستها و پاهاى مریض درشت شده و یک اندازه سیاه و تصبغی میگردد جلد آرنجها، لبها و زبان نیز التهابی و درشت میگردد و مریض اسهالات دوا مدار پیدا میکند و مرض وصفی را که پلاگرا «*Pellagra*» نامیده میشود باری آورد آفات جلدی مخصوصاً در نواحی جلدی که مواجه به ترفیقات و تخریفات اند ظهور میکند.

۶- پانتوتینیک اسید «*Pantothenic acid*» این ماده در

میتابلیزم حجرات بدن رول بزرگ دارند بر علاوه آنکه از خارج بدن توسط غذا اخذ میشود در روده های باریک نیز توسط بعضی میکروب ساخته میشود. در اثر کمی آن یک سوزش و درد کبری و کفها ظاهر کرده بالاخره این درد در پشت و بالاخره ساق پای نیز انکشاف میکند. با دادن مقدار زیاد این ماده یکجا با ویتامین ای آنت مذکور بر طرف میگردد.

این ماده در غذا وافرست بر علاوه در امعای رقیقه روره‌های باریک نیز ساخته میشود کمی آن نادرست اما اگر برای ۳-۴ هفته شخصی سفیدی تخم خام بخورد چون در سفیدی تخم خام ماده بنام اوبیدین *Avidin* موجود است که همراه بیوتین ترکیب شده و مانع جذب آن میگردد شخص به کمی آن مصاب میگردد ا عرض کمی آن عبارت از التهاب منتشر وسیع جلد با تفلس و التهاب منضمه «یکنوع چشم دردی» میباشد.

۸- فولیک اسید *Folic acid*

این ماده در غذا بسیار وافر بوده و در ترکیب حجرات سرخ خون یک مناسبت و ارتباط نزدیکی با ویتامین ب ۱۲ میرساند این ماده در استقلاب پروتین ها «*Nucleoprotein*» رول مهم دارد فقدان در امراض جهاز هضمی و الکولیک ها بظهور میرسد ویتامین های منحل در شحم :

این ویتامین ها بشکل منحل در روغنیات وجود دارد و عبارت از ویتامین های آ- د- ای و کا میباشد.

۱- ویتامین آ «*Vitamin A*» این ویتامین از خیلی زمان قدیم شناخته شده است نظر به تمام ویتامین در وجود برای یک مدت طولانی حتی تا یکسال در جگر ذخیره میگردد ازینرو کمتر به فقدان آن مصاب میگردد در نشوونمای استخوان ها و دندانها رول مهم داشته و هم باعث دید چشمها در روشنی کم *Dim* میگردد از اثر کمی آن شب کوری ها، تاخر نشوونما استخوان و دندانها برو زمیکنند این ویتامین به مقدار بلند در روغن ماهی وجود دارد در سایر میوجات و سبزیجات نیز یافت میشود خصوصاً سبزیجات و میوجاتی که دارای رنگ زرد میباشد.

۲ ویتامین د «*Vitamin D*» ویتامین دی در غذای شحمی بصورت وافر وجود دارد. بر علاوه جلد انسان نیز یک مقدار *vit. D* را ذریعه شعاع آفتاب می سازد «شعاع اولتر اوایولت *Ultraviolet*» ویتامین دی در ساختن استخوانها و نشوونمای آنها اهمیت قابل قدری دارد و از کمی و تناقص آن اعراض دلچسپی در وجود ظهور میکند که این اعراض عبارت از سوسو شکل استخوانها میباشد مخصوصاً استخوانهای دستها و پاها نشوونمای غیر طبیعی کرده و پاها کج شده و شخص یا طفل رفتار مانند مرغابی میداشته باشد طفل بصورت مؤخر دندان کشیده و قد نمی کشد لازم است اطفال رازانه ۲-۱ مراتبه در مقابل شعاع آفتاب معروض ساخت تا عضویت وی ویتامین دی ساخته و از تناقص آن جلوگیری گردد.

۳- **تاو ویتامین ای** *Vitamin E*: تا حال بصورت واضح وظیفه و رول این ویتامین در وجود انسانها بدرستی شناخته نشده است اما تناقص آن در حیوانات تجربی بوی باعث عقیم شدن حیوان گردیده است.

۴- **ویتامین ک** *Vitamin K*: یک ویتامین مهم و فکتور سیستم علقه خون را تشکیل میدهد این ویتامین در جگر تشکیل یک ماده را که در خونریزیها بصورت غیر مستقیم باعث علقه خون میشود تهیه میکند. از تناقص آن خونریزیهای که واقع میشود مدت زیاد دوام میکند. زیرا سیستم علقه خون بدرستی

نامین نمیگردد. نا گفته نماند که چهار نوع ویتامین فوق الذکر بصورت وافر در شحمیات و تائیکه اندازه در سبزیجات یافت میشود.

ویتامین سی *vitamin C* :

این ویتامین منحل در آب است بصورت بسیار وافر در میوجات مخصوصاً در میوجات خاندان لیمو، نارنج و مالته و غیره وجود داشته و در سبزیجات نیز وافر است احتیاج روزانه آن بصورت متوسط ۷۰ ملی گرام است. غذائی که پخته میشوند ویتامین سی آن از اثر حرارت تخریب میگردد این ویتامین در عضویت ذخیره نمیشود باید در غذای روزمره گرفته شود از تناقص آن مرض بنام سکوروبوت *Scorbute* بظهور میرسد این مرض از قدیم شناخته شده است. خونریزیها از بیره های دندان غشای مخاطی دهن به جهاز هضمی از تناقص این ویتامین حاصل میشود.

۵- **معدنرال ها** *Minerals* :

معدنرال ها از جمله عناصر مهمه بدن بشمار میرود تمام اینها در طبیعت وافر بوده و تناقص شان به استثنای حالات مرض بظهور نمیرسد. معدنرال ها بصورت وافر در بین غذای روزمره گرفته میشود. اما آب های که از بین گل و لوش میگذرند «کاریزها و غیره» نظر به آب های معدنی و چشمه سارها مقدار معدنرال ها را کمتر احتوا میکند. از تناقص این معدنرال ها حالات مرض که حتی شخص را به مرگ می کشاند باری آید معدنرال ها مواد غیر عضوی بدن را تشکیل میدهد و مختصراً طور مثال ذکر میشوند ۱- آهن: در ترکیب حجرات سرخ خون شامل است در گوشت و میوجات و غیره یافت میشود.

۲- **سودیم**: در انتقال سیاله برقی و چارج برقی حجرات رول دارد ۳- **پوتاسیم** نیز یک عنصر چارج برقی حجره را تشکیل میدهد ۴- **کلسیم**: در ساختمان استخوان ذی دخل است از تناقص آن تشوشات دلچسپ پیدا میشود در شیر، تخم و میوجات یافت میشود. ۵- **مگنسیوم**، فاسفور، سلفور، کوبالت، کلورین آیدین نیز از جمله معدنرال های ضروری میباشد اکثر عناصر متذکره فوق بشکل لمکه ها داخل بدن میشوند مانند سودیم کلوراید یا نمک طعام و غیره.

F- آب *Water*: یک جز مهمه غذای روزمره را آب و مایعات تشکیل میدهد در کلانها اضافه تر از نصف وزن وجود را آب تشکیل میدهد «در حدود ۶۵-۶۰%». در اطفال تقریباً ۹۰% عضویت شان را آب تشکیل داده است. ازینرو در مقابل یک ضیاع آب جزئی تشوشات واضح بروز میکند مایعات از خارج توسط غذا و خوردن مایعات گرفته میشود بر علاوه یک مقدار آب در خود بدن از اثر استقلاب مواد بدست می آید. آب در انتقال مواد غذائی رول مهم دارد آب و مایعات اضافگی عضویت توسط عمل ادرار، عرق و غیره اطراح میگردد این مایعات اطراح شده با خود یک مقدار مواد فاضله را که برای عضویت مفید نیستند خارج میکند تشوش توازن مایعات و منرالها در امهالات، استفراغات و غیره حاصل میشود. که این مایعات ضایع شدگی باید دوباره تفویض گردند.

(پیاده و تانک)

مترجم ضیاء همایون بختیار

کردند که پیاده ها از آن ها بسیار زید عقب مانده اند اما کار از کار گذشته بود زیرا که توپچی و توپچی ضد تانک دشمن به آن ها موقع نداد تا دوباره تشریک مساعی خود را تأسیس نماید بالای شان آتش را که تصور نمی نمودند باز نمود . بعضی تانک ها از فعالیت بازماند . بعد از اندک مدتی همه پیاده ها و جزو تام پیاده بصورت علیحده علیحده از بین رفتند .

نتیجه : کمی غفلت پیاده ها و تانک ها که باعث عدم تشریک مساعی شان گردید سبب شد تا هر دو جزو تام کاملاً از بین برود .

اگر پیاده ها و تانکها به اطراف جداگانه فعالیت کنند بر علاوه از اینکه قدرت فعالیت شان ضعیف میگردد موفقیت راهم طوریکه لازم است بدست آورده نمی توانند .

اگر اینطور فعالیت ایجاب نماید باید خالیگاه بین شان بیش از پیش کوردینه گردد تا توسط آتش هاوان و دیگر سلاح آتش دار تحت امنیت گرفته شود .

باید گفت که در اثنای پیشرفت موفقیت همه جزو تام ها مربوط به آتش آن است به هر اندازه که آتش قوی و مؤثر باشد به همان اندازه موفقیت کمائی شده میتواند .

در وقتی که پیاده ها و تانکهاها فعالیت میکنند بطور مشترک باید خالیگاه در بین شان بطور نورمال باشد . اما نظر به ایجابات کم و زهداد شده میتواند.

در غیر آنصورت پیاده و تانک یک قدرت بزرگ در اثنای پیشرفت خواهد بود .

مثال تکتیکی :

بلوک تانک تحت امر برید من « فیلیف » دشمن را شکست داد و تشریک مساعی را بین جزو تام پیاده بصورت خوبی برقرار ساخته بود و به سرعت به عمق پیشرفت می نمود و تبه ۱۳۴،۵ را بدست آورد این موفقیت برای بلوک تانک که با تشریک مساعی تولی پیاده موثر دار اجرا شده بود یک موفقیت بس بزرگ محسوب شد اما کمی بعد تر پیاده ها از حمایه تانک ها دور ماندند و فاصله بین شان در حدود ۱۰۰۰ متر رسید از این موقع دشمن استفاده نموده به اسلحه آتش دار خود وظیفه داد تا از عمق مدافعه بالای تولی پیشرفت کننده آتش بدارند آتش اسلحه آتشدار دشمن سبب شد تا پیشرفت تعرض آهسته گردد. اما تانکها به همان سرعت به پیشرفت خود دوام داده و تبه دیگر را بدست آوردند و ارتباط عقیبی شان غیب شده بود و تنها توسط بی سیم با جزو تام پیاده خود ارتباط داشتند و بس .

جزو تام پیاده بصورت غیر مساعد محاربه می نمود و در اجرای فعالیت شان نا منظمی دیده می شد همان بود که دشمن برای از بین بردن آن اقدام نمود و از دو استقامت به تعرض متقابل شروع نمود . جزو تام های تانک اگر چه درک

تشریک مساعی بین پیاده موثر دار و قطعات تانک در تعرض عبارت از هم آهنگی فعالیت و آتش نظر به هدف زمان و خطوط است .

و هم ارتباط دو جانبه در اثنای محاربه به مقصد بدست آوردن موفقیت فوق العاده مهم است . در اثنای محاربه تانکها پیاده ها را رهنمائی نموده و راه پیشرفت را برای شان باز می سازد و هم پیاده ها راه پیشرفت را برای تانکها باز میگرداند یعنی در اثنای محاربه به مقصد بدست آوردن هدف ، ارتباط بین تانکها و پیاده ها یک عنصر مهم را تشکیل میدهد ، قوماندانان راعقیده بر اینست که تشریک مساعی تانکها موفقیت زیادی را برای پیاده ها در اثنای محاربه مهیا گردانیده است زیرا تطبیقات ها نشان داده است که تانکها در اثنای مشق و تمرین به مقصد از بین بردن دشمن نقش خود را بصورت خوبی بازی نموده اند تانکها همیشه در اثنای پیشرفت و هجوم بالای دشمن نسبت به پیاده پیشتر حرکت می کنند و توسط آتش خویش جزو تام های پیاده را حمایه می نمایند که این چیز فعلاً برای از بین بردن دشمن یک صفت قانونی را بخود گرفته است .

استحکامات در اثنای پیشرفت در محاربه نیز مهم است زیرا تجربهها نشان داده است که دشمن وقت وسیعی می ورزد تا پیاده ها را از تانکها جدا نماید تا در اثنای پیشرفت تلفات زیاد را به آن ها وارد بیاورد

تانک ها بصورت عمومی از پیاده ها ۱۵۰ الی ۳۰۰ متر پیش میرود و بعضی وقت این فاصله ۲۰۰ الی ۴۰۰ متر و حتی ۵۰۰ متر هم شده میتواند .

دروقت تشریک مساعی بین پیاده ها و تانکها باید خالیگاه بین شان بدقت تام محافظه گردد تا یک قدرت بزرگ بوجود آید .

زیرا در اثنای تعرض این خالیگاه بوجود آمدنی است . در هر نوع فعالیت باید کوشش گردد تا دشمن در تمام طول جبهه کاملاً از بین برود .

تانکها در اثنای نزدیک شدن به موانع ضد تانک که در زمین فرش گردیده باید سرعت خود را کم کنند و پیاده هان نسبت به آنها جلو بروند و به هجوم خویش دوام بدهند و هم موانع ضد تانک را در طول جبهه که باعث مانع برای تانک گردیده است تطمیر و راه پیشرفت را برای جز و تام تانک باز گردانند . و همه فعالیت جز و تام ها پیاده توسط آتش توپچی حمایه میگردد این فعالیت یک فعالیت استثنائی نبوده بلکه تشریک مساعی است که قوت های در اثنای محاربه بایکدیگر اجرا میدارند . یک مثال تسکتیکی :

دشمن از خط اصلی مدافعه خویش به مقصد اشغال خط مساعده عقب نشینی میکرد این عقب نشینی به مقصد اینکه تعرض قوت دوست از طرف آنها توقف داده شود اجرا میشد . دشمن در محلات تعیین شده که عبارت از تبه بی زیمتیا و تبه را قم ۱۳۷ رسیدند و مواضع خویش را اشغال کردند . تولی پیاده تحت امر تورن فلاسوف و وظیفه گرفته بود که بالای محلات مقاومت دشمن که در تبه بی زیمتیا است تعرض و آنرا اشغال و متعاقباً تعرض خویش را به استقامت کلا لوکی دوام بدهد .

همه فعالیت قوتها نظر به وقت تعیین شده بصورت خوبی اجرا میشد فلاسوف به مقصد ارتباط با جز و تام های تحت امر خویش از وسایط بسیسیم مخاברה که به نزد آن موجود بود

استفاده میکرد و بدین صورت تشریک مساعی را با آنها برقرار می ساخت .

تورن فلاسوف تولی خویش را به مقصد اجرای محاربه به نظام محاربوی در آورد این تولی در هجوم و استعمال سلاح و وسایط خویش مهارت خوب را دارا بودند و میتوانستند با استفاده از تسکتیک محاربه با ضایعات کم خود را بدشمن نزدیک سازند . و تعرض متقابل دشمن را با حمایه آتش توپچی و تانک دفع و طرد نمایند و به تعرض خویش دوام بدهند .

به مقصد تقویه تولی پیاده موثر دار ماشیندار و دافع تانک نیز خاموشانه با آن الحاق نمود و تولی قادر شد بر اینکه به مقابل وسایط ضد تانک دشمن مقابله نماید . و هم به توپچی و تانکها وظیفه داده شده تا مواضع آتش توپچی و هاوان را تحت آتش خویش قرار دهند .

برای تولی اشاره هجوم داده شد تولی به هجوم شروع کرد توپچی دشمن را در مواضع آن شدیداً تحت آتش قرار دادند . دافع تانک و وسایط ضد تانک نیز دشمن را تحت آتش قرار داده تولی نزدیک به خط اصلی مدافعه دشمن رسید همه فعالیت آن از طرف آتش توپچی حمایه میگردد . تولی به مواضع دشمن هجوم نمود توپچی آتش را به عمق نظر به فعالیت تولی لغزاند ، تولی پیاده موثر دار ، تانک از خالیگاه و جبهه به مواضع دشمن خود را رساندند و با تشریک مساعی یکدیگر تعرض را به عمق مدافعه دوام دادند . و بسرعت پیشرفت می نمودند . در اثنای پیشرفت تانک پر کمشر افینکوف و تانک پر کمشر اوپو لوتیف داخل موضع شدند و ماشیندار های دشمن را که در تبه داخل مواضع بودند و بالای قطعات پیاده شدیداً آتش می نمودند ، آتش را باز و آنها را تحت تأثیر گرفتند و ضمناً توپچی دشمن را نیز تحت آتش خویش قرار دارند توپچی دوست خالیگاه که به منخ ۶۰۰ متر بوجود

آمده توسط آتش خویش بپوشاندند . در این اثنا پر کمشر افینکوف مشاهده نمود که هدف های موجوده را نمی تواند توسط سلاح و وسایط دست داشته خویش کاملاً تحت تأثیر بگیرند بناءً پر کمشر مذکور از قوماندان تولی خواهش نمود تا به مقصد از بین بردن اهداف فوق الذکر به توپچی نیز وظیفه بدهد . تا به کمک آتش آنها اهداف دشمن را تحت تأثیر گرفته و راه برای هجوم پیاده را باز گردانند همان بود که تولی توانست با کمک توپچی و تانک به پیشرفت خود دوام بدهد . تانکها ، ماشیندارها ، توپچی آتش خویش را با جز و تام نمیرا پیاده هم آهنگ ساختند که این یک تشریک مساعی خوب بین جز و تام بود .

پر کمشر تیتوف با تانک تحت امر خویش بالای هدف دوم به تعرض پرداخت . ماشیندار های دشمن تخریب شد و تولی موفقانه به پیشرفت خود دوام داد . اما در حین پیشرفت تولی با باطلاق تصادف نمود سرعت پیشرفت کم شد تورن فلاسوف قرارداد تا تولی را به گروه ها تقسیم نماید و هم تدابیر استحکامی را گرفته و تصمیم گرفت تا آن را توسط آتش اسلحه پیاده خود حمایه نماید . و هم راه ها را از خس و خاشاک و دیگر موانع پاک گردانید بعداً تولی را به نظام های محاربوی جدا گانه ترتیب و وظیفه داد که هر بلوک یک تانک را تعقیب نماید . در اثنای که بلوکها از باطلاق می گذرد باید توسط آتش توپچی حمایه گردد . این عبور توسط حمایه آتش توپچی و تانکها بصورت خوب صورت گرفت . اما به مجردیکه تولی از باطلاق گذشت دو توپ ضد تانک دشمن آتش شدیداً بالای جز و تام های دوست اجرا نمود . تورن فلاسوف بواسطه بسیسیم به توپچی وسایط ضد تانک و وظیفه داد تا این دو توپ را تحت آتش قرار دهند ، همان بود که توپ های مذکور تحت آتش شدید توپچی قرار گرفت و پیاده ها باتشریک مساعی تانکها

تبه بی زمین را اشغال کردند لیکن دشمن به مقصد دوباره بدست آوردن آن به تعرض متقابل شروع کرد. قوماندان تولی فلاسوف قرار داد تا این تعرض متقابل از حال موضع دفع و طرد گردد تا آنکه، راکت اندازها، توپهای ذات الحرح که، دافع تانک ها همه باتشریک مساعی خوب برای از بین بردن دشمن اقدام کردند تا اینکه تعرض متقابل دشمن توقف داده شد و دشمن کاملاً از بین رفت تبه بی زمین اشغال و وظیفه مابعد اجرا و وظیفه تولی خاتمه یافت.

چه قسم ارتباط و تشریک مساعی در اثنای محاربه باید یا تانک ها و پیاده ها تاسیس گردد ؟ باید گفت که این ارتباط بین پیاده و تانک بطور نورمال توسط بی سیم تاسیس میگردد که این ارتباط از طرف جزو تام های پیاده با تانکها تاسیس میگردد اما ناگفته نباید گذشت که

ارتباط بی سیم در اثنای محاربه و فعالیت تانکها کار آسان هم نیست و هم باید ارتباط بطور دوام دار تاسیس گردد. برای رفع نواقص فوق الذکر تنها ارتباط از طرف جزو تام های پیاده کفایت نکرده بلکه درحالات استثنائی که باعث قطع ارتباط (در حین انداخت تانک) بین شان می گردد باید ارتباط از طرف تانکها نیز با پیاده تاسیس گردد تا ارتباط دوام دار بین شان موجود بوده و همه تانکها و جزو تامهای پیاده شروع و ختم وظیفه خود را به یک وقت لازم بدانند. بدین ملحوظ لازم است تا تانکها با پیاده بر علاوه از قوماندان خویش با جزو تام های پیاده نیز ارتباط داشته و در تبادل معلومات در حال حاضر باشند. که این ارتباط در اثنای فعالیت محاربه نتیجه خوبی را خواهد داد.

ارتباط مخابره توسط آلات رصدیه نیز صورت میگیرد و این ارتباط مختلف

و نتیجه خوب را نیز میدهد بناءً قطعات در اثنای فعالیت محاربه بوی نیز از این نوع ارتباط استفاده نمایند و آنرا مورد تطبیق قرار دهند.

عساکر و دلگی مشرها باید با طرز ارتباط و تعریف هدف بطور خوب رسانیده شوند و هم اینکه چطور تشریک مساعی بین تانکها و پیاده ها صورت می گیرد دانانده شوند.

وقت که آتش احضارات توپچی صورت میگیرد همه بی سیم به فعالیت شروع و از کود مخصوص ترتیب داده شده خویش استفاده میدارند راهور باید بطور دقیق و سریع از طرف قطعات پیاده به تانکها توسط وسایط مخابره داده شود تا اهداف به سرعت از بین رود. اگر ارتباط در اثنای فعالیت بین تانکها و پیاده ها لحظه قطع میگردد باید مایوس نشد زیرا مجدداً ارتباط تاسیس میگردد. باید متواتر از آن استفاده گردد.



نقشه و وقت در محاربه

(بقیه صفحه ۶)

مدافعه نیز خیلی محدود میباشد چنانچه در سابق برای قطع مسافه ۱۰۰-۱۲۰ کیلو متر ۳-۴ روز را در بر میگرفت اما امروز این مسافه در ۵-۶ ساعت قطع گردیده حتی در شرایط محاربات تصادفی و رفتارهای جبری هنوز هم بوقت کمتر قطع شده میتواند. محاربات مدرن امروزی ایجاب میکند تا جزو تامها با وسایط آتشدار خیلی قوی تقویه گردیده بمقابل تعرضات هوایی و فرود آوردن دیسانتهای تکتیکی دشمن تدابیر لازم اتخاذ و با استفاده از ابتکار و انسیاتیف شخصی قوماندان از زمان تصرف بعمل آید.

اینک ذیلاً نمونه از ابتکار شخصی قوماندهای راکه در حرب دوم جهان بخرچ داده شده ذیلاً تشریح مینمائیم: جگرن فیده توف قوماندان کندک غند ۶۱ پیاده در اثنای آتش احضارات توپچی که بمدت ۳۰ دقیقه پیش بینی شده بود مشاهده کرد که دشمن به عقب نشینی شروع نموده با استفاده از ابتکار شخصی خویش آتش راقطع و تعرض را بالای دشمن شروع و در یک وقت خیلی کم مواضع دشمن را با دادن ضایعات ناچیز بدست آورد بنابراین میتوان حدث زد که در محاربات امروزی نسبت تغییر سریع در وضعیت محاربه موضوع انسیاتیف و سر بستیت حرکت قوماندان بیشتر کسب اهمیت مینماید قوماندها تا اینکه شخصاً جریان محاربه را مشاهده میکنند مستند به راهورهای واصله و تفکر شخصی خویش بدون ضیاع وقت و انتظار رسیدن

هدایات از مقامات مافوق قرار اتخاذ و آنرا مورد اجرا قرار میدهند در تمام شرایط محاربه در حالیکه وضعیت نیز بصورت آبی تغییر و امکانات بدست آوردن هدایات و اوامر لازم از طرف مقامات مافوق ناممکن باشد لازم است تا قوماندها نظر به انسیاتیف شخصی خویش قرار منطقی را اتخاذ و بدون ضیاع وقت آنرا در ساحه تطبیق قرار دهند.

سرعت حرکت قطعات و تاسیس کور دیناسیون بین افراد و جزو تامها در اکتساب موفقیت موضوع خیلی مهم بوده استعداد عالی و دسپلین متین جزو تامها عامل بزرگ موفقیت محسوب و بدون فکتورهای فوق اجرای وظیفه غیر ممکن مینماید.

تاسیس پرده آتش قوی توسط وسایط آتشدار و اسلحه دست داشته نیز خیلی مهم بوده برای اینکه چنین آتش بصورت درست بداخل پلان آورده شده بتواند لازم است تا مترصدین غرض کشف و انتخاب هدف تعیین گردیده اساسات تنظیم شده انداخت بمقابل این اهداف پیش از پیش دستياب گردد خورد ضابطان در سوق و اداره افراد و تشریک مساعی بین آنها در جریان محاربه نیز رول مهمی دارد خورد ضابطان و ضابطان باید در حضر با اجرای تطبیقاتها در اجرای وظایف شان رسانیده شوند تا در محاربه بتوانند در وقت کم بصورت اتوماتیکی وظایف خویش را با مهارت تام اجرا نمایند.

صحنه رقابت های دول اروپائی در قرن ۱۹

این رقابت ها چگونه بر رویداد های سیاسی و نظامی افغانستان تاثیر کرد

تمتع و نگارش: تورن ارکان حرب علی احمد جلالی

میل زیادی نشان میداد و دربار ایران را درین راه تشویق میکرد، و مخصوصاً میکوشید که از به تعویق افتادن مجدد چنین عملیات جلو گیری کند. بالاخره بسال (۱۸۳۳) این نقشه واقعاً وارد صحنه عمل شد و فرماندهی عملیات هم به محمد میرزا پسر عباس میرزا تعویض گردید (۴) مقارن این احوال عباس میرزا بسال ۱۸۳۳ در مشهد پدرود حیات گفت. محمد میرزا که از وفات پدرش اطلاع یافت از عملیات هرات صرف نظر نموده امر مراجعت داد. شاه ایران (فتح علی شاه قاجار) محمد میرزا نواسه اش را ولیعهد سلطنت قاجاری تعیین کرد و از طرف روسها و انگلیسها نیز درین مورد موافقه بعمل آمد (۵) چند ماه پس ازین حادثه درخزان سال ۱۸۳۴ فتح علی شاه قاجار در اصفهان وفات یافت و محمد میرزا ابرار یکم سلطنت قاجاری ایران تکیه زد. این تحول مخالف دلچسپی های انگلیسها بود زیرا فتح علی شاه تمایل بدوستی انگلیسها داشت و از همین رهگذر کمتر نظریات نمایندگان روسی را قبول میکرد ولی پسر و نواسه شاه موصوف در نتیجه تصادمات نظامی و تماس های سیاسی با روسها، روابط نزدیکتری با آنها پیدا کرده بودند و همینکه محمد میرزا بنام محمد شاه قاجار بجای شاه ایران زمام امور را در دست گرفت انگلیسها بطور قطع انتظار داشتند که نفوذ سیاسی روسها در دربار ایران به مرحله بلند تری برسد (۶).

نقشه اشغال هرات هنوز در خیالات محمد شاه قاجار دور میخورد و از همان موقعیکه بسال ۱۸۳۳ بنابر وفات پدرش عملیات نظامی را برای تجاوز به هرات ترک داد درین فکر بود که روزی این نقشه خود را بار دیگر روی دست گیرد.

(۴) شاه شجاع در لودھیانہ میخواست با ملتفت ساختن انگلیسها به همین موضوع کومک های لازمی از ایشان حاصل داشته برقندهار حمله کند. (۵) جنگ اول افغان تألیف دور اند

The First Afghan war

(۶) تاریخ جنگ در افغانستان تألیف کی جلد اول ص ۱۵۸

The History of war in Afghanistan

در چنین فرصت افسری از انگلیس موسوم به کپتان شی (۱) در کمپ ایران موجود بود که قسماً با مداخله او عملیات خیوه به تعویق افتاد. پس از آن دربار ایران به طرح نقشه یک عملیات تجاوزی بر هرات پرداخت مگر بار دیگر تائیک اندازه مداخله نماینده انگلیس در ایران مستر مک نیل (۲) این عملیاتی را به تعویق انداخت. ولی با وصف آنهم عملیات خراسان از طرف عباس میرزا با جدیت بیشتری بساحه تطبیق قرار داده شد. مناطق مورد نظر درین صفحات در مقابل کندک های منظم قشون شهزاده ایران که از طرف اروپائیان تقویه شده بود تا آخر مقاومت کرده نتوانست، امیر آبا دو و کوچان بدست عباس میرزا افتاد و روسای مواضع مذکور تسلیم شدند. بنابراین قبل از ختم سال ۱۸۳۲ تمام اهداف عمایات نظامی خراسان بدست ولیعهد قاجاری آمد و این سوئیت خاتمه یافت. عباس مرزا که طعم موفقیت را در عملیات خراسان چشیده بود به اجرای عملیات دیگر نظامی مصمم تر شد و روی این اساس پروژه سوئیت مقابل خیوه که بطرف بخارا انکشاف داده میشد بار دیگر مورد مطالعه قرار گرفت، گذشته از آن نقشه لشکر کشی بر هرات که هم شهزاده و هم پالیسی روسیه طرفدار آن بود باز روی دست گرفته شد. البته با تجزیه امپراطوری درانی و عروج اقتدار بارکزائی ها هرات در دست شاه محمود درانی ماند و پس از وی پسرش بنام شاه کامران در آن ولایت حکمرانی میکرد. در احوالیکه دربار ایران و مشوقین روسی آن در پی لشکر کشی بر هرات بودند، شاه کامران سدوزائی و وزیرش یار محمد خان الکو زائی با قدرت تمام ولایت هرات را در دست داشتند و برای دفاع از آن در مقابل تجاوزات غربی هیچگاه غافل نه نشستند. اشغال هرات برای ایران معنی باز کردن یک گذرگاه مهم را برای پیشرفت مزید تر بطرف شرق داشت. و چون در چنین پیش روی ایرانیان نفوذ سیاسی روسها دوشا دوش آن پیش میرفت، سفیر روسیه در ایران کونت سیمونیچ (۳) برای تطبیق نقشه لشکر کشی بر هرات

Count Simonitch (۳) Mcnail (۲) Shee (۱)

بنابر آن هنگامیکه به سلطنت رسید در دربارش طور علنی از پروژه تجاوز برهرات صحبت میکرد و سفیر روسیه که برای او از نتایج بزرگ این عملیات افسانه‌ها میساخت شاه قاجار را به تطبیق نقشه تعرض برهرات و اشغال آن تشویق میکرد. روسها در خلال این تحریکات خود به ایرانیهها گوشزد میکردند که برای تلافی مافات در غرب (جائیکه یک قسمت از اراضی خود را در نتیجه جنگ با روسها از دست دادند) به سوقیات و پیشقدمی در شرق اقدام ورزند. شاه ایران که قدرت نظامی روسها را در سیدانهای محاربات قبلی دیده بود از آنها ترس نشان میداد و میخواست با روسها در اتحاد و دوستی باقی ماند نه دشمنی و روی این موضوع به روسها تمایل نشان میداد و انگلیسها را که صرف در حال تعلیم و تربیه قطعات قشون ایران و تماسهای رسمی دپلوماتیکی دید بود در درجه دوم قرار میداد. سال ۱۸۳۵ لارڈ پالمستون وزیر خارجه انگلستان مسترالیس را به تهران بحیث سفیر آنکشور اعزام داشت و به او هدایت داده شده بود که از عملیات نظامی ایرانیهها برای تجاوز برهرات جلوگیری نموده این عمل را مخالف دلچسپیهای حکومت انگلیس قلمداد کند. الیس بتاريخ ۱۳ نومبر ۱۸۳۵ طی نامه ای نتایج مطالعات خود را مفصلاً به وزیر خارجه انگلیس نوشت این نامه که از طرف اکثر نویسندگان اروپائی قرن ۱۹ قید شده است در برخی موارد در خصوص سهم روسها در عملیات هرات از نگاه سیاسی و نظامی خالی از مبالغه نیست الیس درین نامه نوشته بود که شاه ایران نقشه های وسیعی را برای تجاوز بر افغانستان روی دست گرفته است و عقیده دارد که باید خاکهای آنکشور را تا حدود قندهار اشغال کند. وزرای دربار ایران حدود پیشرفت خود را غزنی میدادند. نقشه عملیات ایرانیها برای تجاوز برهرات از طرف سفیر روسیه با دلچسپی خاصی تشویق و تقویه میگردد و به اینصورت هرگاه ایرانیهها هرات را اشغال نمایند طبق یک قرار داد تجارتي یک نماینده روسی را در آن ولایت خواهند گذاشت و به این صورت در حالیکه نمایندگان روسی بطور فعال در حوادث نظامی ایران و افغانستان مداخله مینماید حکومت انگلیس طبق ماده نهم پیمان سال ۱۸۱۴ درینکار مستقیماً مداخله کرده نمیتواند و بنابر آن این موضوع قابل تامل است. الیس علاوه کرده بود که در شرایط فعلی پیشرفت ایران در افغانستان در حقیقت پیشرفت روسیه در افغانستان و نزدیک شدن این رقیب بزرگ اروپائی به سرحدات انگلیس در هند میباشد و لازمست حکومت انگلیس به جدیت موضوع مدرک داده تدابیر لازمه درین راه اتخاذ نماید (۷).

به اینصورت انگلیسها سهم روسها را در نقشه تجاوز ایران بطرف شرق بسیار بزرگ جلوه داده و بنا بر همین علت پروژه

(۷) متن این نامه را درین کتب میتوان یافت: حیات امیر دوست محمد خان - موهن لال - جلد دوم؛ ویلیام کی - جلد اول ص - ۱۶۰؛ فیریه ص ۲۱۴ - ۲۱۵؛ هنری دور اند ص ۲۷ - ۲۸ و آرچیبالد فوربز ص - ۳،

عملیات نظامی ایران را هم بسیار وسیع قلمداد میکردند. جای شک نیست که آنها درین راه تا اندازه ای مبالغه مینمودند. در چنین فرصت قضاوت های سطحی اکثر سیاستمداران اروپائی بر حوادث آسیای میانه تاثیر داشته عده ای از سیاسیون روسی و انگلیس از روی ماجرا جوئی پیشنهادات غیر معتدل را بحکومت های خود مینمودند و بعضی اوقات شخصاً هم از مداخله در امور کشورهای آسیائی به نمایندگی از دولت های خود و بالاتر از اختیارات و صلاحیت هائیکه برایشان داده شده مضایقه نمیکردند. این مسئله پس از جنگهای بزرگ سیاسی را بوجود می آورد. موضوعاتیکه نشان میدهند نمایندگان روسی و انگلیسی در صحنه رقابت دول اروپائی در آسیا تا کدام اندازه به اقدامات خود سرانه تشبیه کرده اند پس از روشن ساخته خواهد شد اما در باره دلچسپی های روسها در ایران باید اظهار نظر شود که بدون تردید نمایندگان روسی خصوصاً سفیر روس در دربار ایران (کونت سیمونیچ) تطبیق پروژه تجاوزی ایرانیهها را برهرات تشویق میکردند ولی نه بعلت اینکه آنها خیال پیشقدمی نظامی را در آن شرایط بطرف هند داشتند زیرا هنوز طوریکه لازم بود موقف روسها برای این اقدام وسیع مساعد نبود و برای این کار آمادگی نداشتند مگر جای شک نیست که سیاسیون روسی طبق توصیه های پتر کبیر تمایل نشان میدادند که با استفاده از هر فرصت و موقعیت سیاسی قدم به قدم خود را به هند نزدیکتر سازند بدون آنکه درین راه قوت زیادی به مصرف رسانند. تاسمین نفوذ سیاسی و اجرای مقاصد بوسیله قدرت های دیگر یکی از پالیسی های قابل تطبیق درین راه بود. همانطوریکه روسها خود را بسواحل بوسفور در قسطنطنیه رسانیدند اراده داشتند بطور بطی بدون استعمال قدرت زیاد بشکل متین بطرف هند نفوذ سیاسی خود را توسعه دهند. در آن وقت روسها تا اندازه ای از رهگذر ملاحظات نظامی به مستملکات خود عجلتاً در آسیا قانع بودند ولی از روی حسادتیکه با بریتانیا داشتند قدرت روز افزون انگلیس در آسیا برای ایشان قابل تحمل نبود، ازینرو به توسعه نفوذ خود در ایران اقدام کردند و به تعقیب آن کشور مذکور را برای لشکر کشی بطرف شرق تشویق میکردند. فیریه درین مورد نظریه بیطرفانه ای ابراز نموده است (۸).

بهر صورت کونت سیمونیچ در تطبیق پروژه تجاوز ایران برهرات عجله داشت زیرا فکر میکرد مبادا مداخلات جدی انگلیسها از طرق سیاسی و نظامی موانعی در راه اجرای عملیات مورد نظر ایجاد نماید. سفیر روسیه در حقیقت به استقرار وضع دپلوماتیک در اروپا هم اعتماد نداشت و چنین تصور مینمود که اگر در خصوص چریا زات مربوط به عملیات هرات در اروپا بین حکومت روسیه و انگلستان مذاکرات صورت گیرد، تمام کوشش های وی به هدر خواهد رفت و از یک سلسله اعتباراتی که درین راه مدنظر داشت محروم خواهد

مانند بنابر آن سیمو نیچ به جدیت تمام میکوشید عملیات هرات به تعویق نیفتد .

نماینده انگلیس (الیس) تمام این جریانات را به دلچسپی و کنجکاوای قابل ملاحظه تعقیب میکرد. البته مشکل بزرگ برای مداخله جدی انگلیس در حرب افغانها و ایرانیها تهدیدات معاهده سال ۱۸۱۴ بین ایران و حکومت انگلیس تلقی می شد. در ماده نهم پیمان موصوف تصریح شده بود، در صورت تیکه بین افغانها و ایرانیها جنگی صورت گیرد حکومت انگلیس در آن مداخله نخواهد کرد مگر در حالیکه طرفین به میل خود مداخله حکومت انگلیس را برای برقراری صلح و میانجی گری تقاضا نمایند (۹) به اینصورت نماینده انگلیس فکر میکرد که حکومتش باید در برابر تهدیدات روسیه در آسیا موقفی را اختیار کند که مانع اقدامات سیاسی و نظامی اش در برابر خطرات آینده قرار گرفته نتواند و به این ترتیب پروژه های سیاسی و نظامی روسها در مورد هند تحت نظارت گرفته شود. طوری که نویسندگان انگلیس ادعا دارند تعلیم و تربیه اردوی ایران از طرف افسران انگلیس جزا اینکه مصرف بیجائی تلقی میشد کدام مقصد سیاسی حکومت انگلیس را طوریکه شاید و باید برآورده نمی ساخت. از همین رو این اقدامات که از چندین سال به این طرف از طرف انگلیسها در ایران تحت اجرا گرفته شده بود نفوذ سیاسی انگلیس را در ایران برقرار ساخته نتوانست روی این اساس نمایندگان سیاسی انگلیس عقیده داشتند که اقدامات حکومت انگلیس باید برای تحت کنترل قرار دادن جریانات سیاسی و نظامی آسیای میانه به نفع دفاع از مستملکات انگلیس در هند وسیعتر ساخته شود. بنا بر آن تماسهای دیپلماتیکی را با امیر دوست محمدخان و دادن کومک نظامی را بکابل و قندهار لازم می شمرد. نماینده انگلیس در عین زمان تلاش میکرد وسیله آشتی شاه ایران و شاه کامران قرار گیرد تا بدینوسیله نقشه عملیات نظامی ایرانیها تطبیق نشود. مگر چون مطالبات در بار ایران از هرات بسیار افراطی بود، در بار هرات به نماینده انگلیس در خصوص قبول شرایط پادشاه قاجاری ایران جواب سردی داد (۱۰) - درین ضمن چون نماینده روسیه بشدت میکوشید از نزدیک شدن در بار ایران بطرف صلح با هرات جلوگیری کند و بنابر آن بوجود آوردن اعتدال در شرایط پادشاه ایران ظاهر آ ناممکن بنظر میخورد .

در بهار سال ۱۸۳۶ پلان تجاوز بر هرات از طرف ایرانیها و مشاورین روسی ایشان طرح شد و برای تهیه مصارف این عملیات مطالعات آغاز یافت. شاه ایران در تابستان سال ۱۸۳۶ سوقیاتی مقابل ترکمن ها بعمل آورد و تصادماتی بین طرفین رخداد. به تعقیب آن در اواخر سال ۱۸۳۶ محمدشاه قاجار با

(۹) متن کامل این معاهده در جلد اول تاریخ جنگ در

افغانستان تألیف ویلیام کی ص ۴۸۷-۴۹۲ موجود است

(۱۰) هنری دوراند ص ۲۸؛ ویلیام کی ج-ص ۱۶۱

زمامدار هرات (شاه کامران) باب مذاکره گشود. خواسته های پادشاه ایران از هرات به هیچ وجه مورد قبول شاه کامران واقع نگردید. شاه ایران میخواست هرات را تهدید نماید که هرگاه حاکمیت او را بر خود قبول نکند به استعمال قوای نظامی مبادرت خواهد ورزید. وزیر هرات یار محمدخان الکوزائی یک جواب شجیعانه بدربار ایران فرستاد و در آن اظهار داشت «شما خواسته اید بدربار ایران گروگان بدهیم ولی ما همانطوریکه تا کنون به این کار تن نداده ایم پس ازین هم آنرا قبول نخواهیم کرد، اگر شاه ایران تصمیم دارد بر کشور ما حمله کند ما انتظار او را داریم و در مقابل قشون اجنبی تا وقتی که قدرت داریم از شهر و دیار خود دفاع خواهیم کرد. این موضوع هم باید روشن شود که اگر هرات بدست قوای ایرانی بیفتد اشغال آن موقتی خواهد بود یعنی تا زمانی که ما وسیله استرداد آنرا بدست آوریم و آنرا از چنگال دشمنان آزاد سازیم» (۱۱) .

وقتیکه شاه ایران از هرات به مضمون فوق جواب گرفت (۱۲) امر تشکیل شوری حربی را صادر کرد. در نتیجه مذاکراتی که در جلسات شوری حربی بعمل آمد فیصله شد که قشون ایران برای گذشتاندن زمستان به تهران برود و در بهار سال دیگر عملیات لشکر کشی را بر هرات آغاز نماید. مگر باز هم بهار سال ۱۸۳۷ گذشت ولی هنوز شاه ایران به عملیات خود مقابل هرات آغاز نکرده بود. در طول این مدت تماس های دیپلماتیک برای برقراری صلح بین ایران و هرات صورت گرفت ولی بنابر عدم موجودیت اعتدال درخواست های دربار ایران امکان مصالحه وجود نداشت. اگر شاه کامران خواهشات شاه ایران را قبول میکرد استقلال هرات از بین میرفت در حالیکه نه شاه کامران و نه سایر افغانها به این کار حاضر بودند. زمامدار افغان از روی همسایگی با ایران طرفدار برقراری روابط حسنه و احترام متقابل بین طرفین بود ولی بهیچ وجه حاکمیت ایران را بر خود مسلم نمیدانست. اینسکه بعضی مورخین کوشیده اند طوری وانمود سازند که هرات زیر تاثیر ایران قرار داشت اشتباه بزرگی بشمار میرود. شاه کامران نه بنام شاه ایران سکه ضرب میزد و نه نام او را در خطبه ذکر می نمود بلکه بحیث یک زمامدار مستقل در هرات فرمان میراند همانطوریکه ویلیام کی هم در مورد تبصره مینماید (۱۳). به اینصورت هرات تا آخر در برابر فشار سیاسی که با تحویف نظامی همراه بود مقاومت کرد و بالاخره تعرض قشون ایران را هم شجیعانه دفع نمود .

مستترالیس سفیر انگلیس در دربار ایران که تلاش و عجله کونت سیمو نیچ سفیر روس را در تطبیق پروژه تجاوزی ایران

(۱۱) تاریخ جنگ در افغانستان - کی ج-ص ۱۶۲

(۱۲) در وقت شاه ایران از جنگ ترکمن ها باز گشته

و در راه تهران بود .

(۱۳) ویلیام کی جلد اول ص ۱۶۳

برهات مانع بزرگی در برابر دلچسپی‌های حکومت خود میدید مدت هجده ماه کوشش کرد لارڈ پالمستون وزیر خارجه انگلستان را به جدیت موضوع مشکلی که خودش احساس مینمود ملتفت سازد. وی در ضمن مکاتباتش به پالمستون نوشته بود و قتیکه برای میانجی‌گری بین شاه ایران و شاه کامران به اقدامات آغاز نمود، دربار ایران به گماشته او می‌چرتاد (۱۴) اجازه نداد مکتوب سفیر انگلیس را مستقیماً به شاه کامران برساند بلکه يك نماینده ایرانی برای انجام این کار تعیین گردید. سفیر انگلیس ازین موضوع چنین نتیجه گرفته بود که تمام اقدامات سیاسی و نظامی در آن شرایط زیر نظر سفیر روس متعین ایران صورت میگرفت. ایس وعده‌های مبالغه آمیز کونت سیمونیچ را به ایران در عملیات هرات (تمویل عملیات و اشتراك قشون روسی در جنگ) خطرناك جلوه داده اظهار نظر کرده بود. بدهی است که حکومت انگلیس تعرض ایرانیها را بر افغانستان بحمايت و پشتیبانی سیاسی، اقتصادی و نظامی روسها تحمل کرده نمیتواند، زیرا این عمل نفوذ روسیه را تا آستانه مستملکات هندی انگلیس توسعه خواهد داد. و ایران در آینده کاملاً پیش آهنگ روسها بطرف هند بشمار خواهد رفت، در آنصورت انگلیسها در پالیسی تدافعی هند، ایران را نباید بحیث يك مانع به مقابل روسیه بداند بلکه آنرا پایگاه آغاز عملیات روسیه مقابل هند تلقی نماید (۱۵). باوصف آنهم لارڈ پالمستون هنوز تصمیم قطعی برای مداخله جدی در امور ایران نگرفته بود. طوریکه معلوم میشود پالیسی او در چنین فرصت آنقدر ضد روسی نبود و صرف به مطالعه راپورهای نمایندگان خود که در ایران موجود بودند اشتغال داشت. ایس که در مجملات مانده بود نمیدانست در ایران چه نقشی را بعهده دارد، در حالیکه کونت سیمونیچ سفیر روسیه علناً برای شروع عملیات به جدوجهد مصروف بود و توصیه‌هایش در دربار تهران شتوده‌های زیادی داشت (۱۶). روی این اساس ایس در تهران کدام کاری برای جلوگیری از عملیات نظامی ایرانیها عرض اشغال هرات انجام داده نتوانست و به انگلستان احضار گردید و در عوض وی مک نیل بحیث سفیر انگلیس بدربار ایران رفت. مگر هدایاتیکه پالمستون وزیر خارجه انگلستان به مک نیل داد از هدایاتیکه به ایس داده شده بود آنقدر فرق نداشت. وظیفه اصلی او را منصرف ساختن شاه ایران از تجاوز برهات و برقراری صلح تشکیل میداد ولی کدام وسیله اثریك برای انجام دادن این وظیفه در اختیار خود نداشت. بنابراین طوریکه نویسندگان انگلیسی می‌نویسند مک نیل هم درین راه موفق نبود. او به حکومت خود نوشت که بوی اختیارات بیشتری بدهد ولی لارڈ پالمستون هنوز به این مقهوره

Major Todd (۱۴)

(۱۵) قیریه ص ۲۱۵

(۱۶) قیریه مینویسد که توصیه‌های کونت سیمونیچ در

دربار ایران مانند يك اسرقاطع پذیرفته میشد.

نرسیده بود که انگلیسها در زمینه مداخله جدی بالاتراهمان تماس‌های دیپلماتیکی که جریان داشت بعمل آورد (۱۷). بدین ترتیب از یکطرف دربار ایران به تحریک سفیر روس طور قطعی تصمیم گرفت در سال ۱۸۳۷ برهات پیشقدمی نماید و از جانب دیگر فعالیت‌های سیاسی انگلیسها در ایران به علت موجودیت نفوذ قوی روسها جلو عملیات هرات را گرفته نتوانست. سرداران بار کزائی قندهار تجاوز ایرا نیهارا برهات از نگاه دیگر میدیدند. آنها قدرت شاه کامران مسبب قتل وزیر فتح‌خان را تحمل کرده نمی‌توانستند و آرزو داشتند هرات هم بدست بار کزائی‌ها بیفتد تا کامران کاملاً از بین رفته موقع تلاش را برای اعاده سلطنت سدوزائی بدست آورده نتواند (۱۸) سرداران قندهار چنین خیال داشتند که با کمک در عملیات هرات آن ولایت را پس از سقوط احتمالی شاه کامران از ایرانیها برای خود بگیرد. بهمین مقصد مکاتبه‌هایی بین سران مذکور و دربار ایران که نمایندگان سیاسی روسیه هم در آن داخل شدند صورت گرفت تا بالاخره بنا به درخواست شاه ایران و سفیر روس تصمیم گرفتند یکی از پسران سردار کهندل خان را غرض همراهی با قشون ایران در عملیات هرات به کمپ شاه قاچار بفرستند. امیر دوست محمد خان طرفدار چنین پالیسی سرداران قندهار نبود و به آنها توصیه کرد از اعزام پسر سردار کهندل خان به کمپ ایرانی امتناع ورزند. مگر سرداران قندهار مکتوب‌های تشویق آمیز و پیهمی از کمپ ایران و روسها میگرفتند که به آنها وعده‌های بزرگی میداد. گوته (۱۹) نماینده روسها در اردوی ایران چندین نامه درین مورد به سردار کهندل خان نوشت و جنرال بیروسکی (۲۰) اطمینان‌های تعلق آمیز به سرداران قندهار میداد. روی این اساس سرداران قندهار متمایل به داخل شدن در اتحادیه ای بودند که بوسیله آن هرات را از کامران برای خود حاصل دارند.

امیر دوست محمدخان تجاوز ایرانیهارا برهات بشکل دیگری مطالعه میکرد. نخستین هدف امیر عبارت از استرداد پشاور و توابع آن از سیکها بود. وی درین راه به کومک سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی ضرورت داشت و در چنین فرصت که آکلیند (۲۱) یکی از معتلین درامه تاریخ حرب افغان و انگلیس بحیث گورنر جنرال هند روی صحنه آمد، امیر دوست محمدخان خواست با استفاده ازین فرصت سیاسی از یکطرف از آکلیندخواهش کند از طریق نفوذ خود برسیکها در راه برآورده شدن مقاصد امیر کومک نماید و از جانب دیگر صرف غرض جلب دلچسپی انگلیسها درین راه با ایرانیها در تماس آمد

(۱۷) جنگ اول افغان - هنری دوراند.

(۱۸) کامران چندین مرتبه برای اشغال قندهار عملاً

دست به اقدام زده بود.

M. Goutte (۱۹)

General Berowsky (۲۰)

Auckland (۲۱)

تابالآخره از طریق این پالیسی هدف خود را به شکلی بدست آورد. (۲۲)

روابط انگلیس ها با افغانستان :

از زمانیکه ترس از حمله افغانها به هند افکار لاردر ولسلی را مشغول ساخت، منابع مختلف انگلیسی به مطالعه اوضاع داخلی امپراطوری درانی اقدام ورزیدند و معلومات وسیعی درباره سرزمین های بین اندوس و اکسوس در هند و انگلستان تهیه شد. مامورین ملکی و نظامی کمپنی شرق الهند وقتاً فوقتاً از طریق سفرهای غیر رسمی که به افغانستان و مناطق مجاور آن بعمل می آوردند اطلاعاتی درباره اوضاع جغرافیائی، سیاسی، اداری اقتصادی و نظامی سرزمین های شامل قلمرو امپراطوری - رانی جمع کرده به حکومت هند می سپردند. در قرن ۱۸ میلادی یک سیاح انگلیسی موسوم به فورستر (۲۳) که بیک پست ملکی در بنگال اشتغال داشت از سواحل دریای گنگا حرکت نموده به پنجاب و کشمیر رفت، وی از آنجا به تنگه خیبر فرود آمد و از آن طریق خود را از راه های کوتل های چکدک و خورد کابل به مرکز امپراطوری درانی رسانید. فورستر از کابل راه قندهار را در پیش گرفت و با تعقیب راه غزنی، قندهار و هرات به سفر خود ادامه داد و بسواحل بحیره کسپین رسید. این سفر بسالهای ۱۷۸۳ - ۱۷۸۴ مطابق ۱۱۹۷ - ۱۱۹۸ (در عهد سلطنت تیمور شاه درانی) بعمل آمد. اطلاعاتی را که فورستر طی این سیاحت جمع کرده بود پانزده سال پس از مسافرتش انتشار یافت و آنوقت مصادف به زمانی بود که آوازه های لشکر کشی زمان شاه درانی به هند در هر طرف نیم قاره هندوستان پخش شده بود و هر کس برای کسب معلومات درباره امپراطوری درانی به مطالعه کتاب فورستر اشتیاق نشان میداد. اما روابط سیاسی انگلیسها با افغانستان طور رسمی از سال ۱۲۲۳/۱۸۰۹ ه آغاز میگردد و این همان وقتی بود که کمپنی شرق الهند انگلیس برای جاوگیری از پیشقدمی مشترک روس و فرانسه به هند که مطابق معاهده تلس (۱۸۰۷-۱۲۲۱) درین راه نقشه مشترکی را طرح کرده بودند، به اعزام نماینده سیاسی بدربار امپراطور درانی، پنجاب و سند اقدام ورزیدند. در چنین فرصت مستارت الفنسٹون (۲۴) از طرف کمپنی شرق الهند انگلیس بدربار شاه شجاع درانی اعزام گردید. شاه شجاع درانی در همانوقت یک معاهده ابتدائی را با الفنسٹون که از حکومت هند بریتانوی نمایندگی میکرد عقد نمود. درین معاهده موافقه بعمل آمده بود که چون ایرانیها و فرانسویان برای پیشقدمی بطرف شرق متحد شده اند. در صورتیکه آنها از میان قلمرو درانی خیال عبور را بطرف شرق داشته باشند، امپراطوری درانی ازین عمل آنها جلوگیری

خواهد کرد و تا اندازه ممکنه جلو چنین تجاوز را گرفته به قوای مذکور اجازه عبور را از قلمرو درانی به هندوستان نخواهد داد و هرگاه در برابر چنین پیش آمد، امپراطوری درانی کشور افغانستان مورد تجاوز قرار گیرد انگلیسها در مقابله با این نوع تجاوز با امپراطوری درانی کومک کرده مصارف عملیات نظامی را که به این مقصد اجرا میشود به قدر توان خود خواهد پرداخت، البته تا زمانیکه اتحادیه فرانسه و ایران برقرار است این حکم معاهده نافذ خواهد بود. گذشته از آن در موارد دیگر این معاهده توضیح شده بود که روابط دوستانه بطور دائمی بین حکومت انگلیس و امپراطوری درانی برقرار بوده طرفین در امور یکدیگر مداخله نخواهند کرد و امپراطوری درانی به هیچ تبعه فرانسوی اجازه دخول را به قلمروش نخواهد داد. (۲۵)

باشکست ناپلیون و بهم خوردن اتحاد فرانسه با روس معاهده سال ۱۲۲۱/۱۸۰۹ هم کم کم فراموش اولیای امور کمپنی شرق الهند گردید. مستارت الفنسٹون پس از آن کتابی بنام (شرحی بر سلطنت کابل و مربوطات آن) نوشت (۲۶) که در دوجلد انتشار یافت و در آن از مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی افغانستان بحث بعمل آمده بود. مندرجات این کتاب حس کنجکاوای انگلیسها را در مورد افغانستان بیش از پیش برانگیخت. البته انگلیس در ساحت رقابت با روسیه در آسیا، زمانیکه هر دو رقیب از دور بر عکس استقامت یکدیگر پیش میرفتند و روبروی هم قرار داشتند، آرزو داشت نفوذ خود را بطرف غرب هند توسعه داده خط تماس را با روسها و با کدام قدرت دیگر اروپائی حتی الممكن دور از نیم قاره هند تاسیس نمایند و یا هم قدرت دیگر اروپائی حتی الممكن دور از نیم قاره و سپری بین روسها و هندوستان مورد استفاده قرار دهند. روی این اساس انگلیسها از ابتدای قرن ۱۹ در مورد کشور های غرب هند به کنجکاوای پرداختند و تحت تاثیر همین روحیه اشخاص مختلفی از آنها به افغانستان و دول مجاور آن داخل شده به جمع آوری معلومات پرداختند. این اشخاص در قیافه های مختلف ظاهر میشدند. چنانچه سال ۱۸۱۹ مطابق ۱۲۳۴ هجری مور کرافت به همراهی تربیک (۲۷) در قیافه تاجر اسپ بیک مسافرت شش ساله اقدام ورزید و از لداخ، کشمیر، افغانستان و بخارا دیدن کردند و بالاخره در شمال هندو کش پدرود حیات گفت. بسال ۱۸۲۸/۱۲۴۳ ه سترلنگ (۲۸) در راه بازگشت از لندن بنا بر تشویق سر جان مکد و نالد سفیر انگلیس در ایران از افغانستان دیدن کرد و معلوماتی درباره این کشور فراهم آورد. چند سال پس از آن آرتور کونولی از لندن حرکت کرد و از طریق روسیه، قفقاز، ایران، مشهد و هرات، قندهار، بلوچستان و مند به هند بریتانوی رفت و نتیجه

(۲۲) تاریخ جنگ در افغانستان - ویلیام کی جلد اول ص ۱۳۹ -

۱۶۰؛ جنگ اول افغان - هنری دور اند ص ۱۰-۱۲، ۲۵-۲۹؛ جنگ های افغان - آرچیبالد فوربز ص ۲-۳؛ تاریخ افغانها - فیبریه ص ۲۰۶-۲۱۹؛ حیات امیر دوست محمد خان موهنلال - جلد اول (۲۳) Forster (۲۴) Maunstart Elphinstone

(۲۵) متن کامل این معاهده در صفحات ۴۸۵ - ۴۸۷

تاریخ جنگ در افغانستان کی - جلد اول دیده شود.

(۲۶) *An Account on the kingdom of kabul and Its Dependancies* (۲۷) *Trebeck* (۲۸) *Sterling*

مطالعات خود را در مورد حوادث آسیای میانه در کتابی انتشار داد. کذا بسال ۱۸۳۲/۱۲۴۵ الکسندر برنس (۲۹) لارد بنتکت گورنر جنرال هند رابه این واداشت که غرض کسب اطلاعات مفصل در باره حوادث آسیای میانه، او را به مسافرتی اعزام نماید. برنس در حمایت حکومت انگلیسی هند در قیافهٔ یک نفر سیاح عادی با چند نفر دیگر بسال ۱۸۳۲ به مسافرتش اقدام ورزید و در حالیکه خط السیر پنجاب، پشاور، خیبر جلال آباد، کابل، قندهار، بخارا، مشهد، تهران، اصفهان شیراز، بوشهر و بعضی راتعقیب نمود بسال ۱۸۳۳ با اطلاعات زیادی به هند مراجعت نمود. (۳۰)

به اینصورت به تدریج انگلیسها در مورد سر زمین های غرب هند اطلاعات کافی جمع کردند و یکی از دلچسپی های اصلی سیاحین و نمایندگان سیاسی آنها را در آسیای میانه هم همین مسئله تشکیل میداد. گذشته از آن انگلیسها طور مخفی هم درین راه قدم گذاشتند و شاید هم صدها نفر را درین مورد استخدام کرده باشند که تا امروز هم شناخته نشده اند. هر قدر معلومات انگلیس در باره افغانستان بیشتر شد به همان پیمانه سیاستمداران انگلیس از نگاه سیاسی و تجارتمندی به افغانستان دلچسپی بیشتر نشان دادند در حالیکه بعقیدهٔ فرا سر تلتلر قبل از آن به مربوطیت ستراتیژیکی افغانستان با اهمیت آن آنقدر عمیق فکر نمیکردند. (۳۱)

روی ملاحظات فوق انگلیسها در اوایل قرن ۱۹ غرض توسعهٔ نفوذ خود بغرب و مقابل شدن با فعالیت های سیاسی دشمنان اروپائی خود حتی الممكن دور از نیم قارهٔ هند در صدد پیدا کردن راهی بسوی افغانستان شدند و بدین مقصد بامیران سند در تماس آمدند.

فعالیت سیاسی انگلیسها در سند :

بسال ۱۸۰۹/۱۲۲۴ اولین تماس دیپلماتیک انگلیسها طور رسمی بامیران سند بعمل آمد و هیئتی بشمول نیکو لاس هنکی سمیت (۳۲) و لفتننت (بریدمن) پانتنجر (۳۳) «پسانتر سرهنری پانتنجر» بتاریخ ۲۷ اپریل سال ۱۸۰۹ میلادی از بعضی توسط کشتی جانب سند حرکت کرد. این هیئت در بدایت مرحله به مقاطعهٔ شدید میران سند در سواحل آنو لایت برخورد و بالاخره پس از سختگیری های زیاد میران سند ونواب کراچی اجازهٔ حرکت رابه حیدرآباد مرکز سند حاصل داشت. مذاکراتیکه در حیدرآباد بین نمایندگان انگلیس و میران سند صورت گرفت از طرف انگلیسها قناعت بخش تلقی شد. زیرا این مذاکرات وسیلهٔ عقد معاهده ای بین طرفین قرار گرفت که بتاریخ ۲۲ اگست سال ۱۸۰۹ ۱۰ رجب ۱۲۲۴ به امضا رسید و در آن موافقه بعمل آمده بود که دوستی دایمی بین کمپنی شرق الهند انگلیسی و میران سند «میر غلام علی، میر کرم علی و میر مراد علی» برقرار بوده

(۲۹) Alexander Burnes (۳۰) کی-ج-۱ ص ۱۷۲-۱۷۵
 ۱۷۸-۱۷۹؛ موهن لال ج-۲ ص ۲۴۵ (۳۱) افغانستان تألیف فراسر تلتلر ص ۷۹ (۳۲) Nicholas Hinckey Smith

تبادلۀ نمایندگان رسمی طرفین دوام داده شود. کذا درین معاهده توضیح شده بود که حکومت سند به کدام قوم فرانسوی اجازهٔ سکونت را در سند نخواهد داد. (۳۴) هیئت انگلیسی پس از عقد این معاهده بامیران سند مراجعت کرد، اعضای هیئت موصوف در طول اقامت در سند معلومات مورد نظر خود را هم راجع به آن ولایت جمع نمودند.

پس ازین معاهده بامیران سند حکومت هند بریتانوی در فراهم آوری اطلاعات مفصل و دقیق راجع به او ضاع سند کنجکاوای بیشتری بخرج داد چنانچه بسال ۱۸۱۱/۱۲۲۶ الدرد پانتنجر و کپتان کرسی به تغیر قیافه غرض جمع آوری معلومات به سند، بلوچستان و ایران مسافرت کردند. پس از سال ۱۸۱۹/۱۲۳۴ که قوای انگلیس کچ را اشغال نمود انگلیسها طور فزینگی به مجاورت سند رسیدند و بنابر آن برای بوجود آوردن روابط نزدیکتر و دوستانه تر بامیران سند داخل اقدامات جدی شدند مگر میران سند بنابر تجارب تلخی که ولایات هند در نتیجهٔ برقراری روابط با کمپنی انگلیسی چشیده بودند بر انگلیسها اعتماد نداشتند و بر اعمال سیاسی آنها سختگیری شدیدی را وضع میکردند. انگلیسها که بنابر ملاحظات سیاسی و نظامی جنگ را بامیران سند در آنوقت موافق نمیدیدند برای برقراری روابط نزدیک با سند از طریق دیپلماسی تلاش زیادی داشتند. بسال ۱۸۲۰-۱۲۳۵ انگلیسها برای رفع اختلافات حدودی موفق به عقد معاهده ای بامیران سند شدند که بتاریخ ۹ نومبر همان سال به امضا رسید مطالب معاهدهٔ مذکور مواد معاهدهٔ ۱۸۰۹/۱۲۲۴ را تأیید کرده علاوه میداشت که میران سند به کدام اروپائی یا امریکائی اجازهٔ اقامت را در سند نخواهد داد و اگر مردم داخل قلمر و انگلیس یاسند در ممالک یکدیگر متوطن شوند تا زمانیکه نظم وقانون مروجه را مراعات مینمایند بحال خود گذاشته شوند و اگر در نتیجهٔ ارتکاب جرم به چنین عملی مبادرت میورزند باید یا مجازات شوند و یا اخراج گردند (۳۵). البته سندی ها با وصف این معاهدات هم طرفدار توسعه نفوذ انگلیسی نبودند و معاهدات آنها صرف به مقصد جلب اطمینان از عدم تجاوز انگلیس برخاک آنها بعمل آمد.

آغاز کشتی رانی در دریای سند :

پس از عقد معاهدات قبل الذکر انگلیسها از فعالیت سیاسی خود در سند غافلانه نشستند. آنها کوشش میکردند به نحوی از انحا در دریای سند کشتی های خود را بکار اندازند و

(۳۳) Pottinger (۳۴) متن کامل این معاهده در صفحات ۶۶-۶۷ جلد اول تاریخ جنگ در افغانستان تألیف کی و صفحه ۶۶ جلد دوم حیات امیر دوست محمد خان تألیف موهن لال موجود است.

(۳۵) متن کامل این معاهده در صفحات ۶۶-۶۷ جلد اول حیات امیر دوست محمد خان تألیف موهن لال موجود است.

بدین مقصد در پی فرصتی بودند که مقدمات این کار را فراهم آورند. بسال ۱۸۳۰/۱۲۴۵ و ویلیام چهارم پادشاه انگلیس پنج راس اسپ را طور تحفه به رنجیت سنگم به زمامدار لاهور فرستاد که در وقت حکمرانی سر جان مالکم در ایالت بمبئی به بندر بمبئی رسید. اسکندر برنس برای رساندن این تحفه انگلیسی به لاهور تعیین گردید. انگلیسها این فرصت را بهترین موقع برای معلوم کردن قابلیت کشتی رانی دریای سند تلقی کرده در صدد آن برآمدند تا بشکلی بر میران سند بقبولانند که این تحفه از طریق رودخانه سند به لاهور فرستاده شود. انگلیسها برای اینکه جلوبهانه گیری امرای سند را مبنی بر فرستادن این تحفه از راه زمینی گرفته باشند یک گادی را هم بجهت تحفه به زمامدار لاهور به تحفه شاه انگلستان همراه ساختند تا اینطور استدلال کرده بتوانند که بردن گادی از راه زمین به لاهور مساعد نیست زیرا سرکهای خامه به آن خساره زیادی خواهد رساند و بنابر آن لازم می افتد که ذریعه کشتی به لاهور برده شود. اسکندر برنس در حالیکه این تحفه ها را با خود داشت ذریعه کشتی خود را به دهانه دریای سند رسانید. میران سند از مدتها پیش مخالف داخل شدن انگلیسها به راسم و رسمی که باشد به مند بودند زیرا آنها میدیدند که انگلیسهای خون سرد آهسته آهسته از همین طریق در ولایات مختلف رخنه میکنند. روی این اساس میران موصوف به اسکندر برنس اجازه دخول را به خاک مندندادند و برنس پس از آنکه میران سند را در فیصله ایشان مصمم دید به بمبئی مراجعت کرد. برنس برای مرتبه دوم از بمبئی به دلتای سند رفت ولی بار دیگر مجبور به مراجعت شد. میران سند که میدانستند به مجردیکه پای انگلیسها به دریای سند باز شود کوشش خواهند کرد به هر وسیله ای که ممکن باشد امتیازات کشتی رانی را ظاهراً به مقصد تجارت ولی باطناً از روی مقاصد سیاسی در دریای سند حاصل دارند، حاضر نشدند که به هیئت انگلیسی اجازه دهند از طریق دریای سند به لاهور بروند. پس از مذاکرات طولانی که صورت گرفت میران سند با عبور هیئت انگلیسی از سند موافقه کردند ولی بشرطیکه هیئت حامل تحفه رنجیت از راه خشکه بطرف لاهور از خاک سند بگذرد.

معمداً انگلیسها که نقشه های وسیعی را برای استفاده از دریای سند در آینده طرح نموده بودند از خواهشات خود دست نکشیدند و با پیش کردن این بهانه که گادی اهدا شده بدربار لاهور در راه های خشکه صدمه می بیند به صد نیرنگ و هنر سیاسی و مانورهای عسکری (آنها یک قوت عسکری را برای تخویف میران سند توسط کشتی بدخانه دریای سند فرستادند) در مرتبه سوم و صول هیئت برنس به دلتای سند توانستند اجازه حرکت را از طریق دریای سند بطرف لاهور حاصل دارند. همینکه میران سند با عبور برنس از طریق رودخانه سند موافقت کردند هیئت انگلیسی بطرف لاهور مسیر دریای سند را تعقیب کرد. مقامات انگلیسی به

باید در نظر گرفت که انگلیسها از همان وقتیکه راجع به سند و رودخانه آن به جمع آوری اطلاعات اقدام کردند مصمم به این بودند که روزی راه خود را بطرف سند باز کنند. دو علت اصلی سبب مداخلات انگلیسها در سند قرار گرفت. یکی تامین ارتباط دریائی بین ایالت بمبئی و هند شمالی و پنجاب و برعکس آن و دیگر پیش بردن نفوذ انگلیس یک قدم دیگر بطرف غرب به مقصد تعقیب پالیسی معروف مقابله با رقبای اروپائی حتی امکان دور از نیم قاره هند. امامیران سند که به مقاصد اصلی انگلیسها مدرک بودند به شدت میکوشیدند از رسیدن پای انگلیس به سند و دریای اندوس جلوگیری نمایند. مگر کمپنی انگلیس به اقدامات سیاسی و مانورهای عسکری و انواع تخویف و مظاهره قوت بتدریج بالای زمامداران سند فشار سیاسی وارد آوردند تا بالاخره میران سند به تجار انگلیسی اجازه استفاده را از آبهای دریای سند برای کشتی رانی منظور کردند ولی برای حفظ ماتقدم از استفاده انگلیس از این امتیازات جهت پیشبرد عملیات نظامی بطرف افغانستان، پنجاب و یاسند، بر انگلیسها تحمیل نمودند که مواد نظامی و کشتی های عسکری انگلیس داخل حوزه سند آورده شده نمیتواند.

انگلیسها برای بدست آوردن امتیازات مورد نظر در سند معاهدات جداگانه را با امرای مختلف سندی عقد کردند چنانچه بتاريخ ۴ اپریل ۱۸۳۲/۲ ذی قعدة ۱۲۴۷ معاهده ای بین حکومت انگلیس و ایالت خیرپور به امضای رسید که اشعار میداشت دوستی دائمی بین طرفین برقرار بوده حکومت خیر پور در حدود خود اجازه کشتی رانی را به تجار و سایر مردم هند تحت شرایطی که میر مراد علی خان تالپور (حیدرآباد) نیز به آن موافقه کند، منظور مینماید و در بدل آن از تجار مذکور بقدر مناسب محصول گمرکی اخذ میدارد (۳۷) به همین صورت بتاريخ ۲۰ اپریل ۱۸۳۲/۱۸ ذی قعدة ۱۲۴۷ معاهده دیگری بین انگلیسها و میر مراد علی امیر حیدرآباد سند به امضای رسید. مواد این معاهده مطالب معاهدات قبلی را در خصوص برقراری روابط دوستانه بین انگلیس و حیدرآباد تأیید میکرد، گذشته از آن

(۳۶) موهن لال - جلد دوم ص ۴۰-۶۵

(۳۷) متن کامل معاهده در صفحه ۶۸ جلد دوم حیات

امیر دوست محمد خان تألیف موهن لال دیده شود.

درین معاهده امتیاز استفاده تجار هندی از راه‌های خشک و دریای سند تحت شرایط معینی منظور گردید. شرایط مذکور عبارت ازین بود که هیچکس نمیتواند ازین راه‌ها مواد نظامی را به کدام منطقه دیگر نقل دهد و کشتی‌های عسکری به دریای سند داخل شده نمی‌تواند. علاوه بر آن هیچ تاجر انگلیسی اجازه اقامت دائمی را در سند نداشت بلکه صرف جهت اجرای معاملات تجار تی خود موقتاً به سند رفته می‌توانست. کذا درین معاهده توضیح شده بود تجاریکه طبق این موافقتنامه به قلمرو سند داخل میشوند باید پاسپورتی از طرف نماینده انگلیس در کچ و یا کدام مقام دیگر صلاحیت دار انگلیس در هند با خود داشته باشد. حکومت سند در بدل دادن امتیاز استفاده از راه‌های سند به تجار هندی حق گرفتن محصولات گمرکی را به اندازه معینی برای خود طبق این معاهده محفوظ داشت. به تعقیب این معاهده قراردادی مربوط به تفصیلات و مقررات اخذ محصول و گمرکی بتاريخ ۲۲ اپریل ۱۸۳۲ و ۲۳ دسمبر همان سال بین انگلیسها و امیر حیدرآباد عقد گردید (۳۸).

پالیسی لارد بنتکت :

در طول تصدی لارد بنتکت بحیث گورنر جنرال انگلیس در مستملکات هندی مداخلات مستقیم انگلیس در مورد افغانستان آنقدر احساس نمیشد. فعالیت حکومت هند بریتانوی در چنین فرصت منحصر بود به جمع آوری معلومات و پشتیبانی غیر مستقیم از آنهائیکه به نفع پالیسی‌های کهنی شرق الهند انگلیسی تلقی میشدند. شکل اداره لارد بنتکت و نظر او در مورد حوادث مربوط به هند عامل چنین پالیسی بحساب میرفت پس از ختم حرب بر ماو اشغال بهارت پور در ۱۸۲۸/۱۲۴۳ در مستملکات هندی انگلیس نسبتاً آرامشی برقرار بود ولی این وضعیت آرام باجرای عملیات عسکری در کورگ (۳۹) و مجاریات کوچک در منطقه کول، بعضاً مختل میشد. لارد بنتکت در طول زمامداری خود به امور اقتصادی هند توجه کرد آنرا بشکل مطلوبی تنظیم نمود. او در چنین فرصت به تطبیق پروژه‌های وسیع برای بسط نفوذ انگلیس در غرب هند اشتیاقی نداشت دول مجاور نیز که مداخلات مستقیم بنتکت را احساس نمی‌کردند و میدیدند که او مواد معا هدا ت عقد شده را احترام میکند روابط تیره‌ای با انگلیس نداشتند (۴۰) بر ما که به کومک اختلالات داخلی آن از طرف کمپنی انگلیسی اشغال شده و هنوز هم تحت شرایط سنگین معاهده یان دابو (۴۱) قرار داشت علیرغم داشتن خصوصت با انگلیس قدرت تعرض را مقابل قوای نظامی کمپنی در خود نمیدید و بنا بر آن انگلیس ازین رهگذر مطمئن بود. حکومت نیپال که معروض تاثیرات منفی اختلافات داخلی قرار گرفته بود قادر به مقابله با قدرت بریتانوی نبود و از آن رو رضایت و دوستی کمپنی را می‌جست امرای سند با آنکه از مخالفین

(۳۸) متن کامل این معا هدا ت در صفحات ۶۸-۷۰-۷۱ و ۷۵

جلد دوم حیات امیر دوست محمد خان دیده شود.

(۳۹) Coorg (۴۰) هنری دور اند ص - ۱

Yandahoo (۴۱)

سرسخت انگلیسها بحساب میرفتند و اخیراً تحت شرایطی مجبور به دادن اجازه به تجار هند بریتانوی جهت استفاده از راهای خشکی و دریای سند شدند، انگلیسها را به نظر خوبی نمیدیدند و از مداخلات آینده ایشان غافل نبودند همینکه شاه شجاع به کومک غیر مستقیم انگلیس بسال ۱۸۳۳ / ۱۲۴۸ برای حمله به قندهار آمادگی گرفت و در قدم نخستین سندی‌ها را بتاریخ ۹ جنوری ۱۸۳۴ / ۱۲۴۹ مغلوب ساخت و شکارپور را اشغال نمود، ترس میران سند از مداخلات آینده انگلیسها در قلمرو سند بیشتر شد مگر باوصف آنهم سند هنوز قادر به این نبود مقابل انگلیس سیاست تعرض را در پیش گیرد و بنا بر آن مساعی اصلی میران ایالت مزبور به مقصد تحدید نمودن توسعه نفوذ انگلیسها بطرف سند بعمل می‌آمد.

درین میان خان بهاولپور که در حال مخاصمت شدید با رنجیت سنگه قرار داشت دوستی کمپنی انگلیس را برای مصئون ماندن بهاولپور از شر رنجیت برای خود غنیمت میدانست. البته در پنجاب رنجیت سنگه اقتدار زیادی داشت، نیروی نظامی او و بروش اروپائیان تحت نظر افسران و مشاورین اجیر فرانسوی و غیره بسویه نسبتاً عالی تسلیح، تجهیز و تعلیم و تربیه شده بود و هکذا رنجیت قطعات منظم و قوی توپچی را در اختیار داشت. البته زمامدار لاهور که دم از مهاراجگی میزد نمیتوانست در حدود شمال غربی مستملکات هندی انگلیس مداخلات جدی نظامی بعمل آورد ولی از یکطرف اینکار نتایج قابل ملاحظه‌ای در پی خود نداشت و از جانب دیگر رنجیت تعادل نشان میداد که با محافظه روابط دوستانه و اتحاد با انگلیس از طرف شرق مطمئن شده بحمایت غیر مستقیم انگلیس نقشه‌های تجاوزی خود را بطرف غرب پیش ببرد و بنا بر همین علت رنجیت در همین آوان با انگلیسها در پیمان آمد.

بنا برین طوریکه تا اینجا توضیح گردید در وقت زمامداری لارد بنتکت در حدود غربی مستملکات هندی کمپنی انگلیس اوضاع مطابق میل انگلیس بود و این مسئله برای بریتانیا خصوصاً در آن فرصتیکه در ساحه رقابت با دول اروپائی در آسیا سخت در تلاش بود بسیار مهم جلوه میکرد. هند بریتانوی در آنوقت حفظ روابط حسنه را با پنجاب از خطوط اساسی پالیسی خود میدانست زیرا در نظر سیاسیون انگلیسی هند قدرت نظامی رنجیت سنگه در پنجاب حیثیت مانع مساعدی در برابرتهاجمات غربی حایز بود و حکومت هند موجودیت چنین مانعی را برای دفاع مستملکات هندی انگلیس غنیمت میدانست زیرا در حالیکه حدود مستملکات بریتانوی در شمال تادریای ستلج میرسید در آنطرف دریای مذکور به مسافه چهارمنزلی رنجیت سنگه قوت بزرگ نظامی را در لاهور تمرکز داده بود. انگلیسها فکر میکردند در صورتیکه بارنجیت روابط دوستانه برقرار کرده باشند لازم نیست که قوت‌های بزرگ را در حدود شمالی خود محافظه داند و صرف یک پوسنه ترصد و نظارت عسکری در لودهیانه برای محافظه حدود ستلج کافی شمرده میشد.

آنها به این ترتیب قوای نظامی پنجاب را بحیث یکسپرقوی مقابل تهاجمات غربی می شناختند و بنا بر آن قوای اصلی انگلیس در هند شمالی بالای خطوط گنگا و جمنا بداخل گار نیزون های بزرگ در گوانپور (۴۲)، میروت، کرنال، اله آباد، آگره و دلهلی جایجا شده، دلهلی بیشترین دیوی اردوی هند شمالی بود (۴۳). روی این اساس معاموم میگردد که پلان های دفاعی انگلیسها در هند تا کدام اندازه بر قدرت نظامی و اتحادیه کمپنی انگلیسی بارنجیت سنگهه اتکا داشت و بنا بر همین علت طوریکه پس از توضیح خواهد گردید انگلیسها در اکثر موارد دوستی اتحاد و رنجیت را بر دیگران ترجیح دادند ولی این کار عاقبت خوبی در پی خود نداشت.

بنا بر موضوعاتی که تا اینجا تفصیل داده شد لارد بنتکت در امور افغانستان هم به مداخله مستقیم چندان میل نشان نمیداد. و وقتیکه شاه شجاع بسال ۱۸۳۲/۱۲۴۷ پروژه حمله بر قندهار را طرح کرد حکومت انگلیس از حمایت مستقیم او امتناع ورزید و طور غیر مستقیم او را از درک پرداخت مبلغی پول و جلب همکاری رنجیت باوی کر مک کرد. بنتکت فکر میکرد که اگر شاه شجاع در نقشه های خود موفق شود با همین کومک غیر مستقیمی که از طرف انگلیس با او شده است مطلوب انگلیس بر آورده شده میتواند و اگر شاه شجاع در حمله خود بر قندهار ناکام گردد و مجبور به عقب نشینی شود در آن صورت

(۴۲) Cawanpore

(۴۳) جنگ اول افغان - هنری دوران دص ۶

(۴۴) Masson

(۴۵) موهن لال - جلد اول ص ۲۴۸

حکومت هند بریتانوی در نزد زمامداران بار کزائی افغانستان اعتبار خود را از دست داده نخواهد بود و به این ترتیب خساره بزرگی هم نخواهد کشید. البته باید این مسئله را هم مدنظر داشت که در چنین فرصت با آنکه بنتکت مستقیماً در امور داخلی افغانستان مداخله نمی کرد، تبعات و مط لعات انگلیس بالای افغانستان غرض پیدا نمودن مواد برای پلان های آینده هند بریتانوی دوام داشت. از همان سبب لارد بنتکت سید کرامت علی، میسن (۴۴) و موهن لال را بحیث واقعه نگار به افغانستان اعزام نمود تا معلومات کافی را در مورد حوادث داخلی افغانستان جمع کرده به حکومت انگلیسی هند اطلاع دهند (۴۵).

زمانیکه امیر دوست محمد خان در اثر تجاوزات پیهم رنجیت سنگهه مجبور شد مداخله حکومت هند بریتانوی را تقاضا کند از لارد بنتکت طی نامه ای درخواست کرد که از نفوذش در راه جلوگیری از تجاوزات رنجیت کار بگیرد زیرا رنجیت با حکومت هند بریتانوی اتحاد داشت و با استفاده از این وضعیت بدون مداخله کدام قدرت دیگر نقشه های تجاوزی، اش را در قسمت های شرقی افغانستان پیش میبرد. لارد بنتکت در جواب امیر دوست محمد خان صرف آرزوهای خود را برای صلح و آشتی اظهار داشت و بنا بر دلایلی که قبلاً توضیح گردید دوستی و خواسته های رنجیت را بر امیر دوست محمد خان ترجیح داد. (باقیدار)

نزدیک بده سال است که میتوان بکمک کابل های ساخته شده از مواد ورشته های بسیار ظریف شیشه ای اشعه نور را بهر گوشه و بصورت کج و راست هدایت کرد.

این پیشرفت فنی برای تکنیک و دانش طبی (اندوسکوپ) بسیار مهم و ارزنده بوده است. حالیه دانشمندان آلمانی توفیق یافته اند که بر اشعه بنفش نیز چیره گشته و آنرا بهر نقطه مطلوب هدایت کنند. بعبارت دیگر با این کشف نوین ممکن خواهد بود که اشعه بنفش را بهر نقطه بدن هدایت و وارد نمایند. یزر گترین بهره برداری از این امکان فنی در درمان مریضی های داخلی عاید خواهد گردید، چه تا کنون امکان نداشته اشعه بنفش را در اعضای تهی بدن مانند معده، کیسه صفر، مورد بهره برداری قرار دهند.

اثرات درمان بخش اشعه بنفش دهها سال پیش شناخته شد و معالجات بوسیله نور آفتاب مصنوعی و لامپ کوتاز از آن زمان معمول گردید در کشف تازه فوق الذکر از کوارتز در کابلها استفاده خواهد شد زیرا برخلاف شیشه های معمولی کوارتز دارای قابلیت هدایت اشعه بنفش میباشد.

اشعه

بنفش

و استفاده

تازه

از آن

دینوونی اوروزنی او — عملی تطبیقا تو نو اهمیت

ژباړه او لنډیز :
غلام سخی انمردېلی تورن

په مدرنو مجارباتو کې د کلاسیکو جگړو په مقایسه ډیر ایجابات او مقتضیات شته دی چه خورا اهمیت لری او عمدغه ایجا بات دی چه مدرنو او عصری جگړو کې په لویه او بالوره سویه وی حقیقی بڼه را شئی که څه هم په کلاسیکو جگړو کې هم دغه مقتضیات او فکتورونه په زړه پوری و مالوی توپیر مخصوصاً کله چه اتومی وسله ستر گوته وینوله شی سرعت او چټکوالی په کارونو کې دی د مثال په توگه که موټرو کولای شو د دشمن پر جبهه باندی داسی اتومی ضربی واړدی کړو چه ددینم جبهه ما ته او یولوی شق پیداشی او هم وکړای شو د شقو لځای پراخ کړو او دینم شی جناح او کین جناح ته و تمبوونو په داسی حال کې داحاطی ضرورت منځ ته نه راځی لځکه په احاطه کېشی و قت ډیر ضایع کیږی او په داسی مساعدو شرایطو کېشی چه ددینم څخه دجبهی ډیرته جوړولو او د شق د لځای د پتو لو قدرت لارشی نوښاتی د وقت د گټلو لپاره له عمدغه لځای څخه تعرض مخ ته بوزو او په ډیره چټکتیا سره دینم دینی او چپ خواته احاطه کړو .

پورتنی مثال موددی لپاره گرانو لوستو نکو ته تقدیم کړ چه و کولای شو سرعت او داتومی وسلی اهمیت او تاثیر یو وار بیا په یاد راو لو .

همدغسی په درنو جگړو کې ښائی

هوایی اهداف په خورا چټکتیا او موثر ډول له منځه یوسو او داسی اغیزه ناک گذارونه ورباندی وکړو چه حتماً شته و تمبول شی او ډیر ضایعات ور کړی نه داسی چه ددینم الوتکی زموږ په خاوره او منطقه باندی بمونه وغورځوی او بیرته روغی رمته لاری شی، همدغسی دمخبری په ډیر چټکتیا سره تاسین ډیر مهم رول لوبوی که مخا بره له منځه لاړه شی گواکی جگړه موبایلوله او که دا انقطاع ډیر مودی لپاره دوام وکړی حتماً جگړه بایلو همداسی مودرنه جگړه دانجنیری قوتونو نه په خورا سرعت سره دموانعو دمنځه وړل او د لاری مساعدول غوښتل کیږی داسی نه چه موټر قوتونه مخصوصاً موټر لرونکی او زره دار قوتونه دموانعو په نسبت معطل شی .

دا خبره چه وائی دینم په وقت او زمان میندل او کشفول د محاربی دورلو نیمائی بر خه ده صحیحه نظرته راځی دا خبره په کلاسیکو جگړو کېشی هم درسته وه اما په نننی جگړو کېشی مخصوصاً داتومی وسلو د استعمال په وقت کېشی بی غاری اهمیت لری او دا هم لځکه چه انسیاتیف به دهغی خوا په لاس کېشی وی چه زر دینم کشف کاندی او نتیجه به داسی چه په دینم باندی سخت گذارو کړی .

همدغسی مودرنه جگړه د صاحب منصبانو او افرادو څخه خورالوږ فزیکي او روحی طاقت غواړی ترڅو کولای شی په ډیر و سختو وختونو او شرایطو کېشی دوظیفی په اجراء

۲۳) د لته ددی لپاره چه موضوع په خورا گټوره توگه طرح کاندو د چلو لځنو قطعاً تو کوم

کښی ضعف او کمزورتیا حس نه کاندی او ډیر دینم باندی فزیکي او روحی تفوق ولری دجگړی په سختو شرایطو کېشی ښائی قوماندانان او افراد دینه او منطقی فکر کولو طاقت او استعداد ولری او وارخطائی عیش کله پردوی باندی غایه ونکړی که دوی و کولای شول په خورا روحی آرامتیا فکر وکړی نو هلته حتماً په سختو وختونو کېشی د حل صحیحه لاره پیدا کولای شی او په دی صورت کېشی ددوی عزم، اراده، متانت او دبری میندلو احساس نه ضایع کیږی او وظیفه ترسره کولای شی .

پورتنی اوصاف او قابلیتونه کوم چه موورنه په لنډه صورت یادو نه وکړه دجگړی په دوام کېشی لاسته نشی راتلای بلکله ددی اوصافو او قابلیتونو حقیقی وقت دښوونی او روزنی مختلفې صفحی او وختونه دی چه ښائی لځوان صاحب منصبان ورته په کلکه سره متوجه اوسی او خپل لاس لاندی کسان داسی ورسوی چه دهر راز جسمی او روحی کړ اوونو او سختیوسره دمقابلی طاقت او قدرت ولری او که داسی نه وی د خورا خواشیني لځای دی .

ددی تطبیقا تونو اصلی چوکات چه دمنځه په د ننه کېشی هر راز مرحلی او صفحی لیدلی کیږی تکنیکی تطبیقا تونه دی او داتکنیکی تطبیقا تونه ښائی داسی حاضرشی چه حقیقی جگړی په ډیره فیصدی سره چه امکان ولری تمثیل

۲۴) د لته ددی لپاره چه موضوع په خورا گټوره توگه طرح کاندو د چلو لځنو قطعاً تو کوم

چه پدی برخه کېشی تر نورو قطعاً تو او جزو تا مونو نه زیات پر مخ تگ کړی مثلاً لو نه را ورو تر غو زموږ گران لو ستو نکسی څه نا څه حقیقت ته ډیر نژدی وضعیت کېشی لځان و موسی او بیا وروسته فکر وکړی او پخپله وظیفه کېشی ترینه گټه واخلي .

په تیر و کلونو کېشی زموږ ډیر قطعاً تو دښوونی او روزنی په ساحه کېشی ډیر پر مخ تگونه وکړل دهغو لځینی دلته د راکت دیوی بطریی او غونور جزو تا مونو پر مخ تگ او انکشاف دښوونی اوروزنی په برخه کېشی تر کننی لاندی نیسو .

ددی بطریی قوماندان تورن (Y. Avseyevich) اودپله جوړولو یو هوایی سکوار دان چه قومانداننی یوجگړن وو دتانسک یو بلوک، یو موټر لرونکی پلې کندک . دا جزو تا مونو، چه موورنه یادونه وکړه دتطبیقات په وخت کېشی خورا زیات مهارت او غښتلوب وښود او په ور کړ شوی وضعیت کېشی ئی هر راز حربی قابلیت پیکاره کړ چه دیادونی وړدی .

ددی جزو تا مونو غښتلوب او بیا وړی توب په دی تطبیقات کېشی دا خبره ثابته کړه چه ددوی قوماندانان دښوونی اوروزنی په وخت کېشی ئی خولی توئی کړوی وی او خپله قطعاً ئی رسولی وه لځکه په عملی ډگر کېشی ئی بری وموند

۲۴) د لته ددی لپاره چه موضوع په خورا گټوره توگه طرح کاندو د چلو لځنو قطعاً تو کوم





صحنه‌ای از فعالیت افراد صحیه در تطبیقات های آتشدار

مونیر کوششی کوو چه یو تسکتیکی تطبیقات تر کومه حده پوری چه امکان لری حقیقت ته نژدی بیی او هغه قطعات چه دبمن تمشیلوی بیانیی په دومره مهارت او قابلیت خپل حرکات اجرا کړی چه عیناً دبحاریی په غیر د دبمن غیره او دبمنانه فعالیت ونیسی .

داخبره چه په تسکتیکی تطبیقا تونو کښی دحقیقی جگری تمشیل وشی گران کاردی ځکه داخبره له یوی خوانه روحی مشکلات اوله بلی خوانه مادی مشکلات لری ، مادی مشکلات ئی دومره اهمیت نه لری روحی ځنډه ئی داسی ده چه ځنگه وکړ و داسی ښه او عملی پلان جوړ کړو چه هم منطقی وی او هم دافرادو په ذهنیتونو کښی لکه حیثی جگری انعکاس تولید کړی .

دمثال په توگه - قوماندان باید داذهنیت چه ددبمن خوا په خورا مودرنه وسله مجهزه ده او بحری بوتانسلی ئی لوړدی باید په خبرو کښی لڼو نکړی بیانیی ددبمن خوا قطعاتونه

اجرا کیدله - موجودؤ - په دریمه لاره کښی پخپله دبمن موجود او ټولی وسلی ئی په همدغه ساحه کښی ځای په ځای شوی وی دلته دټولی قوماندان مجبورؤ چه دخپلو لاس لاندی کسانو ټول معنوی او مادی قدرت وپېژنی او بیا وروسته خپله وظیفه سرته ورسوی هغه ؤ چه په خورا زړورتیا او ښه سنجش، دټولی خپله وظیفه ښه اجرا کړه په آخر کښی ده په خپله وویل چه دده افراء له عادی شرایطونه زیات پیاوړی توب او غښتلوب و ښود .

زمونږ په تعلیمی او تربیوی ساحو کښی ډیر کوشش پدی خبره کپړی چه هغه شیان افرا دوته درس ور کړشی چه په جگری کښی دوی ورته ضرورت لری نه داچه زاید شیان په پروگرام کښی شامل کړی شی ؛ همدغسی دښوونی او روزنی په صفحو کښی افراد دمختلفو وضعیتونو سره مخامخ کپړی ترڅو ددوی معنوی او جسمی طاقت دجگری لپاره ارتقا و مومی .

او دتقدیر ورو گړځیددی جزو تامونو افراد و کولای شول چه خپلی وسلی په شه توگه استعمال کړی . اهداف له منځه یوسی ددوی فیرونه او انداختونه خورا ښه اصابت درلود او په اوله گولای به ئی هدف له منځه وړل . دنوی وضعیتونو سره ښه انطباق موندل په چټکتیا سره به ئی مانور اجرا کاوه په حرکاتو کښی ئی ښه انضباط اودسپلین لیدل کیده او داسی نور ټول حربی اوصاف ددوی په حرکاتو کښی موجود او پوره جسمی او روحی پیاوړی توب ئی وښود ددغه تطبیقات په جریان کښی یو موثر لرونکی پلوی ټولی هم برخه واخستله ددی ټولی قوماندان بریدمن (Vkusmin) او دتطبیقات په لړ او دوام کښی دټولی مجبور شو چه له دغو درو لارونه په دبمن تعرض وکړی په یوه لاره کښی ونی پری کړی شوی وی اودیوه مانع ئی جوړه کړی وه په بله لاره کښی اتومی انفجارونه چه دچاودیدونکی عادی موادو په ذریعه

داسی و سلی و سایط او نور تامینات برابر شی چه در شیمانی او قوی دیمن په شان په خورا مهارت او اغیزه ناک ډول تطبیقات ته یوه حقیقی جگړی په غیر دوام ور کړی .

همدغسی قوماندانان او هغه صاحب منصبان چه د تطبیقات پلان جوړوی او اجرا کولو مسئولیت ئی لری ښائی مناسب اراضی و لټوی هغسی اراضی چه په کښی هر راز موانع ، اوبه وړلی بخایونه د اور ساحی رنگارنگ طبعی اهداف ، او یا د مصنوعی اهدافو امکان پکښی وی . همدغسی ډدی منطقه او ساحه کښی طبیعی مواضع ښائی موجودوی دستر و اخفا امکان ، دواړو خواو ته په لاس کښی وی .

په داسی مناسبو شرایطو کښی له یوی خوانه تطبیقا تونه په ښه صورت دوام کوی او د بلی خوانه د افراد او صاحب منصبانو حربی مهارت او قابلیت لاسی زیاتیری او تکامل پیدا کوی . دا خبره چه د جگړی لیدل او یا په هغه

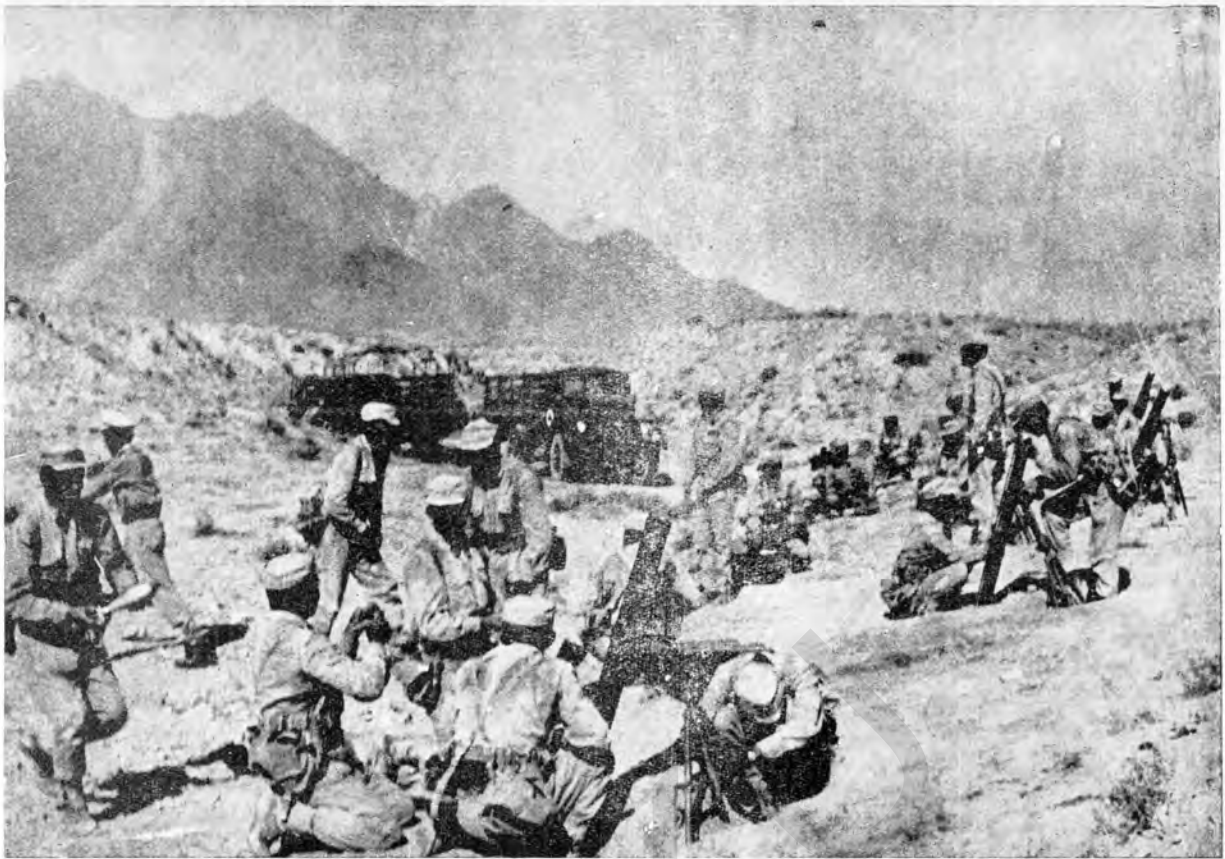
کښی بالفعل جگړی ته دوام ور کول داسی نه ور کوی چه د هغی جگړی ټول تفرعات دنوی افرادو په مغزو نو کښی پاتی شی تجربه ثابتوی چه ویل هم لوی تاثیر لری د تطبیقاتو نو په دوام کښی باید نوی افراد د لمبونو اچول د گولیو غبرونه د ټانکونو لړزونکی حرکات او دود ، د توپ فیرونه او مرمیو انفلاقونه و گوری ترخو ددوی معنوی پوتانسیل لوړی درجی ته وخیږی یعنی باید په یو تکتیکی تطبیقات کښی د هر راز و سلی استعمال او تاثیرات ولیدل شی نه دا چه په یو دوه رازه وسله اکتفا و شی .

بلسه موضوع چه ښائی خامخا د تطبیقاتو په پلان کښی داخل شی داده چه راز راز تلفات په تطبیقات کښی نظر ته و نیول شی عسکرو ته باید وویل شی چه تلفات شته هو داسی تلفات په تطبیقاتی ډول باید وښودل شی مثلا کله داسی وښودل شی چه د یوه جزو تام قوماندان مړ شوی دی او عملا قوماندان

د محاربی نه خارج شوی دی دده د لاس لاندی کسانو نه وظیفه وغښتله شی چه دوی دا خلاخنګه د کوی ، دلته ددوی کارونه او حرکات تر کره کتنی لاندی باید و نیول شی او ددوی د حربی قدرت د لوړیدلو لپاره تطبیقات باید اساسی معیار و گڼل شی د تطبیقات ښه اداره او پرمخ تګ باید د افرادو او صاحب منصبانو په نمره ور کولو باندی لوړه اغیزه ولری دا خبره چه نوی افراد باید تطبیقاتو کښی داخل نشی غلطه ده بعضی قوماندانان وائی چه نوی افراد په تطبیقاتو کښی غلطی گانی کوی نه ښائی د امفکوره ددوی دنه شام لیدو علت په تطبیقات کښی شی بلکه دوی باید په تطبیقاتو کښی اشتراک و کړی هغه غلطی گانی چه اول تطبیقات کښی کوی په دوهم او دریم تطبیقات کښی نکوی ځکه هغوی هم پوهیږی چه د غلطیو تکرار ددوی په نمره باندی ډه اغیزه کوی او بل دا چه بالفعل غلطی گانی اصلاح کیږی .



حین فعالیت افراد مخابراته در تطبیقات



افراد هاوان در موضع های آتش

دربین لخوانه زمرشی او له منخه به ولاړشی نو د قوماندانانو وظیفه ده چه دپوونې او روزنی او تکنیکی تطبیقاتونو په وخت کښی دافرادو ټولو نیمگړتیاو ته متوجه اوسی او په عمومی توگه په ښوونه او روزنه کښی توازن راولی او په ټولو حرکا تو کښی د افرادو خورد ضابطانو او محو نانو د ټولی او بلوک قوماندانانو په منخ کښی یووالی پیدا کړی .

نننی جگړی د عسکر او صاحب منصبانو نه کلک دسپاین - انسیمیایف - چابکی په کارونو کښی د وضعیت درسته محاکمه دجگړی دهر مخ بیولو عالی روحیه او جسمی طاقت غواړی هر غومره چه وسلی زیاتی او مدرنی شی بیا هم دجگړی دسرنوشت په تا کلو کښی انسان رول لری نوښه ښائی چه یواخی دمدرنو وسلو په لرلو سره قناعت وکړو داسی ډیر هیوادونه لیدل شویدی سره له دې چه ښه وسله ئی در لوده اما حاکمیت دوسلی

فعالیتونو باندی ډیر زور واچول شی لکه که افراد دوسلو په استعمال کښی حاکمیت ونه لری د محاربه په وخت کښی په موثر ډول ورنه گټه نشی اخستلای .

دپوونې او روزنی په صفحو کښی نه یواخی دجمع نظام حرکات اوپروسو باندی کار کول تر تطبیق لاندی نیول کیری بلکه ستر واخفا - منهی - دوسلو ساتل - قوماندانیت اولوژستیکی معلومات دمحاربه په حقله افرا دوته ورزده کیری .

تکنیکی قابلیت - حاکمیت پر وساو باندی - فزیکي اوروحی طاقت بایدسره یوځای اوهم آهنک پر مختلفو او یا گدو صفحو کښی مخ ته لاړشی لکه که داسی فرض کوو چه یو عسکر په ښو نیولو کښی ډیر لایق وی اما دسترواخفا پرنسیبونو باندی پوه نه وی اویا په خفاستو کښی فزیکي نیمگړتیاوی ښی نو نتیجه به داوی چه دا عسکر به

په دوهمه عمومی جگړه کښی د شوروی اتحاد مقامات احتیاط را غونډه کړل تجربه شوه چه دوی وکړای شول په لږه موده کښی دیو موظف عسکر په غیر محاربه وکړی . په آخره کښی دا خبره بیا یادوم چه تکنیکی تطبیقاتونه او عملی فعالیتونه او ښوونه اوروزنه دوسلو سره تمرین د عسکرو درسواو تهداب او اساس دی باید په یاد ولرو چه تطبیقاتونه او عملی کارونه عسکر محاربه ته چمتو کوی اوددوی حقیقی مکتب همدغه تطبیقاتونه او عملی ښوونه او روزنه ده .

دپوونې او روزنی په پاره کښی جنرال (E. Ivanovsky) داسی نظریه ښکاره کوی :

«دپوونې اوروزنی په لږ کښی په طبعی صورت دافرادوروحی اوجسمی قوت ارتقاء عمومی عملی کارونه مخصوصاً پر وسلو باندی حاکمیت دپوونې او روزنی اساسی ټکی دی نوښائی پر عملی



گوشه از فعالیت وسایط موتو ریزه در تطبیات

به استعمال کبئی موجود نهؤ دشمن په مقابل کبئی ئی ماته خورلی ده .
 ددلگی، بلوک او تولی د قوماندانانو سوق و اداره او کنترول بیانی ډیر ارتقا و کړی. ځکه که متینه سوق او اداره نهوی بی انضباطی پیدا کبیری او په همغه صورت کبئی ماته حتمی ده .
 کله چه یو جز و تام تعرضی او یا مدافعی تکتیکی وظیفه اجرا کوی بیانی حقیقت ته خو را نژدی شی او تـول سوالونه کوم چه واره قوماندانانو ته پیدا کبیری د قوماندان او یا د تطبیقات اداره کوونکی لخوا یواخی د، وجوده وضعیت په رویشانه کولو کبئی دوی ته وویل شی او وروسته بیما د تکتیکی تطبیقاتو اداره کوونکی نوی وضعیتونه منځ ته راوولی چه موظف افراد او قوماندانان ورته خبر نهوی، پداسی حال کبئی ددوی حقیقی قدرت او مهارت معلومیدلای شی او په هر نوی وضعیت کبئی باید دخل طرز ددوی نه و غوشتل شی .
 دکشف او ترصد عملی پروگرامونه خورا دیادونی وژدی عسکرو ته باید وویل شی چه په جگړه کبئی هره پیښه چه خورالزامکان هم ولری ددشمن درانللو او برید احتمال ورته کیدای شی دتشریک مساعی میتودو نه په انفرادی اودلگی یا بلوک یا تولی په سویه باید عملاً عیاری شی حتی په یوه دلگی کبئی دوسلو په منځ

کبئی څرنگه همکاری اودیوبل حمایه اجرا کیدای شی عسکرو ته ورزده شی دلړوخت نه ډیره استفاده کواو لیاقت اود قرارونو ورکول په منطقی بڼه په لړوخت کبئی دهر عسکر د ښواوصافو له جملی څخه ده .
 کوم شی چه له نورو موضوعاتو نه خورا داهمیت وړدی او د قوماندان دبری او یانه بری مهم عامل ئی گیلای شو دوسلو اود قطعاتو په منځ کبئی دمانور عیار ول او هم آهنگ کول دی یعنی د تولو وسلو کوم چه د جزو تام سره موجود دی ددوی حرکات باید سره جوړبیری او هلته هغه صاحب منصبان ، واره ضابطان او افراد چه دوسلو په خلاصولو تړولو او انقطاعو په لری کولو او همغسی د وسایطو په فعال کولو اود نواقصو په لری کولو کبئی مهارت ولری د معلم او استاد په حیث په بیل بیل تیمونو او گروپونو کبئی موظف شی او نورو ته په خورا سره سینه او مینه ورزده کوی او هغوی دی مرحلی تدرسی چه هغوی هم د معلمی قدرت عملاً پیدا کړی اودومره غښتلی شی چه په شپه اوسختو شرايطو کبئی خپله وسله په ښه او موثره توگه استعمال وکاندی .



تانکها قبل از تعرض

(پاتی په ۳۲ منځ کبئی)

شرق میانه - کانون حوادث تازه

پیچیدگی های بین المللی بحران در چه مرحله ای

قرار دارد؟

نتیجه کنفرانس اسلامی رباط - ستراتیژی عرب در حرب مضمحل کننده

طی دو ماه گذشته در مورد بحران شرق میانه حوادث بس مهمی رخ داد زیرا در طول همین مدت قسمتی از مسجد مبارک اقصی به تخریب یک عامل اسرائیل سوختانده شد، در مجمع عمومی موسسه ملل متحد در اطراف بحران شرق میانه نظریات زیادی از طرف نمایندگان کشورهای مختلف ابراز گردید و در رباط نمایندگان بیست و شش کشور اسلامی در کنفرانسی

اشترک و وزیدند که به مقصد بحث در اطراف محافظت اماکن مقدس اسلامی در داخل ساحه های تحت اشغال اسرائیل و موضوعات مربوط به آن دایر گردید. علاوه بر آن در امتداد خطوط تماس تصادمات پیمپی بین نیروهای عرب و اسرائیل دوام داشت در حالیکه سر و صدای فعالیت کوماندوهای عرب هم از هر گوشه و کنسار جهان شنیده میشود. بنسaber همین موضوعات یکبار دیگر این سوالات بمیان می آید که آیا بحران شرق میانه اکنون از نگاه سیاسی و نظامی در چه مرحله ای قرار دارد؟ آیا تصادمات منطوقی کنونی هنوز هم تامدتی بشکل منطوقی خواهد ماند و یا امکان یک حرب دیگر در آینده نزدیکی احساس میگردد؟ آیا قضاوت جهانیان و توصیه های موسسات بین المللی و نفوذ چهار قدرت بزرگ اسرائیل ستیزه جورا بطرف یک راه حل منصفانه و مسالمت آمیز نزدیک



جمال عبدالناصر رئیس جمهور ج.ع.م

سرزمین های کشورهای عربی تحت اشغال اسرائیل آمد، بحران شرق میانه شدت بی سابقه ای یافت طوریکه از آن تاریخ تا کنون کشورهای علاقمند در وضعیت سفربری بسر می برند و هیچ هفته ای سراغ نمیگردد که طی آن تصادمات مسلحانه بین طرفین در امتداد خطوط تماس به عمل نیامده باشد. در طول تقریباً ۲۹ ماه گذشته تحولات و تغییرات شدید و سریعی در

خواهد ساخت؟ یا لیبی حرب مضمحل کننده که اکنون از طرف ملل عربی تعقیب میگردد و کوماندوهای عرب در آن نقش بارزی دارند تا کدام اندازه در حصول نتیجه نهائی حایز اهمیت می باشد؟ و به همین ترتیب دهها سوال دیگر. هرچند نمیتوان طور دقیق جواب این سوالات را داد ولی تا جائیکه شکل جریان حوادث فعلی نشان میدهد با مطالعه عمیق اوضاع کنونی میتوان بعضی فرضیه ها و تخمینات را درین مورد قبول کرد.

هرچند بحران شرق میانه از مدت تقریباً بیست و دو سال به اینطرف به شکل لاینحل باقیمانده است و متارکه و اوربند های گذشته پرابلم اصلی را گاهی حل کرده نتوانسته بلکه صرف وقفه ای را بین مجادلات مسلحانه به وجود آورده است ولی پس از حرب شش روزه سال ۱۹۶۷ که قسمتی از

اوضاع سیاسی و نظامی شرق میانه نیز رخ داده است و در ساحت بین‌المللی نیز در مورد شرق میانه انکشاف و تحولاتی بوجود آمده است از این رهگذر اگر تخمین نمائیم که در آینده هم سرعت تحولات و تغییرات سیاسی و نظامی شرق میانه روبه افزایش بوده انکشافات و تغییرات با شدت بیشتری محسوس خواهد بود، از حقیقت آنقدر دور شده نخواهیم بود، مگر باید این مسئله را هم مد نظر بگیریم که برخی بر این باورند که از طریق نظامی در مدت کوتاهی به نتیجه میرسد از راه سیاسی ممکن است در یک مدت طولانی هم به نتیجه نرسد و با طولانی شدن مدت دوام بحران و تعقیب میتود های خالص سیاسی برای حل آن امکان بوجود آمدن پیچیدگی های تازه تری در آن موجود می باشد زیرا در شرایط کنونی بین - المللی هیچ بحران منطوقی در همان ساحت محدود نمی ماند بلکه دلچسپی های ملل زیادی را بر می انگیزد و چون اوضاع بین المللی طور دوامدار در حال تحول و تغییر می باشد ازین رهگذر طولانی شدن یک معضله باعث وارد آمدن تغییرات و پیچیدگی های دیگری در آن قرار میگیرد. این مسئله وقتی حایز اهمیت بیشتر است که خواسته های ملی طرف های علاقمند در یک بحران دارای تضاد بیشتری بوده و



گلدامیر، صدراعظم اسرائیل

خواسته های مذکور برای طرفهای مربوطه اهمیت حیاتی داشته باشد. در آنصورت طبعاً در طول بازی های سیاسی و فعالیت های دیپلوماتیکی هر دو طرف برای پیدا کردن امکان توسل چاره نهایتی در تقویة بنیة نظامی خود مساعی پیگیری را بعمل خواهند آورد و طی آن همینکه یکطرف خود را قادر بحصول مطلب از طریق نظامی احساس نماید بنابر اهمیت حیاتی که خواسته هایش برای او دارد بلافاصله به اسلحه دست خواهد برد و به این ترتیب جریان حوادث را از شکای بشکلی تغییر خواهد داد. اکنون هم خواسته های کشور های عربی و اسرائیل در خصوص بحران شرق میانه برای آنها اهمیت حیاتی دارد و ازین نگاه تا آخر امکان هم در راه حصول آن دست از تلاش برنمی دارند و بنا بر همین علت در حالیکه طرفین در ساحت بین المللی به فعالیت های دوامدار سیاسی مصروف می باشند از تقویة بنیة دفاعی خود هم غافل نیستند تا بدانوسیله چانس استفاده از وسیله نهایتی را از دست ندهند. بنا بر این میتوان چنین فرض نمود که بحران شرق میانه اکنون در مرحله ای قرار دارد که میتوان آنرا مقدمه یک حادثه بزرگ نامید و اگر بگوئیم وضعیت موجوده وقته ای بین دو حادثه بزرگ میباشد باز هم اقلاناً نظر به تخمینات فعلی درست خواهد بود پس اوضاع کنونی شرق میانه آستان حوادث بزرگ بعدی بشمار میرود که معلوم شود نتیجه آنرا سربازان بدست خواهند آورد و یا دپلوماتها غالباً چنین تخمین شده میتواند که در حصول این نتیجه باید نظام میان و سیاسیون دوش بدوش هم فعالیت ورزند.

جریانات سیاسی:

از حرب شش روزه سال ۱۹۶۷ شرق میانه تاکنون طوریکه به ملاحظه میرسد در اوضاع سیاسی مربوط به این بحران تغییرات و تحولات زیادی رخ داده است حتی کشورهای بزرگ هم اکنون

مقابلۀ تجاوز و دفاع را در شرق میانه بایب تفاوتی تماشا نمی کنند بلکه به نحوی از انجا به منظور تامین دلچسپی های خود در جریانات مربوط به آن تأثیری وارد می آورند متأسفانه در بعضی موارد همین کشورهای بزرگ اند که از مصیبت های جنک دیگران استفاده های سیاسی میبرند و این موضوع انگیزه مداخلات سیاسی کشورهای مختلف خارج حوزه در بحران شرق میانه قرار میگیرد. بنا بر آن جای تعجب نیست اگر تعدادی کشور های کوچک به منظور حصول کومک های مادی از اسرائیل و یا برخی ممالک بزرگ به مقصد تامین منافع سیاسی خود به دستگیری اسرائیل در جبهه مخالف کشور های عربی در ساحت سیاسی قرار میگیرند در مورد کشورهای عربی نیز همین وضعیت موجود است و آنها نیکه طالب منفعت مادی و سیاسی با استفاده از ملل عرب می باشند خواهی نخواهی از جبهه عرب در ساحت سیاسی پشتیبانی بعمل می آورند و در این میان دولیکه محض بنام حق و عدالت از موقف عربها حمایت می ورزند و بدون هیچ غرض سیاسی و اقتصادی آوارگان فلسطین و ممالک عربی را که در اثر تجاوز قسمتی از خاکهای خود را از دست داده اند حق بجانب می شمارند در اقلیت قرار دارند این موضوعات پدیدۀ های عصر ما شنی است که در آن بسر میبریم و می بینیم که در آن بعضی اوقات عدالت بشری تحت الشعاع غرض های سیاسی و اقتصادی قرار میگیرد زیرا اگر چنین نمی بود تا امروز که از فیصله های شوری امنیت موسسه ملل متحد در مورد عقب رفتن قوای نظامی اسرائیل از ساحت های اشغال شده جمهوری متحده عربی، اردن و سوریه تقریباً ۲۹ ماه میگذرد حتماً فیصله جهانی در شرق میانه تطبیق میشد ولی طوریکه خوانندگان محترم مطلع میباشند تا کنون نه اسرائیل به فیصله های موسسه ملل متحد که خود عضو آن

میباشد و قعی گذاشته است و نه از ادعا های افراطی خود برای برقراری صلح در شرق میانه دست کشیده و هنوز هم کشور هائی درین جهان موجود میباشد که اسرائیل را حق بجانپ میدانند. روی این اساس معلوم میگردد در این روزگار که انکشافات تخنیکی پای انسان را به مهتاب کشاند و پیشرفت های قابل ملاحظه ای نصیب او گردانید نسل بشر تا کدام اندازه در قضاوت خود تحت تاثیر غرض های سیاسی و اقتصادی قرار میگیرد و انصافاً باید گفت که اگر از حیث ارتباط فیزیکی انسانها با هم بسیار نزدیک شده اند از فکاه معنی روز بروز از همدیگر دورتر شده میروند. با مطالعه اوضاع اجتماعی جهان این مسئله خود بخود روشن میشود و بنابراین پرابلم های جنگ و صلح حتی در یک گوشه جهان هم بتدریج پیچیده تر میگردد. بحران شرق میانه هم تحت تاثیر همین وضعیت قرار دارد و در بسا موارد دستخوش بازی های سیاسی دیگران است که در آن حتی اظهارات قاطع هم در قالب جملات چند پهل و فریب دهنده ابراز میگردد. تردیدی نیست که پس از حرب گذشته اتحاد شوروی کمبود بیشما اسلحه و وسایل نظامی جمهوری متحده عربی و سوریه را اکمال نمود و یکبار دیگر بطور کامل اردو های کشور های موصوف را تسلیم و تجمیز کرد و در ساحه تعایم و تربیه پرسونل نظامی و مشوره های عسکری نیز با آنها کومک های قابل ملاحظه ای بعمل آورد و گذشته از آن از موقف ممالک عربی در ساحه سیاست بین المللی همیشه پشتیبانی نمود مگر باوصف این موضوعات همینکه اتحاد شوروی را بحیث یک قدرت بزرگ جهانی مد نظر بگیریم معلوم میشود که طرز تلقی آن کشور در مورد بحران شرق میانه هنوز کاملاً روشن نیست، آیا آن کشور صرف تاموقعیکه این بحران در ساحه سیاسی قرار دارد ازین پالیسی معمول خود پیروی مینماید و یا در

وقتیکه بحران باعث بر خورد قوت های مسلح طرفین گردد و جنگ دیگری بوجود آید باز هم پشتیبانی نظامی خود را از ممالک عربی دریغ نمیدارد اگر جواب سوال دوم منفی باشد یعنی در جنگی که در آینده بین کشور های عربی و اسرائیل صورت گیرد اتحاد شوروی مداخله نظامی بعمل نیاورد، و غالباً هم همینطور فکر میشود، در آن صورت میتوان ادعا کرد که اتحاد شوروی باید تمام مساعی خود را برای حل بحران در ساحه مسالمت آمیز متمرکز سازد طوریکه اکنون هم از قراین همین طور معلوم میشود. دلایلی که این فرضیه اخیر الذکر را قویتر می سازد عبارت از این است که نه امریکا و نه اتحاد شوروی مایل به مقابل ساختن نیرو های نظامی شان در شرق میانه به نفع طرف های علاقمند میباشد زیرا در آن صورت حرب منطوقی شرق میانه شکل حرب جهانی را بخود میگیرد و نتیجه آن عجلاناً برای هر دو طرف مطلوب و قناعت بخش تخمین نمیگردد پس اقلاناً از روی این استدلال معلوم میشود که در یک حرب آینده بین ممالک عربی و اسرائیل (به شرطیکه وضعیت سیاسی جهان تا آنوقت شدیداً تغییر نخورد و غالباً هم همینطور خواهد بود) اتحاد شوروی مداخله نظامی بعمل نخواهد آورد و در آن صورت کشور های عربی خواه غالب شوند و خواه در نتیجه جنگ مغلوب گردند پاسیف ماندن اتحاد شوروی را دلیل عدم معاونت واقعی ایشان در بحران شرق میانه تلقی خواهند کرد و این مسئله باعث کاهش و حتی از بین رفتن نفوذ و تمام امتیازاتی خواهد شد که اتحاد شوروی در نتیجه کومک های نظامی با کشورهای جمهوری متحده عربی و سوریه بدست آورده و با پشتیبانی سیاسی از موقف عربی آنرا تقویت بخشیده است از دست رفتن این نفوذ و امتیازات واقعاً برای اتحاد شوروی ناگوار خواهد بود زیرا آن کشور در اثر همین نفوذ توانست



عساکر خسته اسرائیل - هر لحظه خطرات گوناگون در کمین شان است

چون به مریضی انفلوآنزا مصاب گردید سفر خود را به اتحاد شوروی فسخ کرد تمام این موضوعات باعث بروز شایعات مختلفی شد که در آن از اختلالات داخلی جمهوریت عربی متحد و بهم خوردن مناسبات رئیس جمهور آن کشور با اتحاد شوروی حکایت ها میکردند ولی حقیقت آن همان چیز هائی بود که فوقاً به آن اشاره شد. تردیدی نیست که اتحاد شوروی بسیار کوشش میکنند جریانات سیاسی و نظامی شرق میانه را نظریه پلان های خود کنترل نمایند و آنرا در مسیر دلخواهش قرار دهد همانطوریکه امریکا نیز در تلاش همین مطلب است و درین ضمن عدم موافقت کشورهای شامل ساحه اکثر آباریکی های سیاسی را بوجود آورده باعث بروز شایعات گوناگون میشود.

درین ضمن صدراعظم اسرائیل گولدامایر در امریکا غرض بدست آوردن اسلحه و وسایل بیشتر نظامی از آنکشور تلاش داشت. اسرائیل همانطوریکه از ابتدای بوجود آمدن در خاک فلسطین از

گیرد ولی جمال عبدالناصر توضیح داشت تا زمانی که اسرائیل موافقه نکند که به خط پیش از حرب ماه جون سال ۱۹۶۷ عقب رود، آنها حرب مضمحل کننده را مقابل اسرائیل دوام خواهند داد. پس از آن سیاستمداران اتحاد شوروی در ساحه شرق میانه و ساحه بین المللی کوشش کردند تا امکان تصادم مجدد را بین نیروهای متخاصم ضعیف سازند و از همین رهگذر این شایعات سرزبانها افتاد که زعمای شوروی تمایلی بطرف علی صبری صدراعظم سابق جمهوریت متحد عرب و رهبر حزب اتحاد سوسیالیستی عرب آن کشور پیدا کرده اند. توقف چند ماهه علی صبری در اتحاد شوروی در تابستان گذشته این شایعات را تقویت بخشید و موقعیکه علی صبری به قاهره بازگشت به اتهام برخی مسایل مدتی در نمانه اش تحت نظارت قرار گرفت و پس از آن از پست های حساس در حزب اتحادیه سوسیالیستی عرب محروم ساخته شد. این موضوع هم بر شدت شایعات قبلی افزود ولی حقیقت آن هنوز مجهول است به همه حال پس از آن جمال عبدالناصر، ذکر یامحی الدین را بحث صدراعظم به تشکیل کابینه جدید مامور ساخت، اخیر الذکر توضیح نمود که این وظیفه را در صورتی خواهد پذیرفت که مربوطیت جمهوریت متحد عرب را به اتحاد شوروی تا اندازه زیادی تقلیل بخشد. طوریکه بعضی ناظرین اظهار عقیده میدارند چون جمال عبدالناصر قبول کرده نمیتوانست بطور بسیار علنی کاری مخالف اتحاد شوروی بعمل آورد شرایط ذکر یامحی الدین را رد نمود ولی در موقعیکه قوت های اسرائیل در اوایل ماه میزان سال جاری يك حمله ده ساعته را در غرب کاناال سویز بعمل آوردند جمال عبدالناصر موقعیت برخی از قطعات خود را برخلاف طرح های مشاورین نظامی اتحاد شوروی تغیر داد و تبدلاتی را در اشخاصیکه پست های فعال را بدست داشتند بعمل آورد و آنگاه

تا کنون سیاستمداران اتحاد شوروی در بسا موارد کوشیده اند جلو اقدامات افراطی نظامی کشورهای عربی خصوصاً جمهوریت متحد عرب را بگیرند. یک ماه پیش همینکه سران و نمایندگان کشورهای اسلامی آماده عزیمت به کنفرانس رباط بودند شایعه های زیادی انتشار یافت که حاکی از اختلافات داخلی در جمهوریت متحد عرب و پیداشدن باریکی هائی در روابط جمال عبدالناصر رئیس جمهور متحد عرب و اتحاد شوروی بود گرچه این شایعات کاملاً روی حقایق اتکا نداشت مع هذا کوشش سیاستمداران اتحاد شوروی برای کنترل حوادث نظامی شرق میانه باعث بروز این شایعات گردید. جمال عبدالناصر که تا کنون هم محبوبیت زیادی در جهان عرب دارد و هواخواهان بیشهاری در هر گوشه و کنار جهان عرب اورالیدر قابل قبولی می شناسند در بسا تصمیم ها و فیصله های سیاسی و نظامی اش کوشش میکند استقلال فکر و عمل را محافظه دارد و ارتباطش با کشورهای خارجی منجمله اتحاد شوروی کاملاً باعث از دست رفتن انسیاتیف و آزادی حرکتش نگردد. او معتقد است که با اجرای حرب مضمحل کننده بدون کومک دیگران با استفاده از سر زمین های وسیع لیبیا، الجزایر و سودان برای صد سال دیگر هم حرب را با اسرائیل دوام داده میتواند. مگر از چندی به اینطرف عناصر تند و احساساتی اردوی جمهوریت متحد عرب به اجرای عملیات وسیع نظامی و اجرای حرکات فعال به مقابل اسرائیل اصرار می ورزیدند و این مسئله برای مشاورین روسی آنها خوش آیند نبود و به این نظریات مخالفت میکردند زیرا هنوز طرفدار جنگ دیگری بین اردو های عرب و اسرائیل نمی باشند چند ماه پیش هم که آندره گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی وارد قاهره شد به رئیس جمهور آنکشور توصیه کرد در مورد صلح با اسرائیل راه معتد لتری را در پیش

نگاه سیاسی و اقتصادی بالای اضلاع متحده آمریکا اتکا داشت اکنون هم آن تسکینه گاه خود را خصوصاً در ساحه سیاسی در دست دارد، در طول دوره ریاست جمهوری لیندن جانسن که حرب سال ۱۹۶۷ هم بوقوع پیوست اسرائیل به حمایت آمریکا موفق شد برخی از مردم جهان را به این متفکوره غیر قابل قبول معترف گرداند که در حرب مذکور اسرائیل متجاوز نبوده است پس از آن هم آمریکا در ساحه بین المللی حامی درجه يك موقف اسرائیل بوده است. موقعیکه ریچارد نکسن زمام امور ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا را بدست گرفت در اوایل مرحله اعلام داشت که میخواهد در مورد بحران شرق میانه وضعیت بیطرفانه را محافظه دارد، اگرچه این موضوع در انوقت موقتاً موجب دلخوشی ملل عربی و نگرانی اسرائیل شد ولی بزودی پرده از روی تظاهر بلند رفت و روابط آمریکا و اسرائیل بار دیگر همان شکل عنعنوی را بخود گرفت و باوجودیکه اسرائیل اندیشه داشت مبادا آمریکا برای جلب همکاری بیشتر اتحاد شوروی در حل بحرانهای ذیعلاقه هر دو کشور از مخالفت با عربیها دست بردارد خصوصاً در حالیکه ریچارد نکسن در همان اوایل اعلام داشت که برای حل اختلافات شرق و غرب و مذاکره مستقیم با سران اتحاد شوروی مساعی بعمل خواهد آورد، بانهم بزودی واقعیت چهره اصلی خود را نشان داد و این موضوع را یکبار دیگر روشن ساخت که سایر مسایل هنوز آنقدر کسب شدت ننموده است که پالیسی آمریکا را در مورد شرق میانه و اسرائیل تحت تاثیر دینامیک خود قرار داده آنرا از شکلی به شکلی تغییر دهد. بنابراین اگر چه روش اداری و سیاسی نکسن با جانسن در مورد شرق میانه فرق دارد ولی همان مطالب عمده را احتوا مینماید که در خط مشی جانسن هم موجود بود. دپلوماتهای اسرائیل هم بارها به این موضوع اشاره

کرده اند. به هر صورت پس از آنکه مدتی صدور اسلحه و وسایل نظامی آمریکا به اسرائیل ظاهراً قطع شده بود بالاخره چند ماه پیش پنجاه طیاره جت فانتوم از طرف آمریکا برای اسرائیل منظور گردید که قیمت مجموعی آن به دو صد میلیون دالر میرسد. گولدامایر در مذاکرات اخیرش باز عمای آمریکا طی مسافرتش به آنکشور مطالبات تازه تری را پیش نمود. پتانچه از آمریکا در خواست کرد که علاوه بر پنجاه طیاره فانتوم که قبلاً برای اسرائیل منظور گردیده است بیست و پنج طیاره دیگر از همان نوع و هشتاد طیاره جت سکای هاک A-4 نیز به اسرائیل داده شود گذشته از آن گولدامایر طی مذاکرات خصوصی با ریچارد نکسن توضیح نمود که اسرائیل به علت داشتن بودجه سنگین نظامی به معاونت های بزرگ اقتصادی نیازمند است که در آن جمله باید برای سالهای آینده مبلغ چهار صد میلیون دالر از طرف آمریکا به آن کشور قرضه داده شود. البته

(داوه ویشتم مخ پاته)

دیشی و نی اوروزنی اووه

به خپله ساحه او وظیفه کښی هر قوماندان دی ته مجبوری چه کنترول او تفتیشونه اجرا کړی او د جزو تام او قطعی واقعی قدرت مخانته معلوم کړی. قوماندان ته باید جزو تام او قطعه په اصلی او حقیقی سویه ور بشودله شی ځکه قوماندان د اصلاح لپاره تفتیش کوی نه داچه د سرزنش لپاره. هغه افراد چه روحی او جسمی نیمگړ تیاوی لری او د اصلاح او علاج امکان ئی نه وی باید قوماندانانو ته معلوم وی او په پاسیفو وظایفو استخدام شی. په آخره کښی داپه کلکه سره وایو چه د افراد وپه روحیه کښی د مسئولیت حسن تقویه شی او هغه خطا گانی چه دوی په مجاربه کښی کوی بیانی اصلاح شی ترڅو د اردو ټول افراد په خپلو وظایفو کښی مسئولیت حسن کړی.

رئیس جمهور آمریکا به کمال احتیاط درین مورد اظهاراتی بعمل آورد تا پیش از وقت وعده چیمزی را به صدر اعظم اسرائیل ندهد معهداً پیشنهادات او را تا کنون بشکل واضح رد نکرده است درین ضمن رئیس جمهور آمریکا وزیر خارجه آنکشور را که در ملل متحد بود احضار کرد تا به صدر اعظم اسرائیل طرز تلقی و پالیسی های آمریکا را در مورد حوادث شرق میانه توضیح نماید ویلیام راجرز وزیر خارجه آمریکا به صدر اعظم اسرائیل اظهار داشت که عجله آمریکا نخواهان یک صلح شرق میانه برسم فیصله رود زیرا می باشد. فیصله رود در جزیره رودز واقع بحیره ایجین در زمستان سال ۱۹۴۸-۱۹۴۹ پس از نخستین حرب عرب و اسرائیل بعمل آمد و در آنجا طرف های متخاصم هیچگاه باهم مقابل نشدند بلکه داکتر رالف بنیچ وسیله میانجی گری قرار گرفت و فیصله ای را میان طرفین بعمل آورد. راجرز تصریح داشت که امکان این موجود است که اکنون داکتر گوناریارینگ نماینده ملل متحد به طرح و تطبیق چنین فیصله موفق گردد به عقیده آمریکا بحران شرق میانه از طریق مسالمت آمیز برسم فیصله رود تا اندازه زیادی قابل توصیه میباشد زیرا به آن صورت خواسته های هر دو طرف به شکلی عملی میگردد. یعنی کشور های عربی که از مذاکره مستقیم با اسرائیل امتناع می ورزند با طرح فیصله ای برسم فیصله نامرودز به آرزوی خود میرسند زیرا فیصله را از طریق دست دیگری قبول مینمایند. همچنان اسرائیل که خواستار حل بحران از داخل ساحه میباشد و با هر نوع فیصله تحمیلی از ساحه بحران مخالفت میورزد نیز مرام خود را میباید زیرا در پایان کار اسناد فیصله نامه به امضای طرف های متخاصم میرسد. مگر با وصف این موضوع حتی در صورتی که طرفین متخاصم این طرح را قبول هم بنمایند تضاد خواسته های طرفین به اندازه ای بزرگ است که فیصله نهائی وحل بحران

از راه صلح آنقدر هم کار ساده ای نیست و به این سهولت امکان ندارد زیرا اسرائیل نمیخواهد از تمام مناطقیکه در نتیجهٔ حرب شش روزه بدستش آمد خارج شود و کشورهای عربی طوریکه اخیراً در کنفرانس اسلامی رباط یکبار دیگر تأیید شد میخواهند اسرائیل تمام اراضی را که در آن تجاوز بدست آورده است ترك دهد. گولدا مایر صدراعظم اسرائیل تاکنون اظهار داشته است که برای حل بحران شرق میانه یا باید مذاکرات مستقیم بین اسرائیل و کشورهای عربی بعمل آید و یا این مفکوره کاملاً از بین برده شود زیرا اسرائیل جز مذاکرات مستقیم هیچ نوع فیصلهٔ دیگری را نخواهد پذیرفت. علاوه بر این گولدا مایر توضیح کرد که طرح پروگرام صلح و یا فیصله ای را درین مورد که از طرف اتحاد شوروی بعمل آید به هیچ وجه پذیرفته نمیتواند در حالیکه امریکا آرزو مند اشتراك اتحاد شوروی در مذاکرات صلح مربوط به شرق میانه میباشد ولو تحت هر نوع شرایط صورت گیرد. بنابراین طوریکه به ملاحظه میرسد با آنکه



موشه دایان، وزیر دفاع اسرائیل مساعی بخرچ میدهد تا هر لحظه تا کتیک های استعماری خود را تغییر بدهد.

امریکا کاملاً در جبههٔ اسرائیل به مقابل دول عربی قرار دارد و در ساحهٔ سیاسی از منافع آن پشتیبانی میکند هنوز اختلافات جزئی در شکل حل بحران شرق میانه بین امریکا و اسرائیل موجود است. این فرضیه را میتوان قبول کرد که امریکا هم عجلهٔ طرفدار یک حرب بزرگ بین نیروهای شرق میانه نمیباشد زیرا امکان دارد این مرتبه اسرائیل همان چانس سال ۱۹۶۷ را بدست نیاورد و اگر فشار کشور عربی بر اسرائیل طوری نیرومند گردد که تمامیت اسرائیل را در خطر افکند آنگاه امریکا بر سر یک دوراهی عجیبی قرار خواهد داشت که آیا خطر مداخلهٔ نظامی را در شرق میانه قبول کند و یا اسرائیل را در ساحهٔ نظامی به مقدراتش بسپارد گذشته از آن در صورتیکه مداخلهٔ نظامی امریکا مدنظر باشد باز هم این مسئله کار ساده ای نیست و گذشته از مشکلات سیاسی و اجتماعی که در راه چنین مداخله کمین کرده است مداخلهٔ مذکور خالی از اشکالات نظامی هم نخواهد بود. به همین صورت دوام حرب مضمحل کننده از طرف کشورهای عربی به همت کوماندوهای عرب عواقب وخیمی برای اسرائیل دارد و جنبش زیونیزم (صهیونیزم) را به مشکلات بزرگی مواجه ساخته میتواند وریشهٔ اختلافات را روز بروز عمیقتر خواهد ساخت و آنوقت آشتی دادن احساسات طرف های متخاصم تقریباً ناسمکن خواهد بود، این اختلافات عمیق اگر با نیرومند شدن دول عربی و یافدائی های فلسطین بساحهٔ عمل آید و اسلحهٔ آتشین وسیلهٔ نشان دادن آن قرار گیرد آنوقت بحران شرق میانه هنوز هم وخیمتر خواهد شد. روی این ملاحظات اگر تلاش امریکا برای برقراری صلح در شرق میانه به منظور خاتمه دادن به وضعیت جنگ بین کشورهای آن ساحه نیابد. به مقصد تأمین دلچسپی های دور منزل امریکا در آن سامان بیجا تلقی نمی شود. البته اکنون امریکا کوشش میکند خواسته های ابراطی اسرائیل را در نظر دیگران

مستقل و معقولی را در مورد بحران شرق میانه تعقیب میکرداکنون همان چهره گذشته را نشان نمیدهد. اگرچه جارج پومپیدو نیز از حیث پرنسیب بانظرات گذشته آنقدر مخالف نیست ولی دیگر همان شدت گذشته را ظاهر نمی‌سازد. جنرال دوگول در مورد زیادی با برخی کشورهای غربی مقاطعه میکرد پالیسی مستقل او در باره شرق میانه هم نزد دول غربی زیاد تر چشمگیر واقع میشد و امروز هم شاید همان پالیسی تعقیب شود ولی دیگر آن شدت گذشته را نشان نمیدهد درین اواخر چنین تخمین میشود که فرانسه پرز. های فالتورا برای اسلحه و وسائل نظامی اسرائیل که ساخت فرانسه می‌باشد به آن کشور خواهد داد اگر واقعاً چنان شود در آنصورت میتوان ادعا کرد که در پالیسی حکومت فرانسه در مورد شرق میانه تغییریاتی رخ داده است.

نتیجه کنفرانس اسلامی رباط:

به تعقیب حریق مسجد مبارک اقصی که گفته می‌شود به تحریک اسرائیل صورت گرفته و در اثر آن یک قسمت از مسجد اقصی سوخته است آشوب تازه در ساحه شرق میانه برپا شد و چون با این موضوع تمام عالم اسلام علاقه میگرفت بنا بر آن نمایندگان کشورهای اسلامی در تمام مجامع ملی و بین‌المللی عمل اسرائیل را شدیداً تقبیح نمودند و بدرخواست آنها شورای امنیت تشکیل جلسه داد و در نتیجه مباحثات مربوط طی فیصله نامه روش اسرائیل را در برابر مسجد مقدس مسلمین تقبیح نمود درین ضمن اسرائیل هم به پرو پاگند های شدید دست زد و بوسیله آن میکوشید مسئولیت حریق مسجد اقصی را از خود دور نماید مگر علیرغم دلایل عجیب و باور نکردنی اسرائیل کشورهای اسلامی را با احساسات بر افروخته نگرانی‌های عمیق خود را در خصوص محافظت و حراست جاهای مقدس اسلامی در ساحه تحت اشغال اسرائیل اظهار داشتند این نگرانیهای

عمومی باعث این شد که تمام کشورهای اسلامی آمادگی خود را برای اشتراك در یک کنفرانس سران اسلامی که در رباط پایتخت المغرب دایر گردید نشان دهند. در کنفرانس رباط که در آخر ماه سنبله سال جاری دایر شد سران ویا نمایندگان ۲۶ کشور اسلامی به شمول افغانستان اشتراك ورزیدند و جلال‌تباب صدراعظم افغانستان درین موتمن اسلامی از اعلیحضرت معظم همایونی نمایندگی میکرد. متأسفانه درین کنفرانس تاریخی اسلامی که در تاریخ چهارده قرنه اسلام اهمیت خاصی دارد برخی ملاحظات سیاسی و مخالفت‌های دیپلماتیکی و ایده‌لوژیکی بر طرز تلقی برخی کشورهای موثر بود، تعد ادی از سران کشورهای عربی که به ساحه بحران نزدیک بوده مستقیماً به آن علاقه داشتند شخصاً درین کنفرانس اشتراك نورزیدند زعمای عراق و سوریه که به حزب بعث منسوب میباشند و جمال عبدالناصر رئیس جمهور متحد عرب شخصاً در موتمن اسلامی رباط سهم نگرفتند. در جریان کنفرانس وقتیکه نمایندگان از هند هم دعوت بعمل آوردند (زیرا یک اقلیت شصت ملیونی مسلمان در آن کشور موجود می‌باشد) تا درین کنفرانس اشتراك ورزد، آن کشور سفیر خود را در رباط مامور اشتراك در کنفرانس و نمایندگی از هند ساخت. اخیر الذکر که غیر مسلم و یکنفر سیک بود بر وز دیگر وارد موتمن شد در اثر این حرکت جنرال یحیی‌خان رئیس جمهور پاکستان احتجاجاً از کنفرانس خارج شد و مدتی با کنفرانس مذکور مقاطعه نمود بعلت اینکه بیست و شش کشور اسلامی دارای پالیسی‌های متنوع درباره سیاست بین‌المللی می‌باشند در جریان کنفرانس زمانیکه موضوع به ساحه بین‌المللی کشانده میشد وجوه مشترک بین اظهارات نمایندگان کمتر شده میرفت و ازین رهگذر ترتیب اعلامیه مشترک مشکلاتی را بار آورد. مثلاً چنین فکر میشد که باید در این اعلامیه از

کشورهای اسلامی خواسته شود که هر نوع ارتباط سیاسی را با اسرائیل قطع نمایند ولی به علت اینکه هفت کشور اسلامی با اسرائیل روابط دیپلماتیک دارند. این موضوع از اعلامیه مشترک حذف گردید و رویه گرفته آنچه خواسته مشترک کشورهای اسلامی را تشکیل میداد تقریباً همان متن فیصله نامه سال ۱۹۶۷ موسسه ملل متحد بود و بنا بر آن در اعلامیه مشترک قسمتی از فیصله نامه مذکور را که از اسرائیل میخواست از تمام مناطقی که در اثر حرب شش روزه سال ۱۹۶۷ بدست آورده است خارج شود. اعلامیه از چهار قدرت بزرگ درخواست نمود که یک راه حل منصفانه را برای حل بحران شرق میانه جستجو نموده مساعی خود را در این راه شدیدتر سازند. کذا نمایندگان حمایت خود را در مورد مهاجرین عرب فلسطین که پس از جنگ سال ۱۹۴۸ خاک و وطن خود را ترك داده اند اظهار داشتند.

به اینصورت طور یکه به ملاحظه میرسد هنوز هم پیدا کردن وجوه مشترک بین پالیسی‌های بیست و شش کشور اسلامی کار مشکلی بحساب میرود و این موضوع قابل تعجب نیست زیرا کشورهای اسلامی در اثر حوادث پیهم تاریخی از مدتها پیش ارتباط داخلی خود را تا حدی از دست داده‌اند و در ساحه سیاسی باعث این شده است که پالیسی‌های متنوع را تعقیب نمایند دوری هائیکه در قرون گذشته بین این کشورها موجود بوده است تا کنون بر حیات سیاسی آنها مشهود می‌باشد و قتی انسان فکر میکند که دول عربی که در برابر دشمن مشترکی قرار دارند هنوز یک اتحاد کاملی بین خود پیدا نکرده اند پس چگونه میتوان ادعا کرد که تمام کشورهای اسلامی هم اهداف و پالیسی‌های مشترکی دارند، در شرایط کنونی بین‌المللی کشورهای عربی ویا کشورهای اسلامی قتی میتوانند دوری‌های اجتماعی و سیاسی خود را از بین بردارند که باهم

ارتباط نزدیکتر سیاسی، کلتوری و فرهنگی پیدا نمایند. کنفرانس رباط نشان داد که کشورهای اسلامی تا کدام اندازه نیازمند توسعه چنین مناسبات و روابط با یکدیگر میباشند. از موضوع آنقدر دور نمیرویم و همین کشورهای عربی را که اکنون در تماس نزدیک با دشمن مشترک خود میباشند، مدنظر میگیریم. یکی از علل بزرگ شکست آنها در برابر اسرائیل طی جنگ شش روزه ماه جون سال ۱۹۶۷ و جود ناهم آهنگی های سیاسی و نظامی در میان آنها بوده است، آنها هیچگاه تدبیر و نیروی خود را طور متحد در برابر دشمن مشترک بکار نینداختند زیرا هنوز اطمینان قطعی بر یکدیگر پیدا نکرده بودند. البته آنها بعضاً باهم متحد شدند و یا اقلادم از اتحاد زدند ولی هر نوع اتحاد آنها جنبه ظاهری داشت و از همان رهگذر هم زودتر از هم پاشید، اتحاد واقعی ایشان وقتی به میان خواهد آمد که از حیث اقتصاد، سیاست و ستراتیژی طور مشترک پلان گذاری نمایند و قرارگاه های مشترک را بوجود آورده تسلیح و تجهیز، تشکیلات، تعلیم و تربیه و پلان های ستراتیژیکی اردوهای خود را هم آهنگ و ستاندرد سازند. با وصف این مسایل هم آنچه واضح به نظر میرسد اینست که جنگ سال ۱۹۶۷ باعث این شد که کشورهای عربی یک سلسله مخالفت های ذات البینی خود را کنار گذاشته برای حصول هدف مشترک خود را آماده سازند. شاید در سالهای آینده ضرورت دفع دشمن مشترک موجب بظهور رسیدن اتحاد واقعی جهان عرب گردد. حریق مسجد مبارک اقصی همین اکنون ملل عربی و حتی تمام کشورهای اسلامی را به این اصل مهم متوجه گردانیده است.

در میدان های محاربه :

در حالیکه فعالیت ها و مجادلات سیاسی برای حل بحران شرق میانه بسوی بین المللی جریان دارد، در امتداد خطوط تماس بین نیروهای متخاصم غرض اسلحه آتشین و حملات زمینی و هوایی روز بروز بر شدت خود می افزاید. این نوع تصادمات که با ختم جنگ تازه آغاز یافت تا کنون دوام نمود با این فرق که سوبه استعمال قوت ها و مدت دوام آتشباری ها بتدریج بیشتر شده رفته است. در طول این مدت هر دو طرف خود را تقویه نموده الدولی کشورهای عربی که قسمت زیاد وسایل نظامی خود را در حرب سال ۱۹۶۷ از دست دادند با مساعی خستگی ناپذیر و دوامدار تا کنون توانستند کمبودی های گذشته را حتی الممكن در ساحه اردو جبران نموده و در برخی موارد خود را بیش از پیش آماده تر سازند. البته آتشباری اسلحه آتشین از همان اوایل در اختیار هر دو طرف بود ولی آن وقت قوت های اسرائیل بیشتر آزادی حرکت را مالک بودند و از همان جهت اکثر فعالیت نظامی آنها شکل تعرضی داشت و در برابر آن قوت های عرب اکثر تدابیر تدافعی میگرفتند ولی اکنون وضعیت به همان حال باقی نمانده است زیرا حالا قوت های عرب نیز آزادی حرکت را بدست آورده اقلاد در ساحه تکنیکی قدرت اجرای تعرضات متقابل را دارا میباشند طرفین متخاصم اکنون سعی میورزند قوت های خود را در امتداد خطوط تماس فعال نگهدارند تا از یک طرف تعلیم و تربیه آنها بهتر شود و از جانب دیگر مورال آنها بلندتر رود. کذا هر دو طرف میخواهند به اینوسيله قدرت های بزرگ را متوجه این حقیقت سازند که در صورت حل نشدن بحران شرق میانه از طریق مسالمت آمیز حدوث یک حرب دیگر در شرق میانه حتمی و قریب الوقوع میباشند.

فعالیت قوت های نظامی اسرائیل و جمهوریت متحد عربی درین اواخر در امتداد کانال سویز شدیدتر و وسیعتر شده است طوریکه در هر تعرض هدف محدود در زمین و هوا قوت های بیشتری استعمال میگردد در اوایل ماه میزان سال جاری اسرائیل یک تعرض محدود امفیبی را بایک قوت بالنسبه بزرگتری نسبت به گذشته در غرب کانال سویز بعمل آورد. درین تعرض یک قوت زره دار اسرائیلی که در شرق کانال بالای ریگ های سینا تجمع کرد و پس از آن با استفاده از وسایط عبور در حالیکه قوای هوایی اسرائیل ساحل مقابل را زیر آتش و نظارت گرفته بود این قوت در غرب کانال سویز در الحقایق (۲۵ میلی جنوب بندر سویز و ۷۰ میلی شرق قاهره) پیاده شد و در امتداد ساحل بطرف جنوب پیشرفت نموده تا (راس ظفرانه) فاصله ۵۰ میلی را در طول ده ساعت طی کرده و در امتداد راه هر چه مقابل آن آمد ولو به مردم ملکی تعلق داشت تخریب نمود و پس از آن مفرزه مذکور از (راس ظفرانه) دو باره کانال سویز را عبور کرده به خط جبهه خود بازگشت. این حمله که شدیدترین حمله اسرائیل پس از حرب ماه جون سال ۱۹۶۷ شمرده شده است به منظور دهشت افکنی در ساحل غربی کانال سویز از طرف اسرائیل بعمل آمد و در طول آن سربازان اسرائیلی از آتشباری به مقابل اطفال، زنان و اشخاص ملکی هم دریغ نکردند. دو روز پس ازین حادثه قوای هوایی جمهوریت عربی متحد به اقدام متقابل به تشبیت ورزید و بزرگترین محاربه هوایی پس از جنگ ماه جون ۱۹۶۷ رخداد. طیارات جمهوریت متحد عرب طی سه حمله از شمال داخل ساحه تحت اشغال اسرائیل نفوذ نمودند و برخی از تاسیسات اسرائیل را در شبه جزیره سینا تخریب کردند و ضمناً با طیارات شکاری اسرائیلی محاربه شدیدی هوایی را بعمل آوردند درین محاربه بیش از

صدطیاره از هر دو طرف اشتراك نموده بودند. طوریکه قاهره اعلام داشت در نتیجه این محاربه شش طیاره اسرائیل سقوط داده شد در حالی که صرف دو طیاره جمهوریت متحد عربی از بین رفت.

این حرکات اخیر واضح ساخت که قوای جمهوریت متحد عرب نیز اکنون قدرت اجرای تعرض متقابل زمینی و هوایی را پیدا نموده است و این موضوع بذات خود در مورد آمادگی نظامی آنکشور حایز اهمیت میباشد.

ستراتژی نظامی کشور های عربی اکنون بالای حرب مضمحل کننده استناد میکند زیرا با توسعه فعالیت کوماندو های عرب شامل تشکیلات الفتح، العاصفه و جبهه خلقی آزادی بخش فلسطین زمینه برای اینکار بیشتر مساعد شده است و مسعت ساحه حرب مضمحل کننده باعث این میشود که طرف مقابل در بسا مورد غافلگیر شود و کوماندو های عرب که فعالیت خود را اخیراً در تمام نقاط جهان توسعه داده اند

موارد غافلگیر ساختن دشمن را بخوبی تامین مینماید، زمانیکه مهاجرین فلسطین نا جوان مردانه از خانه و وطن شان بیرون رانده شدند آواز آنها اکثراً بتمام گوشه های جهان نمیرسید فریاد های نمایندگان رسمی کشورهای عربی درین مورد صرف در مجالس و کنفرانس های رسمی طنین می افکند اما با لعقل

رهبران جنبش صیهونیزم در تمام کشور های جهان خود را حق بجانب قلمداد کرده صدای خود را بهر گوشه دنیا میرسانیدند بنا بران قابل تعجب نبود که مدتی عواطف تعداد زیادى از مردم بیطرف که تحت تاثیر پروپاگند های شدید و قریب دهنده صیهونى ها قرار داشتند بطرف اسرائیل جلب شود اکنون و ضعیف طور دیگری است، فعالیت کوماندو های فداکار عرب در هر گوشه و کنار جهان به تمام مردم دنیا این موضوع را تفهیم میدارد که جوانان فلسطین در راه رسیدن به وطنی که از ایشان غضب شده است دست به مبارزه زده اند و به این

ترتیب اکنون مهاجرین فلسطین خود شان میخواهند ذهنیت و قضاوت مردم جهان را به ظلمی که در حق ایشان بعمل آمده است متوجه گردانند بنا بر آن ساحه حرب مضمحل کننده کشور های عربی اکنون آنقدر وسیع شده است که به سرحدات شرق میانه محدود نمانده بلکه در تمام جهان گسترش پیدا کرده است البته فعالیت آنها در خارج ساحه شرق میانه شکل اجرای سبوتاژ رادر مقابل تاهیسات مربوط به اسرائیل دارد و با آنکه تاثیرات مادی آن قابل اغماض است تاثیرات معنوی آن بسیار بزرگ می باشد. در داخل ساحه شرق میانه کوماندو های عرب به مقابل قوای مسلح اسرائیل فعالیت های متمادی را بعمل می آورند و در خارج شرق میانه به مقابل نمایندگی های مختلف اسرائیل ویا آنچه به آنکشور متعلق است به فعالیت های تخریبی دوام میدهند. اخیراً جوانان خردسال عرب (از سن ۱۳ تا ۱۶) به عمارت خط هوایی اسرائیل در بروکسل و سفارتخانه های اسرائیل در هاگ و بن بم های دستی پرتاب نموده خساراتی به آنها وارد آورده اند تا به اینوسيله به مردم جهان وانمود سازند که نسل جدید فلسطین برای بدست آوردن حقوق غضب شده خود دست به فعالیت زده است. به اینصورت حرب مضمحل کننده دول عربی اکنون باعث تشویش و

نگرانی عمیق اسرائیل شده است و میتوان فرض کرد که دوام چنین حرب تا اندازه زیادی به ضرر اسرائیل تمام خواهد شد.

* * *

در نتیجه میتوان گفت که کشیده شدن بحران شرق میانه بساحه بین المللی باعث بوجود آمدن پیچیدگی های تازه ای در آن قرار گرفته زیرا علاوه بر کشورهای عربی و اسرائیل قدرت های بزرگ بحران موصوف را در چوکات دلچسپی های خود مطالعه نموده هر کدام نظر به خواسته های خود پروگرام هائی را برای حل مسالمت آمیز آن طرح مینمایند و بنا بر آن راه حل این بحران هنوز هم طولانی تر و پیچیده تر میشود. ولی باوصف آنها فعالیت های سیاسی درین مورد جلواحضرات طرف های متخاصم رادر شرق میانه نمیکیرد و کشورهای عربی که بتدریج بر قوت نظامی خود افزوده اند برای داشتن چانس استفاده از این وسیله نهائی هیچگاه غافل نمی نشینند کنفرانس اسلامی رباط ضرورت توسعه روابط سیاسی و فرهنگی را برای حسن تفاهم بیشتر در میان کشورهای اسلامی واضح ساخت و امکان دارد تحت تاثیر این انگیزه در آینده اتحاد واقعی عرب هم اقلأ در ساحه بحران در برابر دشمن

مشترك بوجود آید. حرب مضمحل کننده عجالتاً بهترین پالیسی نظامی برای قوت های منظم و کوماندو های عرب بشمار میرود زیرا این شکل حرب گذشته از آنکه در ساحه نظامی ثمر بخش تلقی میگردد در ساحه سیاسی نیز منافع قابل ملاحظه ای را برای دول عربی بار آورده میتواند.



نکسن رئیس جمهور اضلاع، متحده امریکا با گولدا مایر صدراعظم اسرائیل

طور یکه وجود انسانی در پرتو کار و فعالیت دوامدارترجی خود را زائل نموده و با نتیجه قسمت‌های مختلفه عضویت احساس خستگی می‌نماید که بالاخره به ازپادر افتادن آن منتج میگردد بهمان شکل پارچه‌های مختلفه و سائط تکنیکی اعم از طیارات، زرهپوش‌ها، موتر، تانک و غیره نیز در اثر استعمال متمادی و در تحت تاثیرات قوت‌های مختلف، اثرات خرابی را از خود نشان داده و می‌بایست وقتاً فوقتاً اینگونه خرابی‌ها و علائمی که بالاخره منتج به بروز یک حادثه و متوقف گردیدن فعالیت آن گردد، چک گردیده و پارچه‌های که بیش ازین برای ادامه فعالیت واسطه مساعد نمیباشد تجدید و معاوضه گردد.

درین مقاله کوچک ماصرف معلوماتیرا گنجانیده‌ای که برای پرسونل حفظ و مراقبت زمینی طیارات اردوی زمینی معلومات مفیدی را تهیه نماید تا آنها بتوانند با کسب این گونه معلومات تکنیکی فهم و ادراک تحلیل خستگی‌های پارچه‌ها و عناصر مختلفه طیارات را پیدا نموده و اسباب و موجه آنها را درک نمایند. علاوه‌تاً مقاله مذکور بمقصدی ترتیب شده تا برای طراحان پلان عناصر مختلف و دیزاینرها (Designers) راجع به پرابلم‌های که صاحب‌منصبان حفظ و مراقبت در اراضی بان مواجه می‌گردند مفکوره را اعطا نموده و از مشکلاتی که آنها در حفظ و مراقبت و ترمیم عناصر و پارچه‌های بس مهم و حیاتی هلیکوپترها دارا اند واقف گردانند. اکثری ناکامی‌های خستگی پارچه‌های مختلفه طیارات و هلی کوپترها که در پرتو خدمات یومی پیدا میشود ما ناخستگی‌های است که در پروانه سرو اساسی هلی کوپتر بوجود آمده که آنها در اثر کم توجهی و دقیق نشدن در تفرعات نقشه و دیزاین، تکنیک‌های تولیدات نقصان دار که

فکتورها
و عواملیکه
در خستگی‌ها
و فرسوده شدن
پارچه‌های یک
طیاره دست داشته
تاثیر وارد کرده
و آخر الامر آنها را

از ادامه فعالیت بازمی‌دارد

در اساس ساختمان پارچه موجود می‌باشد، بانقص کنترول در تعیین کوالتی جنس و غیر کافی بودن حفظ و مراقبت مستقیم و تامین این حفظ و مراقبت برای حیات طولانی پارچه، بوجود آمده می‌باشد، چنانچه بار بار به مشاهده رسیده است که وقتی در پرتو تحلیل این ناکامی‌ها، پارچه و عناصر مختلفه طیارات تحت مطالعه عمیقانه قرار داده شده، این حقیقت ظاهر گردیده که اساس ناکامی‌درین نهفته بوده که در قسمت تحتانی و یا خود بهتر است گفته شود در ایاف و مالکولهای قسمت زیرین این پارچه بریده‌گی‌های موجود بوده که اصلاً با چشم سر دیده شده نمی‌توانست ولی همین بریده‌گی موجب

مشکلاترین چیز در کار
همانا شرح ناکامی
گیرهای (gears) که بیش
از قدرت معینه شان ثقلتی
از طرف اشخاص بر آنها
تحمیل میگردد برای
یک صاحب منصب حفظ
و مراقبت آن ضروری می‌باشد.

بار آمدن همچو يك خرابی گردیده است و هم از این حقیقت نمی توان انکار کرد که در حین تولیدات و مراحل ساختمانی بعضی بریدگی ها و عارضه هائی بروز می نماید که بالاخره همین چیزها نقطه ضعیف را در عناصر واسطه تشکیل نموده و روزی فرا می رسد که طیاره در حین اجرای فعالیت و بروز فشار در آن حصه دفعتاً از فعالیت مانده و عامل ظهور ناکامی می گردد .

بسیاری از این ناکامی ها و مغلوبیت های پرزجات يك طیاره را میتوان ذریعه مساعی طراحان و پلان سازان بایك طرح بهتر پلان، کنترل بهتر پراسس (Process) تولید، کنترل بهتر کوالیتی جنس و میتریالیکه در تولید و اعمال اشیا استعمال میگردد و بالاخره دقت نمودن بیشتر در حفظ و مراقبت کوالیتی، تامین نمود.

طرز اجرای حل پرابلم های نواقص ساختمانی و یا خود جلو گیری از خرابیهای پارچه ها و یا خود هیئت عمومی يك واسطه که در پر توخستگی های استعمال و تطبیق قوت بروز می نماید، اینست که بدرجه اول ساختمان واسطه را به اشکال مناسب تقویه نمود و یا اینکه میتریال (Material) و مواد ساختمانی را بشکلی تبدیل کرد که مواد جدید الاستعمال منجیث مقاومت و دوام نسبت به میتریال اول ساختمانی بهتر باشد گویا این امر را می توان ذریعه يك «پیشنهاد تحول انجیرری» عملی نمود؛ تا بدین وسیله از تعامی خرابی های که ازین ناحیه، در واسطه، حین استعمال بوجود خواهد آمد جلو گیری بعمل آید مگر این هم ناگفته نماند که باوجود اتخاذ همین طرز العملی که در بالا تذکار یافت، اکثراً دیده شده که این هم پرابلم ما را در اینحصه بکلی طوریکه شاید و باید، بر آورده نتوانسته و ایجاب این می نماید، که قبل از اعمال و ساختمان وسائط در فابریکات، يك سلسله تست های کوالیتی و تحلیل های ناکامی

میتریال و موادیکه در ساختمان وسائط استعمال میگردد به عمل آید. و قتا دوسه پیشنهاد «تحول انجیرری» برای حل يك پرابلم به عمل آمد در آنحال این عقیده بکلی ثابت میگردد که حقیقتاً در دیزاین قبلی دقت خاصی به عمل نیامده بود و همین بی دقتی مذکور موجب بوجود آوردن يك تحول انجیرری گردیده می باشد.

یگانه پرابلم که سبب بوجود نیامدن دیزاین تفرعات سیستم میباشد همانا اینست که طراحان سیستم های میخانیک و آنالیکه معروض حالات مغلق و پیچیده اوپراسیونی (عملیاتی) میباشد، اکثراً در بین دو فلسفه دیزاین نقیض همدیگر واقع میگردد؛ که یکی ازین فلسفه ها عبارت است از دیزاین کانونسویونی (Conventional) که در آن نقطه مهم و اساسی برای طرح این نقشه همانا در نظر داشتن فکتور های امنیت و مفکور استاستیکی برای اعتماد نمودن به واسطه اعمال شونده می باشد. بطور مثال میتوان گفت که شرح این حقیقت برای يك صاحب منصب حفظ و مراقبتیکه آنهم جدیداً ناکامی یا خرابی ترتیبات انتقال حرکت يك هلی کوپتر را دریافت نموده باشد، بسیار مشکل خواهد بود که برایش گفته شود که نقطه امنیت آن گیر (Gear) $1/5, 1/7, 1/10$ یا $2/10$ در بالای نقلی بوده که اصلاً نمی بایست بر آن تطبیق می گردید. مگر يك صاحب منصب حفظ و مراقبت، در وقت مشاهده مغلوبیت گیر، این را فکر می نماید که سبب آن عبارت ازین است که حاشیه امنیت آن در اساس دیزاین خیلی ها کم بوده و البته این کیفیت وقتی پیچیدگی زیادی را پیدا می نماید، که این مغلوبیت و ناکامی يك چیز مختص به ذات بوده و نذیر آن در سابق دیده نشده باشد. که در آن وقت می بایست علت آن به اثر يك تدقیقات و معاینات عملی بمیدان کشیده شود.

از طرف دیگر اگر طراح پلان برای دریافت قدرت حمله پارچه و یا خود

واسطه می خواهد به جدا اول لازمه مراجعه نماید در آنحال به یکتعدادی از اعداد وارقامی مواجه خواهد شد که هر کدام آن بمقصد جدا گانه در آنجا وضع شده و در آنحال وظیفه طراح خواهد بود که همان رقمی را پیدا نماید که واسطه برای آن مقصد اعمال میگردد. و اگر بدینوسیله مقتدر به یافتن ارقام دیزاین نمیگردد، در آنحال حسابات خود را بر روی فرضیه ها آغاز می نماید.

چون پیچیدگی های تخنیک و وسائط تخنیک، به صورت روز افزون متمادیاً بیشتر و بیشتر شده می رود، بنأ موضوع حاشیه امنیت در اشیا ای که واسطه معروض حمله ها و قدرت های سنگین حین کار واقع میگردد به همان پیمانان کسب اعمیت می نماید. زیرا بر علاوه پیچیدگی های وسائل مورد تخنیک، شرایط استعمال و غیره عوامل فرصت این را برای طراحان نقشه های وسائط تخنیک نمی دهد تا يك واسطه را طوری دیزاین نمایند که عمر آن بصورت لا یتناهی بوده و برای يك عمر زندگی کار داده بتواند پس بامشکلات فوق وقت پراسس های غلطی های تخنیک را در اعمال و تولید هلی کوپترها و غیره علاوه می نمائیم در آنحال دیده خواهد شد که منجیث اساسات تخنیک و منجیث قدرت کار مواد و میتریال امروزی، این امر از حقیقت دور خواهد بود که ما بتوانیم چنین هلی کوپتری را طرح و دیزاین نمائیم تا ما دام العمر برای ما خدمتی را انجام داده بتواند.

از همین جهت است که واقعیت متذکره امور طراحان پارچه ها و پرسوئل حفظ و مراقبت را بیک وضع متلاشی تری در آورده است. زیرا طراحان ملتفت و مسبوق اند که رسیدن بیک طرح پارچه که میتوان يك عمر از آن کار گرفت يك امر تقریباً ناممکن می باشد. مگر در عین زمان مقتدر نیستند که قابلیت اطعینانی بودن پارچه هارا منجیث ستاتستیک استعمال و هم ضمناً بامشکلاتیکه در قسمت استحصال مواد

موجود است آنها رایبه اندازه وقت تر تست و تجربه نماید تا امنیت استعمال و دوام آنها در قدمه پلاننگ پیشگوئی نموده بتواند پرسونل حفظ و مراقبت باین مفکوره اند تا پارچه های اعمال شده با عمر واسطه يك جا دوام داده بتواند .

مگر وقتا بالفعل مشاهده می نمایند، در میدان حقیقت این پارچه ها صرف ربع یا خود نصف عمر وسائط را کار داده می تواند و بس . پس بدین حساب ایجاب می نماید که پارچه های خراب شده چندین بار تجدید و عوض گردانیده شود ؛ که در انحال اکمال پرزه جات و اجرای ترمیم قدمه های مختلف صحنه اینکار را بیشتر از بیشتر مغلق تر و پیچیده تر میگرداند .

از بیانات فوق چنین استنباط می گردد که یکی از وظائف اولین و بس مهم دیزاین (*Design*) کنندگان پارچه ها برای بهتر گردانیدن عمر آنها و جلوگیری از خرابی پیش از وقت عناصر مذکور همانا انکشاف يك تقرب مهم برای دیزاین انشاآتی، تست اوصاف میتريال و بهتر گردانیدن شرائط محیطی کار بوده که هر کدام آنها بنوبه خویش در قسمت بوجود آوردن دیزاین های جدید که بتواند در ساحه کار و فعالیت بشکل احسن از آن استفاده گردد، رول بس مهم وارز نده را بازی خواهد نمود اکنون در آغاز امر می توان اظهار نمود که همین پروسیجر یا ترتیب بهترین وسیله تخمین نمودن حیات و دوام واسطه می باشد . زیرا این تخمین مستند به شرائط استعمال و وضع محیط فعالیت استحصا گردیده می باشد . وهم ناگفته نماند که طریقه یافتن پیشگوئی عمر و دوام پرزه جات عوامل و فکتورهای نقصاناتی میتريال و تولرانس (*Tolerance*) (قوة تحملیه) کوالتی و طرز حفظ و مراقبت پارچه ها را نیز احتواء می نماید .

هنگامیکه تمامی عناصر ساختمانی طیارات مانند ترتیبات انتقال حرکت

روتر (*Rotor*) و سیستم های کنترل تا به پارچه های فلزی که فعالیت آنها آنقدر ها مهم هم نمی باشد معروض خستگی گردیده و موجب ظهور نا کامی آنها در اثنای کار می گردد، در انحال جنس حموله، سرویس، ترمیم و اورهال (*Overhaul*) نمودن واسطه حیات و دوام آن را بیشتر می سازد و نیز ناگفته نماند که مقدار پارچه های متحرك ترتیبات انتقال حرکت گیربکس (*Gear box*) و تعداد بیرنگهای (*Bearings*) و سیستم های انتقال حرکت و کنترل تعداد سیل های (*Seals*) سیستم های هایدرا لیک و پیچیده بودن سیستم روتر تماماً بر بالای پیچیدگی و رسک های (*Risks*) سیستم های قیمت داده شده تاثیر بارزی را دارد .

دیزاین خستگی سیستم های پیچیده در حقیقت نسبت به فشار و یا خود تحلیل قوه به پرابلم اعتماد، تحلیل و تجزیه شده می باشد ولی این امر مشروط بر این است که اولاً فکتور امنیت تثبیت و بعداً میز های تست (*Test*) و تجربه کافی برای آن احضار گردانیده شود دیزاین خستگی نسبت به دیزاینیکه (*Design*) در مقابل حموله های وارده و نهائی حساب می شود فرق می نماید زیرا که خستگی اول الذکر منحنی پیچیدگی و نتایج مجهول رابطه فی ما بین حموله فشار، ظرفیت حموله و نقصانات عملیه در جریان تولیدات، نقصانات ساحه حفظ و مراقبت و نگهبانی که در عناصر وسائط در اثنای سرویس کردن و عملیات بظهور می رسد فرق و اختلاف دارد شاید طراحان و دیزاین کنندگان این ادعا را نمایند که او شان در بالای دو فکتور آخرین اصلاً اقدام دستی را دراء نمی باشند مگر فراموش نباید کرد که طراحان در مرحله اول دیزاین دستی راحتاً دراء اند و آنها می توانند با همین قدرت، امکانات ظهور خرابی ها را تقلیل بخشند .

به سویه و درجه که پارچه های

ساختمانی از طرف يك انجنیر در مقابل خستگی دیزاین می گردد مربوط به حساسیت همان پارچه ها در مقابل خستگی میباشد و باید گفت که حساسیت خستگی عبارت از تدابیر امنیتی است که در طول خدمت معین يك پارچه قبل از اینکه در برابر تطبیق و استعمال قوه آخرین مغلوب گردد در مقابل همان خستگی از پا در آورده می شود بعبارة دیگر دیزاین خستگی نه فقط در بالای سایکل حموله حیاتی به سویه های مختلف فشار مستند می باشد بلکه از نقطه نظر فعالیت های تطبیقی بالای تولرانس ها (*Tolerance*) تعداد وسطح فشار پارچه های متحرك اندازه کهنه شدن و پیچیده بودن تولیدات و حفظ و مراقبت آنها نیز استناد می نماید این امکانات بر علاوه يك تعداد زیاد دیگر آنها منحصر بر شرایط استعمال و دوام عمر واسطه می باشد .

حساسیت خستگی يك پارچه مبرا از شرایطی که در فوق تذکار گردید تعین شده نمی تواند عین سیستم ممکن است در تحت یسکنوع شرایط فاقد حساسیت بوده مگر در تحت شرائط مختلف دارای حساسیت خستگی باشد همچنان در تحت شرائط حساسیت هست خستگی پارچه باید در مقابل همدین خستگی دیزاین گردد دیزاین خستگی محض میتوان در پر تو تجربه انجنیر بشکل از بین بردن برخی از چیزها که عبارت از همان درزها در حصه خمیدگی ها می باشد بطور اعمار کننده اجرا شود دیزاین های مفصل خستگی که باتست ها و تجارب وسیع خستگی تکمیل کرده می شود محض در قسمت پارچه های که حساسیت خستگی آنها بدرجه وسطی می باشد ضروری می باشد وهم تست های مکمل این سیستم یکی از قسمت های مهم این نوع دیزاین ها بشمار می رود .

دیزاین خستگی برای حیات لایتناهی با تدابیر شعوری اطمینان که در آن نقصانات ساختمانی و مسائل حفظ و مراقبت مدنظر قرار داده میشود

متعلق بوده و برای ایفای این امر ترتیبات سریعی بواسطهٔ بوجود آوردن یک عملیات عاری از ناکامی تأمین می‌گردد. که البته این عملیات در طول سرویس واسطه به تحت شرایط ایده‌آلی جریان خواهد نمود. نظر به تأثیرات محموله‌های که در حین فعالیت بالای واسطه بر عمر خستگی آن تحمیل می‌گردد مناسبت فیما بین محموله‌های دیزاین و محموله‌های عملیاتی مختلف بوده و بایست حیات خستگی در بالای قاعدهٔ تجمع ضرر ها و خرابی‌های خستگی مواد و میتریال که در پرتو تجارب بدست آمده است استناد نماید که همین کیفیت بنام تیوری نقصانات جمع شده « یاد می‌گردد.

به استعانت همچو یک تیوری حیات خستگی یا تحمیل یک سلسله محموله‌ها فرق می‌نماید که اینهم توسط اندازه نمودن امپلی چیبود های سترس (*Stress Amplitude*) یا طول فشار سترس (فشار) وسطی تیت شدن و شکل فشار برای میتریال‌های مختلف پیشگوئی شده می‌تواند تأثیر هر یک تحولی در دیزاین خستگی که بحیث یک عنصر فیصله کن و قاطع محسوب می‌شود و یا خود تأثیر شرایط عملیاتی بحال ترتیب مقدار تحول در حیات خستگی افاده می‌گردد. افس در هر فرصتی که یک طیاره فوق محموله اصلی خویش پرواز می‌نماید و به تحت یکی از حالات فشار کرتیکل (*Critical*) داخل می‌شود در آنوقت حیات خستگی بعضی از عناصر مهم طیاره تقلیل می‌یابد.

فکتورهای (*Factors*) مهمی که مشترکاً حیات خستگی و فعالیت های اورگان‌ها و عناصر یک هواپیمارا تثبیت می‌نماید قرار ذیل می‌باشد:

- ۱- محموله‌های عملیاتی.
- ۲- در اثنای ساختمان پراسس و عملیات کوالتی.
- ۳- در اثنای سرویس و خدمت کوالتی حفظ و مراقبت.
- ۴- اجراات خستگی مواد و

میتریال یعنی حدانهائی قدرت یک فلتر که بعد از آثار مغلوبیت را از خود نشان می‌دهد چه می‌باشد.

- ۵- اشکال ساختمانی و ربطیه‌هاییکه در آن استعمال می‌شود.
- ۶- فشار باقی مانده.
- ۷- درجه زنگ گرفتگی.

هر کدام ازین هفت عوامل فوق می‌باید در دیزاین نقشهٔ همان پارچه و سپس در ساختمان عمومی هواپیما بحال تأثیر آن در بالای حیات خستگی و ناکامی های قبل از وقت مدنظر قرار داده شود. که البته نتیجهٔ آن در پرتو تست ها و تجارب قبلی قلمزاتی که از آن پارچه‌ها و یا خود ربطیه‌های که درین پارچه‌ها مانند خشت و پیچ، پرچی و غیره استعمال می‌گردد، بدست می‌آید. علاوه تا همچو نتایج به اثر پروسیجرهای تجزیه و تحلیل مناسب نیز تثبیت و استحصال شده می‌تواند. اگر ارقام مقایسوی بدست نمی‌آید و یا خود موجود نمی‌شود در آنحال از ریکاردهای اسبق فعالیت‌های پرزه‌جات نتایج اخذ می‌گردد. یکی از فکتورهای مغلوق و پیچیدهٔ پیشگوئی‌ها هما ناپروگرام حفظ و مراقبت است که به شکل معاینات و ترمیمات وقتاً فوقتاً تطبیق و یا اینکه بدون معاینات پرزه جات و یا خود پارچهٔ طرف اشتباه تجدید و عوض می‌گردد.

عملیاتهای مقایسوی خستگی مواد و میتریال (*Material*) باید حتماً بواسطهٔ تست‌های (*Tests*) خستگی در تحت فشارهای گوناگون، در بالای نمونه‌های بریدگی شده و یا خود ترجیحاً در بالای مودل‌های نماینده ربطیه‌های مواد و میتریال که از آن میتریال در بالای حیات خستگی و تیت شدن محموله مستقیماً بدست می‌آید. تعیین و تثبیت گردد. نتایج تست های امپلی چیبود (*Amplitude test*) محموله‌های ثابت نسبت به تست‌های که در مقابل وزن‌های متحول بدست می‌آید کمتر دارای اهمیت می‌باشد. و هم بایست

علاوه نمود که هیچکدام این تست‌ها و تجربه‌ها مانند تست‌های خستگی که به تحت شرایط واقعی عملیاتی جریان می‌نماید امین و قابل اعتماد نمی‌باشد. شرایطیکه به اساس آن نقشه‌های ساختمانی ترتیب و تنظیم می‌گردد، دوپرنسیب مهم ذیل را احتوا می‌نماید:

(آ) رابطهٔ بین شدت فشار دیزاین برای محموله‌های نهائی و برای محموله‌های اعظمی خستگی.

(ب) درجهٔ اضافگی محموله.

هنگامیکه محمولهٔ اعظمی خستگی، که معمولاً بحیث شدت محموله مترقبه که فی مابین ده و صد مراتبه استعمال در خلال دیزاین حیات سرویس پارچه، ظهور می‌نماید، محموله نهائی بشکل وزن آخرین تشخیص گردیده و باید سیستم طوری باشد که فعالیت را، در صورتیکه شرایط غیر مترقبه ناگزیر باشد، دوام داده بتواند.

بعبارة دیگر تیوری تجمع خساره و خرابی بر بالای فرضیهٔ استناد می‌نماید که خرابی خستگی در وقتی که دوره‌ها به ناکامی ادامه بیابد، نسبت سایکل تطبیق شده در تحت بعضی از شرایط می‌باشد.

بیان تیوری که در آن ناکامی مطابق به شرایط می‌باشد قرار ذیل است:

$$\frac{n_1}{N_1} + \frac{n_2}{N_2} + \frac{n_3}{N_3} + \dots + n_i = 1$$

در معادلهٔ فوق:

n = تعداد سایکل‌های تطبیق شده به تحت بعضی از شرایط استعمال

N = تعداد سایکل‌ها به ناکامی در در صورتیکه پارچه به تحت آن شرایط استعمال و بکار انداخته شود.

تست‌هاییکه به مقصد اثبات تیوری فوق عملی گردیده و حیات یک پارچه‌ها در تحت شرایط گوناگون و محموله‌های مختلف پیشگوئی کرده می‌تواند، مارا به نتیجهٔ ذیل می‌رساند که غلطی احتمالی $\pm 50\%$

اگرما درین نتیجه فوق نقصانات دوره ساختمانی و حفظ و مراقبت اثنای

سرویس خدمت را بان علاوه نمائیم ، این غلطی پیشگوئی حیات خستگی تاحدی بیشتر می گردد .

بصورت خلاصه میتوان گفت که تست های داخل لابراتوار و سرویس نشان داده است که اگر حموله های تحت حموله خستگی میتریبال پارچه ، به کرات استعمال و تطبیق گردد ، در آنحال واسطه مذکور پس از تکرار تطبیق این حموله ها ناکامی خود را نشان می دهد . کمی وقت در دیزاین تفرعات تولیدات نقصان دار و یا خود تکنیک های کوالنتی و حفظ و مراقبت مستقیم ناکافی پارچه های مهم درجه و احتمال ناکامی این پارچه ها را در تحت فشارهای نسبتاً کمتر هم بیشتر می سازد .

پراپلم یک نفر دیزاین کننده نه تنها اینست که پارچه را در مقابل حموله وارده دیزاین نماید بلکه باید پارچه مذکور منجیح نقصانات ساختمانی و حفظ و مراقبت خراب زمان سرویس فکر شده و طوری دیزاین گردد که در برابر کار ، نقصانات ساختمانی و حفظ و مراقبت خراب نیز تحمل کرده بتواند برای تخمین نمودن و سنجش حیات خستگی یک پارچه تولید شده اگر ما تنها نقصانات ساختمانی و نتایج تست های لابراتواری را مدنظر قرار داده و دیگر عوامل وارده غیر قابل کنترل را مدنظر قرار نمی دهیم در آن حال غلطی های پیشگوئی مادر قسمت حیات پارچه بیشتر میگردد . پس از همین نقطه نظر بهتر است که یک نفر دیزاین کننده علاوه بر چیز های فوق جهات نقصان دار تیوری خستگی تاثیرات حفظ و مراقبت عملیاتی و غلطی هائیکه در عملیة ساختمانی به ظهور می رسد ، و یکده فکتور های نافهمی را نیز تماماً بداند و نسبت به همه آنها یک معلومات کافی داشته باشد .

در حالاتیکه پراپلم های خستگی موجود می باشد و یا اینکه موجودیت آن پیشگوئی می گردد در آنوقت لازم است که پارچه را در مقابل وزن وسایکل مورد نظر و به تحت شرایط

مختلف تجربه نمود تا راجع به حیات خدمت آن قناعت قطعی حاصل گردد . و هم علاوه بر فکتور های مذکور یک قیمت ۱/۵ رابه حاشیة حیات خدمت پارچه علاوه نمود تا اینکه اصلاً در پیشگوئی حیات واسطه کدام غلطی و سهو غیر مترقبه رخ ندهد .

اگر چه پرسونل حفظ و مراقبت و ترمیم طیارات به این مقصد تعلیم و تربیه نشده اند که حیات نهائی پارچه های طیارات را بدانند . مگر منتقت باید بود که حفظ و مراقبت و ترمیم خوب در قسمت دوام واسطه و جلوگیری از خرابی قبل از وقت پارچه ها به اندازه زیادی خدمت می نماید . پس هر انسانی که در بالای پارچه های که قوه اعظمی در بالای آن تطبیق میگردد کاری نماید باید چیز های ذیل را بداند :
۱- احتیاط همواره بهتر از علاج است و باید دانست که بادست های کثیف نباید

یک واسطه را ترمیم نمود زیرا دست های کثیف به ذات خود مولد خرابی های گوناگون میگردد .

۲- تمامی نقصاناتیکه در پارچه ها چه از نگاه بسی دقیقی در دیزاین ، چه از نگاه ساختمانی ، چه از نقطه نظر استعمال و چه از عدم حفظ و مراقبت صحیح بظهور میرسد ، همه و همه مشابه به بیرق سرخ ایست که علائم خطر اعلام می نماید .

پس بدانید که همین بیرق خطر ، ناکامی های قبل از وقت پارچه ها و عناصر مهم هوا پیما را بار آورده و هم مدرک باشید که حفظ و مراقبت صحیح و تجدید و معاوضه نمودن پارچه ها قبل از ظهور ناکامی بسا درد های سر شمارا دوا نموده و به عمر واسطه دست داشته شما ، که اکثراً مدافعه ناموس مملکت بر آن اعتماد میگردد ، به حد قابل ملاحظه افزوده می شود . (خاتمه)

بهره برداری از يك تحت البحري تازه

چندی پیش نیروی بحری امریکا بزرگترین ساختمان تحت البحری اتمی را تکمیل کرد . این تحت البحری قرار است در اواسط سال ۱۹۷۰ وارد خدمت گردد .

وجود این تحت البحری افق تازه ای در پژوهشهای اقیانوس نگاری باز خواهد کرد . بطوریکه نیروی بحری امریکا خواهد توانست به تحقیقاتی که سابقاً غیر ممکن بود مبادرت ورزد .

تحت البحری یادشده ۴۳ متر طول و ۳/۶ متر قطر و ۴۰۰ تن وزن دارد و با وجود این باید گفت که کوچکترین تحت البحری اتمی است که تا کنون ساخته شده است .

این تحت البحری ماهها میتواند در ژرفای آبها بسر ببرد . دودانشمند و چند ملوان در آن انجام وظیفه خواهند کرد .

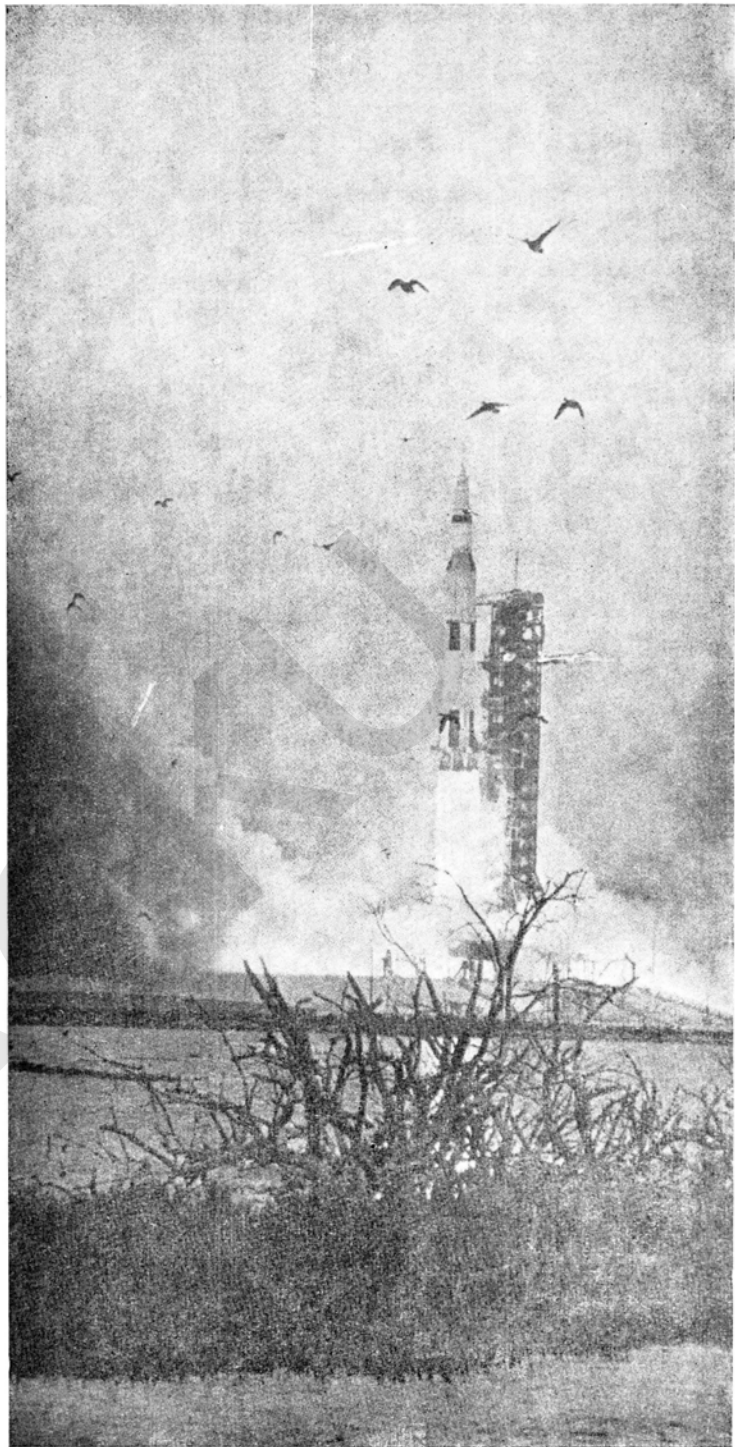
تحت البحری مزبور مجهز به سه دستگاه رویت بندر ، چراغهای حربی و دوربین های تلویزیونی و همچنین دست هائی است که از دور میتوان آنرا تحت کنترل قرارداد . از جمله طرح های تحقیقاتی که قرار است توسط این تحت البحری اتمی اجراء گردد یکی نقشه برداری از فلات قاره امریکا و دیگری تحقیقات زمین شناسی ، معدن شناسی و زیست شناسی بحری است .

پرواز قهرمانان کیهانی آپولو ۱۱
و آخرین مسافرت سه‌سیوز اتحاد شوروی
طبق قانون عمومی تکامل عصر اتم
را با همه عظمت و ابهتش عقب انداخت
و جایش را عصر فضا فرا گرفت، امروز
جوانان دانش دوست مایلند درباره این
عصر نوین آگاهی‌های داشته باشند
و می‌خواهند بدانند که این همه مصارفیکه
جهت تحقق دادن رویاهای کیهانی
در این اواخر بمصرف رسیده آیا ارزش
آنرا دارد که در هر پرواز میلیون‌ها

دالر بمصرف برسد؟
آیا در مهتاب منابع مواد معدنی
موجود خواهد بود؟

چرا انسان در پروازهای اول‌ماه
را انتخاب نمود؟ دومین مسافرت در
جهان‌های دور دست کدام‌سیاره خواهد
بود و این مسافرت چقدر زمان را دربر
خواهد گرفت؟ برای پاسخ دادن باین
سوالات در روزنامه‌ها، جراید و مجله‌ها،
اینجا و آنجا مطالبی در باره این مسایل
نگاشته‌اند، و مینگارند اینچنانچه خواستیم
تا مطالب عمده این همه نوشته‌ها را که
تاحال بدمترسم قرار گرفته است خلاصه
ساخته و بخدمت خوانندگان مجله اردو
تقدیم کنیم امیدوارم از مطالعه این مضمون
توانسته باشیم تا اندازه‌ای کنجکاوی
خوانندگان ارجمند را برآورده سازم.
مصارف کیهانی امریکا و اتحاد شوروی:

با آنکه آنچه تاحال مصارفیکه از طرف
دو دنیای صنعتی بعمل آمده نظر بمصالح
داخلی و خارجی آنها جزو اسرار
باقیمانده و بالا اقل فعلاً بطور دقیق از
دسترس مردم کنجکاو دور نگه‌داشته
شده است، اما بطور اجمالی قرار تحقیق
یکی از نویسندگان میتوان دریافت که
حداقل برای هر پرواز بیش از چند صد



↑ حین پرواز آپولو ۱۱ که در
تاریخ بشریت صفحه نوینی در جهان
کیهانی باز نمود.

رویای دلیرانه کیهانی

ملیون دلار خرج شده است و یا بطوریکه گفته می‌شود برای تکمیل تحقیقات در کره ماه بطور متوسط ۲۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار لازمست و این مبلغی است که یکی از دول معظم زمان حاضر یعنی امریکا خواهد پرداخت و بطور قطعی مخارجی هم که شوروی در این راه تحمل خواهد کرد چیزی کمتر از این مقدار نخواهد بود و تاکنون نیز مبالغی سرسام آوری صرف و خرچ شده است که مجموع این احصائیه چنانچه با نظری بیطرفانه صرف بهبودد نیای نابرابر و غیر متعادل کشور های عقب افتاده و جوامع گرسنه آنها گردد. بطور مسلم در سرتاسر جهان کمتر به چهره های تکیده و گرسنه و محروم ملیونها نفر ساکنین این کشور ها بر خورد خواهیم کرد.

بی شک برای پیشرفت و رشد در سراسر جهان و بطور ریشه کن ساختن فقر احتیاج به اعتبارات وسیعی است که مخارج و مصارف سفینه‌ها و تحقیقات فضائی در برابر آن امری موجه جلوه میکند؛ چون باید بدانیم که در گوشه و کنار این دنیای وسیع و پهناور ملیونها نفریکه قربانی جهل و بیسوادی قربانی فقر، گرسنگی و محرومیت از تمام مواهب زندگی هستند.

اگر محاسبه پروفسور ویلهم زمین شناس معروف سازمان تحقیقاتی فضائی امریکارا قبول کنیم. که واقعاً احصائیه درستی نیز هست مصارف تحقیقات در کره ماه دوهزار میلیارد دلار از طرف امریکا خواهد بود و شک نیست که مخارج شوروی نیز معادل همین مبلغ خواهد بود. و اگر فرض کنیم که حد اقل در کشور های رقیب (امریکا و شوروی) ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار تاکنون خرچ کرده باشند، جمع مخارج تحقیقات فضائی به ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار خواهد رسید که با این مخارج، مصارف تبلیغات و مخارج دیگر نیز اضافه خواهد شد، البته مقداری از این مبالغ هدر رفته نخواهد بود زیرا، معاش کارگران و بهره بردارهای دیگر را نیز بایستی بحساب آورد ولی عملاً ۸۰ درصد

این مصرف فعلاً بهره وری الی و بار دهی فوری نخواهد داشت در حالیکه؛ در حال حاضر از جمع ساکنین شرق آسیا، افریقا، امریکای لاتین که بالغ بر ۲،۲۳۲،۲۴۰،۰۰۰ نفر هستند عملاً ۶۰ درصد آنها یعنی در حدود ۱،۳۳۹،۳۴۴،۰۰۰ نفر با گرسنگی شدید و فقر وحشت آوری دست بگریبان هستند، حتی از نعمت یک آموزش متعارف و متوسط محرومند.

هر گاه این فرصت برای کشورهای صنعتی و پیشرفته ایجاد میشود که همزمان با تسخیر ماه و تحقق بخشیدن بآرزوهای علمی دیرینه بشر خاکی در تسخیر فضا، همتی نیز در بهبود وضع این گرسنگان و پابرنه‌ها مبذول میداشتند، آنوقت نه تنها تسخیر کره ماه جشنی جهانی میشود بلکه آنوقت میتوا نستیم مطمئن باشیم که با تملک تسخیر این کره آسمانی

چهره زندگی در کره خاکی ما نیز بواقع دگرگون میشود و به یک انقلاب حقیقی و پدید میآید.

همگانی مبدل میگردد. با ید قبول کنیم آن چنان دگرگونی که از تسخیر ماه با یدی در همه شئون زندگی ساکنین کره زمین پیش میآید و چیز آنی و ثمره ای فوری برای بشریت نخواهد داشت حال آنکه اگر همین مصرف و معادل آن را در جوامعی که ۶۰ درصد مردم، آن گرسنه هستند سرمایه گذاری میکردیم البته در راههای منطقی و بیغرضانه و بمنظور پیشرفت واقعی زندگی ساکنین این مناطق مصرف میکردیم، مسلماً

بهره وری و دگرگونی چهره زندگی در روی زمین خیلی فوری تر و سریع تر دگرگون میشود شگفتگی و شگفتی این انقلاب و تحول زودتر نمودار میگشت. اما از اینکه انسان اسرار عجیبی دارد که میان زندگی روز و دنیای گذشته و رویاهای آینده خویش رابطه ایجاد کند؛ تمایل دسترسی بدنیاهای ناشناخته که بنحوی عامل آسایش خاطر در زندگی و رفاه روانی افراد است. در سراسر تاریخ و در تمام طول زندگی انسان بطورزی شگفت انگیز وجود داشته است؛ و برای نیل باین آرزو. و ربط دنیای گذشته حال و آینده بکوششها و تلاش های بی گیر و خستگی ناپذیر دست بازیده است و بدین ترتیب امروز دست یابی به یکی از بزرگترین رویاهای دور و آرزوهای دیرین بشر از تلاش سخت، جامه عمل بخود میپوشد و صورت تحقق مییابد.



(۱) تیودور - ون کارمن :-

این کیهان نورد ماهر از اهالی هنگری است از علمای بزرگ تیوری - مابینست فعال و موجد علوم صنایع بوده در سال ۱۹۳۰ در اضلاع متحده امریکا وارد و در پیشرفت و انکشاف سرعت برق آسای را کت‌ها و طیارات فضائی امریکا رول بارز و مهم را برعهده داشت. این عالم در سال ۱۹۶۳ فوت نمود.



ورن - ون براون :- این شخصیت به سن ۲۰ سالگی در اردوی المان به صفت ریسرچ قواء راکت شامل و به سن ۲۵ سالگی بحیث مدیر تخنیککی تمام وظائف تفحصاتی قواء راکت جرمنی را به عهده داشت این عالم مخترع راکت V2 المان بوده درحرب عمومی دوم تسلیم وبه امریکاکرکت نمود و درتسکامل و پیشرفت سفرهای کیهانی امروزی امریکاکرکت بزرگی دارد .

انسان خاکی پا بر روی قشرهای سطحی ماه میگذارد تا ضمن تسکین آرزوهای سر کوفته خویش، بمق قشرهای ماه وبطور کلی - شاید از این طریق روزگاری برازاها ومعماهای آفرینش خوبتر و علمی تری بیبرد و در این اندیشه است که شاید بحل رویاها ومشکلات دیگر زندگی در کره خاکی نیز دسترسی پیدا کند، این چنین تفکر و آرزویی، به انقلاب بزرگ تکنولوژی و پدید آمدن وسیع صنعتی و فیزیکی معاصر انجامیده است که قدرت خلاقه صنعت وتوسعه و پیشرفت آنرا نسبت به زمان گذشته بکلی دگرگون وبه مقیاس وسیعی بارور ساخته است .

شک نیست که این تلاش وبهی گیری مجدانه ومصارف هنگفت نه تنها در خصوصیات روابط اجتماعی جامعه کنونی بشر اثرات وسیعی بجای خواهد نهاد؛ بلکه از نقطه نظر اقتصادی نیز

پیس بیسی میسود چهره کنونی دنیای اقتصاد را دگرگون سازد و در بسیاری از فورمولهای پیچیده اقتصادی مؤفق به گره گشائی و ایجاد وتحول خواهد شد... برای این منظور وبجهت مقصود های دیگر است که دو دنیای عظیم صنعتی در این راه بر قابت با یکدیگر به آزمایشات و کاوشهای وسیعی در فضا دست زده اند و یقیناً در آینده نیز به مقیاس وسیع تری خواهند زد، از اینرو این همه مصارف گزاف جهان کیهانی بخاطر تحقیق بخشیدن معماها یکباره تا حال نزد بشر مجهول مانده است کدام ارزشی ندارد چنانکه آخرین پرواز آپولوی یازده به مصرف ۲۴ میلیارد دلار تمام شده است اما آنچه که تا حال نتیجه مثبت بدست آمده قرار ادعای برخی از دانشمندان ثروت عظیمی در کره مهتاب

نهفته است و سنگ هائیرا که نیل (آرسترانگ) و (آلد رین) با خود آورده است بعد از آزمایش معلوم شد که بشر بمعادن گرانبهائی در ماه دست مییابد. این سنگ ها به آزمایشگاه ۷۰ میلیون دلاری او که از دو سال پیش، ساختمان آن شروع شد و ده دست الکترونیکی و ۱۱ مغز الکترونیکی مخصوص زیست شناسی، خاک شناسی اطلاعات کیهانوی دران کار گذاشته شد تحویل داده شد به کمک ۸۵ دانشمند کیهانی دیگر، آزمایش روی خاک ماه را آغاز کرد و روز بروز، یاد داشت های در مورد نتایج حاصله از آزمایشها، ترتیب داد تا پس از تکمیل، در اختیار «ناسا» قرار دهد .

در برخی از سنگهای مهتاب، چیز هائی شبیه مروارید و ماسه های شیشه ای وجود دارد و در زیر مکر سکوپ، چیزی فندق شکل که چند ملی متر

قطر داشت دیده شد که بسیار روشن بود و چون شیشه میدرخشید . ماسه های شیشه ای شکل ماه، با عنصر خاکستری رنگ پوشیده شده اند، با وجود این، حالت آنها بخوبی شهبو داست، وجود این عناصر شیشه ای و براق در سنگهای ماه نشان میدهد که خاک ماه، شباهت بسیار بسیار کمی به خاک زمین دارد پاره ای از دانشمندان معتقدند که عمر ماه وزمین برابر است و درین مدت قریب ده تریلیون تن از شهابها آسمانی بر سطح ماه فرو ریخته شده . از تجزیه معدودی از شهابهای که بزمین رسیده تخمین زده می شود که سنگ های مزبور در حدود ۴۵۰ هزار میلیون تن آهن ۲۸۰ هزار میلیون تن نیکل، ۹ هزار میلیون تن کربن سه هزار میلیون تن مس و سه هزار میلیون تن کوبالت بر سطح ماه رسوب داده اند .

این منابع وسیع نه فقط از نظر استفاده شان در روی زمین مهم اند بلکه از آنرو حایز اهمیت اند که اگر مستعمرهای زمینی در آنجا بوجود آید؛ میتواند با چنین ذخایری بدون نیاز به کره زمین، به حیات خود ادامه دهد .

مهند سین امریکائی امیدوارند که با استفاده از شیوه های نوین کرایه حمل بار را به مهتاب که در حال حاضر برای هر پوند بیش از بیست و دو هزار دلار است، پائین بیاورند تا بتوان با حمل وسایل وتجهیزات فنی استفاده بیشتری از ماه نمود بهترین راه برای استفاده از منابع زیر زمینی ماه، بکار گرفتن انرژی خورشید است، که بدون برخورد با هیچگونه اتمسفری بسطح ماه میتابد و نیز میتوان بکمک آینه های مقعر، کوره های عظیمی در سطح ماه بوجود آورد، در صورت تحقیق یافتن چنین امری، میتوان به آسانی صخره های ماه را ذوب کرد و آبی را که در آن محبوس مانده است بیرون کشید .



هرمن او برت : این عالم اثرات زیادی راجع به عالم کیهان و راندت در سال ۱۹۲۳ از خود گذاشت و بعد در اثنای حرب عمومی در رشته ریسرچ را کتهای حربی در جرمی خدمات برجسته نموده عالم مذکور در سال ۱۹۵۵ به ارکان حربیه رستون ارسلن امریکا پیوست و خدمات شایا نیکه در این راه انجام داده است قابل یاد آوری میباشد .

نشانه و جود معادنی در ماه باشد و ضمناً تاریخ سطح ماه را بدست می دهد .

* ما سنگ های ماه را به سه قسمت تقسیم کردیم ، سنگ های آتش فشانی ، سنگ های رسوبی و سنگ های دگرگون شده .

* دیروز در جریان یکی از آزمایش های خود متوجه شدیم که خاک ماه دارای مقدار زیادی «تیتانیوم» است این عنصر که در زمین کمیاب است در تهیه الیاژ های سنگین فلزی بکار می رود و ثروت عظیمی از این طریق ، در انتظار زمین است که بکار ساختن موتور های جت ، راکت ها و وسایل آزمایش کیمیا و خورد می خورد .

اما زیا دتر کوشش دانشمندان در لابلا ی سنگ و خاک ماه ، دنبال الماس می گردند برعلاوه (د کتر ام تیلور) مدیر لابراتوار یاد داشت های روزانه ، خود را در لابراتوار نمونه های سنگ و خاک ماه در « هوستون » چنین می نویسد :

* در میان سنگ های ماه ، يك سنگ در خشان کوچک شبیه جواهرات تابناک و متلالی زمین پیدا شده است . * در خاک ماه مقدار زیادی مهره های بلورین به رنگ های متنوع دیدیم .

* ما تعداد زیادی دانه های بلورین رنگی مدور که ظاهر ابر اثر سرد شدن سریع بخارات ناشی از برخورد سنگ های آسمانی بر ماه ، بوجود آمده است در میان سنگ های ماه یافتیم . * یکی از سنگ های ماه ، سنگ آتش فشانی است که بظاهر ، شباهت زیادی به سنگ های آتش فشانی زمین دارد این سنگ پس از خروج از دهانه آتش فشان سرد شده است و شکل کنگره داری بخود گرفته است این ، می تواند

* ما ضخامت قشر خارجی کره ماه را ۳۰ کیلو متر تعیین کردیم (قشر خارجی کره زمین ۱۰۰ کیلومتر است) این نثوری را ما از تجزیه و تحلیل علائم مخابره شده بوسیله زلزله نگاری که مه نوردان در خاک ماه قراردادند بدست آوردیم زلزله نگار ماتا کنون ۱۷ لرزه خفیف و شدید را بزمین مخابره کرده است ، این فر ضیه ما در مورد قشر یا پوسته خارجی ماه ، به اثبات رسد بزرگترین کشف زمان های اخیر ، در باره این ستاره انجام شده است و بدین وسیله ما یقین حاصل خواهیم کرده که ماه در آغاز پیدایش ، دارای حرارت زیادی بوده است و در حین سرد شدن آن ، عناصر سبک به سطح آمده اند و تشکیل يك قشر را داده اند

* ماهمین روزها باین سوال پاسخ خواهیم داد که آسمان چیست از چه ساخته شده است اجرام آسمان از کجا آمده اند و در آن بالاها چه میکنند و چگونه باید بر آن ها دست یافت .

* برخی دیگر از همکاران ما نیز می خواهند بینند آیا در سنگ و خاک ماه ، نشانه های ممیا را ن اتمی راسی توانند بیابند یا نه اگر آنها در این زمینه موفق شوند معلوم خواهند شد که موجودات متمدن کرات دیگر ماه را در زمانی



(کانس تانتین تسیولسکو فسکی)

این عالم راهبر کیهان نوردان لقب داده اند - این فیلسوف روسی از نگاه تیوری ثابت نمود که وجود راکت ها در سفرهای کیهانی ضروری است .



قهرمانان کیهانی اپولوی یازده که در این اواخر بعد از پرواز موفقیت آمیز در جهان های دور دست سالماً بزمین عودت نمود .

دور ، مورد مباران اتمی قرار داده اند و آنرا از سکنه تهمی ساخته اند .

مهمتاب نخستین هدف کیهانی انسان :

انسان از اینکه در نخستین پرواز کیهانی خود مهمتاب را انتخاب نمود و این نه بدان سبب است که شاعران آنرا ستوده اند و یا از روز گاران پیش هدف رویا های ما بوده است بلکه ماه آن جسم سما ویست که از همه بزمین

نزدیکتر است و پرواز به ماه ساده ترین پرواز های فضائی خواهد بود ، زیرا ماه در یک مدار بیضوی که تقریباً دایره است ، بدور زمین می گردد . فاصله مرکز زمین تا دور ترین نقطه مدار ماه برابر ۴۰۷۰۰۰ کیلو متر و تا نزدیک ترین نقطه مدار ۳۵۶۰۰۰ کیلو متر است فاصله ، بین مراکز زمین و ماه در حدود ۳۸۴۰۰۰ کیلو متر میباشد (توجه باین نکته جالب است که قطر خورشید تقریباً دو برابر قطر مدار ماه است یعنی اگر زمین در مرکز خورشید بوده این مدار در اعماق خورشید قرار می گرفت) موقعی که ماه در نزدیکترین فاصله ، خود بزمین باشد ۲۷ کره به بزرگی زمین میتواند بخط مستقیم پهلولی هم و بین آندو قرار گیرد پروازی در خط مستقیم از زمین تا ماه برابر فاصله ، ۹ دور گردش دور زمین خواهد بود .

اگر در مقیاس کیهانی قضاوت کنیم فاصله زمین از ماه نا چیز است ، این فاصله صدها بار کمتر از فاصله سایر اجسام سماوی و حتی نزدیکترین آنها بزمین است این نزدیکی عامل تعیین کننده ماه بعنوان اولین هدف پرواز در فضا است .

هر قدر فاصله از زمین کمتر باشد بهمان اندازه پرواز کوتاهتر است و این بنوبه خود متضمن اشکالها و

مخاطره های کمتریست که معمولاً همراه این قبیل پرواز هاست این مزیت مهمی در آغاز کار است . مزیت دوم ناشی از نزدیکی ماه بزمین گرچه چندان آشکار نیست عملاً دارای اهمیت فراوانی است و آخرین پرواز کیهان نوردان امریکائی این معمی هارا تا اندازه ای حل ساخت و یقین است در آینده از این پرواز تجارب زیادی به کیهان نوردان میسر خواهد شد و راه را به جهان های دور دست باز خواهد نمود .

مریخ هدف دوم کیهانی :

طبق گزارشات واصله از ایالات متحده ، « آگینو » معاون رئیس جمهوری آن کشور که امور تحقیقات فضائی ایالات متحده را زیر نظر دارد تصمیم گرفته است قبل از پایان قرن بیستم مریخ را نیز بتصرف در آورده تا کنون دو راکت از طرف امریکائی ها بسوی مریخ پرتاب شده که هر دوی این راکت ها ، عکس ها و اطلاعات جالبی بزمین مخابره کرده اند . اکنون با اجرای موفقیت آمیز بر نامه « آپولو ۱۱ » پیاده گردن انسان در کره مریخ نیز تا حدودی به واقعیت نزدیک شده است .

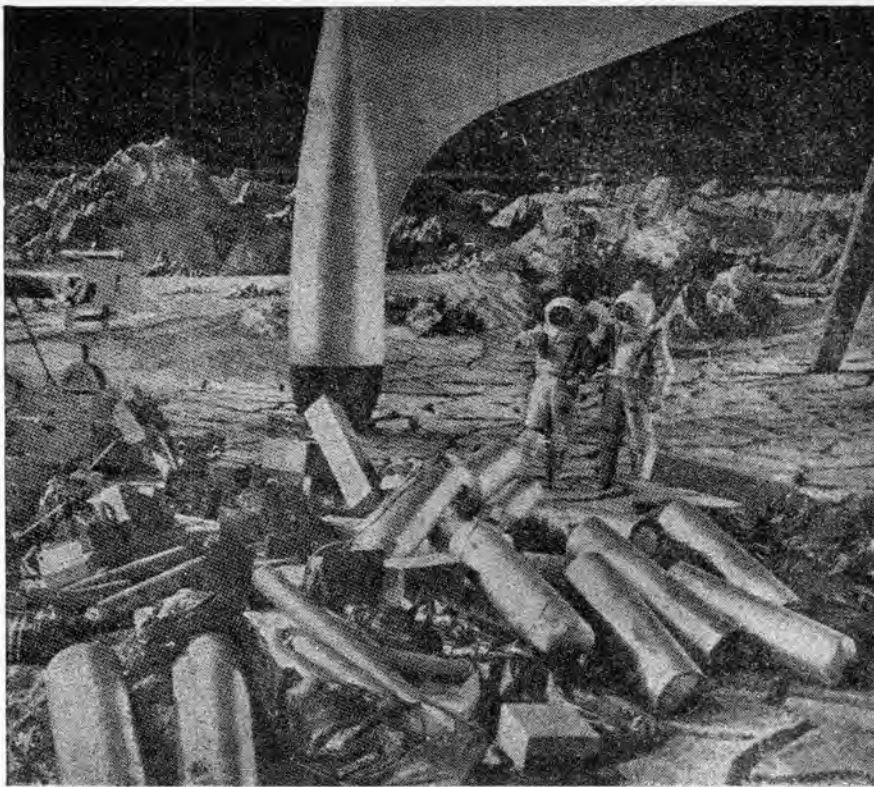
ولی باید دانست که بشر در راه تسخیر مریخ مشکلات بیشتری در پیش خواهد داشت ، زیرا مریخ دهها میلیون



حینیکه قهرمانان اپولوی ۱۱ را بعد از عودت از سفر کیهانی ذریعه هیلو کوپتر نجات میدهند



قهرمانان کیهانی اپولوی ۱۱ بعد از پرواز در اطاق قرنطین



یکی از پایگاه های آینده بشر در کره ماه

کیلو متر با زمین فاصله دارد ، حال آنکه حد اکثر فاصله زمین تا ماه ۳۸۰ هزار کیلومتر است به همین جهت باید فضا نوردان برای سفر به کره مریخ تجهیزات کافی مسافرتی طویل المدت را با خود حمل نمایند در غیر اینصورت باید تا موقع پرواز به مریخ راکت های فوق العاده قویتر و سریعتر از راکت « ساترن » ، « ۵ » تهیه گردد تا جبران دوری مسافت بعمل آید .

برای تسخیر مریخ علاوه بر تهیه راکت قویتر پیشرفت در تهیه وسایل ارتباطی و سیستم حفاظتی زندگی نیز مورد نیاز است و به یقین تدارک چنین وسایلی فوق العاده مشکلتر و پرهزینه تر خواهد بود . اما مخارج مسافرت بکره مریخ فوق العاده زیاد میباشد و در گزارشی که پرزیدنت نیکسون در باره خط مشی آینده ایالات

متحده در امور فضائی داده شده است ، گروه چهار نفری همکاران « آگینو » که مامور تحقیق در مورد پرتاب سفاین آبوا هستند همگی تصدیق کرده اند که هدف بعدی امر یکسانی بایستی کره مریخ باشد

لیکن برای حصول باین منظور سه برنامه مختلف با مخارج متفاوت ارائه داده اند . (بقیه در صفحه ۵۲)

وجود

زندگی

در

ستارگان

یکی از ستاره شناسان مشهور جهان اخیراً پیروز بکشف دو مین جرم سماوی سیاره مانندی شده است که بدور یک ستاره نزدیک خود در گردش است . دکتر « پتروان دو گامپ » همان دانشمندی است که نخستین سیاره ستاره بارد نارد را کشف کرد و شش سال بعد پیروز به کشف سیاره اخیرالذکر گردید .

دکتر « پتروان دو گامپ » رئیس رصدخانه اپرول درین مورد میگوید: ستاره مذکور شباهت خیره کننده ای بوضع سیاره ای که ما آنرا خوب میشناسیم یعنی کره زمین دارد . اضافه بر ستاره بارنارد سه ستاره دیگر شناخته شده اند که هر یک حداقل یک کمر سیاره مانند دارند . دکتر پتروان دو گامپ معتقد است که احتمال دارد اجرام سیاره مانند بیستتری وجود داشته باشند که در فاصله شش سال نوری بدور ستاره بارد نارد در گردش باشند لیکن وی در حال حاضر اطلاعات کافی برای تأیید نظریه خود ندارد .

اجرام سماوی که به بزرگی سیاره هستند و خارج از منظومه شمس قرار دارند قابل رویت و خارج از منظومه نیستند .

وجود آنها در انحرافات آنها یا از تلا لؤ مختصر آنها در مسیر ستاره ای که بخواهد در فضا حرکت کند قابل استنباط است و این امر مستلزم محاسبات دقیق ریاضی است .

ستاره بارنارد در سال ۱۹۱۶ کشف شد و از سال ۱۹۳۸ تا کنون تحت مراقبت دقیق تلسکوپ قرار دارد . تا کنون بیش از ۲۰۰ کلیشه عکاسی از ستارگان تهیه شده است و بنا بر فرضیه برخی از دانشمندان درهفته گیتی بیش از هزاران هزار میلیون هست که در تعداد بسیاری از آنها نوعی حیات وجود دارد .



لارا، دختر پارتیزان

مترجم: لری بریدمن نجیب الله

مؤلف: ن. ناوشروویچا

خلاصه قسمت های گذشته:

لارا دختر بیست که با مادر و مادر کلانش در لیننگراد زندگی میکند، او قبل از جنگ به همراهی مادر کلانش به قریه خود شان خارج شهر لیننگراد می رود و جنگ مانع بازگشت آنها میشود. لارا از ظلم و ستم نازی ها مجبور میشود که بگروه پارتیزانها بپیوندد .
او از مادر کلان عزیزش جدا گردیده و شبانه با دو نفر رفیق هایش به قرارگاه پارتیزانها میروند و ماموریت های مختلف را که به ایشان سپرده میشود بخوبی اجرا میکنند .
در قرارگاه یک پسر بچه دیگر نیز هست که یاور مخصوص قوماندان بوده و نامش مشیکامی باشد، او با لارا از هر جهت رقابت دارد و از همه مهم اینکه مانند او کدام وظیفه محاربوی نگرفته. مشیکا بعد از زحمات زیاد موفق میشود در یکی از عملیات محاربوی اشتراک کند اما غافل از اینکه در انجام خمی و دست راستش از کار می افتد و اینکه دنباله ماجرا.

قسمت چهارم

های بلند او را از خواب بیدار نمودند ، او کمی خود را نزدیک کلکین پیش کشید .

در سرك عمومی قریه مردم زیادی جمع شده بودند درینوقت دروازه باز شده و دکتروس ماریادهن دروازه نمودار گشت ، در عقبش چهار نفر پارتیزان زخمی را آوردند و بانطرف اتاق خوابانیدند ، قیافه نفریکه بالای تذکره خوابیده بود از طرف مشیکا دیده نمی شد زیرا او را توسط یک روجائی پوشانده بودند و درینوقت مشیکا زن صاحب خانه رادر بین جمعیت دیده او را صدا کرد آنزن نزدیک کلکین آمده گفت :

- بخواب بچه جان! دوکتروس ماریا اگر بیدار می شود زیراتوا اجازه نداری که بنشینی .

- ببخشید، میخوام صرف بمن بگوئید که او پیلوت بود ؟
- بلی او پیلوت بود لارا و رایا او را در جنگل یافتند که از درون طیاره مشتعل شده خارج میشد، او برای تو دو آورده بود .

- او زنده است ؟

- بلی زنده است اما چشمانش ، دستهایش و رویش سوخته اند .

- اگر زنده است پس چرا حرف نمی زدند ؟

- او بهوش است ، خوب ، بخواب بچه جان! من کوشش میکنم همه چیز را بدانم بعداً برایت قصه میکنم مشیکا آهسته خوابید - این درست است که من هنوز نشسته نمی توانم باید از دکتروس ماریا خفه نباشم زیرا او اگر از من راضی باشد ، موافقت خواهد کرد که پیلوت را پهلویم بخوابانند ، من میتوانم از او مراقبت نمایم ، حتماً درد پیلوت خیلیها شدید بوده که او از هوش رفته و اضافه طاق و حوصله نداشته .

کمی بعدتر ماریا آهسته به اطاق داخل شده پهلویش مشیکا نشست و احوالش را پرسیده گفت :

- امروز چه حال داری ؟

- من تقریباً خوب شده ام . اما او ؟ لظفاً بگوئید او زنده خواهد ماند ؟

دکتروس ماریا نفسی عمیق کشید و خود را به نفهمی زده گفت :

- طیاره دیگر خوابسته شده ، امشب ما ، تو و پیلوت را عقب جبهه می فرستیم تا آنجا در شفاخانه بصورت صحیح معالجه شوید .

-- ماریا؟ مشیکا متعجبانه پرسید ! آیا درینجا معالجه شده نمیتوانم ؟

- درینجا تضمین کرده نمیتوانم ، شاید مجبور شویم دستت را قطع نمائیم .

مشیکا نومیدانه گفت :

- دستم را قطع کنید ، مگر من ازینجا نخواهم رفت ، اینجا باقی می مانم تا جنگ تمام شود .

- حالا برایت عصاره سنبل می آورم تا حالت بهتر شود ،

حتی مادر کلانش میدانست که مشیکا بسیار با حوصله بوده و مقابل در دو مرض مقاومت زیاد دارد ، اما حالا او از درد ناله میکرد و گاهی حسر مینمود که دستش از آن اونست واقعاً یکدست آنقدر انسان را به تکلیف دچار میسازد ؟ باورش نمیشد که دستش آنقدر گستاخ باشد و در دش و قتی اضافه میشد که کاکا ریگوروف بعیادتش می آمد ریگوروف چند توتنه قند برایش آورده و گفت که تمام افراد گروه شان به او سلام گفته و آرزوی صحت و سلامتی اش را دارند .
مشیکا خوشحال شده گفت :

بسیار تشکر ، اما خود شان چرانی آیند ؟

بلی بعضاً داکتر اجازه نمیدهد که به شفاخانه داخل شوند و از طرفی همه مصروف هستند ، زیرا همه روزه محاربه جریان دارد محاربه در بالای ریل مشیکا پریشان شده گفت :

- چه قسم ، محاربه در بالای ریل ؟

و ریگوروف قصه کرد که به تمام پارتیزانها امر شده که تمام خطوط ریل ، استیشن ها و قطارها را از بین برده منفلق نمایند تا دشمن نتواند قوای خود را از یک جبهه به جبهه دیگر انتقال بدهد انتقالات مهمات حربی و لوژستیکی دشمن قطع شود و قوای متعرض ما بتوانند با ما نی دشمن را نابود نمایند .

بعد ازین گفتگو مشیکا تمام شب نخوابید ، در اطاق غیر از او مریض دیگری نبود و صاحب خانه که يك زن شبیه مادرش بود از ونگهبانی و مراقبت مینمود و همیشه او را بیاد مادرش می انداخت .

يك شب که این زن صدای ناله مشیکا را شنید از پس پرده بیرون آمده با مهربانی گفت :

- بسیار تکلیف داری ؟ حالا پرستار را بیدار میکنم . . .

- نه خیر . . . هر وقت که او بیاید و معاینه کند درد اضافه میشود بهتر است کمی آب بد هید .

او چند جرعه آب خورده و هم چند قطره آب بالای دستش پاشید ، بانهم دستش میسوخت ، تو گوئی زیر پوست دستش آتش روشن کرده باشند چرا او اینقدر بد شانس است ؟ مردم می جنگند قطارها را انفلاق میدهند ، شاید لارا نیز بهمراه پارتیزانها به استیشن ریل رفته و او در (اتاق) در بستر خوابیده است .

دکتروس (ماریا) همیشه شکایت دارد که دوا خراب است و همیشه منتظر طیاره است که دواى جدید برایش بیاورد زیرا این دواها تاثیر زیادی نداشته و زخم دست مشیکا خوب نشده است .

مشیکا باین افکار گوناگون تا نزدیکی های صبح بیدار بود و بعد از آن بخواب عمیقی فرو رفت مگر بسیار زود صدا

هروقت آرام‌شدهی آنوقت باهم صحبت میکنیم ماریا از اطاق خارج شد و دوباره برنگشت ، معلوم بود که اوراضی نخواهد شد نه، به هیچ ترتیبی به قطع کردن دست مشیکا راضی نخواهد شد مشیکا سر خود را در بالش فرو برده و گریه را سرداد .

* * *

نمخیر ، اوزمانیکه بالای ماریا بیخ می‌زد « دست مرا قطع کنید اما از اینجا نخواهم رفت » او تظاهر نمی‌کرد بلکه برایش جدی میگفت ، او فکر میکرد : بهتر است دستش را قطع کنند از اینکه همه چیزش را از او قطع کنند هوائی را که او تنفس میکرد و موضعی را که او در آنجا زندگی کرده بود و همه چیزش را او در مبارزه کبیر و عظیمی سهم داشته و شریک بود و این به خوشی و امیدش می‌افزود و مخصوصاً وقتی فکر میکرد که با تمامی هارتیز آنها بیک صف برآیستاده میشود و حال دیگر صدای تحسین قوماندان را نخواهد شنود که میگفت « آقرین مشیکا » و دیگر بکدام وظیفه محاروبی اشتراک نخواهد کرد - آیا بدون اینها زندگی کردن امکان دارد؟

— مشیکا! یک آواز خفیف دخترانه بگوشش خورد ، او چشمان سرخ و باد کرده اش را باز نموده کمی نیم خیز شد ، وسط اتاق لارا ایستاده بود و در دستش یک تگری خورد معلوم از میوه بود :

بگیر! برایت توت زمینی آورده ام ، ویتامین زیاد داشته و برایت مفید است .

مشیکا روی خود را بطرف دیوار گشتاند : که این دختر را باینجا آورده ؟ ویتامین را چکنم ، زندگی ام از بین میرود ویتامین بچه دردم میخورد .

تو با من قهر هستی ؟ باور میکنی ! من از روی عصبانیت با تو گفتگو نمی‌کردم .

باور میکنی یانه ؟ ... برای او دیگر بی تفاوت شده بود زیرا او را از بین ایشان می‌بردند برای اینکه لارا متوجه ضعفش نشود سر خود را به بالش فرو برد اما اشک از چشمانش جاری بود دخترک گفت :

— تو چرا گریه میکنی ؟ نسبت اینکه برایت گفتند که ترا امشب توسط طیاره می‌برند ؟ من گفتگوی شما را شنیدم ، اما یکجائی را در جنگل دیده‌ام که ... مشیکا حینیکه این جمله را شنید اشکهایش قطع شد و منتظر باقیمانده جمله شد قلبش می‌تپید لارا ادامه داد :

— تو در آنجا منتظر پرواز آینده طیاره خواهی بود و من برایت غذا و خوراک همه روزه می‌آورم تا اینکه طیاره اولی پرواز کند و طیاره دیگر بعد از مدت زیادی می‌آید . حالا فکر می‌کنم که چطور ترا از دست ماریا خلاص کنم و قرارت بدهم ، مشیکا فوراً حرفش را قطع کرد :

— تو مرا کمک خواهی کرد ؟ بلی !

او درد دستش را فراموش کرده خواست بیک حرکت سریع بنشیند و در همین اثنا درد شدید حس کرده دست شد و دوباره بالای بستر افتاده سر خود را به بالش فرو برد . او دوباره گلویش پر شده از چشمانش اشک جاری شد ، آخر او توسط همین ضجه و ناله اش سر خود را فاش ساخته و همه

چیز خراب شده بود ، فعلا لارا او را کمک نخواهد کرد .

دخترک خشمگین گفت :

— هیچ کاری از دستمان بر نمی‌آید ، مشیکا! تو باید بروی در آنجا تا بیک شفاخانه خوب بستر می‌کنند و بزودی صحبت را باز می‌یابی . مشیکا در حال گریه گفت :

— خوب میشوم ؟ بلی در آنجا بدون شما ... تنها ... من من می‌میرم ، و درین اثناء مشیکا حس کرد که دست خورد و لطیف دخترک لرزان و ترسناک بوجودش تماس پیدا کرد . این یعنی چه ؟ او میخواست دستش را پس بزند ، مگر دست لارا باندازه ای مهربان ، نواز شگر و پرمحبت بود که حتی دردش را تخفیف داد و به اندازه لطیف و ملایم بود که حتی وضعش را بهتر ساخت ، آخر بعد از مادرش هیچکس دست نوازش بسرش نکشیده بود ، دخترک میگفت :

— مشیکا می‌فهمی ؟ وقتی که ترا برای اولین بار دیدم فکرم کردم که خوب شد او در اینجا است ، با تو دوست خواهیم شد و باهم یکجا خواهیم بود در حالیکه ما تو همیشه باهم شطنت میکردیم مگر من آنوقت راجع بتو چیزی نمیدانستم ، صرف امروز برایم گفتند . مشیکا دیگر گریه نمی‌کرد و بدقت گوش میداد ، لارا ادامه داد :

— پدر کلان و مادر کلان ترا و پدر مرا نازی‌ها کشتند مدت زیادی میشود که تو راجع بمادرت چیزی نمیدانی و ازو خبر نداری ، من همچنان تقریباً دو سال میشود که مادرم را صرف در خواب می‌بینم مشیکا ! تو خواهر داری ؟ میخواهی که من خواهر کلانت باشم ؟ تو صرف بگو میخواهی مشیکا ؟ او سر خود را بلند نموده عمیقاً به چشمان دخترک نظر انداخت دخترک پسر را که قوماندان به مشیکا بخشیده بود برداشته او را دو نصف نمود و یک نصف آنرا به مشیکا داد گفت :

— بگیر این علامه عمومی بین ماست یعنی یادگار تو بمن و از من بتو ، همیشه درگذرت نگه دار ..

— عجیب است لارا چه فکر خوبی ؟ مشیکا بالای بستر نشست و نصف قلم را از لارا گرفت ، لارا باقیافه معصومانه برایش گفت :

— نصفش از تو و نصفش از من ، تو بطرف این نصف قلم می‌بینی و بیاد می‌آوری که تنها نیستی و اینجا برای تو قلبی می‌تپد ، و من بطرف نصف خود می‌بینم و از خود می‌پرسم « حالا کجاست برادرم خدا کند برادر عزیز و دوست داشته‌ام زودتر صحبت و سلامتی خود را باز یابد » و مشیکا جواب داد :

— بعد از آن ؟

— بعد از آنکه جنگ ختم شد تو نزد ما به لینن گراد می‌آئی و مادرت رانیز با خود می‌آوری و اگر مادرت را نیافتی مادر من برای تو مادر خوبی خواهد بود و اگر مادر من هم نباشد ما تو یکجابه دارالایتم می‌رویم .

زمانیکه آنها باهم درد دل میکردند ماریا وارد اتاق شده و وقتی متوجه آنها شد گفت :

— بسیار عالی ، شما فیصله کرده و به توافق هم رسیده‌اید یعنی شما از وقت میدانستید که امشب باهم یکجا پرواز میکنید ؟

— مشیکا از وجد و شغف زیاد فریاد زد :

— یکجا؟ اما لارا رنگش سفید گشت و گفت :

— ماریا! اینکار عادلانه و متصفانه نیست، هنوز جنگ تمام نشده و وظائف مادوام دارد، از طرفی من زخمی نیستم.

— تو هم دلت میخواهد که زخمی بشوی؟ باز جواب ترا که خواهد داد؟

— من داوطلبانه داخل دسته پارتیزانها شده ام و خودم مسئول خود هستم.

— خوب بمن چه... به قرارگاه برو، در اینجا برایت توضیح میدهند، درین طیاره تو، فروسیا و هر کس که از شانزده سال کمتر عمر دارد فرستاده میشوند، زیرا محاربه کار اطفال نیست و شما هنوز خورد هستید.

— شما فکر میکنید که اطفال کمتر از کلان سالان وطن خود را دوست دارند؟

— نخیر، فکر میکنم که شما را نجات میدهند و از شما محافظت میکنند، خوب فعلاً برو که مریض کمی استراحت کند زیرا سفر در پیش دارد.

و مشیکا چشمانش به لارا دوخته شده و فکر میکرد که چقدر خوشبخت است که بانها یکجا پرواز میکند اما نسبت به لارا بسیار مناسف بود.

لارا بطرف دروازه روان شد و لبانش شور میخورد، مثل اینکه میخواست چیزی بگوید، اما هیچ چیزی نگفته صرف طوریکه ماریا نه بیند پندل خود را به مشیکانشان داد، مشیکا هم مخفیانه نیمه قلم خود را باو نشان داد، او کمی شور خورد امکان داشت همین حالا آدرس مادر لاریسارا از او میگرفت اما بطرف ماریا دیده تصمیم گرفت که بعداً آدرس را بگیرد، آنها در طیاره باز هم همدیگر را خواهند دید.

اما مشیکا نمیدانست که این آخرین دیدار شان است.

* * *

آسمان وزمین را شب فرا گرفته و جنگل در تاریکی فرو رفته بود، باد خفیف موهای مشیکارا پریشان ساخته و برایش اینطور معلوم میشد که تاریکی توسط بال های سیاه خود به او می وزد. مشیکا کنار یک درخت نشسته بود و پیشرویش در بین درختان غلوی جنگل یک چمن بزرگ قرار گرفته بود که میدان نشست طیاره را تشکیل میکرد در اطراف چمن بته های خشک راجع کرده بودند که آنها را می سوختاندند تا طیاره از روشنائی آنها استفاده کرده و بزمین بنشیند، باورش نمی شد که طیاره او را همین حالا می برد.

از خیمه پهلوش که در آن پیلوت زخمی را جا داده بودند پرستار برآمده و صدا کرد :

— مشیکا، او مشیکا!

— چه میخواهی؟

— مثل سنگ پشت در بیخ بته ها نشسته ای، بیا درون خیمه.

— این جا هوای تازه است.

— خوب، مقصد گریز نکنی.

مشیکا تبسم کرد، او می فهمید که چرا پرستار پریشان است،

آنها باید چاره نفره پرواز میکردند اما در میدان هوائی جنگلی دونفر جهت پرواز آماده بودند. لارا هم خودش

پنهان شده بود و هم فروسیا را با خود برده بود، خوب چه باید کرد؟ او نمیتوانست خواهر خوانده اش را ملامت کند و پیش خود به این کار او حتی افتخار میکرد، اگر دستش خوب می بود خودش نیز میگریخت، حتماً... افسوس که حالا جستجوی لارا برایش مشکل بود، زیرا آدرسش را نگرفته بود، او با خود میگفت :

ای نادان تو باید میدانستی که او نخواهد رفت، که او حتماً خواهد گریخت. در اثنائیکه لارا دهن دروازه با سر برایش اشاره کرد در حقیقت باوی خدا حافظی نمود، به ترتیب او بالا را خدا حافظی کرده بود، بلی او با همه خدا حافظی کرده بود، اما بهمراه عزیز ترین دوستش و آمرش یعنی قوماندان خدا حافظی کرده نمیتوانست زیرا برایش خیالی ها مشکل بود که از او جدا شود. قوماندان تمام روز غائب بود گرچه گفته بودند که قوماندان بمیدان هوائی خواهد آمد مگر پاسی از شب گذشته وقت کم مانده بود و هنوز قوماندان نبود و شاید هم گرمی آمد بدیدنش موفق نمی شد. اما درین اثنا آواز باهای مردانه بگوشش رسید و یک صدای آمرانه که میگفت :

— او کجاست؟

مشیکا گوش فرا داد و آواز آشنا را شناخت، این قوماندان بود، بعد از اینکه بهم دیگر سلام و احوالپرسی نمودند مشیکا گفت :

— من فکر میکردم که شما ناوقت خواهید کرد.

— بخیر! برایت معلوم باشد که من هیچگاه ناوقت نمیکنم. قوماندان چراغ دستی اش را روشن کرده و به ساعت نظر انداخت، و قشش رسیده بود و آتش را باید روشن میکردند، بته ها را آتش زدند و روشنی شان منطقه را روشن کرده بود. زمین با سمان اشاره آتشین داد و آسمان بجواب زمین صدای بم مانند فلزی که بفرش در آمده و زمین را به لرزه در آورده بود، طیاره پائین شده رفته و ارتفاعش بکلی کم شد تا اینکه بزمین نشست، چون آواز غرش زیاد بود مشیکا همینه قدر صدای قوماندان را شنیده توانست که میگفت : بخوبی نشست.

طیاره نزدیک شده میرفت و از سرعتش کاسته میشد تا اینکه در چند متری آنها متوقف شد. قوماندان ابتداء با پیلوت طیاره احوالپرسی کرده و بعداً بایک دختری که از طیاره خارج شده و یک بکس خورد در دستش بود ایند ختر بنظر مشیکا بسیار گهمن می آمد، مثل اینکه دختر بچه مکتبی باشد، حتی او باور نمیکرد که این دختر دا کتر بوده باشد، دختر بطرف مشیکا دیده با تبسم گفت :

— خوب! این بچه گگ زخمی است، چه حال داری؟ تو تا حال به طیاره پرواز نکرده ای؟ میدانم که خوشتر خواهد آمد و ما با تو دوستان خوبی خواهیم بود، خوب فعلاً مرانزد آن پیلوت رهنمائی کنید.

دونفر او را بطرف خیمه بردند و قوماندان نزد طیاره باقی ماند، او دستورات لازمه را بکسانیکه محموله طیاره را خالی میکردند صادر نمود.

مشیکا هیچوقت از قوماندان جدا نمی شد، فعلاً او هنوز باور مخصوص قوماندان است، هر وقتیکه او را در طیاره نشانند، آن وقت بچه گگ زخمی خواهد بود.

او میخواست که هر قدر دیر تر محموله طیاره پائین کرده شود تا او بتواند مدت زیادتری یاور قوماندان باشد، اقلان تا نیم ساعت دیگر، اقلان پانزده دقیقه دیگر، پنج دقیقه... اما دید که تذکره پیلوت مریض را آوردند و آن دختر در حالیکه به طرف شان نزدیک می آمد گفت:

- موقع خدا حافظی فرارسیده.

مشیکا برگشت و مقابل قوماندان قدر است بحال تیاری ایستاده شد مثل یک سربازیکه منتظر آخرین اوامر قوماندانش باشد. قوماندان گفت:

- آرزو مندم صحت و سلامتی ات را باز یافته خوشبخت باشی، بگذار همه چیز به تو باز گردد همه چیزی را که جنگ از تو گرفته، فامیلت را، زندگی ات را، مکتب تعلیم و خوشبختی ات را... از خدمت گذاری تو متشکرم و خواهان خوشبختی تو.

آنها مقابل هم ایستاده بودند، قوماندان و یاورش - قوماندان دست مشیکارا فشرده، عیناً مانند یک دوست محار بوی، و مشیکا خود را خوشبخت تر از همیشه حس میکرد اما ازجا تکان نمی خورد و قوماندان فهمید که او منتظر چه است او نزدیک آمده خم شد تا اینکه روی و بینی کوچک مشیکا به سینه اش تماس نمود.

و بعداً مشیکا مظلونانه در حالیکه بینی خود را بالا میکشید

از او جدا شده دو قدم عقب رفت و به قوماندان رسم تعظیم عسکری بجا آورد، قوماندان نیز رسم تعظیم او را جواب گفته و وی بطرف طیاره روان شد و تا وقتیکه بداخل آن از نظر پنهان گردید قوماندان برایش دست شور میداد.

طیاره بالای جنگل آرام به پرواز در آمد.

پرنندگان در بالای شاخه های درختان دوباره آرامش شانرا باز یافته بخواب رفتند و آرامی بهمه جا حکمفرما شده. اما همه را خواب نبرد. در آنشب تابستانی و هرستاره در یکی از چمن های بین جنگل از بین سبزه هایک کله باموهای مسجعد و سیاه بجنیش آمده صدا کرد.

- فروسیا برخیز! می شنوی؟ طیاره پرواز کرد.

فروسیا در خواب یک آواز میهم را شنیده و از یک پهلو به پهلو دیگر شد.

لارا در بالای دوزانو نشسته و حریصانه بطرف آسمان و دور شدن طیاره می نگریست:

خوشبخت باشی مشیکا، ببین من ترا فراموش نکرده ام و گرچه دخترک میدانست که مشیکا چیزی را که لارا به او نشان میدهد هیچگاه درک کرده نمی تواند، با آنهم او مشت دست خود را بطرف آسمان و بطرف مشیکا دراز میکرد.

در دستش نصفه پنسل فشرده میشد. (ختم قسمت سوم)
(دنباله دارد)

روای دلیرانه کیهانی

(بقیه صفحه ۴۷)

که نیکسون نیز احتمالاً آنرا قبول خواهد نمود.

سود عمده این پیشنهاد آنست که انجام آن احتیاج بافزایش زیاد بودجه فضائی در زمانی که ملت امریکا برای رفع احتیاجات جدی اجتماعی تحت فشار قرار دارد نخواهد داشت بسفر به مریخ هروقت که باشد، تا حدود بسیار زیادی با رفتن به ماه متفاوت خواهد بود زیرا بر عکس راکت غیر قابل برگشت و مدول مه نشین آپولو ۱۱ از وسایل نقلیه ای که انسان را به مریخ خواهد برد برای سفرهای متعدد استفاده خواهد شد و چنانکه توماس پین رئیس سازمان ملی هوائی و فضائی امریکا گفته است وقتی یک وسیله حرکتی از مریخ به مدار زمین بازگردد، در مدار باقی خواهد ماند و سپس از سوخت گیری و تجهیز مجدد

این سه پیشنهاد عبارتند از:

۱- اگر کنگره حاضر باشد که از ۸

میلیارد تا ۱۰ میلیارد دلار در سال برای امور فضائی خرج کند. ایالات متحده میتواند در سال ۱۹۸۳ به سیاره سرخ دست یابد.

۲- اگر کنگره بودجه سازمان ملی

هوائی و فضائی امریکارا بمقدار فعلی یعنی کمتر از ۶ میلیارد دلار در سال نگاهدارد، فرود بسطح کره مریخ تا بعد از سال ۱۹۹۰ انجام نخواهد شد.

۳- اگر کنگره موافقت کند که

حد اکثر بودجه سازمان ملی هوائی و

فضائی امریکا تا سال ۱۹۸۰، ۶۵، ۷ میلیارد دلار باشد، فرود بسطح مریخ در سال ۱۹۸۶ انجام خواهد شد.

« آگیتو » بوضوح از پیشنهاد دوم پشتیبانی نمود و این پیشنهادی است

و گرفتن سر نشینان جدید دوباره برای حرکت بسوی مریخ، زهره و یا ماه آماده خواهد بود.

اما در این اواخر کیهان نوردان امریکائی تصمیم دارد برای باردوم توسط سفینه آپولوی ۱۲ به مهتاب پیاده شوند - چارلس چکونرادوالن بین کیهان نوردان آپولوی ۱۲ نسبت به کیهان نوردان آپولوی یازدهده ساعت بیشتر در سطح ماه باقی خواهند ماند.

همچنان آنها نهمصد متر دور تر جائیکه آپولوی ۱۲ در سطح ماه قرار میگردد دور میشوند در حالیکه رستورانگ والدردین کیهان نوردان آپولوی ۱۱ از جائیکه آپولوی ۱۱ در سطح مهتاب فرود آمده بود ۷۵ متر دور شده بودند ممکن است این پرواز در آینده بسی معمی های دیگر کیهانی را حل کند.

دجاپان سمندری

استراتژی

دو هغه برخه :

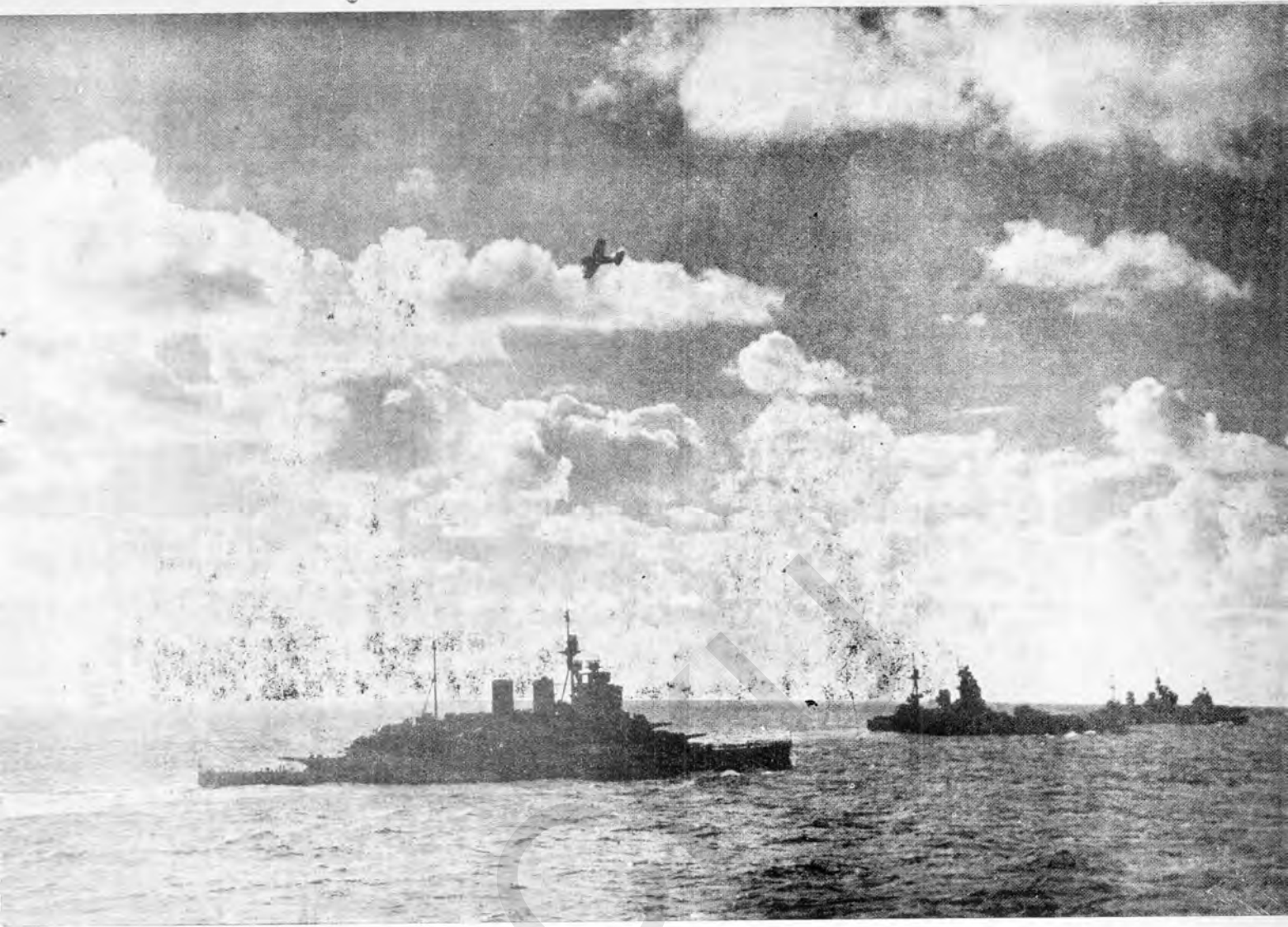
ور کونکو دشپي لغوا خپل عمليات معطلاؤ او نشو کولای په يوقطعي بری او موفقیت غښتن شی په څرگند ډول هماغه انتقادات گڼل کېږي چه مغربي ليکونکو د جاپان د سمندري قوماندانانو لکه « ایتو » او « توگو » څخه کړيدي .

دسياسي مقالاتو په هکله چه دجاپان په مقصد خدمت کړيدي څورويښان مثالونه کولای شو دهغو دو روله ليکنو څخه انتخاب کړو چه جاپان د سمندري محدوديتونو له قبولي څخه غاړه وغړول « تا کاگی » قوماندان په کال ۱۹۳۵ سمندري کالني « براس » مجله کېني دجاپان ټول دهغي معاهدي په بنا چه په واشنگتن کې باوجود دهوا پيما د پيشرفتو سره سره چه دجاپان په گټهؤ تائيد کړ .

د کال ۱۹۳۴ د نوامبر د مياشتي د معاصر تاريخ په مجله کې کاپيتان « مسکيني » يادونه وکړه چه نوی کيدل (عصری کيدل) د پيړيو او هغه د ملاحظي ورپر مختگونو چه په هوا پيمايي کې مينځ ته راغلي دي ، زيات تره دهغه قوت په گټه ده چه جاپان باندي د حملې خيال لري پداسی حال کې چه آينده وقايع دهغه خلاف ثابت کړي .

په کال ۱۹۳۵ د ژانوي په مياشت د « خارجه اسورو » په مجله کې سمندري قوماندان نياغلي « نومورا » ادعاو کړ چه ۵:۵:۳ بالکل دجاپان د ميل په خلاف ده پداسی حال کې چه آينده وقايع دهغه خلاف ثابتوي . او يا د هغه په صحت کېني تکتی موجوددی اکثر نوموړی عوامل سبب شويدي چه عملا جاپانيانو سمندري دافکارو کتاب پوښلو کې دغربيانو لپاره ده بنا پردي هغه سوال چه مينځ ته راغی دادی چه څرنگه کيدای شی هغه تئوری گانې چه توکيو وهغه معتقددی کشف کړی اکثر خلک عقیده لري چه دا کار کولای شو په ډير ښه وجه دجاپانيانو په « روحی » مطالعی او دلری خاور د جغرافيايي خواصو په مطابق او خصوصاً په هغه روش سره چه دجاپان سمندري استراتژی او تاکتيک خپل محان دی عواملو سره مطابق کړيدي سرته ئی ورسوو پدی ترتيب کولای شو يوقسمت د شپښو عواملو او هغه عملياتی لياری کشف کړو چه تلديو معين شرايطو تر تعقيب لاندی نيول کېږي او د ايشيان په ښه وجه کولای شو دجاپانيانو د سمندري عقايد د اصولو په حيث تلقی کړو .

ددی له کبله هغه کسان چه نه پوهیږي د جاپانيانو عمليات د (محکني او بحری) په توگه ده یو سمندري اصطلاح انتخابوی پداسی حال کېني چه لری نه ده چه هدف محکني عمليات وی په معمولی ډول کله چه د کوم جز ليکنی ترجمه شی نوموړی مشکلات دومره مانع او رادع نشی گرځيد لای اما کله چه دجاپانيانو سمندري استراتژی تر غور لاندی ونيول شی نوموړی نواقص نوی مشکلات مينځ ته راولی بيا هم کولای شو يونوی مسئله د نمونی په ډول ذکر کړو ، دروسبی او جاپان د جنگ په پای کېني د « توگو » د سمندري قوماندان فرا نسوی ترجمه دشفاهی اورسمی په ډول د دښمن « اصلی قوتونه » جمله کارته لويديلی ده اما د کلام اصلی ښی ته د توجه په بنا نظر ته راځی مقصد په واضح ډول هم محکني قوتونه او هم سمندري واحدونه دی - په انگلیسی ترجمه کې هماغه بيان په چه دیو جاپانی ليکونکی لغوا صورت نيولی دی یو مهم جمله دفرانسوی په اصلی ليک کې حذف شويدي او د « دښمن اصلی نیروگان » جمله « دښمن سمندري اسکادران عمده قوتونه » ترجمه شويدي معلومدار او علاوه تکی څرگند وی چه د « اسکادران » کلمه په ترجمه کېني علاوه شويده د المان په رسمی ترجمه کېني د « اسکادران اصلی » اصطلاح څخه کار اخيستل شویده گویا پدی ډول چه پدی ترجمه کې نوموړی عبارت چه حذف شوی ؤ په دوهم محل څرگند شول دا وينا دهغه ارتباط په علت چه جنگی عملياتو سره لری چه وروسته به راشی په دوهم محل غور او تحيړنی لاندی نيول کېږي - کوم شی چه پدی مباحثی کې باقی پاتی دی دجاپان د افسرانو د مقالاتو څيړنه ده چه دغربيانو د فنی جرائدو په هکله ليکلی دی کله چه دامقالات درسمی عقايدو له مخی په دقيق ډول ليکلی شوی نه وی د جاپانی تئوریو معرف نشی گرځيد لای بلکه داسی مقالی گڼل کېږي چه سياسی وی او جاپان ته د خدمت جنبي ديورلری - د مثال په ډول ددی لپاره چه دلپری قسم يومثال راوړل شی هغه افسر چه په کال ۱۹۲۱ کې د « ژوتلند » په شا وخوا کې مقاله وليکل هغه د « محکني » وظائفو په اساس دانگلیس سمندري قوتونه تر غور لاندی ونيول د نوموړی افسر انتقادات ددی له حیثه چه د مخالف قوتونو فرمان



په مدرنو او عصري جنگونو کېښي اوسمندی او فضائی قو تو نو گډه کوښښونه

څرگندیدل او اما کله چه دا کلمه د جاپان د تاریخ په رڼا کې تر مطالعې لاندې و نیسو مجال دی چه و کولای شو هغه د محکمې پراختیا نه د نظامی وسایلو په واسطه مخانگړې و شمیرو .
 دا توسعه طلبی طبعاً د جاپان له مبدأ څخه د «لری خاور» په لوری به وی - د جاپان محکمې نزدیکت د آسیا له قاری سره غالباً د انگلستان له وضعی سره نسبت داروپا و قاری ته مقایسه شویدی اما محض د جغرافیائی و وضعی څخه صرف نظر د اقیاس صحیح نه بلل کیږی دا ځکه چه د بریتانیا جزیره د غښتلی نظامی اروپا سره مخامخ ؤ . بریتانیا یو امپراطوری او یو سلسله سمندری هلې او یوسمندی تجارتی درلود چه دیو سمندری لوی قدرت مستلزم ؤ - تر څو له هغه څخه حمایت و کړی او هغه ته خدمت هدف وی . پدی صورت چه جاپان د بالقوه او مشابه غلیم سره مخامخ نه ؤ او پیری لری مستملکی او مستعمری ئی نه درلودی هیڅ کله ئی دخپل ماور أبهار د تجارت له کبله ئی څه اړتیا نه حساؤ دا ځکه هغه لری سمندری اړی او یاد کفایت

د جاپانیانو افکار تل په تاریخی او ایدئو لوژی عواملو پیرنژدی اړتیا لری ددی له حیثه د پرفیسور « کاتسو روهارا » ویناوی چه په توکیو کی دیوهنتون استاد دی پیرد توجه وړدی نوموړی لیکلی دی چه عسکری فن هغه یواځنی فن دی چه د پیر زیاتی زمانی څخه په جاپان کی رانچ ؤ اوله نور هرن څخه د احترام وړ بلل شویده او اکثر نور پیر فنونه ئی دهغه فن څخه بی ارزښت بللی دی ، جاپان د غریبانو نظامی وسایل ئی قبول کړی او هغه ئی په هغه پگړ کی چه ښه تر تجسس او پلټنی لاندی نیول شوی وی پکار و اچول د نوموړی پرفیسور د قول په بنا «د جاپان تحول ولو که د نورو مللو دخوشحالی او خفگان سبب و گرځی .
 د مملکت نشی کولای داسی معیار دخپل ترقی په هکله چه لیا هم باید هغه باندی تسلط و مومی بسنه و کړی دا ځکه کوم نحای کېښی چه پر مختک نه وی سقوط حتمی وی » په کال ۱۹۲۶ کی د پرمختک کلمه امکان درلود دکلامو د معنی تر نظر نیولو سره سره د غیر عملی او وچ معنی په حیث

نقلیه وسایلو غځه ډیر زیاده واخستل پداسی حال کښی چه دمها جمنو اکثری اردو دحمکی له لیاری هر مخ تک کول ډیر لوئی بیړی گانی د سوا حلو په چار چاپیر گریځد ل ډیری غښتلی قوی ئی د د بهن د قوت په اړخونو کښی پنی کول او دا فقط د جاپان د سمندری اسکاد را نوروښ د دوهم جهانی جنگ په لمړیو وختو کی ؤ .

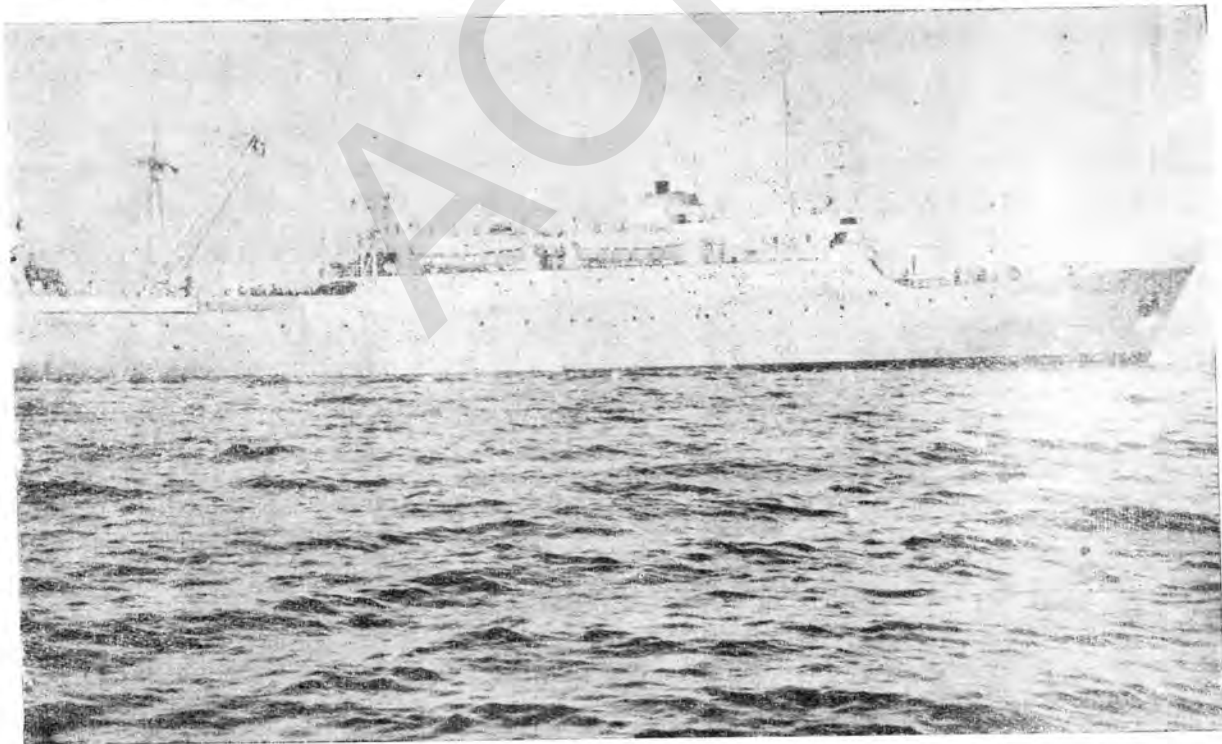
پدی شکل ؤ چه «جو موتیمو» چه هغه ئی د جاپان لومړی امپراطور گیل (۵۸۵ - ۶۶۰ د میلاد مخکښی) د جاپان د ډیر لوی جنوبی «کیوشو» داخلی جزائر و له لیاری دیو نزدی مرکز یعنی موجوده «اساکا» په لوری په حرکت راغی په سلما ؤ کلو داخلی سمندر ونه د جاپا نیانو لپاره یو نظامی شاهراه بلل کیده.

دژاپان په ډیر و متعددو جنگونو کښی بیړی د حرکت یو په زړه پوری وسیله گیل کیده مخکه یواحی هغه عامل ؤ کوم چه عملی مهارتو ته تعیینیدل. د سمندری د ذکر وړ واقعیه ۱۱۸۶۵ میلادی کال سمندری جنگ ؤ چه د ۷۰۰ «مینا مو توها» بیړیو او ۵۰۰ د «نیرا» د قبیلې بیړیو په «دان هوارا» «شیمون سکی» ته نژدی، په مینځ کښی نښته وشوه چه د الحاقته دژاپان په تاریخ کی له نادر ووقایعو غځه گیل کیږی .

جاپانیانو د بیړیو د چلولو د گټی اخستلو په ترڅ کی ددی فرضی داغیزی لاندی راغلل چه بیړی یواحی اوزیاتره د حمل او نقل وسیله گیل کیږی ترڅو د جنگ وسیله . هغه بل عامل چه جاپانیانو باندی اثر در لودل هغه لوی ارتباط ؤ چه د محکمې او و بو په مینځ کښی دوی ورته کتل د قوت د انتقال بیړی

په اندازه لوی بیړی نابی نوم چه هغه پایکاهونو کښی بحای په بحای شی ندرلوده مدرن بریتانیا چه هیڅ کوم نقشی ئی د میچاورقاری په هکله په خاطر نه درلود یو داسی سمندری نیرو چه داستراتژی له نقطه نظره تدافعی ؤ مینځ ته ئی را و وړاو توسعه ئی و کړ او کوم شی له هغه غځه انتظار نه درلود ، بلکه یواحی د دشمن ساتی ور کولو قابلیت په آزادو سمندرونو کی هدف ؤ اودی نظریه طبعاً د امریکا په هکله هم صدق کوی دآسیا او استرلیا نظامی خصوصیت او دحمکی ډیری لوئی کرښی او ډیر زیاد سمندری فواصل چه دی ناحی ئی د سمندری او نظامی تمرکز په هکله د مغربی کرښی غځه بیلولی اود جاپان د جزائر و تسلط موقعیت د اقیانوس آرام په غربی سواحلو کی اونور ډیر نزدی متعددو جزائر و چه د جاپان غځه د جنوب په استقامت ادامه موسی ټول د عوامل د سمندری تهاجماتو د موفقیت امکان مینځ ته رواولی د «سامو رائی» جنگی روحیه اود نظامی جابوونکی احوال او اوضاع تلقینا ؤ چه باید بحریه دسر بازارو دورلو او یاد هغوی د بدرقی په هکله کار ته لویده نه دیو جنگ کونکي نیرو په ډول په آزادو سمندرونو کی .

په حقیقت کی جاپانیان په سرلوغی بیړی کښی جاپان ته راغلل جاپانیانو د سیندله لیاری وهغو جزائرونو ته چه اوس ددوی وطن بلل کیږی او ددوی لخوا نیول شویدی ننوتل هغوی پس له ډیرو کلو سخت جنگ غځه رو میسان ئی یساله مینځه یو و وړ او یاهم د جزائرونو په شمالی کرښو کښی ئی تبعید کړ پدی عملیاتو کی تازه واردینو د خپلو جنگی بیړیو غځه او یاداچه په ز غرده وویل شی د خپلو



د اتلانتيک په بحر کښی یو جنگی بیړی ؤ

معمولاً به ساحل کینبی بحای په خای گیدل او دهغوی اصلی
په نډه د مخکنی قوتونو پنی کول او سپرول و، سمندری نا کتیکونه
چه وسطی قرونو کی د جاپانیانو لخوا فرموله شوی و په
پیر رویشان ډول د نو موری نفوذ او اثر بیودل او هغه
اصطلاحات چه د مختلفه حالاتو لپاره وضع شویده اولازم و چه
د بحرئی په ذریعه کارته لویدل اکثر د مخکی او اوبو پیوند
ته شامل و یعنی یو ددی اصطلاحاتو څخه دا اثر گندا و چه
ناوگان باید په معین ترتیب سره د دوغرو نو او یا دوو غنډو یو
دوضعی په نسبت د تحرك شکل غوره کړی، دبل اصطلاح
دامفهوم و چه ناوگان ته لازم و دیوه خلیج د دهانی په وسط
په یو مستقیم کرښه او یادنیمادری په شکل، دهغه اصطلاحاتو
په بنا چه کارته لویدل یوه ارته ساحه اشغالول
له حیثه ددی چه په تیره زمانه کی که جنک په اوبو او
مخکه کی که کوم تفاوتی هم در لودبی ارزښت تلقی کیدل
او جاپانیانو تل د مخکنی مقاصد و په هکله په تعرض لاس
پوری کول اما سمندری اسکادران نو نو او ناوگانو تشکیل
ددی په هکله و چه د خلیج دواړو اړخوته ظاهر آدا معنی ور کړی
چه ناوگان د نیر و گانو د سپریدلو او پنی کیدلو عملیات د خلیج
په محفوظو او بو کښی د دشمن د بحرئی په ضد ساتنه او څارنه
کوی. د حمل او نقل ناوگان په اصلی تئوری کی باید د «محافظة
اسکادرانو» مهم تئوری هم علاوه کړی چی جاپانیانو دا
تئوری گانی د ۱۲۰۰ میلادی کال په حدود و کی په ډیر
موفقیت سره تر استفادی لاندی نیول او هغه پداسی وخت و
چه له سمندر څخه تیر او مخکته نی و نیولی .
په ۱۲۷۴ - او ۱۲۸۱ کلونو کی د مغول «قوبلای قآن»
حملی گانی ژاپان باندی، د جاپان په سمندری عقاید و کښی
ډیری اغیزی پریښودی د «تسوشیما» د غلیم لخوا و نیول شول
او دهغوی ډیر سپاهیان په «کیوشو» کی پنی شول او کله چه جنک
د سیند په اړخونو کی ونښت، د جاپان بیړی گانی چه ډیر کچنی او ډیر
لږ د مغولی له بیړی گانو څخه و سره له هغه شدید حملی چه د ښمن باندی
کولی او ډیر زور و تیا بیوول له ماتی سره مخامخ شول چه بنا بردی
ډیر سرعت د جاپانیانو د کامیابی سبب و گرځید او هغوی ئی
د سرعت له اهمیت څخه و پوهول. د بلی خوا غلیم داسی تدبیر و نیول
چه خپلی بیړی گانی دا حاطوی گروپونو په ډول تشکیل کړی
له بخانه څخه دفاع و کړی دا د بخان دفاع سرعت هیڅکله د جاپانیانو
له ماغزو څخه بهرنشو او باید خاطر نشان کیدل چه د قوبلای
قآن سمندری قوت په یو شدید اړ ډور کښی له مینځه لاړ .
پس له هغه جاپانیان سمندری غلا گانی ئی په ډیر لوی
مقیاس خپل مأمول و گرنهول په یوه دوره چه عبارت له ۱۴۰۰ -
۱۶۰۰ څخه و او دلری خاور له سواحلو څخه نیولی (خو کاله مخکی له
هغه زمانی څخه راهیسی چه د کره ئی او چینیی تیر و گانو په ذریعه له
هغه بحای څخه و شړل شول) دستگا پور تر جزائر او «سوماترا»
- «برنثو» - «فیلی پین» سواحلو پوری غارت او تاراج کړ په
اکثری ددی نقاطو کښی قطاع الطریقان چه د دوی چپاونه د جاپانی
روساو تر نظر لاندی اداره کیدل ساحلی دریدعی ئی چه د نننی
جاپان د ساحلی دریدعی گانی مقدمه وه تاسیس کړلی.

په کال ۱۵۸۷ کی «تو پوتومی هید یوشی» چه
د جاپانیانو لخوا د سمندری قواؤ موسس بلل کیده او هغه ته
ډیر احترام قایل و د بجر له لیاری د جاپان له اصلی جزیری
څخه له ۱۵۰ زره عساکرو سره «د کیوشو» په لوری لا تر څو په
هغه بحای کښی د «ساتسوما» د قبیلی بغاوت له مینځه یوسی پس
له هغه دی د شمال لوری ته متوجه شول او دوهم لځل دیو سمندی
قوت په وسیله یو بهادر شهزاده ئی پخپل بحای کی کښیول
په کابل ۱۵۹۲ «هید یوشی» د کړی د تصرف په هکله هلته
ولاړ او د ۳۰۰ کسیز عسکر د تجمیزولو له کبله له هغه
شخصیتونو چه د دوی قلمرو د سمندرونو په غاړه کښی و
غوښتنه ئی و کړ تر څو ډیر لوی ناوگان جوړ کړی په خپله
«هید یوشی» هم ډیریو په جوړولو لکه «کیکان» او یاقر ماندهی
بیړی «نیهون مارو» غیر ته کول. فرماندهی بیړی او یاله هغه
سره جوخت نور بیړی اکثر د حمل و نقل بیړی گانی و نه جنگی
او معزی چه د بیړی گانی (مربعی لکی لرونکی) ئی جوړ کړ
زیاد تره د ساحل په کره کښی د نظامی ستاد د تاسیس په هکله
فکر کاؤ تر څو یو جنگی اسکادران چه د «تسوشیما» او یازیر
سیند په تنگناؤ نو کی عملیاتو ته لاس پوری کړی .
ددی «اسکادران» د تشکیل او یا تر تاثیر لاندی در اوستلو
طریقه چه د ستاد پھیث گیل کیده بیودل ئی چه ډیر زیاد توجه
دهغه درسونو په جزئیات او کارته لوید لو په هکله معطوف و
کوم چه له پخوا څخه نیول شوی و - او هغه ډیر احتیاط چه
معمولاً جاپانیانو ته نسبت ور کاؤ میډول شوی و.
«نیهون مارو» بیړی اوله هغه سره نور مربوط بیړی دیوه
دفاعی کرښی په ښار کمب له ډیرو کچنی بیړی گانو څخه چه
په دوا تنها کښی بحای په بحای شوی او یو له بل سره پیوست
شوی و صف و تړل دارو ښان وضع د مغولی ترتیباتو یو اعطاف
پذیر کارته لویدل و هغه بیړی گانی چه د حفاظی کمر بند په
مرکز کښی بحای پخای شوی و په لری ویشتونکو سلاحگانو
مجهز و ددی ټینگ دفاعی کرښی په ماورا کښی ډیر چټک
بیړی گانی غلیم ته منتظر و - د فرماندهی بیړی چار چاپیری ئی
نور ډیر کچنی جنگی بیړی نیولی و پداسی حال کښی نور
ډیر حمل او نقل او تدارکاتو مختلف بیړی گانی او ورسره ورسره
داو بو او آسونو حاصل بیړی د بترتی قوت په حیث تشکیل شوی و
ددی سمندری گروه د «زرهی» کولو تدابیر د بوتو دسترا و اخوا
په وسیله د فنیله ئی توپکو پر ضد (دهغه وخت بدل) کارته لویدل
د کشی بکره داردو په قشون کښی جاپانی لوی اردو په جنوب
کښی پنی شول او په ډیر چټکیا پانخت ئی و نیول ډیریو اسکا
درا تونه ئی چه د ارتباطاتو ساتونکی و د غلیم بعضی سمندری
گروپونه ئی چه د عملیاتو په مداخله کی قصد درلود لری
و شړلی - د جاپان د نیرو یو دریم ستون ئی د غربی ساحل له نقطی
څخه دایهه کړی په چار چار پیر گرځیدلو په هکله ولیو ډول
شو . او هغه بل نیرو چه لازم و د ډیر سیند له لیاری حرکت
کاؤ په چین باندی د حملی له کبله نظر ته نیول شوی و -
پدی حساسه لحظه کښی د کره ای یو دریادار د «بی سون»
په نوم سینخ ته راغی چه په یو درنده «زر هویش» بیړی چه
د «کو پوک مون یالک پستی» په نوم یادیده سپور و او ډیر زیاد

دحمل او نقل بیری و گمارل شی او تعقیب شوی بیری د حمل او نقل په بیری باندی ددشمن د حملی په صورت فرصت نشو مولدای چه و کولای شی دحملی او نقل له بیرویو څخه دفاع و کړی - په هغه زمانه کښی سیاسی وضع دغیر نظامی حوادثو له کبله ډیر پیچلی او نامرتب ؤ او داسوج کولای شو چه که د عملیاتو په وخت کی د جاپانیانو په اردو کښی یوا غیزناک رقابت نه لویدل څه شیان به مینځ راتلل ؟ ډدی صورت کښی کوریائیان مخکښی له دی نه چه « لاک پشتهی بیری گان » و کولای شی دجنگ سرنوشت ته تغیر ور کړی دصلح غوښتنه شی کول .

« هیدیوشی » د مغولیانو دسرنوشت د تعیینولو په خاطر چه په کوچنیو جزایرو کی لکه « کیوشو » - « تسوشیما » په سمندرونو باندی دعدم تسلط له کبله سرگردان شوی ؤ نشو کولای نسبت ودی عامل ته یعنی د سمندرونو د تسلط په هکله فکر ونه کړی . دی په ظاهر ډول مجبور ؤ ددولیارو څخه یو تعین او انتخاب کړی یاداچه سمندرونه تصفییه کړی او ددشمن دمقابلهی خطرئی چه دمحکمې په مخ غلبه نه غوښتونکی ؤ بخاتته مساعده شرایط غوره کړی او یاداچه د سمندرونو مخاطرات قبول کړی ترڅو د نظامی دستگاؤ موفقیت ئی په وچه کښی تضمین و کولای شی . جاپانیانو د غلیم قدرت په سمندرونو کښی ډیر لږا تکمل کړی ؤ او ډیر سختی خساری ئی دنوی خطر نا کوسلاح گانو له لیاری وزغمل اوپس له هغه دوی مجبور شول چه ډیر شدید مراقبت د غلیمانو په نسبت دبالقود او بالفعل په ډول اصلی وظیفه وگنل شی - او په همدی ډول دجدید وسلاحگانو دپېژندنی په لټه کی ووځی .

دیونوی بیری له جملی څخه ؤ هدایت کول . جنگی مهاجم اودحمل او نقل بیری چه غربی سواحلو کښی حرکت کاؤ له مینځه لاړلی اودجاپانی محافظی ډلی هم مانی سره میخامخ شول د « هیدیوشی » عساکر چه دهغوی رابطه له جاپانیانو سره قطع شوی ؤ د ساحل په لوری عقب نشینی ته مجبور شول که دکره دپاره دتحریکات په هکله چه داحتمال په ډول د مهاجمینو لخوا یویریدل ؤ عملی نه کیدل اود « بیسون » دغزل سبب نه گرځیدل جاپانیان له هغه مملکت څخه کاملاً استخراجیدل -

ډدی لشکر کشیو کی جاپانیانو هاندو لکړ چه په سمندرونو باندی دیو تنها جمی مقدمی په ډول تسلط و موسی دجاپانیانو دمستقبل حال له هغوعملیاتو څخه قضاوت کولای شو چه دی تجربی ترخه نتائج دانه ؤ چه سمندرونو باندی فرمانروائی ځانته حاصل کړی بلکه یواځی داؤ چه دحمل او نقل او جنگی بیری ، دصلح اوسازمان له حیثه بهتر داؤ چه دپه دفاع څښتنان ؤ د « هیدیوشی » بیری چلوونکو باید کویښی کول چه دجنگ په لمړیو وختو کی کره ای بیری گانی ئی له مینځه وړلای اما ددی عمل نتیجه ډیر زیاد تأخیر ؤ او دهغه په خلال کی چین او کره کولای شول د مهاجمینو په مقابل چمتووالی وښی کوریائیان دداسی یوسهلت دتامین له کبله لازم ؤ چه یواځی له جنگ څخه لاس نیوی و کړی اودخپلو جزایرو په شایر ته کښینی او په حفاظتی ځایونو کښی لنگر واچوی دساحلی له موقعیت څخه گټه اخستل او په هغه زمانه کی جذراومدله بشپړگرځد عواملو څخه ؤ . او علاوه

اثر پروژہ های فضائی

آنچه مهم است اینست که سفر فضانوردان بخارج از محدوده زمین اطلاعات و تجربیاتی را در اختیار دانشمندان فضائی قرار میدهد که هیچگاه يك کامپیوتر ویا هر دستگاه محاسباتی دیگر نمیتواند نظیر آنها را به بشر اعطا کند . یکی ازین تجربیات در مورد اثر پرواز های فضائی بر ارگانیزم های بدن انسان و عکس العمل های بدن در برابر پدیده ای است که در فواصل دور از زمین بوجود میآید . ولی حتی اگر احتیاج بسیار باین اطلاعات موجود باشد هنگامیکه جان انسان درخطر قرار میگردد فرستادن فضا نورد باسما ن را نمیتوان تجویز کرد .

معذالك میتوان گفت که وجود بشر در فضای خارج از جو زمین دارای مزایائی نیز است . زیرا پیشرفت تکنالوژی انسانی را سینمایاند و سولاتی را مطرح میکنند که واقعا پاسخ دادن بانها ساده نیست . از قبیل این پرسشها که چرا بشر در حالیکه میتواند بماء پرواز کند قادر نیست مسائل ساده زندگی روزمره را حل نمود . ویا اگر انسان میتواند به فضا های پاک فرار کند چرا در تصفییه و تمیز کردن اتمسفر آلوده ، زمین نیست . اگر میتواند گروهی از مردان را همراه با ماشین آلات غول پیکر بماء بفرستند چرا باید زندگانی زمینی را با نزعها و ستیزه های گوناگون بکام خویش تلخ سازد .

فضانوردی که در فضا گرفتار يك سرما خوردگی معمولی میشود یا در سفینه در میان شعله های آتش بطرز وحشتناکی جان میسپارد . فضانوردی که از زمین هدایت میشود آن دیگری که پس از راه پیمائی فضائی خسته و بی رمق میشود بالاخره مشابه غرور و عظمتی را که پرواز های فضائی در انسان زمینی ایجاد میکند کاهش میدهد .

وجود اینگونه مسائل بیاد انسان میاورد که حتی در بزرگترین عملیات علمی و تکنولوژیکی وهنگامیکه بشر بنحو ویژه ای ترتیب و کار آزموده شد باز هم ضعف در آخرین لحظات نمایان میشود و بیاد میاوریم که هرگاه تضاد و منافع بین توده های مختلف بشر بوجود آید تکنولوژی کمکی نمیتواند بکند .

طفل

شما

تتبع و نگارش
دكتور قمر الدين اكسيري



شخصیتی وجود ندارد ، ولی از همان روز اول تولد، باید منتظر بروز شخصیت او بود . تربیت طفل نباید فقط تنها تحت نظر مادر باشد ، بلکه پدر هم باید در تربیت او دخالت نماید . عادت خوب اخلاق کامل ایجاد مینماید لذا طفل را باید مجبور بفر گرفتن عادت خوب کرد لوازم و وسائل لازمه برای طفل :

در موقع تهیه لوازم طفل دو نکته را باید در نظر داشت . اول اینکه لوازم را باید طوری تهیه کرد که طفل راحت باشد و دوم اینکه همیشه مراعات نظافت کامل را نمود .

اتاق : اتاقیکه طفل در آن زندگی میکند باید آفتاب گیر باشد . درجه حرارت مناسب اتاق در حدود

او دخالت داشته و او را تحت تاثیر و نفوذ قرار میدهد . لوازم و وسائلی که جهت راحتی و سلامتی و مصئونیت او از خطر فراهم میگردد و نوع خانه و رفتار والدین نسبت باو و نسبت بسایر افراد خانواده در نوع شخصیت و نمو او تاثیر بسزائی دارد و بطور خلاصه کلیات فوق پایه و اساس شخصیت او را تشکیل میدهد .

همچنان از کودکی بما میگویند که اگر میخواهید زندگی خوشی داشته باشید باید چنین وچنان رفتار کنید و باین ترتیب از آوان طفولیت قواعد اخلاقی بخصوص از طرف مادر و پدر و مربیان ما بما عرضه میشود و بتدریج که بزرگ میشویم به حقانیت و لزوم آنها پی میبریم . گرچه در نوزاد ظاهرآ

هرسال هزاران نفر از ما دران و پدران برای ورود نوزادان در انتظار هستند و وسائل نگهداری و پرستاری آنها را فراهم میکنند . تولد طفل یکی از اتفاقات طبیعی است که باعث خوشنودی والدین میگردد . نوزاد طبیعی از روزیکه اساس هستی او ریخته میشود محتاج مراقبت و مواظبت است ، چه هنگامیکه در شکم مادر رشد مینماید و چه پس از تولد . اگر موقعی که او در شکم مادر است مادر رعایت بهداشت و سلامت خود و طفل خود را کرده باشد کودک بعد از تولد از همه حیث برای زندگانی مجهز خواهد بود و از همان لحظه نیز همه چیز محیط در نشو و نمای جسمی و روحی و فکری

۶۵ = ۲۵ درجه سانتیگراد است .
برای گرم کردن اتاق در زمستان باید زغال سنگ یا هیوزم بکار برد چون بخاری نفت زیان آور است و فقط ممکن است موقع حمام کردن طفل بقدر نیمساعت بخاری نفتی بکار رود، بدین شرط که پس از شستشوی طفل فوراً پنجره ها را باز نمود، در صورتیکه مجبور باشیم اتاق را با نفت گرم کنیم، چون اکسیجن اتاق بوسیله گاز نفت گرفته میشود باید بسیار دقت کنیم که با وارد کردن هوای آزاد اکسیجن را به اتاق داخل کنیم.

تختخواب: تختخواب طفل باید راحت باشد یعنی پدر و مادر اگر برای اولین طفل خود میخواهند مکان خوابیدن تهیه کنند قبل از هر چیز باید راحتی طفل را در نظر بگیرند، تختخواب طفل و لوازم آن باید بکلی مجزا باشد، طفل را هیچوقت نباید شریک رختخواب خود کنید زیرا طفل بسیار حساس است و هر مرض کوچکی مانند سرما خوردگی و غیره را از مادر خود می گیرد و این از لحاظ بهداشتی صحیح نیست که طفل با پدر و مادر و سایر اعضای خانواده هم بستر باشد . گهواره چوبی و یا سبیدی بهترین جای خواب برای طفل است ، نسو که با طناب بوسط اتاق آویزان است به طفل ضرر می رساند چون او را در موقع خوابیدن نباید تکان بدهد و عادت باین کار برای پدر و مادر باعث رحمت خواهد شد .

خواب طفل باید در مکانی آرام و بی تکان و بی سر و صدا صورت گیرد از زیادی نور در روی صورت طفل خود داری کنید روی صورت او را با پارچه خیلی نازک و تمیز که دارای منافذ ریز باشد بپوشانید که از پشه و مگس که باعث ناراحتی طفل میشود جلوگیری کند تختخواب او را در مکانی که درو پنجره زیاد دارد بطوری که در اتاق جریان شدید هوا یا باد تولید کند نگذارید و همچنین از بختن

غذا و یا روشن کردن سماوار خود داری کنید چون بوی ذغال طفل را مسموم میکند، راجع به پوشاندن طفل سعی کنید اگر پتو یا شال پشمی روی طفل میاندازید طفل را با ملافه نرم محافظت کنید چون بدن طفل حساس است و همچنین زیر طفل را پارچه نرم یا ملافه بگذارید جهت تامین حالت بدن طفل نباید بالش زیر سر او گذاشت زیرا مانع راست بودن قامت او میگردد و از آن گذشته بالش بر تولید عرق نموده برای سلامت طفل زیان آور است در بدل آن میتوان از تکه پارچه ناشده زیر طفل قرار داد تا بتوان هر وقت کثیف شد عوض نمود، همچنان میتوان اولین تختخواب که برای طفل تهیه میکنیم، یک زنبیل بزرگ حصیری باشد در این زنبیل حصیری یک تشک پنبه ای میگذاریم ، روی تشک را یک مشع معمولی و چنانچه یفت نشود یا ممکن نباشد روز نامه پهن کرد روی آنرا ملافه میکشیم و سپس یک لحاف مخصوص خیلی نازک پنبه ای که قابل شستن باشد روی آن میگستریم روی طفل را ملافه و بعد پتو باید کشید و ممکن است یک لایا دولا کرد.

البسه طفل: لباسهای طفل را سعی کنید با کمی فکر و حوصله تهیه کنید . از لحاظ پارچه و دوخت باید کاملاً مناسب حال طفل باشد . یعنی پارچه ای که صرف البسه او می کنید باید کاملاً ساده و محکم و لطیف باشد . لباس طفل هیچوقت نباید تنگ باشد چون طفل را ناراحت مینماید . پارچه پنبه ای برای زمستان مناسب است و پشمی نازک هم خوبست سعی کنید طفل را زیاد از حد لباس نپوشانید و او را عادت بدید در لباسش آزاد باشد .

تهیه لباس طفل:

دوپیراهن زیر آستین دار .

دوپیراهن زیر بی آستین .

۱۲ کهنه سه گوش ، ۲ پیراهن خواب ، سه عدد ژاکت پشمی مشع جهت گذاشتن زیر کهنه طفل ، یک کلاه .

کهنه های طفل را از پارچه های نازک و نرم تهیه کنید که آب به خودش جذب کند . آسانترین طریق برای پوشاندن لباس طفل آنستکه او را به پشت بخوابانید .

پرستاری و توجه از نوزاد : بعضی از اعضای نوزاد در بدو تولد ممکنست نمونه کرده و محتاج توجه و دقت باشند ، لذا در ماههای اول باید احتیاجات او را کاملاً فراهم آورد و دقت بیشتری نمود که بدن کوچک و حساس او متدرجاً در یک محیط آرام نشو و نما نموده و هیچگونه عاملی مانع انجام عملیات و وظائف بدن او که قبل از تولد در وجود او بود بعه گذاشته شده اند نشود .

طفل اگر صدای ناهنجار و بلند بشنود و یا کسی غفلتاً او را بردارد و یا در برداشتن او نرمی و ملایمت را رعایت نکند این حرکات موجب ترس او میگردد . لذا باید در بغل کردن طفل منتهای ملایمت را بخرج داد و با قدمهای آهسته بطرف او رفت و در نگهداری او دقت نمود که بزمین نیفتد و نیز بانرمی و شیرینی و آهستگی با او صحبت کرد و او را در محیط آرام و صلح آمیزی که احساس مصونیت و محبت بکند بار آورد در صورتیکه احتیاجات طفل از روی نقشه دقیق تهیه شود طفل و اطرافیان او آسوده و راحت خواهند بود . اگر امور روزانه خانه از روی نظم و ترتیب صحیحی باشد هنگامی که مادر پس از تولد طفل دومرتبه مسئول امور خانه داری گردیده هیچگونه ناراحتی فکری و جسمی احساس نخواهد نمود . زن در این موارد میتواند از شوهر خود در طرح این ترتیبات کمک بگیرد ، اگر شوهر در هفته های اول قسمتی از مسئولیت توجه طفل را بعهده بگیرد از همان وهله اول محبت و علاقه او نسبت بطفل زیادتر خواهد شد ، حتی پدران میتوانند بعضی اوقات خود طفل را حمام کنند .

نظارت طبی از طفل : در سال اول طفل باید حداقل ماهی یکمرتبه و لو اینکه سالم باشد بوسیله دو کتور معاینه شود .

اگر دو کتور که متصدی زایمان بوده نتواند شخصاً عهده دار این کار شود بهتر است با توصیه و نظریه او به دکتر خانوادگی طفل رجوع کرد. اگر نتوانستید دو کتور خصوصی متخصص اطفال برای معاینه طفل خود پیدا کنید بهتر است بدرما نگاه‌های مجانی که جهت توجه از مادران و کودکان تأسیس شده اند مراجعه نمایید در این قسمت از پرستاران بهداشت عمومی که اندرزهای لازم را نسبت به توجه از طفل به مادران می‌دهند می‌توان استفاده نمود. برای معاینه طبی طفل نباید منتظر بیماری او گردید. هر مادری باید سلامتی طفل خود را در نظر داشته و مواظب حال او باشد. اگر دسترسی به طبیب ندارید که هر ماه بتوانید او را نشان دهید حتماً دو ماه یا سه ماه یکمرتبه باید او را به طبیب نشان بدهید و دستورات غذایی و بهداشتی از او بگیرید. اگر طفل را موقع سالمی به دو کتور نشان دهید در مواقع ناخوشی دو کتور بهتر می‌تواند مرض را تشخیص دهد چون طفل سالم شمارا با اندازه کفایت می‌شناسد و بحال او آشنائی کامل دارد.

غذا: غذای طفل مهمترین و پراشکال ترین نکته هائیمست که باید رعایت کرد. نوزاد باید بعد از شش تا دوازده ساعت حیاتش شروع به شیر خوردن

کند. پیش از آنکه شیر مادر هنوز با اصطلاح رك نکرده باید طفل را با آب که قبلاً جوشیده باشد تنها یا با نبات یا قند سیر کرد روز اول هر شش ساعت یکمرتبه باید او شیر داد. روز دوم هر سه ساعت یکمرتبه اگر روز سوم شیر کمتر شد باید کمی آب جوشیده شیرین به طفل داد تا دوباره مادر بتواند طفل را شیر دهد. وقتی شیر حالت عادی بخودش گرفت باید طفل را روزی پنج مرتبه شیر داد یعنی هر چهار ساعت یکمرتبه باین ترتیب ۶ صبح ۱۰ صبح ۲ بعد از ظهر ۶ بعد از ظهر و ۱۰ شب. از روزهای اول او را عادت بدهید که نصف شب برای شیر خوردن بیدار نشود، این کار هم برای راحتی خودتان است و هم برای طفل. اگر شب‌های اول بیدار شدن نصف استکان چای خوری آب جوشیده گرم باو بدهید و بگذارید بخوابد. آب جوشیده را در روز هم مابین شیر دادن به طفل باید داد.

معمولاً طفل را باید با هر دو پستان شیر داد هر پستانی را باید ده دقیقه بمکد بعضی از طفل‌ها پیش از یک پستان را نمی‌توانند تمام کنند و بنابراین سه ساعت سه ساعت باید باو شیر داد و هر دفعه از یک پستان طفل‌های خیلی ضعیف را بعضی اوقات باید دو ساعت به دو ساعت شیر داد.

طرز شیر دادن طفل: اول مادر

نوک پستانها را با آب جوشیده و کمپنه تمیز مخصوص این کار میشوید و بعد طفل را در بغل گرفته روی چهار پایه یا روی زمین نشسته کمی بجلو خم میشود و با دو انگشت خود پستان را در دهن طفل میگذارد سر طفل باید در روی بازوی مادر قرار گیرد و پستان در دهن طفل باشد نه روی صورت او بطوریکه بینی او کاملاً آزاد باشد که بتواند تنفس کند. بعد از هر دقیقه شیر دادن طفل را باید بلند کرده سرش را روی شانه قرار داد پشت او زد که اگر هوائی با شیر خورده آنرا بالا بیاورد تا بعد باعث دل‌درد و استفراغ کردن نشود. همچنین وقتی شیر خوردن تمام شد باید این کار را کرد و بعد طفل را به پهلو راست خواباند اگر آروغ بزند و کمی استفراغ کند با آسانی از دهنش خارج شده باعث خفگی و زخم طفل نگردد. هرگز در این موقع طفل را به پشت نخوابانید که خطر ناکست و برای طفل راحت نیست وقتی طفل شیر می‌خورد نگذارید بخواب برود چون سر پستان زخم میشود. یک طریق دیگر برای شیر دادن طفل طریق خوابیده است یعنی مادربه پهلو می‌خوابد و کودک را بغل گرفته مطابق آنچه بالا گفته شد باو شیر میدهد ولی باید مواظب باشد که خودش خواب نرود و طفل نیز راحت شیر بخورد، این طریق خوابیدن برای مادرانی که در روز زیاد کار دارند مفید است، زیرا به‌هوا شیر دادن طفل خود نیز کمی استراحت میکنند.

از شیر گرفتن طفل:

امریکائیه‌ها مثلی دارند که چون طفل نه ماه در شکم مادر است، پس نه ماه حق شیر خوردن دارد، ولی با وجود این عقیده از شیر گرفتن طفل منوط به فصل آنها است. مثلاً اگر طفل اول بهار متولد شد، طوری بتدریج او را از شیر بگیرند که تا اول بهار دیگر بکلی از شیر گرفته شده باشد، ولی اگر اول پائیز متولد شود، تا اول پائیز دیگر نمیتوان شروع به از شیر گرفتن کرد.



مشکل ترین پرابلم حیاتی نزد مادر تربیه طفل است.

ار گشیر مادر برای طفل کافی نبوده و فقط باندازه ایست که طفل را دومرتبه در روز سیر میکند، باز هم تا موقع معین نباید او را از شیر گرفت. باید دانست که رنگ طبیعی شیر مادر با شیر حیوانات تفاوت دارد، حتی گاهی در اثر کم شدن شیر ممکن است این تفاوت زیادتر گردد. این تغییر رنگ نباید موجب پریشانی فکر مادر باشد و تصور کند لازم است طفل را از شیر بگیرد. بدیهی است که شیر مادر ولو هم کم باشد یا رنگش تغییر کند، دارای موادی است که در غذاها یا شیر دیگر پیدا نمیشود. گاهی در اثر ابتلا به بعضی از امراض ممکن است در موقع شدت مرض شیر قطع شود، ولی پس از آن در اثر مکیدن طفل دوباره تولید خواهد شد.

طرز از شیر گرفتن: اغلب مادران قدیمی در موقع از شیر گرفتن طفل را از خود دور میکردند تا صدای او را نشنیده و یکمرتبه شیر را قطع مینمودند. ولی دانشمندان امروزی این طریقه را منع کرده و میگویند باید کم کم طفل را از شیر گرفت. در ابتدای شروع از شیر گرفتن، برای مدت یک هفته، یکمرتبه شیر مادر را بر نامه روزانه طفل حذف کرده بجای آن شیر گاو (که بعداً دستور داده خواهد شد) قرار میدهیم. پس ازین هفته، یک وعده دیگر از شیر مادر را حذف کرده بجای آن شیر گاو اضافه میکنیم. چهار، پنج روز دیگر باز یک وعده را حذف و شیر گاو را بجای آن قرار میدهیم. سپس بعد از چهار، پنج روز دیگر سه مرتبه شیر گاو و یک مرتبه شیر مادر داده میشود، درین صورت خواهیم دید که در اثر مکیدن پستان شیر بخودی خود خشک خواهد شد. در موقع حاملگی

لازم است طفل را از شیر گرفت و باز هم بهمین دستور باید رفتار کرد و اگر دقت کنیم، خواهیم دید که مدت از شیر گرفتن بیشتر از بانزده تا بیست روز نمیکشد. دکتورها و متخصصین، حالا فهمیده اند که مضرت شیر ندادن برای مادر و هم طفل جبران ناپذیر است و جداً درصدد بر انداختن طرز شیر دادن های متفرقه برآمده اند در شفاخانه هاییکه برای زنان بیضاعت تشکیل شده برای اینکه شیر آنها در اثر کمی غذا خشک یا کم نشود بآنها دستور غذا های کم قیمت و مقوی داده میشود تا هم سالم باشند و هم شیر شان زیاد شود. مثلاً در موقع شیر دادن، نوشیدن مایعات کمک بزرگی بر روان شدن شیر پستان است آب غلات مانند جو که از جوشانیدن آنها بدست می آید دراز دیاد شیر مادر خیلی مؤثر است و اخیراً هم در اثر تجربه دریافته اند که بعوض فواصل طولانی بین هر دفعه شیر دادن اگر پستان را زود بزود بدهان طفل بگذارند شیر زیاد میشود و البته این نباید طوری شود که فاصله اینقدر کم باشد که معده طفل وقت برای هضم شیر نداشته باشد و او را بسوء هضم یا معده درد مبتلا نماید. اگر بفاصله دو ساعت یا دو ساعت و نیم بجه شیر خواست، باو بدهند و یا اگر دفعه دیگر سه ساعت راحت بود بیدارش نکنند که سه ساعت شیر بخورد.

از همه اینها مهمتر تاثیر شیر دادن مادر ب طفل در صفات و شخصیت او است چه طفلی که متفرقه بخورد نمیشود بشخصیت و صفات او اطمینان داشت. بمحض تولد اولین چیزیکه میطلبد

پستان مادر است و همین شیر دادن، طفل را که از همه چیز بیخبر است. وقت شناس میکند و احساساتش را تحریک نموده او را وادار میکند در موقع احتیاج اطرافیان خود را باخبر کند. ماهر چه را خیلی دوست میداریم مواظبت کامل میکنیم و نزدیک بغود نگاه میداریم. مادریکه طفلش شیر میدهد میداند که زندگی این طفل بسته با او است و طفل هم وجود خود را بسته بمادرش میداند. این نزدیکی زیاد و تأثیر دو موجود درهم دیگر باعث میشود که طفل عادت کند از مادرش اطاعت نماید و همین موضوع کمک بزرگی است بمادر که در سالهای بعد بتواند طفل اش را راهنمایی کند. طفلیکه شیر مادر میخورد، بیشتر مایل است رضایت مادر را فراهم کند تا طفلیکه زندگی اش بسته بشیشه و شیر غیر مادر است. منابع طبیعی همیشه بنا با استفاده کم و زیاد محصول، بهمان تناسب کم و زیاد میشود. شیر هم همینطور، است اگر شیر پستان را باشیشه کمک دهید، یعنی یکدفعه شیر پستان و دفعه دیگر شیر گاو بدهید بتدریج شیر پستان کم شده و پس از مدتی خشک میشود پس هرگز از دادن شیر پستان به طفل صرفه جوئی نکنید که هرچه بیشتر بدهان طفل گذاشته شود تحریک شیر زیادتر میشود. گاهی شیر پستان در اثر خستگی کم میشود، بهمین دلیل در مواقع شیر دادن، مادر باید یانشسته یا دراز کشیده استراحت کند و کاملاً راحت باشد تا رفع خستگی اش بشود.

(باقی دارد)

غبار آبی

چندین هزار قرن
از سرگذشت « عالم » و « آدم » گذشته است
وین کهنه آسیای گرانسنگ آسمان
بی اعتنا به ناله قربانیان خویش
آسوده ، گشته است

* * *

در طول قرن ها
فزاید درد ناله اسیران خسته جان
بر می شد از زمین
شاید که از دریچه زرین آفتاب
یا از میان غرفه سیمن ماهتاب
آید برون مری
اما ...
هرگز نشد گشوده ازین آسمان دری

* * *

در پیش چشم خسته زندانیان خاک
غیر از غبار آبی این آسمان نبود
در پشت این غبار
جز ظلمت و سکوت « فضا » و « زمستان » نبود

* * *

زندان زندگانی انسان دری نداشت
هر در که ره به سوی خدا داشت بسته بود
تنهادری که راه به دهلیز مرگ داشت
همواره باز بود
دروازه بان پیر در آنجا نشسته بود
در پیش پای او
در آن سیاه چال
پرها گسسته بود و قفس ها شکسته بود

* * *

امروز این اسیر
انسان رنج دیده و محکوم قرن ها
از زرف این غبار
تا اوج آسمان خدا پر گشوده است
انگشت بر دریچه خورشید سوده است
تاج از سرفضا و زمان در روبرو است
تاوا کند دری به جهان های دیگری



بریده من
محمد عارف (تسل)
له حسین
کوٹ نه

وطنه ! گران و وطنه !

به آزادی اوسی آباد دلوی افغان وطنه ! وطنه گران وطنه !
ته مولیلی ئی مونیردی قول یومینان وطنه ! وطنه گران وطنه !
تل دی خدمت کوو مونیر غیر دوحدت کوو مونیر
ستا د شرف پالنه په صداقت کوو مونیر
دغه وعده مو در کوو په تینگ ایمان وطنه ! وطنه گران وطنه !
ز مری روز لسی یوتسا ایشار بیودلی یوتسا
د میرنتوب د گرتنه په ننگ بللی یوتسا
لتا هیدایو ، هم هرتابه شو قربان وطنه ! وطنه گران وطنه !
موایر فدایان یو دستا غیور محوانان یو دستا
تل دی ساتو په مینه قول سر بازان یو دستا
له یوی لوتی به دی بخار کرو درست جهان وطنه ! وطنه گران وطنه !
جاه و جلال غوارو ستا برم او اقبال غوارو ستا
(تسل) دی ستائی مدام دینمن پایمال غوارو ستا
ستا په دفاع به کرو توئی وینی دجان وطنه ! وطنه گران وطنه !

نکتهء از گاندی

گاندی ، پیشوای هند يك وقت وکیل مدافع بود و در این
باره ماجرای جالبی نقل کرده اند :
يك روز به محکمه ای رفت که از کسی دفاع کند ولی
رئیس محکمه فردی بود بسیار از خود راضی و هر مدعا و از همه
بدتر کم معلومات و بی اطلاع .

وقتی گاندی صحبت های خود را در دفاع از متهم شروع
کرد ، رئیس خود خواه ، حرفش را قطع کرد و گفت :
— آقا ، یعنی شما آمده اید اینجا بما قانون یاد بدهید ؟
گاندی بلافاصله جواب داد :

— نه آقای رئیس ... چون من قادر نیستم « معجزه »
بکنم !

زنہا... واسراف

روانشناس شوخی میگفت :
 زنہا معمولاً اسراف می کنند و مال شوهر را بہدر میدهند ولی این اسراف بیشتر گویا مریوط برنگ چشمها باشد یعنی رنگ چشم در فوضو لخرجی بی تاثیر نیست !
 پرسیدند : صاحب چه چشم هائی بیشتر اسراف می کنند ؟
 جواب داد : صاحبان چشم های سیاه ، آبی ، سبز ، عسلی ، میشی خاکستری ... وغیره !!

تفاوت

مردی از دوستش پرسید : فرق بین «جرات» و «پرروئی» چیست ؟
 جواب داد :
 جرات اینست کہ کسی دریکی از کافه ها غذا بخورد وبدون این کہ پولی بہر دازد ، آنجا را ترک کند ولی پرروئی آنست کہ همین شخص ، باز برای دفعه دوم بہ همین کافه مراجعہ کند و غذا بخورد !

بیچارگی

خانم ، شوهر خود را دید کہ خیلی ناراحت بنظر میرسد . بامهربانی باو گفت : می بینم بفکر رفتی... چه اتفاق افتاده کہ اینطور ناراحت هستی ؟
 شوهر گفت : ای ... بہ بیچارگی خود فکر میکنم... می بینم مبلغ هنگفتی قرضدار هستم واز هیچ راه نمیتوانم قرض خود را بہر دازم .
 خانم گفت ، اینکه ناراحتی ندارد . افرادی هستند کہ باید بیشتر از تو غصہ بخورند و ناراحت باشند .
 پرسید : چه کسانی ؟
 جواب داد : کسانی کہ بتو قرض داده اند !

فرق پدر و مادر

بچه تازه نماز خواندن را یاد گرفته بود و باعلاقہ زیادی نماز میخواند .
 یک روز عمه اش بخانه آنها رفته بود و وقتی نماز خواندن او را دید ، باخوشحالی گفت :
 — باریک الله بچہم اما بگو بہ بینم چرا بعد از نماز فقط برای مادرت دعا کردی واز پدرت اسمی نبردی ؟
 جواب داد :
 — آخر پدرم یک وکیل مدافع است و میتواند از خودش دفاع کند .

بہمن چہ

آقای «پر حرارت» کہ از صبح تا شام کار میکند و زحمت میکشد و ناچار ، شب کہ میشود درست مثل مردہا در رختخواب میافتد و تا صبح ، تسکین ہم نمیخورد ...
 یک شب کہ این آقا غرق خواب بود ، زنش او را صدا زد و گفت :
 — من میترسم ... مثل اینکه در اطاق یک موش است !
 «پر حرارت» کہ سخت ناراحت شده بود بالحن خواب آلود گفت :
 — زن حساسی بمن چہ ؟ مگر خیال میکنی من گربه ام ؟!

جوابی از یک هنر مند

برای یکی از جشن های بزرگ ، یک پیانیست معروف و استاد را دعوت کرده بودند تا برنامہ ای اجرا کند وقتی او مزد این برنامہ را اعلام کرد صاحب خانہ بنا راحتی گفت :
 شما برای این دو ساعت ، آنقدر از ما پول میخواہید کہ رئیس جمهور ہم در این مدت چنین مبلغی بہ دست نمیآورد پیانیست جواب داد :
 خیلی خوب ، در اینصورت بجای من بہتر است رئیس جمهور را دعوت کنید .

* ترس بزرگتر از خطر است .
 * افتخار سایہ ای بزرگ دارد .
 * تجربہ راہی است طولانی .
 * یک دروغ در موقع احتیاج باندازہ یک راست خوب و مفید است .
 * زندگی انسان مانند شمع است .
 * هر کس در رنگ کند پشیمان می شود .
 * دشوارترین قدم ، همان قدم اول است .
 * کسی کہ پولش را بدوستش قرض میدہد ، ہم دوست و ہم پولش را از دست میدہد .
 * دشمن کوچک وجود ندارد .
 * انتقاد آسان است و هنر دشوار .
 * دشمن شکست خورده ہمیشہ شکست خورده نیست .
 * معایب دیگران معلمان خوبی هستند .
 * تملق سمی است شرین
 * امید و شجاعت دو الماس درخشانند کہ در تاج موفقیت دیدہ می شوند .
 * صدای مردم صدای خدا است .
 * انسان میتواند خود را از دشمنانش پنهان کند ولی از دوستانش نمیتواند .
 * ہمہ چیز در دست خداست غیر از ترس از خدا .
 * کسی کہ گناہش را انکار میکند گناہش را دو برابر مینماید .
 * قلبی کہ مہر می ورزد ہمیشہ جوان است .
 * فقط کسی داناست کہ میداند هیچ نمیداند .
 * مجازات دروغگو این است کہ حتی موقعی کہ حرف راست را ہم میزند کسی باورش نمی کند .
 * مصایب و نوائیب حتی در تیرہ ترین شبہارہ خود را پیدا میکنند .

افق بیکران علوم طبیعی

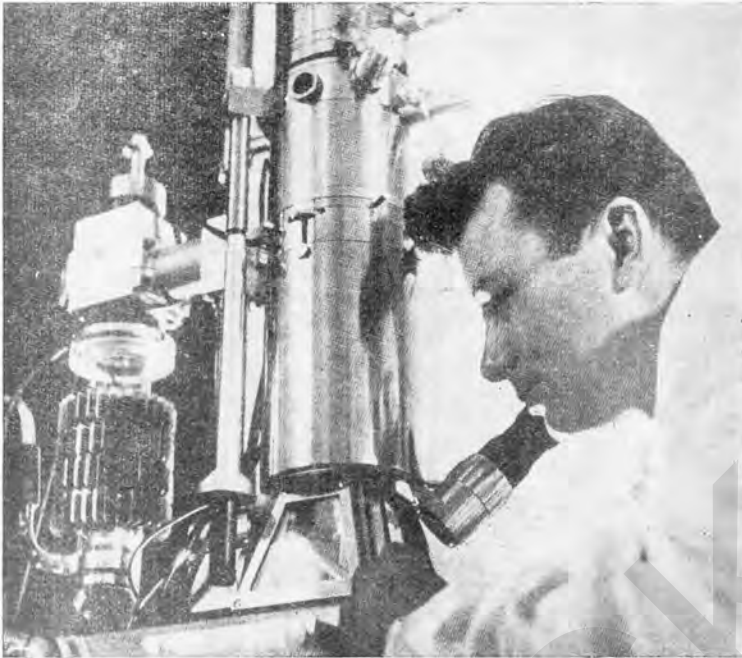
تعمیم روز افزون وسایل الکترونیکی

در تجهیزات نظامی

کشف ترانزیستورها

و تحولات شگفت انگیز

آلات مخابراتی



تتبع و نگارش :

تورن عبدالرزاق «توخی»

یکی از دانشمندان حین فعالیت در یکی از لابراتوارها

محدود بود و از آن بهره و مفاد اقتصادی متصور بود از پدر به پسر به ارث می رسید. مصری ها روی هم رفته به کشفیات، استحصال و استخراج بسا اجسام موفق شدند. طرز ذوب سنگ معدنی و استخراج فلزادر آن زمان، پیداستند در صنعت چرمگری و طریق استخراج فلزات مس، نقره، طلا و غیره بخوبی وارد بودند.

در قرن ششم قبل از میلاد برخی از فلاسفه یونان از قبیل تالس و آناکسیماندر معتقد بودند که کلیه اجسام دنیا نتایج یک ذات ازلی می باشد و هر یک ازین فلاسفه در مورد منشاء اصلی و نوع ماده این ذات دارای عقاید و نظریات مخصوص بخود بودند. بعقیده تالس این ذات ازلی (ماده اصلی) آب بوده است. آناکسیمتس هوا را انتخاب کرده بود، آناکسیماندر معتقد بود جو دیک شکل اصلی ماده بود که به آن *Aperion* که به معنی بیکران است اطلاق میکرد.

در قرن پنجم قبل از میلاد امپدوکلس این ماده اصلی را به چهار عنصر فرق داد و چنین فرض نمود که تمام اجسام عالم محصول و یا نتیجه یکی ازین چهار عنصر می باشند و فکر میکرد که این چهار عنصر عبار تند از خاک، آب، هوا و آتش که در اثر تعاملات، ترکیبات گوناگونی می یابند موجب پیدایش اجسام موجود در طبیعت میگردد. اگر اجسام مختلف

بشر از ازمینه قدیم درباره اسرار نهفته طبیعت تحقیقات و کاوشهای وسیعی نموده است. تاریخ و مطالعه درباره علوم طبیعه از هزاران سال به اینطرف بحیث ضرورت علمی در بین فلاسفه و دانشمندان مورد بحث و تحقیق قرار گرفته و هر کس بزعم و نحوه تفکر خویش در موجودیت ماده و چگونگی آن نظریات و عقاید ابراز داشته و این طرز تفکر بدوره های اولین تمدن بشریت تعلق میگیرد.

فلاسفه و علماء اعصار قبل از میلاد درباره تغییرات ماده از خود می پرسیدند که وقتی جسم قبل سوخت بعد از سوختاندن تبدیل به خاکستر می شود چه تغییراتی در آن پدید می آید؟

مصری های قبل از میلاد تجارب بی شماری در باره اجسام روی زمین انجام میدادند و در جریان چنین آزمایشات متوجه تغییرات و تبدلات گوناگونی میشدند و برای آنها علل و موجباتی را بیان میکردند که از اظهار نظر درباره اجسام یکسلسله نتایج بدست می آوردند مثلاً قادر بودند از ترکیب چند ماده مختلف، ماده جدیدی حاصل نمایند و کسانی که به این گونه تجارب توفیق می یافتند و یا چنین مصروفیت ها و تجسسات مشغول بودند از ذکر و بیان تجارب و نتایج حاصله از آنها بدیگران آباه می ورزیدند و چون ساحت تحقیقات

از هم دیگر متفاوت می باشد و یا اختلافاتی در آنها مشاهده می رسد به اساس نظریه دانشمند موصوف و علت یا دلیلی که میتوان برای اثبات این امر ارائه کرد اینست که چار عنصر اصلی فوق الذکر به میزان های مختلف بایکدیگر ترکیب یافته و سرانجام چنین ماده جدیدی بمیان آمده است .

ذیمقراط یکی دیگر از فلاسفه یونان اظهار داشت که اجسام متشکل از ذرات بسیار کوچکی می باشند و آنرا «اتوم» نامید وی معتقد بود که کلیه تغییراتی را که در مواد بوجود می آید بعلمت نحوه های مختلف تجمع و تفریق این اتوم در جسم می باشد .

در قرن چهارم قبل از میلاد (۳۲۲ - ۳۸۴) افلاطون و ارسطو فرضیه تجزیه ماده را تا بی نهایت تأیید کرد ولی با نظریه امپد و کلس موافقت نداشتند ارسطو قدم فراتر نهاد و به چهار عنصر فوق الذکر يك عنصر پنجم که آنرا « ائیر » نامید اضافه نمود و معتقد بود که عنصر مذکور منشأ آفتاب و ستارگان است .

به نظر ارسطو چار عنصر امپد و کلس بیشتر جوهر اجسام هستند تا عنصر متشکله آنها و خواص اصلی این چهار جوهر عبارتند از :

- خاک - خشک و سرد .
- آب - تر و سرد .
- هوا - تر و گرم .
- آتش - خشک و گرم .

جامدات که بطور کلی دارای « سختی » میباشد جزء لاینجزاء زمین محسوب می شود . پس خاک یکی از مهمترین مواد تشکیل دهنده مواد سخت میباشد مایعات بطور کلی دارای « آب » میباشد و اگر در برخی مواقع در آنها گر می دیده شود دلیل آنست که بطریقی با آتش آمیخته شده است .

فرضیه عنصر پنجم یا ائیر نتوانست بطرز رضایت بخش توجیه کننده حقایقی باشد که عملاً مشاهده میشدند علی رغم آن دانشمندان کنجکاو برای یافتن راز حقیقی ماه به کوششهای خود ادامه دادند . در طی سالهای قرون وسطی یکبار دیگر فرضیه قدیمی چار عنصر اصلی مورد توجه و قبول دانشمندان کیمیا قرار گرفت . بر طبق این فرضیه اختلاف موجود بین اجسام بعلمت طرز ترکیب های مختلف این چار عنصر بوده و در نتیجه این امکان وجود داشت که با کم کردن و یا زیاد کردن میزان این عناصر در یک جسم آنرا تبدیل به جسم دیگری نمود مثلاً از مس طلا ساخت . اگر چه این نظریه اعجاب آمیز بود مع الوصف تحقیقات وسیعی توسط دانشمندان یونانی برای تبدیل فلزات به طلا ادامه داشت تا اینکه این مسأله به نقاط دیگری نشأت نمود و افکار دانشمندان اروپارا در قرون دوازده، سیزده بخود مشغول داشت بالاخره دانشمندان کیمیا معتقد شدند که سنگی وجود دارد که میتوان این معجزه را انجام دهد و به این اساس فرضیه چهار عنصر اصلی را کنار گذاشتند و در عوض پیشنهاد

فرضیه دیگری را نمودند که بر حسب آن عناصر اصلی فلزات در طبیعت سه عدد بیشتر نبود و عبارت بودند از گوگرد، جیوه و نمک که گوگرد موجب ایجاد رنگ، قابلیت اشتعال و سوختن و سختی در فلزات میشد و جیوه موجب جلا، قابلیت گداختن و خاصیت چکش خوردن آنها و بالاخره نمک موجب ترکیب آن دو عنصر باهم می شد .

در قرون سیزده علماء کیمیا موفق به ساختن طلا از سایر فلزات نشدند و عوض آن در تلاش بدست آوردن داروهای مختلف افتادند . گرچه دارو سازان آن زمان سوجب مرگ بسا اشخاص گردیدند لیکن علی رغم آن کمک شایانی به علم فارسی نمودند و به کشفیات جالبی متوسل شدند .

در قرون هفده و هجده پیشرفتهای وسیعی در ساحه علوم و صنعت صورت گرفت و یکسلسله قوانین کشف گردید که بموجب آن امکانات تبدیل یک جسم بچشم دیگر میسر شد با آنهم به کشف حقایق و علل کلی و اصلی تغییرات موفق نشدند ، زیرا درینوقت تعریف که بتواند ماده را تعریف و توجیه نماید وجود نداشت و فرضیه « ابدی » بودن ماده در نزد اکثر دانشمندان يك حقیقت مسلم بود و گمان میکردند که يك جسم تابی نهایت قابل تجزیه است . درینوقت نیوتن در اطراف ماده مطالعاتی نموده و به این نتیجه رسید که ماده اساساً متشکل از یکتعداد ذرات خورد و ریزه میباشد و اجتماع همین ذرات کوچک است که بالاخره به شکل ماده می آید اما با وجود آن لازم بود این ذرات را بطرزی توجیه و تعبیر نماید . در قرن هجده موجودیت بعضی از عناصر اولیه طبیعت به اثبات رسید که از ترکیب این عناصر اجسام دیگر تشکیل میگردد این عناصر که در حقیقت امر بوجود آورنده سایر اجسام هستند به عناصر دیگر قابل تبدیل نمیشد مثلاً کشف شده بود که آب خود مرکب از دو عنصر هایدروجن و اکسیجن میباشد خاک نیز مخلوطی است از انواع عناصر مختلف، هوا نیز از گازهای مختلف ترکیب یافته و میتوان آنها را از همدیگر تفکیک کرد و آنچه را که ما آتش می نامیم خود يك تظاهر کیمیاوی است و ذاتاً عنصر نیست .

در دهه اول قرن نوزدهم دالتون يك تعریف منظمی را درباره ماده ارائه نمود وی عقیده داشت که تمام مواد مرکب از ذرات کوچک موصوم به اتوم هستند و اتوم های اجسام مختلف از لحاظ شکل خاصیت و وزن از هم اختلاف دارند و همین اختلاف علت اساسی تمایز اجسام از یکدیگر را تشکیل میدهد .

فرضیه دالتون کدام تازگی نداشت و تقریباً دوهزار سال از ابراد آن میگذشت ولی تذکر اختلاف نامبرده در مورد اتوم های اجسام مختلف کاملاً بجای و منطقی بود .

در سال ۱۸۹۲ تا مسون ذرات را کشف کرد که از کوچکترین اتوم نیز کوچکتر بود که عبارت از الکترون است با کشف الکترون ، دانشمندان بیشتر متوجه کشف اسرار آن شدند و مطالعات و تحقیقات خویش را در زمینه ادامه دادند

و این کشف نشان داد که بین جسم و الکتروسیته رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد .

ششصد سال قبل از میلاد، یونانی ها به وجود کهر با (الکتروسیته) پی برده بودند و میدانستند که اگر کهر بار را با جسمی مالش دهند دارای خاصیت عجیبی میشود که میتواند اجسام ریزه را بخود جذب نماید .

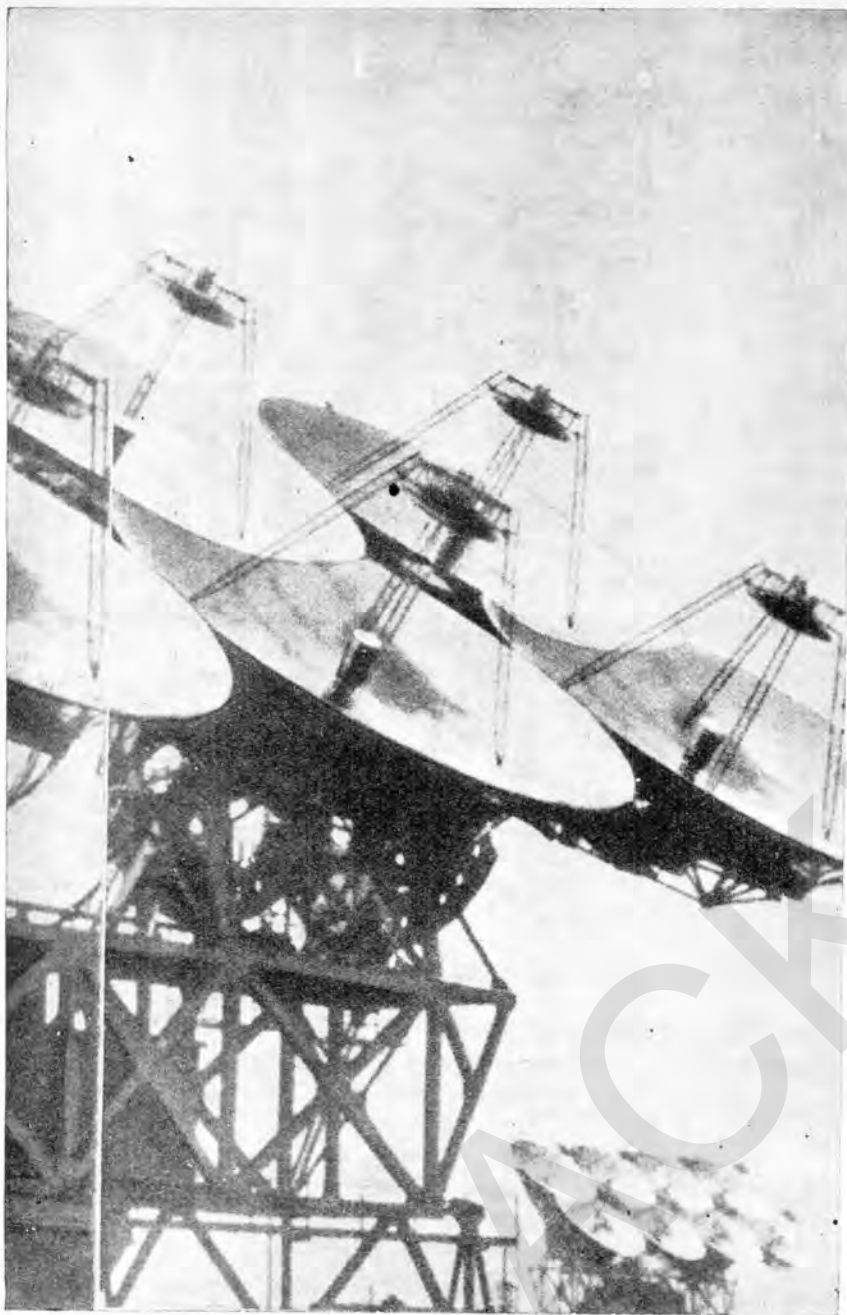
طریقه مالش دادن دو جسم بهم دیگر برای ایجاد برق نمونه کاملی از تمام دستگاه های برق است که امروز مؤلف برق میباشد الکتروسیته یا چیزی نیست که بتوان آنرا آفرید یک مؤلف برق در حقیقت « تولید » الکتروسیته نمیکند بلکه تنها کاریکه مینمایند اینست که الکترون ها را از اتوم هایشان جدا کرده و آنها را بطریق یقی از نقطه ای به نقطه دیگری منتقل مینمایند .

اجسام گوناگون از نقطه نظر اینکه به الکترون ها به آسانی اجازه حرکت را در خود میدهند یا نه کاملاً با یکدیگر تفاوت دارد . برخی از اجسام مثل فلزات به الکترون ها اجازه میدهد که آزادانه در آنها حرکت کنند برخی دیگر مانند شیشه و یا چوب هیچ عنوان نمیکند الکترون ها بطور آزاد حرکت در بیابند اجسام نوع اول را هادی یا ناقص و اجسام نوع دوم را عایق میگویند .

در داخل یک میله فلزی مانند مس (یا هر فلز دیگری) در حالت عادی تعدادی الکترون دائماً در حال حرکت میباشد در هر لحظه که الکترون ها در یک جهت حرکت میکنند الکترون های دیگر در جهت مخالف آن در حال حرکت هستند ولی اگر تعداد الکترون های اضافی بیک سر فلز مزبور داخل کنیم ، الکترون های مذکور فوراً در تمام قسمت فلز پخش میشوند چون هر الکترون دارای مقداری بار الکتریکی منفی میباشد در نتیجه

هر الکترون دیگری را که در نزدیکی او باشد دفع میکند حال هر قدر میزان الکترون های را که ما بطور مصنوعی بیک جسم داخل کرده ایم بیشتر باشد فشاریکه الکترون ها بیکدیگر وارد میکنند بیشتر میشود .

همین ایجاد فشار بین الکترون ها است که باعث ایجاد جریان الکتریکی در یک جهت معین در داخل فلز میشود این مسأله به ظروف که مملو از آب باشد شباهت تام دارد چنانکه آب همیشه از قسمت های که سطح آن بالاتر است به قسمت های سطح آب پایینتر است فشار وارد میآورد و تا فشار عمومی بین آنها متعادل گردد همینطور هر گاه الکترون های اضافی بیک سرسیم داخل شود به قسمت دیگری که دارای الکترون کمتری است فشار وارد میکند تا یک حالت تعادل در آنها برقرار گردد



رصدخانه های کیهانی در مسافت های دور دست بجهان های سیارات

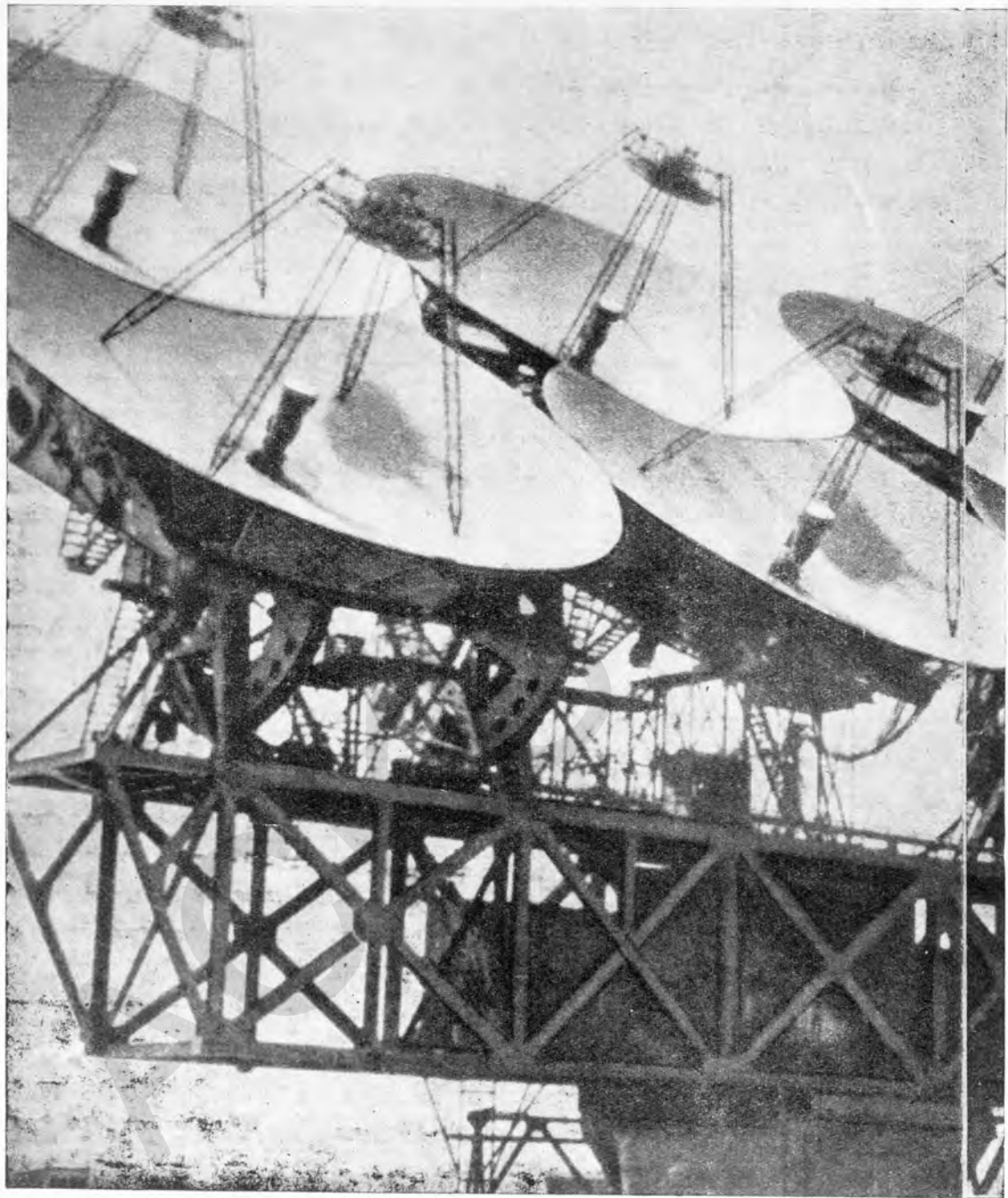
در فلزات چون تعداد الکترون های آزاد بیشتر میباشد (البته تمام فلزات از نگاه قابلیت هدایت برقی یکسان نیستند در بعضی فلزات مقدار الکترون های آزاد بیشتر و در بعضی ها کمتر میباشد) بمجرد وارد کردن فشار الکتریکی ، الکترون ها داخل جسم بیک سمت در حرکت می آید منابع طریقه های زیادی برای تولید الکترون های اضافی وجود دارد مثلاً این کار از راه کیمیاوی (بطری) و یا از طریق حرکت دادن فلز در نزدیکی آهنربا (داینموها) امکان پذیر است پس میتوان برای یک مولد چنین تعریفی را ارائه نمود: تولید الکترون اضافی در یک قسمت از فلز و وارد کردن آن به جریان یافتن در فلز .

اجسام دیگری نیز در طبیعت وجود دارد که فاقد چنین

حرارت دادن به آن و زیاد کردن حساسیت را دیو تلسکر بها و بالاخره پدیده الکترو لومینانس که استعمالش روزافزون است و هیچ حدی را برای توسعه آینده اش نمیتوان پیش بینی کرد توجه علمای فزیک را بیش از پیش بخود معطوف گردانید .

چه، خاصیت یکسو کردن (ریکتفایر تینگ) توسط بعضی از مواد جامد سالیان پیش یعنی در سال ۸۳۵ بوسوله مانک آف از نشو لد و در سال ۱۸۷۴ همین پدیده بوسيله آف برادن دیده شد . در یک سال قبل از آن یعنی در سال ۱۸۷۳ وقتیکه یک مهندس سی و فیلسوف باین سمیت کیپل های مخابراتی زیر آب را بررسی میکرد متوجه شد که مقدار مقاومت نسبتاً بزرگی که میبایست از آن در مورد تمدید کیپل ها استفاده میشد بمقدار قابل توجهی متناسب با نوری که به آن می تابید تغییر میکند .

مقاومت مذکور که مقدارش در حدود چند میکاوم بوازیلنیوم که خود نوعی از نیمه هادی است ساخته شده بود ازین جا نتیجه گرفتند که هدایت الکتریکی سیلنیوم در روشنائی بمراتب بهتر از تاریکی صورت میگردد قدرت الکتریکی سیلنیوم



دایم بحال فعالیت بوده و همیشه مراقب پرواز سفینه میباشند

خواص میباشند بدین معنی که در آنها الکترون ها آزادانه حرکت کرده نمیتواند این نوع اجسام که ما آنها را عایق نامیدیم در مورد انتقال و هدایت برق نقش موثری دارند بدون استفاده از اجسام عایق مثلاً پلاستیک ، کاشی و یا مصنوعات ما قادر نخواهیم بود از فرار الکترون هائیکه با فشار زیاد در داخل سیم های برق در حال حرکت سریع میباشد جلوگیری کنیم اگر اطراف سیم ها را با عایق ها نپوشانیم مقدار زیادی از الکترون ها بیرون پریده و جذب زمین می شوند و باین ترتیب مقداری از انرژی برق از بین میرود .

در بین دو نوع جسم متذکره یعنی هادی ها و عایق ها ، جسمی دیگر نیز وجود دارد که بنام نیمه هادی ها معروف است .

کشف نیمه هادی ها چه وقت آغاز گردید ؟

کشف نیمه هادی ها ظاهراً تازه بنظر میرسد ولی دانشمندان از دیر زمان خواص و مزایای علمی آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار داده بودند چنانچه برودت و تولید جریان الکتریکی مستقیماً در اثر

وبالآخره خاصیت یکسو کردن آن که بار اول در سال ۱۸۷۶ اعلام شد اما مورد استفاده قرار نگرفت در خواص جالب دیگر این عنصر بشمار میاید هدایت الکتریکی نیمه هادی ها برعکس فلزات با مقدار درجه حرارت بستگی داشته و با ازدیاد آن افزایش می یابد مثلاً درجه حرارت معمولی نیمه هادی ها بمقدار ناچیزی جریان برقی را هدایت میکند وقتی درجه حرارت زیاد شود هدایت الکتریکی نیمه هادی نیز بلند می رود همچنان دیده شده که وقتی نور به نیمه هادی بتابد هدایتشان بیشتر می شود که میتوان بعنوان ملول فتو الکتریک از آن استفاده کرد .

یکی از عناصر یکه در زمان جنگ بعنوان فلز نیمه هادی مورد مطالعه قرار گرفته بود فلزی بود بنام جرمانیوم ، در آن زمان ساختن و استحصال ژرمانیوم امکان نداشت درین فلز در صورت داشتن ناخالص نیمه هادی خوبی محسوب نمیشود بعد از مرور جنگ توانستند این فلز را بصورت خالصی تهیه نمایند و مشاهده کردند که در بسیاری از موارد بهتر از سلیکان الکترون ها فقط در یک جهت هدایت میکند یک بلور کوچک ژرمانیوم میتواندست به جریان الکترون ها فقط در یک جهت اجازه عبور بدهد .

در سال ۱۹۳۹ ژرمانیوم فلز کمیاب و قیمت بها بود تقریباً یک کیلوگرام آن بالغ برسی هزار افغانی میشد. سنگ معدنی آن در بعضی جاها مخلوط با خاک وجود داشته و استخراج آن کاری بسیار دشواری محسوب میگردد اکنون بیشترین فلز را از فضولات کار خانجات تولید الوستوم بدست میاورند در معادن ذغال سنگ گاهی اوقات بسیار کم ازین فلز یافت میشود هنگامیکه ذغال سنگ سوزانده میشود، ژرمانیوم در دوره حاصله یافت میگردد .

استفاده از ژرمانیوم مرون موفقیت در خالص ساختن آن است یک قطعه ژرمانیوم صد درصد خالص دارای هیچ الکترون آزاد نبوده و در نتیجه عایق محسوب میشود حال اگر بطریقی چند الکترون وارد آن شود نظم اتوم های فلز بهم میخورد و در هر گوشه و کنار ، اتوم ها شروع به از دست دادن الکترون های خود کرده یعنی الکترون آزاد تولید میکنند. این الکترون های آزاد موجب میشود که ژرمانیوم بصورت نیمه هادی در بیاید .

ساختن بلور ژرمانیوم بسیار مشکل است این بلور را باید هنگامیکه فلز ذوب شده ژرمانیوم در حال سرد شدن است تهیه کرد. اتوم های کریستال باید بصورت مرتب در کنار یکدیگر قرار بگیرد و تا هنگامیکه فلز کاملاً سرد میشود سخت میگردد این ترتیب را حفظ میکنند. پس تمام فلز باید بصورت یکنواخت سرد شود و هیچ قسمت آن زودتر از قسمت دیگر بصورت جامد در نیاید چه درین صورت کریستال های جدیدی تولید میشود که هر کدام در جهت خالص قرار خواهد گرفت .

برای این کار فلز مذاب را خیلی به تدریج سرد میکنند هنگامیکه فلز کاملاً بحالت مذاب است (یکدانه) بلور ژرمانیوم

را بطرف مذاب نزدیک میکنند. تا با سطح مایع تماس پیدا کند و بعد دوباره آنرا پس میکشند. به این ترتیب اتوم های فلز مذاب در جهت حرکت بلور از مایع خارج شده و بطور منظم پشت سرهم ردیف میشود . فلز ژرمانیوم در ۹۴۰ درجه حرارت ذوب میشود و اجسام خارجی زود با آن مخلوط شده تولید ناخالصی میکنند لذا باید دقت زیادی بخرج داد که اتوم های خارجی وارد بلورهاییکه با این طریق ساخته میشود نگردد .

دانه بلور ژرمانیوم را که برای ساختن کریستال به سطح فلز مذاب تماس داده شده است با سرعتی معادل پنج ملی متر در ساعت پس میکشند و با این ترتیب شمش ها از ژرمانیوم بقطر دوسانتمی متر و بلندی ۹ سانتی متر ساخته میشود در داخل این شمش ها تمام اتوم ها بطور منظم و مرتب کنار هم قرار گرفته اند این شمش دارای فقط یکدانه کریستال است و بصورت ورقه های بسیار نازک می برند و بعد هر ورقه را نیز بقطعات بزرگی ۲۵ ملی متر مربع تقسیم میکنند این قطعات نازک و کوچک بعنوان ترانزیستور بکار برده میشود .

تاریخچه مختصر ترانزیستور ها :

آنچه که گذشت شرح بوجود آمدن نیمه هادی ها بود و آنچه مسلم است اینست که در ظرف چند سال آینده میبایست برای شرح آن صفحات بیشتری را بگیریم یعنی میتوان به این اصل طبعی که هر چیز میل دارد رو به توسعه رفته و گسترش می یابد تکیه کرد .

اختراعات انقلابی ندرت در تاریخ بوقوع میرسد یکی ازین اختراعات انقلابی را میتوان اختراع چراغهای سه قطبی (ترایود) خلاء بوسیله دیفوزیست نام برد .

کشف ترانزیستور بوسیله داکتر ویلیام شو کلی و داکتر جان باردین و داکتر والتر براتین محققین آزمایشگاه های بل تلیفون دانست در ماه جون ۱۹۴۸ ترانزیستور با اتصال نقطه ای برای اولین بار در آزمایشگاه بل تلیفون در نیویارک ظاهر شد و قبل از آنکه در جراید نشر و اعلام شود بطور محرمانه برای قوت های نظامی تشریح گردیده بود .

در ماه مارچ ۱۹۵۰ اختراع فتو ترانزیستور داکتر جی ، ان شیف در آزمایشگاه بل اعلام شد. یک نمونه خیلی بدیع از فتوسل که خیلی کوچکتر و بادوامتر از فتوسل های موجود و خیلی ارزانتر از آنهاست و اساس ساختمان آن عبارت میشود از یک ترانزیستوریکه بوسیله نور اداره میشود بجای اینکه با جریان الکتریکی کنترل شود .

در جولای ۱۹۵۱ ترانزیستور اتصالی یک اختراع خیلی تازه و مهم بوسیله شو کلی بوقوع پیوست دیده شد که این نوع ترانزیستور نهایت کوچک بوده و حجم بسیار کم را نیز

داراست یعنی در حدود $\frac{1}{100}$ انچ مکعب و از همه مهمتر مورد مصرف آنست که به مراتب بیشتر از نمونه اتصال نقطه ای است . (بقیه در صفحه ۷۷)

فداکاری

نویسنده : ظریف صدیقی

و

درسی برای بشریت

بحساب می آید احساس تفکر و غریزه هائی هم رفته رفته در او رشد میکنند و دنیای او را رنگین میسازد و آرایش میدهد.

این غریزه هاهر يك در ثبات شخصیت وی سهم فعال و بارزی دارد و انسان هم خودش را مجبور می بیند تا غریزه هایش را تحت کنترل درآورد.

یکی از صفاتی که در تحت تأثر عامل احساس مسئولیت در انسان ها بوجود می آید از خود گذری و فداکاری است.

فداکاری در افراد موجب تحولات محسوس فردی و

و هر محیط برای حفظ منافع خود که موجودیت او را نكهمیدارد ناگزیر است و این مقررات جامعه خود را محترم بشمارد و زندگی خود را طوری مورد استفاده قرار دهد که هم خودش مسئولیت داشته باشد و هم دیگران از او در امان باشند.

در ابتدا سخن از زندگی بمیان آمد، چون انسان موجود زنده بشمار میرود بناً شناختن زندگی با و نحوه بهتر زیستن را می آموزاند. این موجود زنده گذشته از احتیاجات اولیه یعنی تاملین خوراك، مسكن و پوشاك که سه اصل مهم برای هر فرد بشر

زیستن بعنوان يك فرد و عضوی از اجتماع که میتواند در غم و اندوه، در شادی و سرور، در منافع و ضررهای دیگران سهم بگیرد، تشکیل خانواده بدهد و مانند رشته وسیله پیوند افراد دیگر اجتماع خود گردد. اینجاست که با شناختن زندگی مسئولیت های او را در میان میگیرد و همانطور هم صلاحیت های بعنوان حقوق فردی و اجتماعی بوی امتیاز و حرمت خاصی می بخشد.

افراد هر جامعه نظر به شرایط محیطی، مدنی و علمی خود طرزهای تفکر جداگانه دارند ولی هر فرد از هر جامعه

وقتی انسان به مرحله رشد فکری و ذهنی میرسد نخستین چیزی که میتواند او را در اجتماع بعنوان يك عضو معرفی نماید اینست که وی زندگی را بشناسد مقصود از شناختن زندگی، درك واقعیت زیستن است زیستن بعنوان يك موجود که حق دارد از آب و هوا از منابعی که طبیعت باو ارزانی داشته استفاده نماید زیستن بعنوان يك انسان که حق دارد فکر کند و از نعمات و لذایذ بهره مند گردد، حق دارد بازادی خود بیاندیشد. حق دارد موجودیت خود را باحرکت و جنبش با تلاش و تپش با ثبات برساند و بالاخره

اجتماعی میگردد. فداکاری فرد در برابر فرد و فداکاری فرد در برابر جامعه هر کدام میتواند در وضع فرد و جامعه که در آن بسر می برد اثر عمیقی بجای گذارد .

در یکی از جزایر جنوب شرق آسیا، در میان مردمیکه در بدوی ترین شرایط زندگی بسر میبردند عقیده وجود داشت که برای جلوگیری از خشم طبیعت، انسانی را سالانه قربانی مینمودند. مردی از دنیای غرب برای اصلاح وضع و شرایط زندگی و روش عقیدوی این قبیله دست فداکاری زد، او طی سالها توانست خیلی از رسوم مخیف آنجا را تغییر بدهد اما نتوانست مانع قربانی يك انسان گردد. سرانجام تصمیم عجیبی گرفت یکروز ب مردم قبیله گفت فردا قبل از طلوع آفتاب یک نفر در کنار صخره شرقی جزیره رو بافتاب می ایستد شما بدون آنکه باو بسیار نزدیک شوید از پشت بوی تیر اندازی نمائید ولی باید بدانید که این آخرین قربانی شما خواهد بود و خداوند بعد ازین از شما هدیه انسانی نخواهد پذیرفت .

رؤسای قبیله از اینکه می دیدند خداوند (البته آنها معبود خود را میگفتند) فرد دیگری را غیر از اهل قبیله برای قربانی میفرستد خوشحال بودند. علی الصباح در سهدی بامداد به محل موعود

رفتند و مردی را رو بافتاب مشاهده نمودند بیدرنگ از پشت او را هدف قرار دادند. زمانیکه باشوق و شغف نزدیک قربانی رفتند از دیدن قربانی سخت تسکآن خوردند آخرین قربانی همان مرد فداکار بود که سالها با محبت و صمیمیت بین آن زیسته بود دیگر هیچ چاره نداشتند جز آنکه تصمیم گرفتند برای همیشه از قربانی يك انسان صرف نظر نمایند. این نمونه حد اعلای فداکاری فرد در برابر جامعه بود که موجب تحول و تغییر وضع آن جامعه گردید همانطور هم افراد مانند آلبرت شوایت زر که سالها در قلب افریقا به نجات مردم از اثر امراض جذام و صرع و سل و غیره مرض های ساری بدون در نظر گرفتن هیچگونه منفعتی بسر برد .

همانطور هست فداکاری افرادیکه هنگام بروز خطر تجاوز دشمنان، بمیدان مجاربه می شتابند و با ایثار سر های خود مملکت و ملت خود را از سقوط و نابودی نجات میدهند اینگونه فداکارها را تاریخ هر ملت و هر مملکت بیاد دارد .

گذشته از چنین ایثارهای بزرگ و فداکاریهای که موجب نجات توده و ملتی گردیده است افراد نیز در برابر افراد دیگر با خود گذری و فداکاری میتوانند زمینه را برای وجود آوردن احساس

محبت و صمیمیت بوجود آورند اما فداکاری به شهامت و نیروی قوی اخلاقی و وجدان بیداری احتیاج دارد که از يك انسان عادی ساخته نیست .

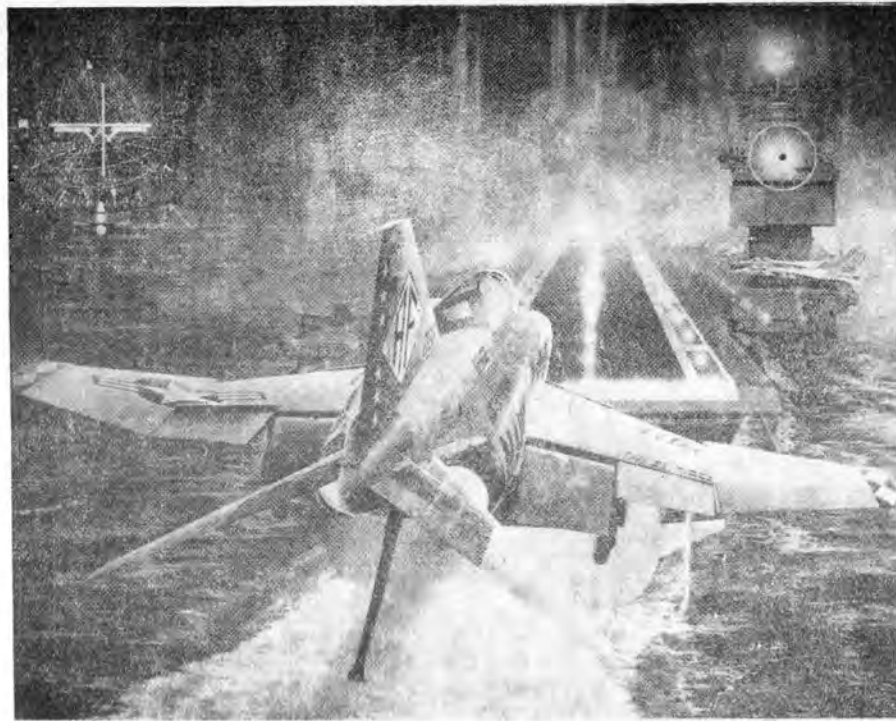
گذشتن از منافع خود برای تأمین منافع یک فرد دیگر عمل ساده نیست و بسیار کم هستند افرادی که حاضر گذشتن از حقوق فردی خود میگردند. البته به تناسب رشد علمی و اجتماعی هر محیط و جامعه تعداد این افراد زیاد و کم میشود .

ادیان آسمانی در برانگیختن احساس اخلاقی فداکاری و ایثار انسانها در برابر هم دیگر نقش مهمی داشته اند اساساً ادیان آسمانی بروی مهربانی و صمیمیت و از خود گذری در بین افراد بشری استوار است. دین مقدس اسلام که در تکوین و برقرار ساختن يك نظم اجتماعی پایدار در بین ملت های مسلمان سهم فرا موش ناشدنی گرفته است در برانگیختن و تقویّه حسن فداکاری و ایثار درس بزرگی را برای بشریت داده است علاوه بر هدایات و ارشادات مؤثر زندگی حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله و سام و هر يك از رهبران اسلامی نموداری از ایثار و فداکاری صادقانه و صمیمانه در برابر انسانهای دیگر میباشد .

خدمت به هموع کمک

و دستگیری از هموع و گذشت و فداکاری در برابر هموع در دین اسلام اصل عبادت شناخته شده است. انسان همانطور که در انجام عبادت های خاصی از قبیل روزه و نماز مکلف دانسته شده همانطور هم در خدمت ب دیگران مؤظف و مسئول شناخته شده است. اینسک که ماه مبارک رمضان فرا رسیده و انسان خودش را در عبادت و انجام وظایف دینی کوشاتر احساس میکند. حسن محبت و فداکاری بیشتر و قوی تر در او بیدار میگردد آدم از دیدن یک فرد گرسنه و عریان بیشتر متأثر میگردد و در کمک به یک فرد دیگر که احتیاج بدستگیری دارد جدی تر میشود. منسوبین اردو که ممثل افراد فداکار و از خود گذر مملکت بشمار میروند و هر لحظه آماده دفاع از تمامیت ارضی مملکت خود با تمام قوا میباشند ازین روزها و شبها که در عبادت و انجام وظیفه دین سپری میشود درس کامل میگیرند .

جرئت و شهامت اخلاقی تا بجائی که انسان را بقبول گذشتن از سر، مال و از لذایذ و نعمات حیات و اداره بسازد متعلق با افراد قهرمانیست که همواره با افتخار و سرفرازی بحیث يك عضو ممتاز جامعه خود زیسته اند و خاطره های باشکوه و با عظمتی را برای مردم خود و ملت خود بارمغان سپرده اند .



درین فوتو دشوارترین شغل نظامی را ملاحظه می فرمائید. درینجا یک طیاره بزرگ جت جنگی درحال فرود آمدن روی خطر نوی یک کشتی طیاره بردار میباشد. فوتوی مذکور که توسط یک طیاره دیگر برداشته شده طیاره فانتوم $F-4$ مربوط قوای بحری امریکارا درحال فرود بالای عرشه کشتی نشان میدهد. موضوعات اغلباً حین هوای خراب خیلی ها دشوار میگردد و پیلوتها را عقیده بر آنست که با وجود آمدن سیستم های جدید مشکلات تا اندازه مرفوع خواهد شد.

بیلائنس نظامی

۱۹۶۸ - ۱۹۶۹

پیوسته بگذشته

مترجم: سیدفضل احمد
«چخانسوری»

پیمان ناتو:

سیاسی، اقتصادی و مالی پلانیهای دفاعی از طرف سرمنشی عمومی و اعضای امور بین المللی پکت واریسی گردیده و هدایات لازم صادر میگردد.

مشاور نظامی پکت همانا کمیته نظامی است که هدایات و اوامر پکت ناتورا مورد تطبیق قرار میدهد کمیته نظامی شامل نمایندگان ۱۳ دولت عضو دائمی پکت به استثنای فرانسه و آیسلیند می باشد (فرانسه با کمیته عضویت ارتباطی داشته ولی آیسلیند هیچ عضویت ندارد) مرکز کمیته مذکور توأم با مجمع عمومی ناتو دربروسل موقعیت داشته و دارای یک سرمنشی مستقل است که عده از مامورین مشخص و نظامیان امور بین المللی تحت اداره وی خدمت می کنند.

قوماندانهای بزرگ پیمان ناتو با آنکه ارتباط مستقیم و مکلفیت های در برابر مجمع عمومی و رؤسای دول عضو دارند نزد کمیته نظامی نیز مسئولیت دارند.

دول عضو پیمان ناتو عبارت اند از بلجیم - انگلستان - کانادا - دنمارک - فرانسه جمهوریت فدرالی المان - یونان آیسلیند - ایتالیا - لوکسبرگ - نیدرلیند - ناروی - پرتگال - ترکیه و ایالات متحده امریکا. در مجمع دائمی این پیمان مقرای کبار هر یک از دول عضو از دولت خویش نمایندگی می کنند، مرکز این مجمع در اکتوبر ۱۹۶۷ از پاریس به بروسل نقل مکان نموده ولی فرانسه تا هنوز بحیث عضو پیمان مذکور باقی مانده است. علاوه بر آن در پیمان مذکور یک کمیته مرکب از نمایندگان ۱۴ دولت موجود است که فرانسه در آن سهم ندارد، در کمیته موصوف پلانیهای عمده دفاعی این ممالک مطرح می گردد و همچنان هنگامیکه موضوعات سهم نظامی پیمان ناتو وسیله این کمیته مورد بحث و مطالعه قرار میگیرد دولت فرانسه اشتراک تمی داشته باشد، موضوعات



طیارات (DHC) ساخت کانادا که کلیه کشورهای امریکای لاتین دارنده آن بوده و در قدرت هوایی به منظور حمل و نقل لوازم حربی از آن کار میگیرند .

تأسیس گردیده و تاکنون دوجلسه ازین نوع دایر شده است . مرام این جاسات آشنا ساختن دول عضویکه فاقد سلاح ذروی هستند به خصوصیات سلاح مذکور میباشد و ریاست این جلسات را نیز سرمنشی عمومی پیمان ناتو عهده دار است .

گروپ پلاننگ سلاح ذروی دارای هفت عضو بوده و وظیفه دارد موضوعاتیرا که در جلسات کمیته دفاعی سلاح ذروی مطرح میگردد عمیقاً مطالعه نماید . دولیکه تاچون ۱۹۶۸ در گروپ مذکور حصه گرفته عبارت انداز بریطانیا - کانادا - جرمنی - ایتالیا - نیدرلیند و ایالات متحده امریکا . همچنان ترکیه و یونان بشکل نیمه (برای نصف سال ترکیه و برای نیم دیگر سال یونان) اشتراک داشته اند و این درست در موقعیکه دنمارک بعوض کانادا و بلجیم بعوض نیدرلیند عرض وجود نموده صورت گرفته است .

درجلسه ماه اپریل سال ۱۹۶۸ که درهاگ دایر گردیده بود وزرای دفاع دول عضو ناتو فیصله کردند که درحال حاضر نمیخواهند سیستم ضدراکت رادرسکتور اروپائی تقویت بخشند ولی میبایست برای انکشاف این سیستم مطالعات دقیق ادامه یابد موضوعات دیگری که دراین جلسه مطرح شده بود شامل معیار و حدود قدرت ذروی ستراتیژیکی و استفاده تکتیکی ازسلاح ذروی همراه با مطالعه جنبه های سیاسی استفاده از سلاح مذکور بوده است . همچنان موافقه شده بود تا ناتو سیستم مخابرات وسیعی را بمنظور تسریع نمودن حل مطالب سیاسی چه درموقع پلاننگ و چه درموقع اضطراری پایه گذاری نماید . همچنان برای دریافت طرق جدید بمنظور انکشاف جمع آوری، قیمت دادن و توزیع امور استخباراتی نیز توجه بیشتری معطوف ساخته شده است .

قوماندانی متحده در سکتور اروپائی : قوماندانی متحده ناتو در سکتور اروپائی مسئول امور دفاعی همه سرحدات ناتو به استثنای فرانسه، بریطانیا و پرتگال میباشد علاوه بر آن مسئولیت عمومی دفاع هوایی بریطانیا نیز بزمه این قوماندانی بوده و موضوع دفاع هوایی فرانسه نیز مورد بحث است دفاع سواحل پرتگال را قوماندانی سکتور اتلانتيك متعهد گردیده است .

مراکز قوماندانیه عمده پیمان ناتو عبارت اند از سکتور اروپائی که محل قوماندانیه آن در بلجیم است ، و سکتور اتلانتيك با محل قوماندانیه آن در نورفولک ایالت ورجینیا و علاوه بر این یک سکتور سومی مرکز قوماندانیه بنام قوماندانی متحد که محل قوماندانیه آن در نارت وود قریب لندن میباشد نیز وجود دارد مقام قوماندانی عمومی سکتور اروپائی که بنام قوماندان اعلاى اردوى متحده در اروپا یاد می شود از بد و تأسیس بکت تاکنون توسط جنرالهای امریکائی اشغال گردیده و همچنان هست قوماندانی اعلاى اردوى متحده در سکتور اتلانتيك نیز بصورت عموم به امریکائی ها تفویض گردیده است .

در بکت ناتو کدام دستگاه علیحده که مسئول اداره قوای ذروی ستراتیژیکی باشد وجود ندارد اما قوماندانیه های دوسکتور اروپائی و اتلانتيك در سیستم پلان گذاری ذروی مشترك واقع اماها در نبراسکا اشتراك می ورزند - در این محل پلانهای قوای بمبارد و قوای راکت امریکا بصورت مشترك با قوای ذروی ناتو مطالعه می گردد . ایالات متحده امریکا یک عده کم تحت البحری های پلاریز و بریطانیا یک عده زیاد قوای متوسط بمبارد و تحت البحری های پلاریز خویش را برای کنترل پلانهای سکتور اروپائی و امریکا یک عده زیاد تحت البحری های پلاریز خویش را برای کنترل پلانهای سکتور اروپائی و امریکا یک عده زیاد تحت البحری های پلاریز خویش را برای سکتور اتلانتيك گماشته است .

دو شعبه علیحده دائمی برای پلانهای ذروی در سال ۱۹۶۶ بنام کمیته امور دفاعی ذروی و گروپ پلان ذروی بحیث معاون کمیته اولی تأسیس گردید . عضویت در کمیته امور دفاعی ذروی برای همه دول عضو بکت مجاز بوده ولی فرانسه - ايسلیند - و اوکسمبرگ سهم نگرفته اند . کمیته مذکور اساساً برای ملاقات های وزرای دفاع دول عضو



طیارات نوع (UH-1D) و (HU-16A) که بطور عموم کشورهای امریکای لاتین در قسمت های تفحص و نجات از آن استفاده مینمایند . (۷۲)

قوماندان اعلى اردوى متحدين
درسكتور اروپائى مسئوليت اداره همه
قواى امريكائى را در اروپا بدوش
دارد. مركز ادارى قوماندان موصوف
در ستوت گارد، جنوب المان بوده
و معاون وى يكنفر انگليس مى باشد.
علاوتاً قوماندان موصوف داراى يك
معاون ايطاليائى براى امور ذروى
ويك معاون امريكائى براى امور
هوائى نيز مى باشد. اردوى متحدين
در سكتور اروپائى داراى حداقل
۷۰۰۰ بمب ذروى تكتيكى بوده و تعداد
عراده هاى حمل كننده بمب هاى مذكور



يكى از طيارات تجربوى جرمى با انجن هاى متحرك در حال پرواز عمودى
كه در جولاي ۱۹۶۵ در شهرمان چنگك نمايش داده شده ديده ميشود. اين
پروژه براى وجود آوردن طياراتي كه در فاصله هاى خيلى كوتاه نشست
برخاست كرده بتوانند از طرف امريكا و جرمى پيش برده ميشود.

المان غربى بر اساس توافق حاصله بين حكومات فرانسه و
جرمنى صورت گرفته است. همچنان فرانسه در راه انكشاف
سيستم دفاعى هوائى و رادار كه از طرف مؤظفين زمينى
اردوى هوائى ناتو روى دست گرفته شده سهيم گرديده
است همه يونت هاى نظامى و قوماندان هاى ناتو بشمول يونت
هاى لوژستيك خاك فرانسه را ترك گفته اند و در حال حاضر
پرواز هاى طيارات نظامى ممالك عضو ناتو از فراز خاك
فرانسه بر اساس موافقه سالانه صورت مى گيرد. يك قواى
موظف بنام (قواى موظف متحرك) كه بتواند تحت شرايط
خاص به حيث قواى فعال ناتو عمل نمايد در قسمت هاى
اروپاى شمالى و جنوبى روى كار آمده و اين قواء شامل شش
كندك طيارات جنگى براى تقويه يك تولى طيارات جنگى
توپدار و تولى هاى طيارات شكارى براى حمايه و تقويه قواى
زمينى بوده و وسيله هشت دولت تقويه مى شود.

سراکز قوماندانده ذيل براى قواى موظف متحرك همكارانند.
الف : قواى متحدين در اروپاى مركزى: اداره قواى
زمينى و هوائى در سكتور اروپائى تحت فرمان يكنفر جنرال
جرمن بوده و مركز اين قومانداندى در بروكسل واقع در ولايت
تسمبورگ مملكت نيدرليند مى باشد. قواى زمينى سكتور
اروپاى مركزى شامل ۲۴ لواى موظف است كه توسط
شش مملكت تهيه ميگردد. به استثنائى بعضى يونت هاى هاليندى
و بلجيمى و يونت هاى لوژستيكي متباقى همه اين قوا در المان
غربى متمرکز شده اند.

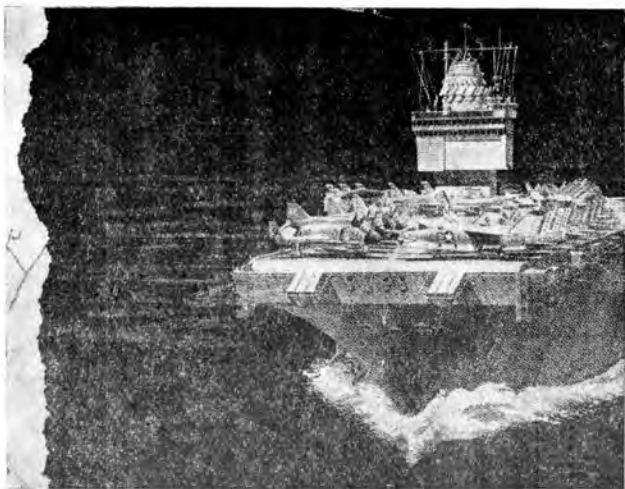
قواى هوائى تاكتيكى مربوط اين قوا را ۳۰۰۰ طياره كه
۴۰۰ طياره جنگى بمبارد آن از طرف ايالات متحده امريكا
تهيه گرديده تشكيل ميدهد متباقى طيارات اين قواء طيارات
نوع كانبيراس انگليسى طيارات نوع CF-104 كانادايى
و طيارات نوع F-104G جرمى و غيره مى باشد. طيارات
امريكائى و جرمى مربوط قواى سكتور اروپاى مركزى با
راكت هاى زمين به زمين نوع سرچنت و پورشنگك بسويه تولى و
اردو مجهز مى باشند. راکت هاى نوع هانست جان و توپ

(طيارات و راکتها در حدود ۲۲۵۰) عراده تصور برده
مى شود كه در عده از ممالك عضو پيمان ناتو به آنكه
انفجارات ذروى تماماً تحت نظارت و نگهدارى امريكا ميباشد
توزيع گرديده است. قدرت متوسط سلاح ذروى كه براى
استفاده سكتور اروپائى سپرده شده و وسيله طيارات حمل
مى گردند يكصد كيلو تن و از سلاح راکت ۲۰ كيلوتن
تخمين شده است. قواى تربيه شده و مجهز شده براى دفاع
از سكتور اروپائى ناتو تحت قوماندانده قوماندان اعلى قواى
اروپائى ناتو سپرده شده و اين قواء ۴۵ لواء را تشكيل ميدهد
علاوتاً يكتعداد فرقه هاى قابل ملاحظه بصورت مستقل تحت
قوماندانده قوماندان موصوف قرار دارد و همچنان در صورت
مساعدت وقت ۱۴ لواى ديگر نيز به اردوى موصوف افزوده
شده مى تواند.

قواى مذكور داراى تقريباً ۳۵۰۰ طياره جنگى مى باشد
كه در تقريباً ۱۵۰ ميدان هوائى ناتو متمرکز گرديده كه از
طريق سيستم مالى مشترك ديپو هاى ذخيره هايپ لاین هاى
مواد سوخت و مخازن تنظيم شده تقويه و محافظه مى شوند
يكعده قواى فرانسه در جرمى باقى مانده كه همكارى بين
اين قوا و مراکز قوماندانده ناتو به اساس موافقه قبلى ناتو و
حكومت فرانسه تأمين ميگردد. وجود قواى فرانسوى در



طياره نوع (C-130E) جنگى كه اكثر كشور هاى
امريكائى لاتين در امور دفاعى از آن استفاده مى نمايند. و بيشتر
قواى هوائى برازيل دارنده اين نوع طيارات مى باشد.



یک کشتی طیاره بردار امریکائی در حال حرکت بایکعهده
طیارات و برج مراقبت آن دیده میشود .

های ایتالیا، یونان و ترکیه بوده همچنان برای حفاظت
مواصلات مدیترانه و آبهای ساحلی ترکیه در بحیره سیاه نیز
وظیفه دارد. اردوی زمینی این قوا را؛ الوای ترک، الوای یونانی
و هفت الوای ایتالیا تشکیل میدهد و علاوه بر الوای هوایی تکنیکی
این سه دولت نیز مورد استفاده قوای موصوف قرار دارد .

گذشته از آن بحیریه نمبر ۶ امریکا و قوای بحری یونان
ترکیه، ایتالیا و انگلستان نیز در قوای جنوبی موظف ساخته
شده اند، نسبت معاذیر جغرافیائی اردوی زمینی به دودسته
تقسیم شده و هر یک از طرف قوماندان علیحده اداره
می شود . ایتالیا و سواحل آن از طرف دسته جنوبی و ترکیه
و یونان از طرف دسته جنوب شرقی مراقبت می شوند .

با آنکه در قوای سکتور جنوبی یک قوماندانی هوایی و یک
قوماندانی قوای بحری وجود دارد معبها هر دو از طرف

خانه راکت برای بمبارد ذروی بسویه لوا مجهز ساخته شده
است. یک سیستم اخبار قبلی و دفاع هوایی برای انگلستان
المان غربی و سمالک پایان و قسمت های شمال شرقی فرانسه
انکشاف داده شده و بتعداد ۲۸ کندی راکت های زمین به
هوا از نوع هاک و نیک در قوای مذکور شامل ساخته شده است
قوای مذکور به دو قسمت بیشتر منقسم گردیده که
عبارت از گروه اردوی شمالی و گروه اردوی مرکزی
است گروه اردوی شمالی مسئول دفاع سکتور قسمت شمالی
محور کوتنگن - لیگ بوده و قوای مربوط این گروه را
لواهای بریطانیایی، بلجیمی، هالیندی، چهار الوای جرمنی
و فرقه کانادایی تشکیل میدهد. گروه مذکور توسط قوای
هوایی تاکتیکی دومی متحدین که از یونت های انگلیسی
هالیندی بلجیمی و جرمنی تشکیل گردیده حمایت می شود. قوای
امریکائی و هفت الوای جرمنی تحت قوماندۀ گروه اردوی
مرکزی قرار دارند. قوای چهارم هوایی تکنیکی متحدین
شامل طیارات امریکایی، جرمنی، کانادایی و یک اردوی
دافع هوایی امریکایی می باشد .

قوای متحدین در اروپای شمالی : مرکز این قواء در

شهر کلساس ناروی بوده و مسئولیت دفاعی ناروی، دنمارک
شلیسوک، هولستین و ساحات نزدیک بالتیک را عهده دار
است. قوماندان قوای مذکور یکنفر جنرال انگلیسی بوده
و اکثر قوای بحری، بری و هوایی تکنیکی دنمارکی و ناروی
برای این قوا نامزد گردیده است. دولت جرمنی یک لوا که
مرکز آن در شلیسوک است بادوغند جنگی هوایی و قشون
بحری بالتیک خویشرا تحت قوماندۀ این قوا داده است.

قوای متحدین در اروپای جنوبی: مرکز قوای مذکور

در نیپال بوده و از طرف یکنفر قوماندان اردوی امریکائی
اداره می شود مسئولیت اردوی موصوف دفاع و نگهداری خاک

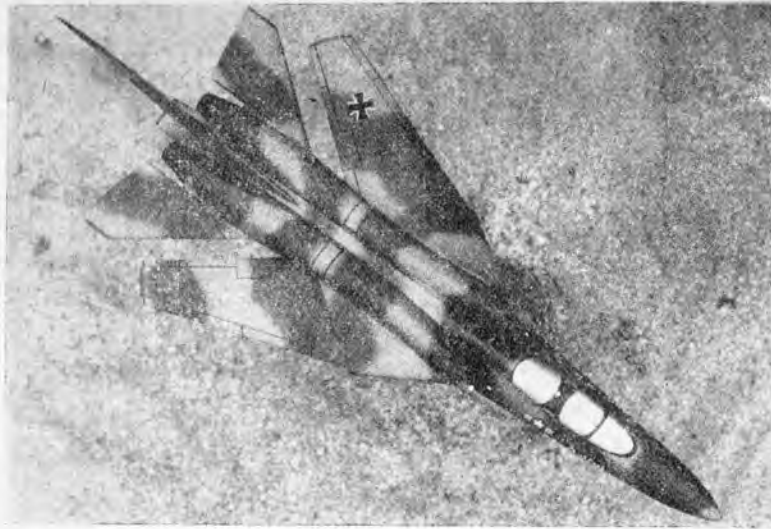


←
طیاره نوع
F - 111A
امریکائی که
در فواصل کوتاه
نشست و برخاست
کرده میتواند
همچنان بالهای
طیاره مذکور
حین پرواز به
عقب جمع شده
و در این وقت
سرعت آن ۲ برابر
سرعت صوت
میگردد .

یکنفر قوماندان اردوی ایطالیا اداره گردیده و مرکز آن نیز در مالتا واقع میباشد.

قوای متحدین در سکتور انتلانتیک :

مرکز قوای متحدین سکتور اتلانتیک پیمان ناتو در نورفولک ایالت ورجینیا بوده و در مواقع حرب وظایف قوماندان اعلی قوای مذکور که یک فرد از قوماندانهای اردوی امریکا میباشد و یکنفر انگلیسی سمت معاونی او را دارد همانا اشترک در حرب ستراتیژیکی و حفاظت مواصلات مخابرات بحری از تعرض قوای دشمن است . در وقت حضر (آرامش اوضاع) قوماندان موصوف هیچ گونه قوای دایمی تحت فرمان خویش ندارد اما در اثنای مانور های تعلیمی و حرب قوت های مشخصه از طرف دول انگلستان - کانادا - دنمارک - هالیند - پورتگال



طیاره جنگی پروژه مشترک امریکا و جرمنی با داشتن قدرت جمع کردن بالها تا ۷۰ درجه میتواند بیشتر از دو برابر سرعت صوت پرواز نماید .

های ضدتحت البحری مجهز میباشد. قوای ناتو همچنان دارای ۳۷۵ طیاره دارای قدرت پرواز به مسافه های طولانی اکتشافی می باشد که پایگاه های این طیارات در خشکه و اغلباً در سواحل امریکا میباشد. همچنان اردوی بحری امریکا دارای ۸۰۰ کشتی حمل کننده طیارات و هلیکوپتر و وسایل ضد تحت البحری است که نصف این عده در هر لحظه آماده فعالیت اند. تعداد طیاراتی که بصورت مجموعی در يك آن واحد از بالای همه این کشتی ها برخاسته و آماده فعالیت می گردند به ۳۵۰ بالغ می گردد .

چینل قومانده متحدین (سکتور سومی قوای متحدین) :

طرز العمل این قوا در اثنای حرب همانا کنترل ساحات انگلستان و حصص جنوبی بحر شمال میباشد . اکثر کشتی های جنگی کوچک، بلجیم، نیدرلیند و انگلستان همراه با طیارات قوای بحری شان تحت اداره این قوا گذاشته میشود قوماندان عمومی این قواء يك افسر انگلیسی میباشد که وی در عین زمان قوماندان قسمت اتلانتیک شمالی در سکتور اتلانتیک اردوی متحدین نیز میباشد. مرکز قومانده این قواء در نارت وود - میدل سکس بوده و کمیته چینل فرماندهی را افسران قوای بحری سه مملکت مربوط به این قواء تشکیل میدهد که ایشان بصفت هیئت مشاورین قوماندان عمومی اجرای وظیفه میدارند .

(قوت های ملی)

بلجیم :

معلومات عمومی :

تعداد نفوس : ۹۶۰۰۰۰۰ نفر .

و ایالات متحده امریکا به اختیار قوماندانی اعلی قوای متحدین سکتور اتلانتیک گذاشته می شود . گرچه این قواء بصورت اغلب بحری میباشد ولی دارای قوای زمینی و قوای هوایی در پایگاه زمینی نیز میباشد (فرانسه با آنکه هیچ نوع قوه نمیدهد اما ترتیباتی اتخاذ گردیده که در آن همکاری بین قوای بحری فرانسه و قوای متحدین رعایت می شود) . قوای متحدین در سکتور اتلانتیک برای دفاع ساحه اتلانتیک شمالی از قطب شمال الی منطقه حاره کانسر که آبهای ساحلی پرتگال نیز شامل این ساحه است مسئولیت و وظیفه دارد. در این قواء پنج قوماندانی دیگر که عبارت اند از قوماندانی اتلانتیک غربی قوماندانی اتلانتیک شرقی - قوماندانی ابران اتلانتیک قشون جنگی اتلانتیک و قوماندانی تحت البحری شامل است سلاح ذروی قشون جنگی اتلانتیک توسط بحریه نهمردوی امریکا بادو یاسه کشتی حامل مهمات حربی تهیه میگردد . امادر حال حاضر یک تعداد تحت البحری هائیکه راکت فیر می کنند نیز از طرف بحریه امریکائی به قشون جنگی اتلانتیک داده می شود .

در جنوری ۱۹۶۸ يك تولی جدیدی بنام قوای بحری آماده باش اتلانتیک متشکل از کشتی های گزیه قوای بحری ملی چندین دولت تشکیل و تحت اداره قوای متحدین در سکتور اتلانتیک داده شده است. و در هر وقت و زمان این قشون جدیدالتشکیل دارای چهار کشتی نوع مخرب میباشد .

در قوای متحدین در سکتور اتلانتیک به تعداد ۵۰۰ کشتی گزیه خدمت میکنند که حداظمی این رقم همه گی یا قسماً با سلاح ضد تحت البحری مجهز ساخته شده اند . اکثر قوای بحری اردوی ناتو برای این منظور مجهز ساخته شده اند و در حال حاضر در حدود ۱۵۰ تحت البحری اردوی موصوف با امری

خدمت نظامی : ۱۲ ماهه

کل عایدات ملی بصورت تخمین در سال ۱۹۶۷ مبلغ
۱۹،۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دالر امریکائی. مجموع قوای بشری
مسلح : ۹۹،۰۰۰ نفر

بودجه نظامی در سال ۱۹۶۸ مبلغ ۵۰،۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دالر
امریکائی

اردوی زمینی :

مجموع قوای بشری ۷۵،۰۰۰ نفر
دولوای میکانیزه هر یک از دو فرقه .
یک لوای احتیاطی موتوریزه .
یک غنند کوماندو .

۷۰۰ تانک نوع M-24، M-41 و M47 که در نظر
است با ۳۳۰ تانک نوع لیو پارد تعویض گردد.

ذره پوش های حمل قشون از نوع M-75 و AMx-13
راکت های نوع ها نست جان آوان های ۱۰۵ ملی متری
۱۵۵ ملی متری و ۲۰۳ ملی متری .

دو کندک راکت های نوع هالک زمین به هوا .
لوا های میکانیزه به ناتو سپرده شده و همچنان یک کندک
از کوماندو و لوای احتیاطی جهت استفاده ناتو نامزد شده اند.

قوای بحری :

مجموع توای بشری ۴۰۰۰ نفر
۷ دسته کشتی های ماین پاک کن .
دو گز مه ساحلی

۲۲ ماین پاک کن ساحلی .
۱۶ کشتی ماین پاک کن داخل ساحل .
۲ کشتی معاونه .
۲ هایکوپتر نوع S-58 .

قوای هوایی :

مجموع قوای بشری ۲۰،۰۰۰ نفر با ۱۴۰ طیاره جنگی .

۲ تولى طيارات جنگی بمبارد از نوع F - 104 G .

۲ » » » » F - 84F .

۲ » » شکاری نوع F - 104G .

۱ » » (دریک تولى جنگی بلجیم

۱۸ تا ۲۰ طیاره می باشد) .

۵۰ طیاره ترانسپورت از نوع C - 47، C - 54، C - 119

۸ تولى راکت های زمین به هوا از نوع نک - اجیگز

و هر کولس (همه تولى ها به شعول تولى راکت به ناتو داده شده

به استثناى يك غنند ترانسپورت هوایی که تحت اداره قوای

ملی می باشد) .

قوای غیر نظامی ۱

قوای ژاندارمری ۱۲،۰۰۰ نفری .

انگلستان

معلومات عمومی :

تعداد نفوس : ۵۵،۵۰۰،۰۰۰ نفر .

خدمت نظامی رضا کارانه است .

کل عایدات ملی در سال ۱۹۶۷ بصورت تخمین مبلغ

۱۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دالر امریکائی .

مجموع قوای بشری مسلح ۴۲۷،۰۰۰ نفر (این رقم

شامل قواییکه خارج انگلستان وظیفه دارند نیز می باشد)

بودیجه نظامی سال ۶۹-۱۹۶۸ مبلغ ۲۲۷۱،۰۰۰،۰۰۰

پوند انگلیسی یا ۵،۴۵۰،۰۰۰،۰۰۰ دالر امریکائی .

اردوی زمینی :

مجموع قوای بشری : ۲۱۰،۰۰۰ نفر (۲۲،۰۰۰ نفر

عساکر اردوی انگلیسی که در خارج انگلستان بسر میبرند

نیز شامل این تعداد میباشد) . اردوی انگلیس دارای ۲ فرقه

قوای ذرهدار و ۱۳ فرقه پیاده که ۵۶ کندک پیاده راتشکیل

میدهد بوده و علاوه آن دارای ۳ کندک قوای پراشوتی و ۸ کندک

پیاده عساکر گور که است .



طیاره جنگی شکاری
پروژه امریکا و جرمنی
که با داشتن انجن های
متحرک میتواند در
فواصل خیلی کوتاه
نشست و برخاست
نماید که نظر به این
خاصیت طیاره مذکور
مورد پسند و علاقه
خاص قوماندان های
اردوی اروپائی قرار
گرفته است .

همچنان این اردو با ۲۳ غند تانک و موتور های ذرهدار ، ۳۰ غند توپخانه ، ۶ غند انجنیری (استحکام) و ۱۰ غند اشاره مجهز میباشد .

اردوی انگلیسی سسمی به راین که در المان متمرکز میباشد دارای قدرت بشری ۴۸۵۰۰ نفر بوده و به سه لواء تقسیم گردیده که هر لواءی آن دو فرقه را تشکیل میدهد (از جمله شش فرقه دوی آن زرهدار و چهار دیگر آن پیاده میباشد) . یکی از فرقه های پیاده همرا با یونیت های معاونه آن در حال حاضر در بریطانیا متمرکز ساخته شده اما با آنها فرقه مذکور جزء قوای راین میباشد . در حدود ۱۸ کتک پیاده بطور دائم بحیث قوای گارسیون بر علاوه سه فرقه پیاده و فرقه پراشوتی که قوای احتیاطی ستراتیژیکی هستند در خود انگلستان وظیفه دار میباشد .

از جمله قوای انگلیسی يك اداره مرکزی اردو همراه با يك فرقه پیاده گور که در سنگاپور ، يك فرقه پیاده در هانگانگ ، يك کتک پیاده گور که در برونی و يك کتک پیاده با يك فرقه کامنولت در ملاک متمرکز گردیده اند . بر علاوه قوای فوق الذکر يك فرقه کوماندوی دریائی در سنگاپور جابجا

ساخته شده است .

قوای موجود در خلیج فارس ۲ کتک بوده و دو کتک دیگر بشمول یک هزار نفر افراد قوای موسسه بین المللی در قبرس میباشد . متباقی قوای گارسیون انگلیس عبارت اند از یک فرقه در المان غربی دو کتک در مالتا ، یک کتک در جبل الطارق و یونیت های کوچک دیگر در لیبیا و هند و راس بریطانوی . دو غند زرهدار از جمله ۷ غندیکه در المان میباشد به عوض تانکهای نوع منتورین با تانکهای متوسط نوع چیفتن باتوپهای ۱۲۰ ملی متری مجهز ساخته شده اند .

توپهای انداخت سلاح ذروی تکنیکی که بدسترس قوای راین قرار دارد شامل ۳ غند باراکت های نوع هانست جان و آوانهای - ۲۰۳ - ملی متری میباشد . همه توپهای ۲۵ پوندی و ۵۵ انچی که سابقاً از آن استفاده میشد کنون توسط توپهای ثقیل متحرک اتوماتیک ۱۰۵ ملی متری نوع ابوت و توپهای ۱۵۵ ملی متری و ۱۷۵ ملی متری امریکائی عوض گردیده است .

رضا کاران احتیاطی اردو و سرحدی تقریباً به ۵۳۰۰۰ نفر مرد و زن بالغ می شود .

افق بیکران علوم طبیعه

(بقیه صفحه ۶۸)

و تفهیم آنها يك امر ضروری و شایان توجه است . از همه اینها گذشته ترانزیستور مزایای نظامی فراوانی دارد .

مثلاً در دستگاه های سبک و کوچک مانند رادار و رادیو ، مدارهای اداره فواصل بعید ، دستگاه های خیلی کوچک تلی تاپ (دور نویس) و مخابرات ، دستگاه های تلو یزونی بسیار خورد که برای جاسوسی بکار میرود همچنین دستگاه های کشف اشعه و اسباب های اندازه گیری واسطه های مخفی از قبیل مرسله ها و آنچه ها دستگاه های رادار هوائی و بحری دستگاه های برای محاسبات توپخانه ها و آتشباری ها ، طرح و تدبیر برای انفجار پل و ساختمان ها و پایگاه های نظامی و غیره بطور خلاصه هر جائیکه صحبت از وزن کم ، ابعاد کوچک و قیمت مناسب در دستگاه های الکترونیکی بماند ، بیاید ، ترانزیستور در آن سهم بسزائی دارد . نا گفته نماند از لحاظ تجارت نیز ترانزیستور ها باعث شده که تغییرات اساسی در طرح انواع دستگاه های الکترونیکی بوجود بیارد . (پایان)

در آگست ۱۹۵۲ مطالبی راجع به کشف ترانزیستور چار قطبی بوسیله والاس اعلام شد با اضافه کردن الکترو د چهارم والاس قادر بود ترانزیستوری بوجود آورد که در فریکانس های خیلی بلند یعنی اقلان ده برابر فریکانس های مستعمل در مدارهای چراغ بخوبی کار کند .

ترانزیستور ممکن است در یک او سیلاتور ، تقویت کننده جریان مستقیم با جریان متناوب ، سویچ الکترونیکی ، مخلوط کننده ، مودلاتور و بالاخره در دیتکور بکار برده شود .

ترانزیستور بعضی مواقع بصورت خیلی کوچک و سبک با عمر طولانی و با اندازه کافی مطمئن و خیلی ارزاتر از لامپ ها یا چراغهای خلاء عرضه میشود علاوه بر اینها فائده دیگرش اینست که بسیار زود بکار می افتد یعنی لازم نیست آنرا گرم کنیم امروز در اکثر آلات مخابراتی و وسایل الکترونیکی ترانزیستور سهم فعال داشته و در آن ها بکار برده می شود . برای این منظور لازمست کارکنان دستگاهها و کارخانجات با طرز کار و فعالیت آن ها آشنائی کامل داشته باشند و تدریس

دهیرو شیمانیم دننیو حرارتی او ذروی بمونو چه په ملیونو تنه TNT قدرت لری په هیخ صورت سره دمقایسی وړ نه دی .

ذروی وسلو دائر ژی یوه برخه سخت ټکانونه اویوه زیاته برخه ئی دپیر لور حرارت له کبله تشعشع یا *Radiation* تولیدوی چه اول بریښنا او حرارت تولیدوی او وروسته د وور یوه کره (غونډاری) ورځنی جوړیږی . دغه شدید حرارت دپیری لری مسافې څخه دپوستکی دسولو اود وور داچولو قدرت پیدا کوی .

د ټولو چاودنو دجملی څخه یواځی ذروی چاودنی ذروی حرارت تولید وی . ابتدائی ذروی حرارت عبارت دهغه حرارت څخه دی چه دچاودنی له لوسر نیوشیبو کسی تولیدیږی . دابتدائی ذروی چاودنی او حرارت تاثیر یواځی په هغه منطقه باندی زیات دی چه دمسلسک طوفان په ساحه کی واقع وی او تر یوی معینی ساحی اضافه کوم تاثیر نلری . دټولی هغه ذروی اینرژي نه چه دذروی چاودنی نه پیدا کیږی تقریباً په سلو کی ۹۰ دطوفان ، حرارت او ابتدائی حرارت په شکل لیدل کیږی د مجموعی اینرژي پاتی ۱۰ فیصده هغه اینرژي ده چه دبقایا وود ذروی حرارت اورادیو اکتیفی (*Radioactive*) موادو دکلون نه پیدا کیږی دغه مواد یوه صعودی وریخ چه مخ په پورته په حرکت کی وی تولیدوی چه وروسته بیرته ځمکی ته راپښکته کیږی .

یو دښمن ښائی ذروی وسلی په مختلفو شکلونو استعمال کړی داپه دی پوری اړه لری چه دښمن دوسلی داستعمال نه څه نتیجه په نظر کی لری . دښمن خپل وسایط چه ددغه وسلی داستعمال دپاره لازم دی هم په نظر کی نیسی لکه الوتسکه بم غور ځولو اوراکت ذروی گولیود ویشتلو دپاره .

همدارنگه دښمن ځینی نور هغه شرایط لکه څومره یوه ساحه باید تر تاثیر لاندی ونیوله شی څه ډول کلی اوجزی تاوان باید ورسول شی اوبالاخره درادیو اکتیفی *Radioactive* ذراتو دپیرته رالویدلو ساحه باید څومره فراخه وی په نظر کی نیسی .

ذروی وسله کیدی شی چه لوړه په هوا کی دوچی اویا لمدی په سطح اویادنه په ځمکه یا اوبو کی وچول شی دغه دری ډوله اساسی چاودنی په لاندی ډول ښودلی شو .

هوائی چاودنه : په دی چاودنه کی یو بم دوسره لوړ په هوا کی چول کیږی چه د وور کره (غونډاری) دخپل اعظمی جسامت په وخت کی دځمکی دسطح سره تماس ونکړی شی . پیر لوی طوفانی او حرارتی خطر ځینی پیدا کیږی هغه حرارتی شعاعوی چه دانفلاق دیوه میگاتن (*1-Megaton*) ذروی وسلی نه پیدا کیږی په متوسط ډول سره ۱۲۵ میلو (تقریباً ۲۰ کیلومتر) په مسافه دچاودنی دمرکز څخه په پیر مسلسک شکل دبدن دسولو خطر لری او حرارت ئی تر ۷۵ میله مسافی

ذروی وسلی

غیر نه اولیکنه

تورن پیلوټ

محمد هاشم (شنیزی) وردک

تخریبی قدرت :- دذروی وسلو تخریبی قدرت عبارت دهغه مجموعی انرژي یا (حرارت) څخه دی چه یوه ذروی وسله ئی تولیدوی . دغه مجموعی انرژي دغوتنه (*Tons*) غیر ذروی انفلاقی موادو سره مقایسه کیږی چه هغه هم په مجموعی صورت عین انرژي او حرارت تولید کړی شی . یعنی هغه حرارت او انرژي چه دانفجار دیوه کیلوتن (*1-Kiloton*) ذری وسلی په واسطه تولیدیږی مساوی دهغه حرارت او اینرژي دی چه دعمل دانفجار دیوزروتنو *1000 tons of tnt* غیر ذروی احتراقی موادو څخه تولیدیږی همدارنگه یو میگاتن (*1-Megaton*) ذروی وسله دائرژي او حرارت له کبله دیو ملیون تن د *1-Milion tons of TNT* سره مساوی ده .

هغه نتیجی چه په دوهمه عمومي جگړه کی دالمان دغیر ذروی بمباردمان اودجاپان دهیرو شیمانیم ذروی بمباردمان څخه لاس ته راغلی په پیر ښه صورت دذروی وسلو قدرت دغیر ذروی وسلو په نسبت مقایسه کولی شی . ددرسدن (*Dresden*) په حمله کی چه د فبروری په نیټه ۱۲ او ۱۳ دکال ۱۹۴۵ یونهای د امریکی اوانگلستان د هوائی قواوو له خوا وشوه دوه زره اونه سوه تنه بمونه را وغور ځول شول دجرمتانو داحصائیی له مخی ۱۲۰ نه تر ۱۵۰ زرو تنو پوری خلک ئی په قتل ورسول . اما د ۱۹۴۵ کال داگست دمیاشتی په پنځمه یواځی یوی الوتکی یودانه شل کیلو تنه بم په هیرو شیمانیم باندی راوغور ځاوه چه په نتیجه کی ئی ۷۰۰۰۰ تنه مړه او ۷۰۰۰۰ نور سخت زخمی کړل .

پوری حسن کیدلی شی. په دی قسم چاودنه کی درادیاو اکتیفی (Radioactive) موادو ابتدائی اوفوری تا نیر نشته .

دخمکی دمخ چاودنه :- په دی چاودنه کی دوورغونډاری پهخمکه تماس کوی . اود ډیر شدید حرارت له کبله یوه زیاته برخه تیری ، خاوری او نور مواد بیخی په بخار سره تبدیلیری او مخ پورته په وریمه کی پورته کییری یولوی فرق چه دخمکی دمخ دچاودنی اودهوا دچاودنی ترمنځ شته همدغه دی چه دخمکی دمخ په چاودنه کی دتبخیر شویو موادو له کبله یوه درنه او غلیظ وریمه تولیدیری اوله همدغه کبله دخمکی دمخ چاودنه دهواد چاودنی په نسبت د زیته زیات ابتدائی رادیاو اکتیفی تاثیراتو او خطراتو سبب گزی .

ترخمکه دلاندی چاودنه : په دی چاودنه کی د ذروی چاودنی مرکز ترخمکه اویا داوبو لاندی واقع کییری . دغه چاودنه ترخمکه اویا اوبو دلاندی سخت تکانونه تولیدوی نظریه عمق دچاودنی لځنی تکانونه بانندی زاوی او هوائی چاودنه لځنی جوړیری ددغه چاودنی په ترڅ کی یوه زیاته برخه حرارت او تشعشع (ذروی شعاوی) په لځنو مسافو کی دخمکی یا اوبوپه واسطه جذبیری .

مگر یوه بله زیاته برخه دخمکی یا اوبو دانفجار ساحی ته نیژدی درادیاو اکتیفی موادو سره گډیری .

که چییری یو میگاتن (1-Megaton) انفجار پنځوس قیه ترخمکه دلاندی اجراشی په نتیجه کی ۳۰۰ قیه ژوره او ۱۴۰۰ قیه پلنه کنده لځنی جوړیری یعنی لس میلیونه تڼه تیری او خاوری دخمکی له منځه بهر ته راغورموی هغه رادیاو اکتیفی مواد چه دهوائی چاودنو په ترڅ کی پیدا کییری له ډیرو وړو وړو مخه عبارت دی . د دغه وړو وړو یوه زیاته برخه دهوا دسراتو سفیر (Stratosphere) تر طبقی پوری جگیری اوهم اغلته تریوه ډیری اوږدی مودی پوری پاتی کییری دغه مواد بالاخره بیرته دخمکی وخواته دراغورمیدلو په ترڅ کی په یوه ارته افرارخه قضا کی چه دخمکی په مخ یوه ډیره فراخه ساحه نیسی را توئیری چه دغه تویدلوته (Worldwide Fallout) ویل کییری .

دغه رالویدل شوی رادیاو اکتیفی مواد (Fallout) له دی کبله چه لوسری په یوه فراخه ساحه بانندی چه ممکن شو هیوادونه تر تاثیر لاندی ونیسی ویشل کییری نوبه ډیر سطحی صورت او کمه اندازه خمکی ته را رسییری دوهم څرنګه چه دیوی اوږدی مودی د پاره په هوا کی پاتی شوی وی نوخپل یوه زیاته برخه رادیاو اکتیفی تاثیر نی هم له لاسه ورکری وی نو د همدغه علتو نو له مخی خمکی ته د را گرزیدلو په وخت کی دژوند په مقابل کی دمحللی رادیاو اکتیفی موادو (Fallout) په نسبت لږ خطر لری .

هغه ذروی چاودنه چه دخمکی په مخ اویا دخمکی مخ ته نیژدی په هوا کی وشی زیته ډیر رادیاو اکتیفی مواد لځنی پیدا کییری دغه رادیاو اکتیفی مواد نسبتاً د غټو ذرو او توټو څخه جوړ شوی وی دغه محلی فال اوب (درادیاو اکتیفی موادو رالویدل) په لومړو څلوزو یشتو گریو کی بیرته دخمکی په مخ بانندی را کیینی حتی په یوه مهلسک او خطرناک صورت دباد استقامت سره سم په سلو میلیونو مسافی او خمکی تر تاثیر لاندی نیسی .

د چاودنی اغیزی :- هغه نقطه چه دخمکی په مخ د ذروی چاودنی په مرکز کی واقع وی د Ground zero چه صفری مرکز ورته ویلی شو په نامه یاد ییری د دغه چاودنی په شا و خوا کی خمکه ، مواد او خلک په بیلو بیلو صورتونو سره لکه حرارت تکانونه او تشعشع تر تاثیر او تم-لکه لاندی نیول کییری . د تاثیر اندازه نی په عمومی ډول په مسافه له مرکز او جسامت د وسلی پوری اړه لری ، هغه وسلی چه قدرت او جسامت نی تر پوه میګاتن (1-Megaton) پوری رسییری د چاودنی له مرکز (Ground zero) نه په څومیله مسافه کی ټول شیان بیخی له منځه وری او د ژوند د ساتنی چانس په کی بیخی لری هر څومره چه دچاودنی له مرکز GZ نه لری کیرو په همدغه اندازه سره نی د تخریبولو او د ژوند له منځه وړلو قدرت هم کمییری .

د ذروی چاودنی د یوی سلسلی غیر منظمو دایر وپه شکل په خپل اطراف بانندی تاثیر اچوی دخمکی دمخ ظاهری شکل لکه غرونه ، غونډی ، دری او لوئی و دانی په خپل ذات سره ذروی چاودنو څپو او موجونو ته دغه غیر منظم شکل ور کوی هغه ذروی وسلی چه په هوا کی لوړی چاودنی وی او دخمکی په مخ نی دوور کومه کنده نه وی جوړه کړی دهغه دطوفانونو او تکانونو تاثیر هم د چاودنی مرکز (GZ) ته نیژدی لیری ، په دی لاندی شکل کی دانرژی هغه تقسیمات چه د یوی عادی ذروی چاودنی نه تر ارتقاع د سل ذره (۱۰۰۰۰۰) قیه د لاندی پیدا کییری شیو :

حرارتی تاثیرات او دتکان رسولو زیاتونه سپکو او خامو داتپوته د ارتفاع په کموالی سره زیاتیری په لوړه ارتفاع کی د حرارت او تکان تاثیرونه له منځه دومی هغه ذروی چاودنی چه د یوی ذروی مصنوعی سپورمی په واسطه په قضا کی کییری دخمکی په مخ چه بیخی لری تاثیر ولری په یوی ذروی چاودنه کی دانرژی یوه زیاته برخه د حرارتی تشعشع (Thermal Radiation) په شکل تولیدیری په صافه هوا کی دغه حرارت دومره تاثیر اوشدت پیدا کوی چه په ډیر وړو مسافو کی لځنی شیانوته لکه کاغذ ، توکر

رقیب

من و تو همدیگر را ندیده بودیم و نمی شناختیم .
 آنکه که مرا شناختی ، خیلی بسویم نگاه میکردی .
 من که از زیبایی مردانگت سخت میترسیدم در رؤیا های
 تعجب انگیز غرق بودم .
 زیرا در زدگی بار اول بود که زیبا روئی چنین با مهر
 و نوازش سویم گرم نگاه میکرد .
 در حالیکه باور نمی کردم از تو شنیدم که میگفتی :
 من عاشق اشعار توام .
 راستی من هم اشعار خود را خیلی دوست دارم
 زیرا ایگانه تسلی دهنده و نوازشگر روح مایوس و دل شکسته
 من اشعار من است .
 ولی میدانی باظهار این جمله بامن چه کردی ؟
 فرشته خیال اشعارم را از آسمانها بزمین فرو آوردی .
 من برای اولین بار رقیب و حریف اشعار خود شدم .
 از رشک مردم .
 حسرت خوردم که ایکاش عوض اشعارم . مرادوست داشتی
 بخاطر عشق تو با اشعارم .
 نغمه های بهشتی سرودم
 ساز آسمانی ساز کردم
 آهنگ مقدس زمینی نوشتم .
 ولی از سوز و رشک که تو با این اشعار عشق خواهی ورزید
 بارها خانه شعر خود را ویران و دنیای خیالم را خراب کرده ام
 اگر بعد ازین شاعر نیستم ، مرا ببخش .
 زیرا من بارها بهای شعرم افتادم ، عذرو زاری کردم که
 ترا بر من مهربان سازد .
 ولی شعر عشق هرست و زیبایی دوست من نخواست کسی
 محرم رازش باشد .
 اگر میخواهی من شاعر بمانم و برایت شعر بسرایم .
 مهر و عشق شعر مرا از دلت بیرون کن .
 من هم بعد از این اشعار خود را دوست نمیدارم .

او لرگیو ته ووراچوی . ددغه مواد و دوراخواستلو نه ممکنه
 ده چه وورپه دیره فراختیا نورا و احتراقی مواد او ودانیو ته
 سرایت و کپری چه یو دوهم خطرو رخننی پیداشی دغه ابتدائی
 واره وورونه مخصوصاً که لیر باد هم ورسره ملگری شی دسترو
 وورونو سبب گرخی .

دیوی ذروی حملی حرارتی تاثیر دخنو عواملو (لکه
 وریخی ، سوزیدونکو موادو نشتوالی ، سیندونه ، فراخه لاری
 او رخننی جوی حالتونه لکه واوره او باران ، دباد تغیر او داسی
 نورشیانو) په واسطه په یوه زیاته اندازه سره کمپیری .
 هغه وورونه چه بنائی په لمرنیو مرحلو کی دیوی اتمی
 حملی په واسطه پیداشی په دیر بته صورت سره دبارونو او
 ودانیو دپاکی اوصفائی په واسطه چه تپول سوزیدونکی مواد
 له بتارو او ودانیونه تل لری کپری شی زیاد کموالی راولی
 او ددغه وورونه خطر به نور هم دیر کم وی که چیری په
 لومرنیو مرحلو کی دیلو بیلو ورو وورونو په وژلو کی چه
 په آسانه تر کنترول لاندی راجی هغه او اقدام وشی .

هغه تاثیرونه چه دحکمکی په مخ دیوه پنخه میگاتنه
 (5-Megatons) چاودنی نه پیدا کیری :

دذروی وسلو ممکنه تاثیرات دهغوی دجسامت او لوی
 والی په نسبت مختلف دی . دلته دشمال په دول چه بناغلو
 لوستونکو ته یوه مفکوره وړاندی کپری شی په را تلونکی
 شکل کی دحکمکی په مخ یوه پنخه میگاتنه اتمی چاودنه
 تر مطالعه لاندی نیسو . خرنکه چه اتمی وسلی په مختلفو لویو او
 ورو جسامتو پیدا کیری همدا رنگه اتمی چاودنی په مختلفو
 ارتفاع گانو کی صورت نیسی نوله دی کبله ئی تاثیرونه هم ددغه
 لاندی مثال نه تفات کوی .

یوه ذروی وسله دیوی نورانی بریننا په شکل انفلاق
 کوی او دور بولوی غونداری ، و رخننی جوړپیری . ددغه
 غونداری شخه په دیر سرعت حرارتی وړانگی (حرارتی تشعشع)
 پیدا کیری . او ددغه حرارتی وړانگو (تشفشع) نیحائی برخه
 له چاودنی نه وروسته په لومرنیو غلـورو ثانیو او پاتی
 برخه ئی په طور دیوی دقیقه کی تولیدپیری . وروسته شدید
 تکانونه منخ ته راجی چه ددی تکانونو دتاثیر او تخریب
 اندازه هم د مسافه په زیات والی سره کمپیری او په مسافه
 نلس میله ئی تاثیر تقریباً له منخه درومی ، همدارنگه ددی
 تکانونو او ضربتی امواجو سره یو بل طوفانی باد منخ ته راجی
 چه یواضافی تخریبی قدرت و رخننی جوړپیری . دحکمکی په مخ
 دیوه پنخه میگاتنه هم دچاودلو نه یوه کنده چه نیم میل سور
 او وسعت لری منخ ته راجی هر هغه شی چه دچاودنی د مرکز
 (GZ) په یومیلی کی واقع وی په قطعی صورت سره له منخه
 وری . او همدارنگه تر دریو میلو پوری به یو تعداد زیاتی
 ودانی بیخی له منخه یوسی .

دفلادو په واسطه چوکات شوی (گاډری تعمیرونه) به سخت
 زیان من کاندی او دپرو ته به وورونه واچوی .

دپنخو میلو به مسافه کی تخریبی قدرت نسبتاً کمپیری مگر
 سره له دی هم خامی دسپکی ودانی پیری زیان منی کوی

حق مغلوب نهی شود

حق

همیشه

پیروز

و

غالب

است

از جگر ن محمد جان
(فتا) صافی

ما همه روزه در سلسله گفتنی‌ها، خواندنی‌ها، نوشتنی‌ها و شنیدنی‌ها، بارها بکلمه های حق، حقیقت، حقوق و لغت های دیگری از همین خانواده بر میخوریم، مینویسیم، میشنویم یا میگوییم.

اگر ما خود براه حق روانیم یا نه؛ اگر خود حق بجانبیم یا خیر؛ اگر حق با ماست یا با کسی دیگری؛ از این کلمه مقدس و عمیق خوشمان میآید، آنرا خیلی بامزه ادامیکنیم و بر حسب ظاهر از آن کاملاً پشیمانی و همه وقت طرفداری خود را از حق اعلان میداریم. بعضاً اتفاق میافتد که اگر ما در موضوعی حق بجانب نیستیم یا در موردی حق با دیگریست؛ میکوشیم حق را برای خود و بزعم خود بسازیم؛ قیافه حق بجانب بگیریم و بر حقایق به نفع خود و بمقصد اغوا و گول زدن دیگران پرده کشیم و با اصطلاح با صقایی زبان و چالاکمی دست حق و حقیقت را طور دیگری جلوه دهیم و از این عمل ناشایسته خود حداقل یا حد اکثر سوء استفاده را بغنیمت ببریم. واضح است اگر حقیقتاً هم چنین باشد؛ این عمل از ضعف شخصیت، عدم اعتماد به نفس، نقصان اراده و سیاهی باطن نمایندگی میکند.

انسانی که در جریان گفت و شنود و مکالمه؛ زبان حقگو و گوش حقشنو ندارد؛ انسانی که حین داد و گرفت دست او حق ده و حقستان نیست؛ شخصیکه هنگام رفت و آمدهای او حق رو و حق پوی نباشد و کسیکه در فرصت تصمیم، فیصله و قرار یا تفکر و عمل، وجدان و حد و است و ضمیر حقپسند؛ دل و دماغ حقپرست ندارد؛ شایسته تاج کرامت انسانی نیست.

لقب نجیب و شریف انسانیت بذات خودش حق مسلمی است که بانسان مستحق و ذیحق داده میشود و آن مستحق و ذیحق کسیست که بحق و حقیقت ایمان و اعتقاد راسخ و خلل ناپذیر داشته باشد و باز این ایمان و اعتقاد بحق و حقیقت را در همه مظاهر حیات و مراحل زندگی جامه عمل پوشد.

بحیث یک مفهوم معنوی مجرد و مطلق مراد ما از ایمان و اعتقاد بحق باین معنی است که حق، حقست؛ حق برای همه کس حقست؛ حق در همه جا و در همه وقت حق است.

در مرحله دوم بعد از داشتن اعتقاد و ایمان راسخ بحق؛ فهمیدن و شناختن حق لازمست ما باید اول بدانیم حق چیست؟ و باز باید حق را بشناسیم که از کیست؟ از ماست

یا بدیگری تعلق دارد؛ حق های مشترک، اجتماعی و فردی را بشناسیم و آنها را از هم جدا و تمیز کنیم. بعد از این ایمان و اعتقاد بحق و بعد از فهمیدن و شناختن حق مرحله ی سومی که از دو مرحله ی اول در ماهیت و اهمیت خود کم نیست مرحله عملی و اجرایی یا تطبیقی حق است یعنی بعد از فهمیدن و شناختن حق قرار دادن حق بجایش و سپردن آن بحقدارش درین مرحله زمان و مکان حق هر وقت و هر جا و صاحب حق هر کسی که باشد، شرط اساسی رعایت عدالت است یا بعبارۀ دیگر حق خود را گرفتن و بکسی نگذاشتن، حق دیگری را تلف نکردن و برایش دادن، حقوق خود و دیگران را رعایت و احترام کردن، برای تصرف حق خود و سپردن حق دیگران باید اندازه و مقدار حق یا استحقاق تعیین و تقدیر شود و از میزان عدالت فردی و اجتماعی استفاده گردد از اتلاف و اسراف یا افراط و تفریط در تحقق حق خود و دیگران جلوگیری و کناره گیری شود در پهلوی کلمه حق؛ لفظ حقیقت و لغت حقوق هم وجود دارند، تحقیق در باره هر کدام از این سه کلمه صفحات زیاد و وقت فراوان

بکار دارد ، ما از کاوش علمی و فلسفی یا حقوقی و قانونی آنها صرف نظر و با یک نظر سطحی از آن مرور میکنیم، حق عبارت از صلاحیت خواستن و مجبوری است ایضا نمودن است و از نظر لغت راست ، درست ، ضد باطل یقین ، عدل نصیب و بهره از چیزی و ملوک و مال معنی میدهد و نیز یکی از نامهای خداوند (ج) است .

از نگاه زندگی بشری و انسانی بچیزهای معقولی که انسان ضرورت و احتیاج دارد میتواند حق او باشد مثلاً زندگی ، نان ، لباس ، آزادی و . . . از طرف دیگر هر حق دارای حقیقت میباشد و حقیقت یعنی حق ، راستی و درستی و اصل چیزی .

اینکه ما تا چه اندازه میتوانیم حقیقت هر حق یا هرشی را درک کنیم بحث جداگانه و پیچیده است مثلاً حقیقت آزادی یا زندگی چیست؟

جواب این سوال مشکل است اگر حقوق آزادی را بمفهوم اصلی و طبیعی اش تعریف کنیم عبارت از مناسبات و ارتباطها یا مجموعه قواعد و دساتیر اخلاقی طبیعی و اقتصادی فردی و اجتماعی است که در بین حقها و حقیقتها یا در جامعه وجود دارد و غایب آن عدل و انصاف بمقصد نظم و آرامش جوامع بشری میباشد .

حق از چندین نقطه نظر در افراد جامعه ، وطن و بشریت وجه اشتراکی و متقابل دارد

که بهر کدام آن خیلی مختصر نظر میاندازیم مثلاً فرد حق حیات و زندگی ، حق حریت و آزادی ، حق ملکیت و دارائی ، حق کار ، و وظیفه و شغل و . . . دارد .

این حقها برای فردیکی از ضرورتهای مهم حیاتی میباشد .

فرد حق دارد که زندگی کند ، باید این حق زندگی از طرف دیگر افراد و جامعه احترام شود .

افراد و بالنسبه جامعه بکوشد که شرایط آرام و مساعد زندگی برای افراد مهیا شود و حق زندگی فرد یا قتل ، انتحار و یا جرح تحدید و تهدید نشود .

حق حریت و آزادی نیز حق طبیعی و فطری بشر است که باید حریت مدنی یا حریت و آزادی در اظهار رای و عقیده و فکر ، آزادی بیان و نوشته در چوکات قوانین صالح اجتماعی تضمین ، ترتیب و تنظیم گردد .

حق ملکیت و دارائی فردی و اجتماعی باید از تعرض ، تجاوز ، غصب و تلف مصئون و مامون باشد و همچنین شرایط انکشاف و پیشرفت در جامعه طوری تنظیم گردد که افراد مساعد بکار از حق داشتن شغل ، وظیفه و کار محروم و بیکار نمانند .

علاوه بر آن افراد در بین خودشان حقوقی بالای هم دارند ؛ چنانچه حق خوردن سال و بزرگسال بالای همدیگر ؛ حقوق پدر و مادر و اولاد

بالای همدیگر ؛ حقوق زن و شوهر یا دو برادر و خواهر یا دو رفیق و دوست بالای یکدیگرشان که هر کدام بنوبه خود واجب الاحترام است و احترام به آن بخیر و بهبود زندگی فردی ، فامیلی و اجتماعی منتج میشود .

فامیل و رئیس فامیل حد وصل فرد و جامعه کوچک است رئیس فامیل در مناسبات باهریک از عضو خانواده اش طور علیحده و جداگانه بالای آنها حقوق فردی دارد ولی در موضوعات مشترک فامیلی بالای تمام اعضای فامیل حق اجتماعی دارد و همچنان اعضای فامیل هر کدام بنوبه خود در تاسیس مناسبات با رئیس فامیل و یا فرد آبا یکی از اعضای فامیل حق فردی و در مسائل مشترک خانوادگی حق اجتماعی دارند .

اگر در فامیلها حق هر فرد تادیب ، حمایت و پشتیبانی شود و تلقین حق و حقانیت بحیث یکی از ارکان تربیه فامیلی در نظر گرفته شود ؛ افراد فامیل در تنظیم و تاسیس مناسبات خود با دیگر افراد جامعه ، خارج از فامیلشان نیز آنرا مرکز ، محور و مدار گفتار و کردارشان قرار میدهند و باین ترتیب فامیل در تجلی حق و حقانیت و وظیفه خانوادگی و اجتماعی خود را بوجه احسن و شریفانه انجام داده میباشد . همچنین جاست که خانواده ها حیثیت اولین و مهمترین مکتب جامعه و بشریت را بخود میگیرند و همین

خانواده ها هستند که پهلوی هم قبیله و عشیره ، ناحیه ، قریه ، شهر ، مات و مملکت و رویهمرفته خاندان بزرگ بشریت را تشکیل میدهند .

حالا که حق فرد را دیدیم و در داخل یک فامیل از حق فردی به حق اجتماعی گذشتیم از دروازه خانه فامیل که خارج شویم پهلوی ما خانه همسایه ماست .

حقوق همسایه ها بالای همدیگرشان دومین مرحله حق اجتماعی یا حق جامعه های کوچک محسوب شده میتواند که رعایت آن سعادت و خوشبختی دو فامیل همجوار و همسایه را تضمین و تأمین میکند مادر کوچک یا قریه که زندگی میکنیم در پهلوی دروازه همسایه های خود همسایه های همده ، هم قریه و همشهریه های دیگری داریم که رویهمرفته بالای همدیگر حقوقی داریم و دانستن و رعایت این حقها ما را بحقها و یا حقوق جامعه ما ملتفت و آگاه ؛ دلپسته و علاقمند میسازد .

خوبست حالا ببینیم که جامعه کدام حقها را میتواند داشته باشد ، حق های جامعه البته زیاد است ولی بنظر من اولین حق یک جامعه ؛ حق داشتن یک شخصیت مشخص ملی و حفظ واستحکام ملیت و وحدت ملی آن جامعه است . این حق باید از طرف تمام افراد جامعه حمایت شود و در این راه از هیچگونه قربانی و ایثار دریغ نگردد .

(بقیه در صفحه ۸۶)

حق شخصیت ملی يك جامعه البته دارای شروع زیاد است که مذهب، زبان، کلتور و تاریخ را میتوان از آنجمله نام برد. این حق جامعه باید از طرف افراد و همچنان جامعه های دیگر رعایت و احترام متقابل شود. وطن ما که بانعمت آب و هوا و ذخایر طبیعی و حاصلات آن پرورش شده ایم حق دارد که در چوکات حدود، تاریخ و مدنیت خود با داشتن نعمت استقلال و آزادی، خاص برای فرزندان خودش باشد و از دست درازی و تجاوز بیگانگان مصئون بماند. خاندان بزرگ بشریت که از خانواده های جامعه های ملل تشکیل شده این حق را دارد که همه انسانها آزاد و سعادتمند باهم زندگی کنند. حالا که نمونه حق های فرد، جامعه، وطن و بشریت را دیدیم باین نتیجه میرسیم که حق همیشه متوجه خیر، سعادت خوشی و بهبودی فرد، جامعه و وطن و بشریت است.

ما اکنون بموضوع دیگری داخل میشویم و آن یکی اینکه گفته بودیم در پهلوئی کلمه حق، حقیقت هم وجود دارد و دیگری این که مادر باره خود فکر کنیم که چه هستیم؟ از کجا و برای چه آمده ایم؟ و باز کجا میرویم؟ اینجا دیگر؛ خداوند بزرگ (ج) در بحث ما داخل میشود. کافیت که بگوئیم خداوند (ج) حق است، حقیقت است و برما حق و حقوقی دارد. لم نذار میماییم که اساس و محور حق در آفرینش، خداوند (ج) است. بعقیده من اولین حق خداوند یکتا (ج) بر ما است که از وجود او منکر نشویم باو تعالی ایمان داشته باشیم و احکام او را از دل و جان بپذیریم. خداوند (ج) در قرآن پاك میفرماید « هذا كتبنا ينطق عليكم بالحق » ترجمه: این کتاب ماست اظهار مینماید بشما حق را. در جهان آفرینش حقایق

و رازهای وجود دارد که حواس بشر از درك واقعت و حقیقت آن عاجز است. اگر در باره این حقایق بیشتر کاوش کنیم، عمیق و باریک شویم به تناسب این تعمق بچیزهای میبریم که میدانیم ما آنرا نمیدانیم و از درك آن عاجزیم. واقعاً کله و مغز، حواس و اعصاب يك انسان برای کشف و درك ماحول و طبیعت انسانی و بشری ساخته شده و از خود حدود، قدرت و طاقت میکانیکی و فزیکمی محدود و مخصوصی دارد و برای کشف و درك همه رازها و اسرار خلقت و آفرینش کافی نیست. چشم و گوش ما تا مسافه های محدود قادر بدیدن و شنیدن است، تعداد ضربان قلب ما محدود است و... طور مثال همچنانکه گذشتانند يك جریان قوی برق از بالای سیمی که طاقت و مقاومت آن کم است سبب از بین رفتن تپیکه الکتریکی و توقف و سقوط يك نابریکه میشود، داخل کردن رازهای بزرگی و کشف اسرار پیچیده طبیعت نیز که جسم ما

قدرت برداشت آنرا ندارد سبب برهم خوردن نظم اعصاب و دماغ و ساختمان فزیکمی وجود یا منجر بهرگ انسان میگردد.

اگر ما از درك بعضی حقایق رازها و اسرار عاجزیم عجز ما دلیل این شده نمیتواند که این حقایق اصلاً وجود ندارند بلکه باید چنین نتیجه گرفت که نقص در ماست. اینجاست که ما بیک حقیقت بزرگ تسلیم میشویم و سر فرمان و بندگی میگذاریم؛ این حقیقت بزرگ حق است و این حق؛ خداوند (ج).

با بصورت نسبی در مناسبات بین خودها میدانیم که حق چیست اما این حق و حقیقت بزرگ را که خداوند (ج) چیست؟ کیست؟ و کجاست هنوز پوره نمیدانیم ولی بخداوند (ج) اعتقاد و ایمان کامل داریم.

فکر میکنم در باره حق خداوند (ج)، حق فرد، حق جامعه، وطن و بشریت مختصر اما کافی سخن گفتیم. کلمه مقدس حق اساس و تهادب خیر و فلاح انسانی و بشری میباشد.

ما باید گذشته از اینکه خداوند (ج) را بنام حق پرستش میکنیم ایمان داشته باشیم که حق پیروز شدنیست و بجای خود رسیدنی.

در سایه این ایمان و اعتقاد بحق باید حق بینی، حقتنوی، حقگوئی، حمایت از حق و پشتیبانی از ذیحق مسلک انسانی ما باشد و در پر تو یک وجدان سالم حق را از باطل تمیز و در راه دفاع، حمایت و پشتیبانی از حق شریفانه و جوانمردانه با از خود گذری و ایثار مبارزه کنیم، جلو حق تلفی ها را بگیریم از مسئولیت وجدانی خود آگاه باشیم و وظیفه انسانی اسلامی و افغانی خود را اجرا نماییم.

<p>په سپور می کنبی دانشان دپای کیدو په مناسبت</p>		<p>م محتاج «متی زی» له یواسمی فرقی غیخه دانجنبری لومری بریدمن</p>
<p>په زیئوئی نن انسان و خوت سپور می ته پرون ناست و لاپه کور کنبی تر پرمی ته نن خیر له الکترن اوله پرون شو آئینه دسکندر وه، تلویزیون شو نه پوهیرم چه بوخوی له چاورپاتی؟! هغه دم کپری دکمزور وزری ماتی لاره آن له شرافته تر چنته دلته بیرته جزائی شولو را بیکنه دسپورمی خاورهئی را ورله تر لحمکی نوری هم شولی سینی له کینی کی ورانولی په اتوم سبا دنیا شی خویو داچه په نری کنبی سوله راشی په سروستر کو کنبی ئی دیر شته پیغامونه رازئی پت دی ورته نه رسی عقولونه</p>		<p>نتیجه د کار اوزیار شوه بیه خرگنده نن رو بنانه په کوخه کنبی ئی پرینه ناده هغه قام پرون له لمانه نا خیر و ذیر خیالونه ئی بدل په واقعت شول انسان بالکل نور د لحمکی خلیفه دی هغه دا: لیوچه په نورو زور ورشی هاغه یوه تیوته وه خاوره ددی لحمکی خو افسوس چه هغه پورته خوی پکینی و خو آخرئی میدان و گاته کامیاب شو نور عالم کنبی دسپالی جذبی قوی شوی نن منو چه انسان هر خه شی کولی په تینگ عزم دیری هیلی شوی تر سره ته لایحیر شه لیوچه تیز نظر سباته په سبا پسی لانور وختونه شته دی</p>

پرون نن اوسبا

داراضی د روزنی اساسی هسته



هر څه قوماندان چه په واقعي ډول خپل محان د مربوط جزو تام د جنگي تياري سره علاقمند ساتي ، د جنگي تجهيزاتو او حربي تکتیکو د بدلون او تحول سره موازي د خپلي قطعي د بشپړ قابليت او عالي محارب بوي مهارت غوښتونکي وي نو هيڅکله نه غوازي چه د جنگي تياري ستاندارد پريوه جامد او غير الاستيکي پروگرام باندی متکي وساتي ، که چيري افراد يوازي په ټوله دوره کې يو ټا کلي پروگرام تعقيب کړي نو به د عصري وسلوله استعمال څخه عاجزه پاته شي ، که هم د حربي ښوونې او روزنې پخواني پروگرامونه يوازگتور اصول لري او دهغو ارزښت بايد تل په نظر کې ونیول شي بيا هم بيله دی چه د حربي روزنې لور او خوندله نظره څخه ليري کړه شي ، پي به دا وی چه دنوی تکتیکي متود او پرنسپيوپه برخه کې ژوري څيړنې وشي او هر قوماندان تل دا هڅه وکړي خود افرادو د تعليمي پروگرامونو په چوکات کې داسی نوی مواد ځای کړه شي ، خو دهغو په تطبيق سره افراد د هر ډول عمليا تولىاره چمتو وي ، په همدی برخه کې به په لاندی ډول سره څيړنې ته ادامه ورکړو :

دا چه په اوسني پيري کې د جنگ وږگرتنه هر راز سپکي او درندی وسلې راوړي ، ددی وسلو اداره او استعمال ديومنظم او متحول پروگرام و تطبيق ته احتياج لري چه په فعال ډول سره دوسلو ټول تکامل او تحول تعقيب کړي شي . دلته معلوميري چه د تکتیکي روزنی اهميت او ارزښت ډير دی ،

ځکه همدغه تکتیکي روزنه ده چه داراضی روزنی اساسی هسته تشکیلوي د جنگي تياري عمده جزو ته وايه شي .

ددی ډول روزنی د ارزښت رمز په دی کې لغبتي دی چه داوستی عصر محارب قوتونه ډيرو پياوړو مخربو وسلو سره په جنگ کې برخه اخلي ، له همدی کبله لازمه چاره داده چه لښکري غړي داسی تياري ولري خود ناڅاپي تغييراتو او انکشافاتو سره مقابله وکړای شي ، دهغو وسلو له تاثيره څخه ځانونه وساتلای شي کومې چه د دله ټيزی اسما خصوصيت لري .

پر دښمن باندی ډير قوی گذارونه حواله او ددی گذاروله نتيجو څخه اعظمی استفاده وکړای شي د ښمن د ډيرو تلفاتو سره محوه او د فعاليت له صحنې څخه گوښه کړي .

پورتنی غوښتنی هغه وخت تر لاسه کېږي چه د تکتیکي اصولو په تطبيق کې په پوره اندازه سره مهارت حاصل شي . په اوسنيو جگړو کې بايد هر لښکر په هر شبه کې دی ته چمتو وي چه د هر ډول موانعو څخه محان تيار او په رادیو اکتیو سره لړل شوی منطقه بايد ددوی د فعاليت مانع نه شي ، دنورو خطرناکو یرخوتيريدل هم بايد ددوی د پاره اسانه وي .

پلي موثر لرونکي قوتونه او د ټانک جزو نمونه بايد په چټکي سره وکړای شي چه د جنگ نه پخوا او هغه په جريان کې په صحيح ډول خپل قطا رونه د حرکت لپاره تنظيم او د حرکت له حالت څخه پر دښمن باندی يرغل وکړای شي بيله کوم ځنډ څخه خپل حرکت ته ادامه ورکړي

دوسلو اور او د حرکت اصل په متداوم ډول سره يو کړی دمدافعی په مرحله کې داراضی او وخت په مطابق بايد داسی تدافعی نظام اختيار کړه شي خو دښمن په هيڅ ډول سره پر مخ تگک ونه کړای شي .

لښکري غړي بايد د ټانکو د دفع او طرد لياری او چاری مشق او زده کړی ، پلي قوتونو د خپلي روزنې په اوږدو کې دا قابليت پيدا کړي چه د ټيټی الوتنی الوتنکی په اسانې سره امجا کاندی ، د دښمن داور لرونکي وسلو د تاثير په مقابل کې محانونه و ساتي او پخپلواک ډول سره ډول ډول موانع ښی دانجنيري د گرو پونو له مرستی څخه ايجاد او د استعمال وړی وگرځوي .

د رهبري سوی رميو جزو نمونه او د توپچی قوتو نه بايد د هر څه وړاندی د ناڅاپي بریدونو او يرغلونو تکتیک مشق او تمرین کړه شي ، هغه هدفونه په ناڅاپي ډول سره را پيدا کېږي بايد د توپچی او رهبري سوی مرسيوله خوا محوه شي ، دغه قوتونه بايد تل خپل حرکت او موانور په ما هرا نه ډول سره اجرا کړي .

هوايي مدافعی قوتونه بايد د تطبيقاتو او تمریناتو په مرحله کې داسی وروزل شي چه چټکي الوتنکی او نور سریع السیر هدفونو په لږ وخت کې کشف په هر ډول شرايطو کې په فعالانه توگه سره له منځ څخه یوسي .

همدا ډول حربي انجنيران بايد د دوسره قابليت ولري چه په اسانې او چټکي سره د زور و توب او جسارت په فضا کې د موانعو دلری کولو په غرض معبرونه

تاسیس او نوی گپوری لاری چوری کپی ، د ترافیکی علامو پر څنگ باید ماینونه او ذروی کمر بندونه کشف او خنثی شی. مخابروی قوتونه هم باید چه دعالی روزنی په رڼاکی د ډیرو آرزو گانو په ترسركولو او مهمو وظیفو په اجرا کولو کی داسیدو جزو تام وگرځی، په دی معنی چه دوی باید تل د جزو تامو ارتباط وساتی او په هر ډول شرایطو کی د جزو تامونو ترسینځ لازم احکام تپاد له کاندی .

په اوسنی وخت کی د عمل سرعت او د حرکت چټکتیا تر بل هر وخت نه ډیر ارزښت پیدا کپی دی . د عمل سرعت او د حرکت چټکتیا خوبه پخوانیو جگړو کی هم اهمیت درلودی مگر د دغه اصل اهمیت او ارزښت درجه په اوسنی عصر کی خورا ډیره او چټه شوی ده .

په نننی جنگو کی دواړه مقابل لوری هڅه کوی چه یو پر بل بانندی ډیر روحی او جسمی فشارونه را ولی، داوستیو جگړو عمومی غیره پخپله د روحی او جسمی فشارو ډیر لږ لږه ده او په فعال ډول سره د محارب قوتو پر ټولو او خونو بانندی تاثیر اچوی له همدی کبله لازم دی چه ټول افراد داسی وروزل شی خو د تل لپاره خپل لوړ مورال، د تفکر سلامتی او جنگی تیاری وساتی خوبه مؤثر ډول سره د جنگ په اوږدو کی هر ډول ابتکار او انسیا تیف له ځانه وپشی او په پوره متانت سره د هر ډول مغلقو او پیچلو شرایطو سره سره خپله ورسپارل شوی وظیفه اجرا کپی .

دهغی بیودنی او روئی کیفیت چه د ټولو جزو تامو په هکله و بیودل شوه په عملی توگه یوازی داراضی روزنی په عالی مکتب کی تر گوټو کیدلای شی په دغه کی لازم دی چه د نورو حربی تمریناتو تر څنگ په فعال ډول سره د روحی او جسمی تقریبی تمرینات هم اجرا شی خو د جگړی په ډگر کی د هر راز فشار په مقابل کی مقاومت و کپی شی خو چه په یقینی ډول سره دبری ولورته نیژدی شو .

د ذکر شوی روزنی یوه لنډه نوی نمونه چه د تجربی له مرحلی څخه تیره شوی ده د مطلب نه پوره روښانه کولو

لپاره د مثالو در اوږدولو له لیاری دلته لیکو: هر جزو تام باید د خدمت په وروستی کال کی د حربی قابلیت لوړه درجه وپشی، دغه حقیقت د اوسنی عصر په مابرن اردو گانو کی په پوره وضاحت سره لیدل شوی او په دغه برخه کی دشوروی اتحاد دار دو څخه د راکیت یوه بطریقه چه د کپتان کونستانا تینوف تر قوماندانی لاندی وه، د پوښتونی جزو تام دپل جوړولو ټولی چه د کپتان اسوویچ له خوا اداره کیدله، د الوتکو یو گروپ چه د میجر سویوتا لوف تر امر لاندی وه، د تانک یو کنده چه سازونوف اداره کاوه دپلی قوتو موټر لرونکی کنده چه قوماندانی د دید کوسکی پر غاړه وه د مثال په توگه له نظر څخه تیرو و .

پورتنیو قوتونو د تطبیقا تو په ډگر کی په ډیر متانت سره خپل عملیات اجرا او په پوره چټکی ئی ټاکل شوی لږ لږه اشغال کړل په ډیره اسانی سره ئی پر اراضی بانندی تسلط پیدا او هغه ئی په ښه ډول سره استعمال کړه . ددوی داور او تعرض قدرت د مانور او حرکت د قابلیت سره ډیر عالی وو .

د جزو تامو قوماندانانو په ښه جدیت او عالی قابلیت سره د خپلو جزو تامو رهبری و کړای شوی او د واقعی جنگ د تکره طراحانو په دودنی جنگی مهارت و بیودی دهغه عالی تشکیل او تنظیم په اړچه د تعامی عملیاتو په اجرا کولو سره ممکن شوی وه، و افراد و ته ئی داموقع ور کړه چه په اسانی سره د وسلو په اداره کی تسلط پیدا کپی او د نښی و پشتلو د ښه مهارت په اثر هر ډول هدف په لومړنی فیر سره محوه کپی او په صحیح ډول سره، ټول حربی وسایط استعمال کپی .

هر عسکر په ښه ډول سره د جنگ په ټولو برخو کی خپل ځای او موقعیت وپیشنئ او په پوره مهارت سره ئی داراضی څخه ښه استفاده و کړای شوی . دوی په ډیر حساسیت سره به ئی جنگی میتود و نه په کار اچول، د جسمی ستومانئ او ډیر قوی فشار په

مقابل کی به ئی پوره مقاومت و بیودی . د تسکتکی تمرینو په اوږدو کی دپلی قوتو موټر لرونکو گروپ چه د بریدمن کوزمین تر قوماندی لاندی فعالیت کاوه په ډیره چټکی او پوره مهارت سره د اتسکی درک کپی چه ددوی عملیات په دوو جبهو کی اجرا کیدلای شی: زمونږ هغه فعالیتونه چه په لومړنی جبهه کی اجرا کپی باید د ښمن د ژوندیو قوتونو و محوه کولو ته متوجه وی غیر مرئی رادیوئی تشعشعات او د کمیایو خطر سره مقابله کول د دوهمی جبهی د فعالیتو جزدی، دریمه جبهه به د ذروی ماینو او نورو اور لرونکو وسلو د فعالیت نه دراپیداشو تاثیراتو شنهول وی .

ددی دوو جبهو فتح کول د افسرانو او افرادو ډیر لوړ مورال، عالی تعلیم او تربیه او د ډاډور فیزیکی قدرت ضرور لری .

نو موږی جزو تام د عملیاتو له اجرا نه وروسته خونین ښکاریده او دنورو وظیفو لپاره ئی تیاری بیودل هر یوه به ئی ویل:

هغه بریالیتوب چه د عملیاتو په ترڅ کی زمونږ په برخه شو، د اجرئت را کوی چه د درند و وظیفو اجرا ته غاړه کښیږدو او دا ډول جرئت په مونږ کی ډیری خوبی احساس راژوندی کوی .

په ډیرو پرمخ تللو اردو گانو کی د افسرانو له خولی څخه دغه شعار اوپند اوریدل کپی «ولښکری غړوته ټول عمر هغه څه زده کپی چه د جگړی په ډگر کی ورته ضرورت پیدا کپی» دغه افسران د خپلو افرادو دروزنی او تکتیکی فعالیتو پر وگرام دعصری جگړو د شرایطو په مطابق جوړوی ددوی ددغه مرام تطبیق ډیر اسانه، نه دی بلکه یو مسلسل کوشش، او خلاق برخورد ته ضرورت شته تل باید دا هڅه وشی چه په ممکنه ډول سره د تکتیکی حالاتو او تمریناتو د مقصد تر منځ نیژدی والی موجود وی . دا به ډیر منطقی خبره وی چه تکتیکی فعالیتونه

د جنگ د مختلفو اړخونو سره برابر او د عصری جگړې اصلي بڼه پکښې ولیدل شې. هغه عمده مشکل چه د حربې متخصصانو په مخکې پروت دی هغه دادی چه د جنگی حالت واقعی تمثیل دیر تکلیف له مخانه سره لری ، همدغه مشکل به په لاندی ډول سره وڅیړو :

آیا د تمریناتو په اوږدو کی باید د پښمن په ځه ډول سره وپېژندل شی ؟ روښانه حقیقت دادی چه د لښکری غړو سره د تمرین په اوږدو کی د اصلي د پښمن مفکوره له وی له همدی کبله چه د وی ته اساسی جریان ساده بریښی نه په پوره اندازه د د پښمن ویلو ته اهمیت نه ورکول کیږی. له دغه پلوه د تمرینی پروگرام په طرح کولو کی قوماندانان او د متردوستیز غړی داسی اټکل کوی چه دوی او د دوی افراد د ډیر پیاوړی ماهر او مجهز د پښمن په مقابل کی وظیفه اجرا کوی ، دغه د پښمن د تا کلی شعیر آلتو او افرادو پوا سطره تمثیل کیږی . د تمرین په اوږدو کی د حقیقی د پښمن د تمثیل له اصل نه پرته په صحیح ډول سره د اراضی تا کل هم یو لوی پرابلم دی ، د اراضی طبیعی خصوصیات باید د تمرین له هدف سره مطابقت ولری . تمرینی اراضی باید د داسی عناصرو لرونکی وی چه د جنگ د ټولو اړتیاو نه پوره ځواب وواښی ، د موانع کمربند ، د هجوم ساحه ، او داور برخه په داسی محای کی تا کل کیږی چه د تمرین لپاره مساعدوی په دغه ډول اراضی کی د هدفو واره نمونی جوړیږی ، تمرینی اراضی باید طبیعی خنډونه ولری او د ستر واقفاه لپاره مناسبه وی .

دلته د مثال په توگه یو تعلیمی مرکز له نظره څخه تیرو : نوموړی مرکز د موانع کمربند ، د تعرض ساحه ، د تالکو ډول ډول موانع ، خنډونه ، د ساتنی محلی د تخریب سوی محایو موډلونه ، لری .

ددی ټولو موامعو څخه تیریدل پخپل ذات کی داسی تمرین دی چه د لښکری غړو حربی مهارت او داراضی روزنی ستاندارد لوړوی یوجز و تام چه

د جگړن دید کوفسکی له خوا اداره کیدی په ناڅاپی سره په دغه ډول اراضی کی واقع شو ، هغه څه چه افرادو په مخانگړی ډول سره زده کړی وه دادی چه په هر ډول شرایطو کی په ډیره سادگی سره بیله دی چه وخت ضایع شی او دوی ته دی ډیره فزیکي ستونمانی ورواړوی په پوره بری سره خپلی وظیفی پای ته ورسولی ، هرڅومره چه تکنیکی روزنه درنده وی په هغه اندازه سره افراد په ډیر سرعت له ټولی منطقی څخه تیریدلای شی. او دروزنی ټولی ضروری نورمی اجرا کولای شی مگر سره له هغه هم که تکنیکی پروگرام هرڅومره دقیق او په منظم ډول سره تنظیم شی خود حقیقی جنگ په ډول نشی بریښیدلای ، په هر حال کی باید هڅه وشی چه د تمریناتو له لاری د افرادو غورځونه د هوائی عملیاتو د پړغو ، د مخکنی تصادمو د مابین او بمب له انفلاق ، د ماشیندار او توپو له پړغ سره آشناشی ، په جنگ کی په مختلفو وسلو سره د دو د پردی باید چه جوړی شی ، د ترو تیل قالبو ته باید منطلق ، رادیو پروژکاسټینگ او داسی نور شیان د جنگ د تمثیل په غرض استعمالیږی . افراد د تمرین په اوږدو کی داسی مهارت حاصله وی چه د پړغ په اوږدو لرو سره د د پښمن د وسلو موقعیت ، د هغوی خواص او د عملیات طرز زده کړی داخرگنده خبره ده چه د جنگ واقعی قضایا په هغه وخت کی په پښ توگه سره تمثیل کیدلای شی چه ټولی حربی وسلی په منظم ډول سره خپل فعالیت اجرا کړی په اوسنی وړ محو کی یو تکنیکی تمرین داو کراین د منطقی نظامی افراد اجرا کړ ددغه عملیاتو اداره د کوزمین او کوزنتیر په لاس کی وه ، ددی تمرین اصلی هدف داو چه حربی قوتونو د حرکت له حال څخه هجوم و کړی او تعرض ته انکشاف ورکړی .

پرمخ تلونکی قوتونو د حرکت په حال کی پر ټولو هغو هدفو چه په لیری فاصله کی معلومیدل د ډول ډول وسلو پواسطه انداخت کاوه او

دیوه حقیقی جنگ په ډول سره پلوی مو تر لرونکی قوتونو د هوائی قوتونو له خوا حمایت کیدل ، د هوا څخه به د بمبو او راکتوباران واو د د پښمن هدفونه به ئی تخریبول ، د توپچی قوتو خپله اصلی وظیفه چه د دوست قوتونو پرمخ تگ په غرض د محاربه مخنی حصه باید تر تاثیر لاندی و نیوله شی په ښه توگه اجرا کول ، په دغه کی د د پښمن طرف مانور او اور تقریباً په واقعی ډول سره تمثیل شوی او ټولو هغو کسانو ته ښه تجربه حاصله شوه کو مو چه په دغه تمرین کی برخه اخستی وه یوبل مهم فکتور هم شته چه د تمرین پر ټولو اړخو بانندی تاثیر اچول او د تمرین قطعی نتیجی هم په دغه اصل بانندی تکیه کوی .

دغه فکتور د ضایعاتو او تلفاتو له کیفیت څخه عبارت دی ځکه په اکثر و تمریناتو کی هیڅ ډول انسانی او ماشینی تلفات په خپل حقیقی ډول سره نه لیدل کیږی ، همیشه دا ډول ضایعات په جعلی ډول سره پیژندل کیږی ، دا ډول ضایعات او تلفات ځکه ضروردی چه د هغو څخه افراد و ته د حقیقی جنگ احساس پیدا کیږی نو ځکه باید د هر ډول تمریناتو سره ضم کړه شی .

د تلفاتو او ضایعاتو په برخه کی عموماً قاعده داسی ده چه د تطبیقاتو قوماندان په اومری سر کی افراد د حربی عملیاتو د اجرا لپاره سوق کړی وروسته بیاد مخصوصو امر و نه لاری ځینی افراد و ته تفهیم کیږی چه دوی د جنگ له جبهی څخه ووزی او داسی وپښی چه د د پښمن د متقابل فعالیت په اثر له فعالیت څخه لویدلی دی د ضایعاتو او تلفاتو تمرین په حقیقی ډول سره فوق العاده سخت امتحان دی مگر د قوتو د توازن او د جنگی مقابلی په برخه کی ډیر گټور تمامیږی له همدی کبله لازم دی چه په دغه برخه کی په تفصیل سره اوږده څیړنه وکړو .

(پاتی په ۹۰ مخ کښی)

فرو آمدن بعد از (۱۳) ثانیه

از سوویت میلتری ریویو

مترجم: تورن محمدجان ازق، م



يك سال قبل (۵۰) تن قهرمانان پراشوتی در سالگروه قوای هوایی از ارتفاع (۱۰۰) صد متر فرود آمدند. که به فرود آمدن آخرین تن پراشوتیست ساعت مخصوص گذشت (۲۳) ثانیه را نشان میداد.

لحظه ترك نفر مؤظف انداخت از طیاره و تماس آن به زمین فقط کمترین وقت (۱۳) ثانیه را گرفت.

که این تجارب مشکل و خطرناک يك جرئت و خود گذری را ایجاب میکرد در یکی از صبح مارچ ۱۹۶۸ يك گروه پراشوتیست، معلمین، هیلوتها و صاحب منصبان پراشوتیست کلب هوایی مرکزی در میدان هوایی Ryazan بایک تعداد هوا نوردان کلب سپورتنی ملاقات کردند.

دگر جنرال Lisov معاون قوماندان هوایی که درجه ماستری را اخذ نموده وی احضارات لازم را در اطراف موضوعات گروه پراشوتیست

و تطابق آنها را بیک فیصله لازم دقت می نمود.

و به احساس پر شور به چهره های پراشوتیست نگاه میگردد.

بطور مثال Mironov, Starshina که دارای تجارب فراوان بودند. انداخت های خود را از طبقه ستراتو سفیر در شب و روز در آب و جنگلات بخوبی انجام دادند.

در سال Muscovites 1967 یکی از شخصیت های برجسته قوای هوایی که در افتتاح تورنمنت چهارم ملی روسیه موجود بود پیاده شدن يك گروه پراشوتیست های مؤظف را در میدان ساسر Soccer ستد یوم مرکزی در Luzhniki مسکو مشاهده کرد.

Mironov یکی از پراشوتیست های که وظیفه پرتاب را گرفته بود توسط هزاران تماشاچی به احساس و شور بی نظیری استقبال شد او بصورت

عمومی (۸۰۰) پرتاب را انجام داده بود و پرتاب را که در اگست (۱۹۶۵) داده بود مشهور و فرا موش ناشدنی بود درین تطبیقات Dvoskin در هوا به پراشوت Mironov تصادم کرده که سبب گرفتاری شان گردید.

اما پراشوتیست ها مضطرب نشدند. آنها تناب پراشوت اصلی خود را برای جدا شدن يك پراشوت از دیگر قطع کردند.

و توسط پراشوت معاونه خود بصورت محفوظ به زمین پیاده شدند و بریدند من Belenkos Silin نیز درین عملیات حصه داشتند و خواننده گان اخبار ما در مجله عسکری نمبر (۹) شوروی راجع به بریدند من Silin و شاعکاروی در ۱۹۶۸ مطالعه کردند.

و او یگانه مرد مسلکی در شق پراشوتی عکاس بود که در فضا از دختران پراشوتیست عکاسی نموده

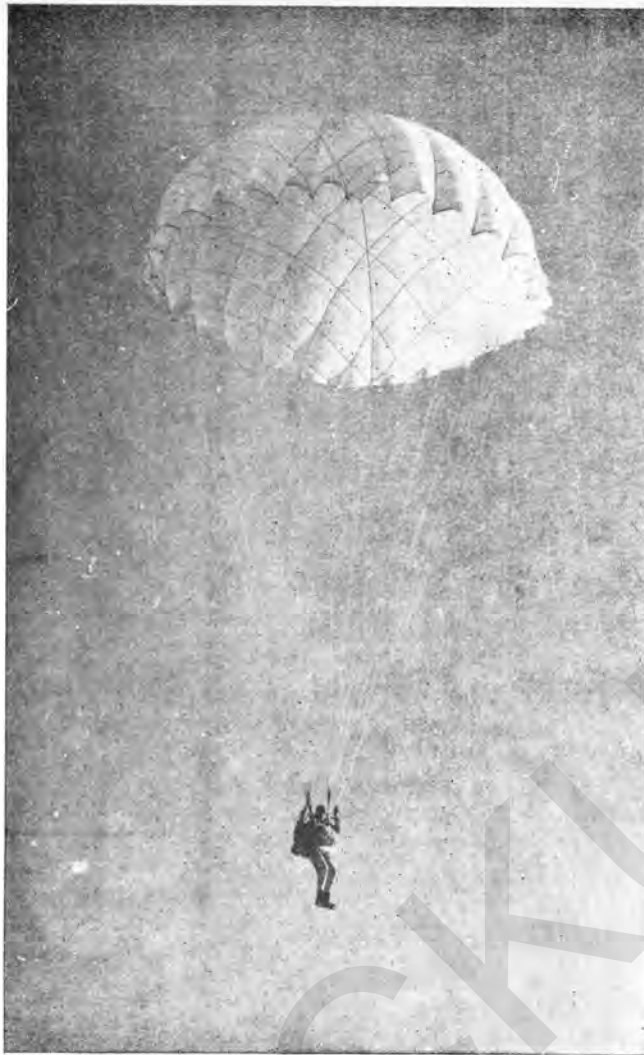
ودرین چند سال اخیر نام وی در نشرات داخلی و خارجی به چاپ رسیده .

و بر بدمن *Belenko* ریاست یک گروه پراشوتیست ها را در اثنای انداختن در *Rmazon* که یک مکتب عالی هوایی بود بعهده داشت و پرتاب از ارتفاع پایا ن (100) متر واقعاً در انداخت پراشوتیست کاری عادی نبوده بلکه خیلی مهم و حساس میباشد .

در 1964 او یک طیاره را از ارتفاع 1000m فرود آورده و پراشوتی را که جدیداً طرح شده بود استعمال کرده *Belenka* چتر را سابقاً امتحان کرده بود و او هرگز کدام تشویش احساس نکرد.

درین بار اگرچه پراشوت تاب خوردگی پیدا کرد و پراشوت معاونه باز نشد و معلوم می شد که این لحظه انجام کار میباشد *Yuri* خود را به سرعت (52m) فی ثانیه پرتاب کرد و او مردم را میدید که بطرف نقطه سقوط او هجوم می آورند و توسط دست و پا زدن جسم خود را به میز که

یکی از پراشوت
در حال پائین
شدن



رققاش تهیه کرده بود (در روی پارچه ضخیم کر باس که پراشوتیست در بین آن در زمین جا داده می شد) رفقای خود *Yuri* برای گرفتن او در بین همین پارچه ضخیم سعی و ترتیبات میگرفتند تا رفیق خود را از هوا بیگیرند . *Yuri* در زمان پرتاب از خود یک جرئت و دلآوری نشان داد و بر بدمن *Belenko* برایش آگاهی و هدایت نقطه که او را به ستاره سرخ نشانی کرده بود فهماند.

Dudar و *Storshina* با از خود گذری از ارتفاع ۱۰۰ متر جعب کردند و خود را پرتاب کردند . و او اولین کسی بود که این کار را کرد .

او به این شهکاری خود یک احترام و افتخاری را برای خود و اردواش کمائی کرد .

در نتیجه و ختم سخن رانی دگر جنرال *Lisov* گفت: فردا شما پرتاب های خود را از ۳۰۰ متر شروع خواهید



پراشوتیست ها حینیکه در طیاره بالا می شود

کرد تنها برای این کار به دعوی طلبان و رضاکاران اجازه پرتاب داده خواهد شد .

و کدام ها برای این کار انتخاب گردد ؟

و معلوم شد که نظر به ضرورت يك تعداد زیاد دعوی طلبان موجود بود و رهنما به يك پرابلم مشکل مواجه شد .

او (۵۰) نفری را که بهترین همه شان بودند و در عین زمان تجربه داشتند انتخاب کرد .

هكذا در بین آنها يك تعداد قلیل خانم ها هم بودند که آرزوی پرتاب را از ارتفاع (۱۰۰) متر داشتند .

و در بین اینها هفت نفر بودند که هفت ریکارد انداخت پراشوتی را در جهان قائم کردند .

تلویزون های شوروی و خارج آن بعضی از این زندهای جم پرادرتلویزیون مشاهده کردند .

اینها در زمان پرتاب يك بیرق بزرگ را نیز با خود داشتند . که در هوا معلوم میشد و این پرتابها در زمان جشن تاریخی و ملی نمایش داده شد .

و (۶) تن اینها بروی پرده فلم نشان داده شد بنام (تنها دختران در آلمان)

ریاست گروپ پراشوتیست ما را

د گروال *Morozov* بعهده داشت وی درجه ماستری را در سپورت داشته و یک ریکارد را در پرتاب جهانی پراشوتی قائم کرده بود در انداخت های پراشوتی لازم است که دقیقاً هر چیز را تفتیش کرد با وجودیکه یک سهو بسیار جزوی هم باشد .

تا از عواقب خطر ناک جلوگیری گردد .

پراشوت معاونه و احتیاطی که يك وزن اضافگی را تشکیل میدهد در زمان فرود آمدن سرعت پراشوتیست را تزیاید می بخشد حتی پراشوتیست های زبر دست در زمان فرود آمدن در موقع ضرورت در باز کردن آن (پراشوت معاونه) مشکلات احساس میکنند .

اگرچه بعضی ها میگویند مابه این پراشوت احتیاطی آشنایی داریم و باید این را با خود داشته باشیم .

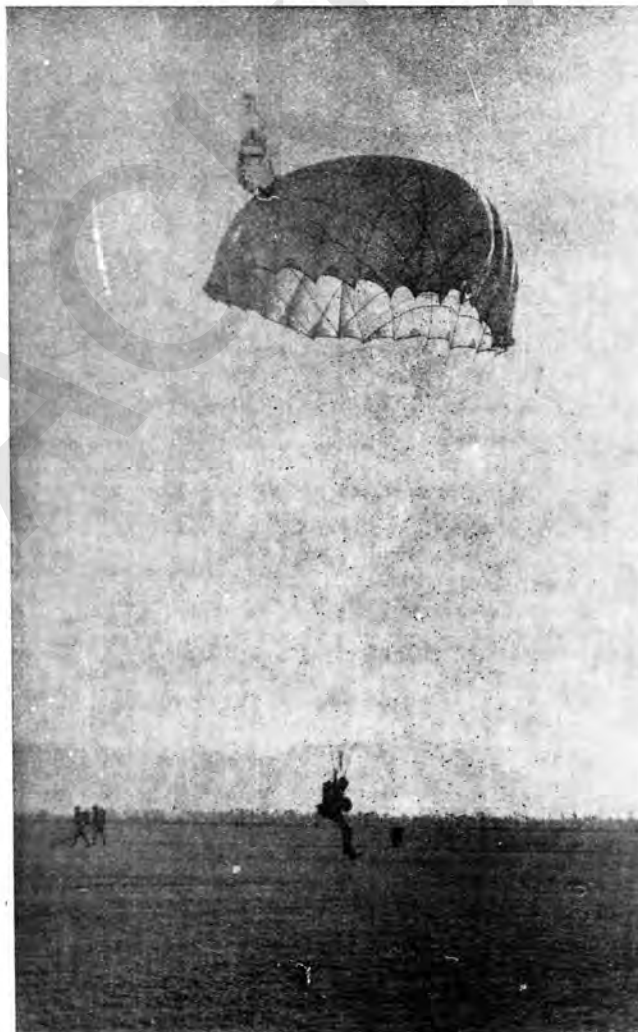
و این نکته يك سد روحی بمقابل غالب شدن به مشکلات را بوجود آورده بود .

Morozov پراشوت احتیاطی را دور کرد و از بین برد و از ارتفاع ۱۵۰ متر خود را پرتاب کرد .

و او توسط تورن *Ostrov - ky* همراهی می شد و این کار *Morozov* شهکار وی محسوب شده که تا حال هیچکس در دنیا بدون پراشوت احتیاطی از این يك چنین ارتفاع خود را پرتاب نکرده .

پرتاب های مشقی و تعلیمی از ارتفاع ۱۵۰ متر ۲۰۰ متر و ۳۰۰ متر موققانه بوده است .

بالاخره آخرین روز پرتاب بعد از يك مدت طولانی فرا رسیده بود .



لحظه فرود
آمدن بزمین



جمع نمودن پاراشوت بعد از مواصلت به زمین

رهنمایان پرواز که تعدادشان به (۵) نفر میرسد برای یک پلان گذاری و کورس موقتی برای هواپازان ترتیب دادند. پلان طرح شده به پیلوتی-تهرمان اتحاد شو وی که عبارت از *Dergach* بود بعهده اش گذاشته شد.

او و چارتن پیلوتان دیگر به ارتفاع (۱۰۰) متر حرکت میگردند که سقوط و پرتاب از ارتفاع ۳ - ۵ متر معنی بلعیدن پرتاب کننده را به زمین دارد یعنی معنی خود کشی را دارد.

پس گفته می توانیم که این قسم پرتاب ها بسیار بد و خطرناک است درین اثنا اشخاص تماشاچی ظاهراً بسیار متهیج و عصبانی معلوم میشدند این ها به کسانی که اولین پرتاب را انجام می دادند.

به نظر احترام می نگر بستند که عبارت از دگرمن *Morozov* جگرن *N. ashkov Korobka* و *Starshina* بودند.

اولین کسی که از طیاره خانمها خود را پرتاب کرد عبارت از *Kis-elyova* بود.

پرتاب کننده ها طیاره را یکی بعد دیگری بفاصله ترک دادند و دکمه های پراشوت یکی بعد دیگر باز شد.

در ظرف چند دقیقه تمام (۵۰) تن پراشوتیست در فضا نمایان شدند که هیچ تصادم هم در بین شان واقع نشده بود.

جنرال *Margelov* قوماندان هوائی موفقیت همه را برای شان تبریک گفته و این را برای شان یک شهنکاری خواند.

جزو تاسمهای عسکری در جواب گفتند که ما به وطن مادری خود خدمت میکنیم و خواهیم کرد.

داراضی دروزنی ...

(۸۷۵ مخ پاتی)

عینی قوماندانان داسی فکر کوی چه دترمیم سوی مواد وزل و جنگی جیبی ته مناسب کارنده دی مگر عام قوانین ددی دول طرز تفکر او قضاوت ملاتر نه کوی محکه مونو باید دیوه نوی عسکر له اشتباه غخه په ویره کی ونه لویرو دا محکه چه دهمدی روزنی اصلی مقصدهم دادی چه افراد خپلو اشتبا گانوته متوجه کری، که چیری یو عسکر دلومری محل لپاره اشتباه کوی هغه باید متوجه کره شی چه په بله مرحله کی خپله خطا تصحیح کری او په بشپړ

(۹۰)

به ډیره گتوره وی چه زاړه او نوی افراد یونهای فعالیتونه اجراء کری نوی افراد به هم دزرو په دود ډیر ژر دتجربې خاوندان شی، دتمرین په وخت کی مالی اوزمانی لگښت ته ډیر اهمیت نه ورکول کییری محکه چه دروزنی مهمه مرحله هم دغه مرحله ده هر غه نوی فعالیت او عملی حرکت چه دتمرین په وخت کی افراد زده کوی ددوی سره دحقیقی جنگ په مرحله کی ډیره مرسته کولای شی. ټول عملی تسکتکونه دجنگ ډیری په مقصد یوازی داراضی په مکتب کی امکان لرلای شی لوی محکه دغه راز روزنی ته داسی هستی نوم ورکره شوی دی.

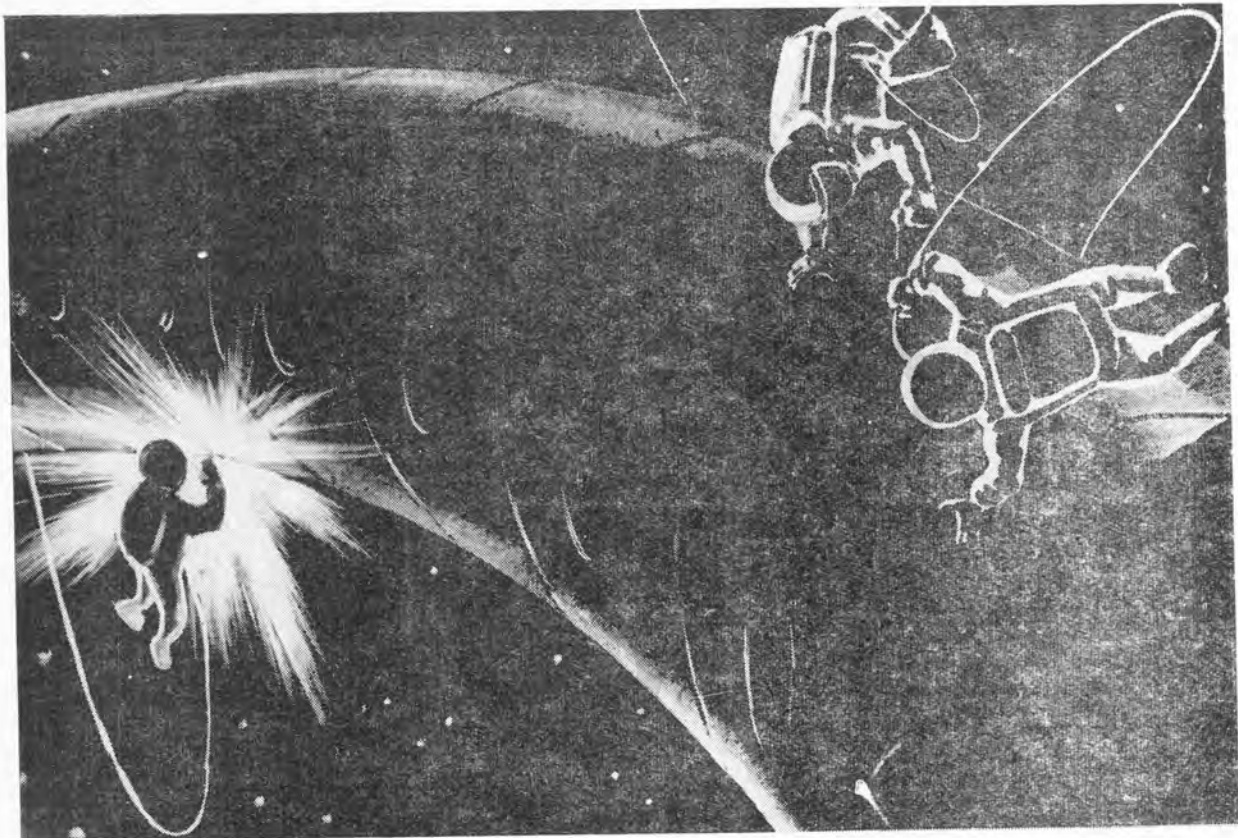
یاور سره به خپل عملیات سرته ورسوی. ددوهمی جگړې په اوږدو کی احتیاطی افراد را جلب او په ډیره چتکی سره دجنگ وډگرته ولیول شول او سمدستی ددین سره مخامخ شول دوی دجگړی دټولو مشکلاتو سره مقابله وکره او هم ئی دجنگیدلو فن په بیه توگه سره زده کری، داچه افرادو دجنگ په وخت کی خپل لځانونه دومره ورسول اوس چه سوله ده دجنگی تمریناتو ټول امکانات برابر دی نودلته باید ولی ویره موجوده وی.

په هر حال کی حربی تطبیقات دروزنی ستاندرد لوړ ساتی اودا ډول روزنه دحربی فعالیتو اساسی هسته گڼل کیدلای شی، او په هغه صورت کی

گام نوین در راه تسخیر فضای کیهانی

★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★

سه سفینه فضائی سایوز ۶ و سایوز ۷ و سایوز ۸ در مدار زمین به پرواز درآمدند



ولدنگ کاری در فضای خارجی

این فوتو نشان میدهد که کیهان نوردان پروژه سیوزچگونه در ساحت کیهان به انجام امور ولدنگ کاری موفق گردیدند

کیهانی «سایوز» و تکامل باز هم بیشتر دستگاه هدایت و جهت گیری و تثبیت در موارد رژیم های پرواز بقرنج و بررسی وسایل مستقل کشتی کیهانی و انجام یک سلسله رویت های علمی و عکسبرداری از زمین از نظر زمین شناسی و جغرافیایی و همچنین مطالعه اتمسفر زمین به منظور تکمیل کردن متد مطالعه اطلاعات دریافتی در اقتصاد ملی و تحقیقات در زمینه خصوصیات فیزیکی فضایی مجاور زمین و انجام تحقیقات طبی و زیست شناسی در زمینه مطالعه تاثیر عوامل پرواز کیهانی بر روی ارگانیزم انسان انجام دهند.

در جریان پرواز در سفینه «سایوز-۶» هم چنین به کمک دستگاه های تکنالوژی یک منحصر بفرد آزمایشاتی در زمینه طرق

بعد از آنکه ساعت ۱۴ و ۱۰ دقیقه ۱ اکتبر راکتی حامل سفینه کیهانی «سایوز-۶» به فضا پرتاب گردید. در ساعت ۱۴ و ۱۹ دقیقه سفینه «سایوز-۶» بطور فوق العاده دقیق که قبلا در پروگرام این پرواز طرح شده بود در مدار پیش بینی شده قمر مصنوعی زمین قرار داده شد. این سفینه بوسیله «دیگرمین دوگورگی شوئین» هدایت میشود و «الری کو باسف» کاندید علوم فنی نیز به حیث انجینر در این پرواز سهم گرفت.

مسافری «سایوز-۶» وظایف سنگینی بعهده دارند اینها باید بر نامه تحقیقات و آزمایشات علمی و فنی وسیعی از آن جمله بررسی و آزمایش مختلط و جامع دستگاه های مختلط راکتی

مختلف جوش دادن فلزات در شرایط خلاه و بی وزنی انجام داده خواهد شد.

ارتباط تلویزیونی و رادیویی ثابتی با سر نشینان سفینه برقرار شده است.

گنورگی شونین قوماندان سفینه گزارش داد که حال سر نشینان سفینه خوب است. در شرایط فضانوردان و محفظه مداری شرایط عادی برقرار می باشد. فشار و حرارت و رطوبت و ترکیب گاز اتمسفر با زمین مطابقت دارد.

شونین و کوباسف به اجرای برنامه عملی پرواز اقدام نمودند. در ۱۲ اکتبر، ضمن ادامه برنامه پیش بینی شده تحقیقات علمی و آزمایشات فنی سفینه ها «سایوز» در ساعت ۱۳ و ۴۵ دقیقه بوقت مسکو در اتحاد شوروی پرتاب دومین کیهانی بنام «سایوز ۷» انجام گرفت.

سر نشینان سفینه کیهانی عبارتند از: دگرمن دو آ ناتولی فیلیپچنکو قوماندان سفینه - ولاد سیلا و ولکوف انجنیر سفینه و دگرمن دوویکتور گو باتکومهندس محقق.

طبق گزارش دگرمن دوویکتور فیلیپچنکو - فاصله زمین و مدار بطور عادی طی شد. کایه فضانوردان حالشان خوب است و دستگاه های داخل سفینه عادی کار میکنند.

ماموریت سفینه کیهانی «سایوز ۷» عبارت است از انجام یک سلسله آزمایشات و تحقیقات علمی و فنی در فضای کیهانی مجاور زمین منجمله انجام مانورهای متعدد در مدار، یک سلسله مطالعات مشترک کشتی کیهانی بوسیله سفینه های کیهانی «سایوز ۶» و «سایوز ۷» ضمن پرواز جمعی، مطالعه کواکب و اقیانوس زمین تعیین درخشندگی واقعی ستاره ها - اندازه گیری روشنایی خورشید و یک سلسله آزمایشات دیگر علمی.

سر نشینان سفینه های «سایوز ۶» و «سایوز ۷» در اثنای پرواز ارتباط رادیویی رضایت بخشی بین خود برقرار نموده اند.

در ۱۳ اکتبر ۱۹۶۹ ساعت ۱۳ و ۲۹ دقیقه بوقت مسکو بر طبق برنامه عمومی پرواز های قابل هدایت در مدار دور زمین سومین سفینه کیهانی شوروی بنام «سایوز ۸» در مدار دور زمین قرار داده شد.

سر نشینان سفینه کیهانی مذکور عبارتند از ولادیمیر شاتالوف پیلوت سفینه



والری کوباسف مهندس سایوز «۶»



دگرمن گنورگی شونین قوماندان سفینه «۶»



دگرمن ویکتور گور باتکومهندس
سایوز «۷»



ولادیمیر شاتالوف در سایوز «۸»



آلکسی یایسی یف قهرمان اتحاد شوروی
در سایوز «۸» (۹۳)



از چپ به راست، دگرمن گورباتکو، الکسی یلسی یف، آناتولی فیلیپچنکو، ولادیسلاو ولکوف، ولادیمیر شاتالوف، گورگی شونین، والری کوباسف

سه سفینه دران واحد انجام مانور های متقابل در مدارها
 بمنظور حل و فصل يك سلسله مسائلی مربوط به تکمیل کردن
 دستگاه های کیهانی قابل هدایت .
 برطبق گزارش پیاوت شاتالف حال فضا نوردان بسیار
 خوب است .
 بین سرنشینان سه سفینه ارتباط رادیویی رضایت بخشی
 برقرار شد اولین بار است که در مدار مجاور زمین پرواز جمعی
 سه سفینه قابل هدایت که هفت نفر فضانورد در آن قرار دارند
 انجام میگیرد.

قهرمان اتحاد شوروی و قوماندان سفینه و آلکسی
 یلسی یف قهرمان اتحاد شوروی نامزد علوم فنی مهندس
 سفینه که در ماه ژانویه سال جاری در پرواز سفینه های
 «سایوز ۴» و «سایوز - ۵» شرکت داشته اند در جریان
 پرواز جمعی در نظر است يك سلسله ماموریت های علمی
 وفنی مهمی انجام داده شود از انجمله: انجام تحقیقات
 جامع و مختلط مشترك علمی در فضای کیهانی مجاور زمین
 برطبق برنامه وسیع و تکمیل سیستم مفصل هدایت پرواز جمعی

برنامه پیش بینی شده آزمایشات و
 تحقیقات علمی اطلاعات جدیدی را در
 باره فضای کیهانی مجاور زمین تامین
 خواهد نمود و به تکامل تکنیک کیهانی
 و استفاده از آن برای مقاصد علمی و
 اقتصاد ملی کمک خواهد کرد و از
 این راه پرواز های بسیار علمی، مطمئن
 و طولانی را به جهان های دور دست
 نصیب بشریت خواهد شد .



آناتولی فیلیپچنکو قوماندان سایوز «۷»



ولادیسلاو وکوف انجنیر سایوز «۷»

از مجله اخبار

مشا هیر جهان

خلالک تاسیت

(تسمت چهارم)

زندگی روزمره را در آثار زیبا و باشکوهش تصویر نمود.

تابلوی قایق را نان و لسکا که محصول سه سال کار مداوم و شدیدوی بود نقاش جوان را در جهان نامدار گردانید. درین تابلو پین زندگی نگیت بار و پراز یاس و حرمان قایق را نان را ترسیم و یوغ سنگینی را که اقوام ساکن روسیه تزاری در زیر آن ناله میکردند مجسم نمود. تابلوی مزبور در سال ۱۸۷۳ دروین و در سال ۱۸۷۸ در نمایشگاه جهانی پاریس جلب توجه کرد.

نیروی ایجاد و ابداع رهین در سال ۱۸۷۰ بعد اعلای رشد خویش رسید وی در رأس مکتب رالیست روسی قرار گرفت و تصاویر و تابلوهای بیشماری بوجود آورد که در آن بانبر و تاثیر شکرانی خصوصیات و خصایل دهقانان روسی آن زمان جلوه گر میشود آثار رهین از لحاظ هنری با حقیقت منطبق بود و ضمناً از حیث دقت و ظرافت نقاشی ممتاز است. خصوصاً شاهکار وی موسوم به (دسته مذهبی در شهرستان کورسک) که

گرفت ولی در آفریقا هم از «سی بیوا - فریکانوس» سردار روسی شکست یافت و بالاخره نانتیو کوس کبیر پناه برد و او را بچنگک باروم برانگیخت. سپس به «پروزیاس» پادشاه (بی تی نیا) از نواحی آسیای صغیر پناهنده شد و چون خبر یافت که (پروزیاس) در صدد تسلیم او برو - میانست زهری را که پیوسته در نگین انگشتری خویش داشت بخورد. انیپال در سال ۲۴۷ پیش از میلاد تولد یافت و در ۱۸۳ وفات نمود.

ایلیارپین :

ایلیارپین نقاش سرشناس و بزرگ روس در سال ۱۸۴۴ متولد و آوان کودکی را در شهر چوگوف ناحیه خار کوف گذرانده و مقدمات نقاشی را در آنجا آموخت در سال ۱۸۶۴ وارد فرهنگستان هنرهای زیبای سن پترزبورگ گشت در فرهنگستان مزبور فقط تصاویر اساطیری را که هیچ بستگی بزندگی نداشت هنر میسر شدند. ولی رهین بدین اکتفا نکرد و در آن دایره محدود مجوس نگشت وی سوانح

انیپال : Anipal

انیپال یا هانیپال سردار معروف کار تاژ (رش) پسر امیلکار بار کابود. پدرش او را در نه سالگی سوگند داد که پیوسته رومیان را دشمن دارد. پس از مرگ امیلکار داماد او آمد رومال بجای وی نشست. لیکن انیپال که در اسپانی بود با فریقا باز گشت و آسدر رومال را در سال ۲۲۱ پیش از میلاد بکشت. پس از آن شهر ساکنت واقع در اسپانی را که از متحدین روم بود آتش زد و بعزم تسخیر روم از طریق اسپانی و جبال پیرنه با صدهزار سپاه رو بدانشهر نهاد و پس از تحمل مشقات بسیار بالاخره با ۲۶ هزار سپاه بایتالیارسید و رومیان را در چندین محل شکست سخت داد.

لیکن در موقع عبور از مردابهای (گلوزیوم) از نواحی اتروپیا یک چشم او کور شد و سرانجام چون از کار تاژ بدو کمکی نرسید و برادر وی موسوم به «اسد رومال» نیز که بکمک او میآمد از رومیان شکست یافته مقتول گشت و نیز چون خبر یافت که رومیان بکار تاژ حمله برده اند ناچار راه میهن پیش

در سال ۱۸۸۲ پایان پذیرفت از این رهگذر مقام خاصی دارد. در این تابلو توده ای از روستایان را کشید یکی از دشوارترین مسائل ترکیب (کومپوزیسیون) را با درخشانترین طرزی حل کرده است از دحامی را نشان میدهد که هر یک از افراد آن با حفظ شخصیت خصوصیات و علائیم تیپ را نیز واجد اند.

آثار و عقاید رهن باعواطف انسان دوستی و افکار دموکراسی آغشته است این از طرز انتخاب موضوع و شیوع نقاشی هنرمند مزبور نمودار است از ۱۸۷۰ الی ۱۸۸۰ تابلوهای چندی رسم کرده و روح آزادمنش روشن فکران ترقیخواه را که با نظریات خود وی خیلی نزدیک بود در آثار مزبور منعکس نمود از آنجمله است تابلوهای (تحت الحفظ) (۱۸۷۷) و (باز داشت مبلغ) (۱۸۷۸) و (ورود غیرمنتظره) (۱۸۸۴) و بسیاری از نقاشی های دیگر. در تابلوی (قزاقان زاپروژه) (۱۸۸۰-۹۱) با استادی زایدالوصفی روح مغرور مردم او کرایینی را که دیوانه وار بخاطر استقلال ملی خویش پیکار میکردند مجسم ساخته است.

رهن در سال (۱۸۷۸) بگروه هنر پیشگان ترقیخواه موسوم به (پرودو ژژنیکی) یا پیشروانی که اعضاء آن متناوباً آثار خود را بعارض نمایش میگذارند پیوست. در این انجمن هنرپیشگانی که دارای افکار دموکراسی بوده و با عقاید ارتجاعی و عقب ماندگی فرهنگستان هنرهای زیبا قطع علاقه کرده بودند عضویت داشتند اینان میکوشیدند که هنر با حقیقت مادی هم عنان باشد و افکار عمیق بران گنجانیده شود و هنر برای مردم بوده و بازندگی مرتبط باشد. این انجمن هنر پیشگان دموکرات منش که نقاشان هنرمندی مانند رهن و سوریکوف در آن عضویت داشتند نقش ترقیخواهانه بزرگی

در پیشرفت و ترقی نقاشی روسی در پایان سده گذشته بازی کرد.

در سال ۱۸۸۵ رهن تابلوی مشهور خویش موسوم با (ایوان مخوف و پسرش ایوان) را پایان رسانید. وی در این اثر خویش مهارت عجیبی در حل یک مسئله معضل روحی نشان داده است. رهن تزار ایوان چارم را در حالیکه بروی جسد پسرش که خود بقتل رسانیده خم شده است مینمایاند. مردم این تابلو را اعتراض سختی برضد مظالم قدرت مطلقه تزارها شمردند. تزار فرمان داد تابلو را از معرض تماشای عامه بردارند.

این هنرمند بزرگ علاوه بر تابلوهای زیبای متعدد تصاویر بی نظیری نیز از نویسندگان و آهنگ سازان روسیه کشیده است که از آنجمله است تصویر تولستوی و موسورگسکی و روبنشتین و غیره.

رهن در سال ۱۹۳۰ بسن ۸۶ سالگی در گذشت. آثار رهن با مراقبت بسیاری گردآمده و در گالری دولتی تریاکوف (مسکو) و موزه روسی (لنینگراد) محفوظ و در معرض تماشای عامه گذاشته شده است.

ار یستوفان Aristophane

ار یستوفان بزرگترین شاعر فکاهی سرای آتن است که در حدود ۴۵۰ پیش از میلاد متولد شده و در ۳۸۷ وفات یافته است. لعایشهای خنده آور ار یستوفان در حکومت قدیم آتن بسیار موثر بوده و تاثیر آن بپایه مطبوعات امروز میرسد. او در نمایش معروف خود موسوم به (ایرها) بر عقاید فلسفی سقرات خورده میگردد و برخی را اعتقاد بر آنست که ار یستوفان در محکوم ساختن سقرات دست داشته است.

اشتاین بک Steinhek

جان اشتاین بک نویسنده بزرگ معاصر امریکائی یکی از سرشناسترین شخصیتهای ادبی امریکای کنونی است

اشتاین بک بیش از هر چیز مفسر بدبختیها و رنجهای طبقات محروم و ستمدیده است و رومانها و ناولهای او انعکاس تلخی از رنج درونی ملیونها مردم گمنام و تیره بخت بشمار میرود. بدین جهت انتشار یکی از دو اثر انتقادی او در امریکا با مخالفت سخت مواجه شد اشتاین بک در سال ۱۹۰۳ در امریکا متولد شد بعد از جنگ جهانی اول در ردیف پیشروان مکتب ادبی خاص و جدید امریکائی درآمد که همبستگی و برهمفکنی و کروئین و فولکتر و سارویان و غیره از رهبران آنند. این مکتب مکتب تلخی و خشونت ترسیم دقیق زشتیها و رنجهای زندگی است و صفت اساسی آن کمی حادثه و زیادی تشریح احساسات و حقایق تلخ است - منتها این نوع تشریح خشن با تحلیل و تجزیه استادانه و ماهرانه نویسندگان المانی و اتریشی خیلی فرق دارد.

بسیاری از آثار اشتاین بک شهرت جهانی دارد که (چمنزارهای بهشت) (موشها و آدمها) (خوشه های خشم) از آن جمله اند.

اسپینوزا Spinoza

با روخ اسپینوزا فیلسوف بزرگ ایتالیائی یکی از شخصیت های بزرگ قرن هفدهم است، او در ۲۴ نوا مبر ۱۶۳۲ در خانه پدری تولد یافت اسپینوزا اول مدرسه عبرانی جامعه یهود را تمام کرد و بعد دارالتعلیم مذهبی (پری را) را گذرانند از پدر خود میشل زبانهای اسپانیولی و پرتغالی را آموخت و سپس بآموزش زبان لاتین پرداخت و به کمک شخصی موسوم به (وان دن اندن) فزیک و ریاضیات و طب را یاد گرفت.

(وان دن) بسیاری مسائل علمی دیگر را هم بشاگرد نابغه خود آموخت و او رابه فلسفه و طرز تفکر اسکولاستیک و دکارت آشنا ساخت.

اسپینوزا بعات تعلیمات علمی کم کم بمبادی مذهبی بی اعتقاد شد، این عدم توجه او بمذهب رفته رفته آشکار گردید، زیرا بطور نا مرتب بمعبد کلمیسان رفت و مناسک و آداب مذهبی را بقرا موشی سپرد و سخنانش در مومنین مذهب یهودیجان و عصبانیت تولید کرد کوشش های فراوانی از طرف مقامات مذهبی برای بازگشت اسپینوزا معمول گردید و در هر حال بی نتیجه ماند.

زیرا اسپینوزا با طرز تفکر جدید خود هرگز نمیتوانست يك قدم بعقب گردد، نسبت با و سو قصدی بوسیله يك فرد متعصب بعمل آمد ولی اسپینوزا جان سالم بدر برد و بعلمت عدم تا مین جانی امستردام رانرك گفت و بالاخره جامعه یهود در ماه ژوئیه ۱۶۵۶ حکم تکفیر اسپینوزا را صادر کرد و معاشرت با او را ممنوع ساخت.

اسپینوزا بعد از تکفیر زیاد ناشتهائی در دفاع از خود نوشت که متأسفانه این یاد داشتهها از بین رفته است.

وی یکی از شخصیت های فلسفی بزرگ جهانست که مبارزه عقیدتی او علیه مذهب و کلیسامهم و قابل توجه میباشد، کتاب (اصول فلسفه دکارت) او در ۱۶۶۴ منتشر شد و سرو صدای زیادی را موجب گردید.

شهرت فراوان اسپینوزا بر اثر مصاحبات و مکاتبات فلسفی او با دوستانش بود.

در این مکاتبات و مصاحبات اصول عقاید خود را تشریح میکرد و با شخصیت های بزرگی همچون (لایپ نیتس) و (نیوتن) آشنائی و مراوده داشت.

مرگ اسپینوزا در ۲۱ فوریه سال ۱۶۷۷ اتفاق افتاد، در آنوقت چهل و چار سال داشت، در کتابخانه اسپینوزا آثار دکارت، منطق پورروایال عناصر فلسفه هوبس، علم معانی و بیان ارسطو، نامه های سنگ، رساله ای کت مکالمه اموات اثر لوسین و

خلاصه آثار سن او گستن، تورات انجیل جمع آوری شده بود که بعد از مرگ او بجای ماند.

بعد از مرگ اسپینوزا کتاب علم اخلاق، رساله سیاست و بهبود عقل او بوسیله دوستش ژان ریوور تز در امستردام منتشر شد، (رنان) میگوید (اسپینوزا مردی بود که عمیق تر از هر کس در خدانگریست).

زندگی اسپینوزا در نهایت قناعت و صرفه جوئی گذشت این مرد بزرگ اوقات فراغت خود را بساختن وصیقلی کردن شیشه عینک میگذراند و از دسترنج خود امرار معاش میگرد اسپینوزا متفکر بزرگی بود که بچنگ کاتولیک ها رفت و موفق شد.

امیل لودویک

امیل لود و یک در ۲۵ ژانویه ۱۸۸۱ در شهر برسلا ودریک خانواده یهودی بدنیا آمد. در آغاز عمر مدتی بتجارت مشغول شد و پس از آن بتحصیل حقوق پرداخت و وکالت کرد اما طولی نکشید که شوق و رغبت زیادی به نویسندگی در او پیدا شد چندین نمایش نامه نوشت که در تاتر های معتبر المان و کشور های دیگر اروپا بمعرض نمایش گذاشتند. از جمله این نمایشنامه ها:

برژیا، ناپلیون، ترستان وایزوت، اتلانتا و بالت اریان میباشد.

امیل لود و یک پیش از جنگ بین المللی اول چندی در انگلستان بسر برد و همینکه جنگی شروع شد از طرف یکی از جراید بزرگ المان بسمت خیر نگار سیاسی در کشور های المانی زبان اروپا ماموریت یافت. در این دوره بود که کتابهای (ما فرد و هلن) و (دیانا) و بعضی قطعات، مربوط به تاتر را تصنیف کرد.

مهمترین آثار لودویک بیوگرافیهاست که در باره رجال هنر و سیاست نوشته است که عبارتند از گوته واگنر، بتهوون، بیسمارک-ناپلیون و یلهلم دوم مسیح فرزند انسان... این بیوگرافیهها شامل دقیق ترین نکات روانشناسی و تجزیه و تحلیل کامل میباشد و برای امیل لودویک شهرت جهانی بوجود آورده است.

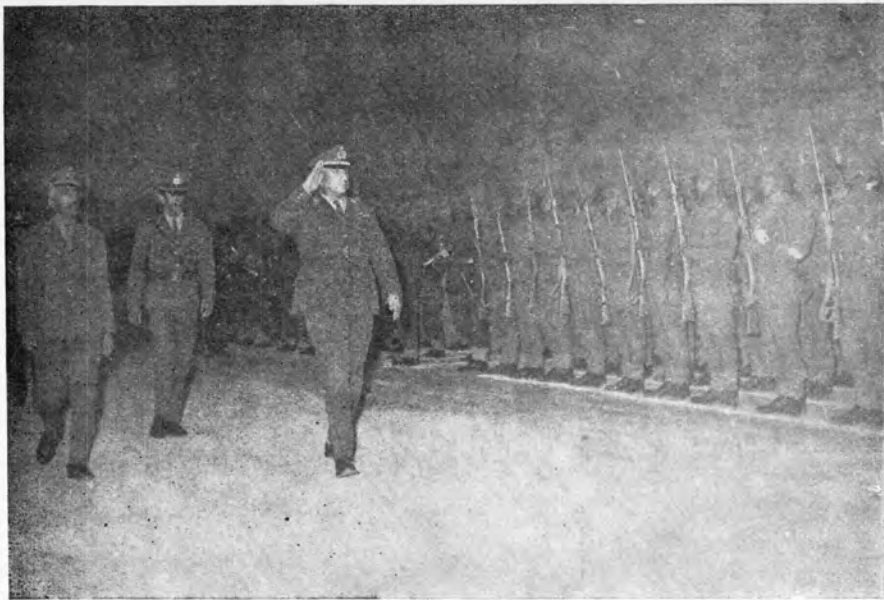
امیل لود و یک در بین سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۴۰ در سوئیس زندگی کرد ولی بعد از آن با مریکا رفت و در تمام مدت جنگ بین المللی دوم انجاماند و سرانجام بسال ۱۹۴۹ در امریکا بدرود زندگی گفت.

بهره برداری از درخشش الکترونیکی

چندی پیش یکی از کارخانجات تولید کننده دستگاه های تلویزیونی اولین نمونه تلویزیونی را که لوله کاتودیک ندارد و صفحه سوزالی در آن جانشین پرده تصویر شده است ساخت، این نخستین باری است که پدیده درخشش الکترونیکی در صنعت تلویزیون سازی مورد بهره برداری قرار میگردد؛ در این تلویزیونی تازه پرده تصویر پنج ملیمتر ضخامت دارد و ابعاد آن ۷ در ۵ سانتیمتر میباشد، این گیرنده قادر به پخش برنامه های هشتاد فرستنده است.

جالب اینست که میزان مصرف برق این گیرنده های تلویزیونی از یک دهم گیرنده های معمولی هم کمتر است. تصویر حاصل فعلا چندان روشن نیست ولی مهندسین کارخانه سازنده امید دارند که در آینده نزدیک این عیب را برطرف کنند.

جریان انداخت شب



جلالت‌آب ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی رسم تعظیم گاردا احترام را قبول میفرمایند

در قوای (۴)



یکتن از صاحب منصبان قوای (۴) زره‌دار مطالب لازمه را توضیح میدهد

زرهدار

و سایر مدعوین عرض خیر مقدم نمودند.

متعاقباً جگرن ارکان حرب سردار عبدالعظیم‌غازی درستی‌زوال قوای، راجع به انداخت و طرز استفاده از چراغهای

عصر روز مذکور به قرارگاه قوای تشریف آوردند.

در اتاق درس‌خانه قرارگاه دگروال شیرمحمد کفیل قوای از تشریف آوری ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی

شام روز شنبه ۱۷ عقرب ۱۳۴۸ انداخت شب توسط جزو تمام‌های قوای زره‌دار صورت گرفت.

ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی و دگر جنرال لوی درستی‌ز ساعت پنج



چگون ارکانحرب سردار عبدالعظیم غازی درستیز وال قوا؛ زرهدار هنگام

انفرارید معلومات کامل و مبسوطی ارائه نمود. همچنین تورن غلام سخنی جاجی راجع به آلہ ستابلیرز (Stabilisateur) و تورن شیرمحمد امانی در قسمت شعاع های سرخ و امواج الکترو مقناطیس که در شب اجسام را مرئی و قابل دید میسازد توسط شمه ها و گرافها تشریحات بعرض رسانیدند.

تازکهدار تاریکی و دره های بارانی شب از موضع بطرف خط انداخت حرکت کرده و بعد از توجیه آلات توسط چراغهای انفرارید باهدافی که در خط انداخت قرار داشت بحال حرکت انداخت نمودند. جریان انداخت بادلچسپی تعقیب میگردد و بسوالاتی که از طرف حضار صورت میگرفت توسط موظفین جوابات لازمه بعرض میرسید.

جلالتمآب سترجنرال
وزیر دفاع ملی
عملاً از آلات
مربوطه بازدید
می فرمایند



بطوریکه ملاحظه شد نتایج انداخت
باوصف اوضاع نامساعد جوی قناعت
بخش بود.

بعد از ختم وظیفه انداخت ستر جنرال
خان محمد وزیر دفاع ملی اشترک
کنندگان را بحضور پذیرفته بعد از آنکه
ایشان را مورد نوازش قرار دادند
توصیه فرمودند تا بیش از پیش در وظایف
خود دقت ورزند و ر بدست آوردن
نتیجه بهتر مساعی بیشتر بخرج دهند.
ستر جنرال وزیر دفاع ملی در اخیر از
فعالیت قوماندان قوای اظهار رضایت
فرموده و موفقیت مزید اردوی شاهی
افغان را تحت قیادت اعلیحضرت معظم
همایونی سر قوماندان اعلی اردو تمنا
نمودند.
تطبیقات بساعت هشت شب خاتمه
یافت.



توضیحات در پیرامون انداخت و طرز استفاده از چراغهای انفرارود.



موقعیکه جگرن ارکانجرب
درستیزوال قوای زره دار
موضوعات لازمه را عملاً
برای جلالتامب وزیر دفاع ملی
توضیح و ارائه میدارند.

توزیع شهادتنامه کورس (B) — قوماندانی قوای هوایی

ساعت یک بعد از ظهر روز دوشنبه سوم قوس ۱۳۴۸ شهادتنامه های فارغان کورس (B) مربوط قوماندانی عمومی قوای هوایی ضمن محفلی در قهوه خانه کلوب عسکری توسط ع،ع،ش دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز به مستحقین آن توزیع گردید .

ابتداء برید جنرال گلپهار قوماندان قوای هوایی ضمن بیانیه ای تشریف آوری مدعوین را خوش آمدگفت و بعداً راجع بطرز تدریس و مدت دوام کورس معلومات مفصلی تقدیم نمود .

برید جنرال گلپهار در اخیر بیانیه اش از حضور دگر جنرال

لوی درستیز خواهش نمود تا شهادتنامه ها و جوایز را به مستحقین آن اعطاء فرمایند .



حین بیانیه ای دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز در محفل توزیع



شهادتنامه کورس (ب) در کلوب عسکری

در راه تشریک مساعی قوای زمینی و هوایی در چوکات وزارت دفاع ملی و لیدر شب ، استفاده کافی نموده اید .

دگر جنرال لوی درستیز چنین ادامه دادند .

« برادران من تمام مساعی وزارت دفاع ملی را در حضر پیشبرد تعلیم و تربیه اردو تشکیل میدهد روی همین نصب العین طی سالهای اخیر در قوای زمینی کورس های زیادی افتتاح شد و فارغان آن تقدیم اردو گردیدند. جای خوشی است که در قوای هوایی به پیشنهاد قوماندانی عمومی قوای هوایی این کورس بنام کورس «B» تاسیس شده و در آینده نیز این کورس جهت تجدید و تقویه معلومات ادامه خواهد یافت .

دگر جنرال لوی درستیز ضمن تشکر از مساعی قوماندان قوای هوایی و زحمتمکشی استادان آن بیانیه خویش را با آرزوی موفقیت مزید قوای هوایی در چوکات اردوی شاهی افغانستان تحت قیادت خرد مندانه اعلیحضرت معظم همایونی سر قوماندان اعلی اردوی شاهانه خاتمه دادند .

مراسم در حوالی ساعت ۲ خاتمه یافت ، در محفل یکعده از جنرالان و صاحب منصبان اردو شرکت ورزیده بودند .

« بشما واضح است که تخنیک امروز مغلق و پیچیده است و تعقیب و فهم آن همزمان با سرعت انکشاف عصری ، ایجاب زحمت کوشی مینماید . البته تخنیک بهر اندازه که انکشاف میکند مامجبور استیم آنرا تعقیب کنیم . اما این تعقیب کافی نیست چون استعمال تخنیک مربوط به قدرت سوق و اداره و قدرت تخنیکی و انسیاتیف صاحبمنصبان میباشد . استفاده ممکنه از تخنیک مربوط به سویه قابلیت انسیاتیف صاحبمنصبان میباشد و در غیر آن حیثیت یک توده آهن بیکاره را به خود میگیرد .

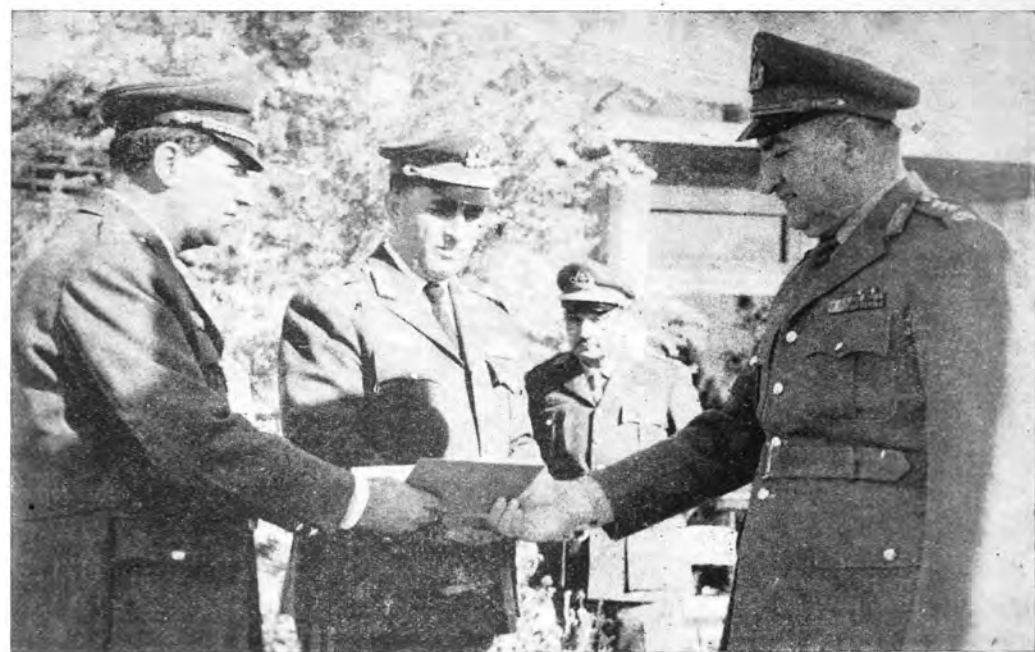
مایقین داریم که در این کورس شما

برای من جای مسرت است که امروز می بینم یک کورس با ارزش در چوکات قوماندانی قوای هوایی فارغ التحصیلان خود را تقدیم مینماید و شما سند فراغت را برای خدمت مزید از این کورس می گیرید . در جمله پلان های انکشافی تعلیم و تربیه اردو یکی هم تاسیس و افتتاح کورس های نظیر کورس «B» میباشد و تاسیس این کورس هم یک قدم مثبتی است که در راه پیشبرد تعلیم و تربیه برداشته می شود .

دگر جنرال لوی درستیز علاوه نمودند :

بعد از توزیع جوایز و شهادتنامه ها دگر جنرال لوی درستیز فارغان را مخاطب قرار داده چنین فرمودند : « برادران من ! موفقیت همه شما را تبریک می گویم .

دگر جنرال لوی درستیز تصدیق نامه یکتن از فارغ التحصیلان را اعطاء میفرمایند .



دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز

از پارک تعلیمی قطعہ پراشوتی دیدن فرمودند



ساعت ۳ بعد از ظهر دو شنبه ۱۳۴۸/۸/۱۲ دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز در حالیکه عده ای از جنرالان اردوی شاهانه، صاحب منصبان و هیئت اداری قطعہ پراشوتی نیز حضور بهم رسانیده بودند از برج تعلیمی پراشوتی و تمرینات پراشوتی در پارک تعلیمی آن قطعہ دیدن فرمودند .

در ابتدا جگرن خواجہ حبیب اللہ قوماندان قطعہ پراشوتی تشریف آوری مدعوین را خیر مقدم عرض نموده و راجع به تاریخچه و انکشاف و تعلیم و تربیہ قطعہ پراشوتی ضمن بیانیہ مختصری معامات تقدیم نمودند .

متعاقباً دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز فعالیت های افراد پوسته را که حاکی از زحمت کشی ها و

حینیکہ یکتن از مؤظفین نوعی یکی از پراشوت ہارا توضیح میدہد

عرق ریزی های شباروزی شان بود معاینہ فرمودند و در ہر قسمت از طرف قوماندان قطعہ پراشوتی و جگرن عبدالعظیم و جگرن عبدالقدوس توضیحات مفصلی بعرض رسانیدہ می شد .

بیاغلی لوی درستیز در جریان مشاہدات شان طرز پائین شدن نفرهای نوآموز و مشق و تمرین افراد پراشوتی را از برج پراشوت مشاہدہ فرمودہ و نیز از پوسته و سیمو ، پوسته وزن برداری ، پوسته خیز دور ، پوسته جود و پوسته متوازی ، پوسته سیم دور ، پوسته سیمہ کشی و ریسمان کشی ، پوسته سیم گاز و چرخ پراشوتی و از انواع مختلف پراشوت ہا و طرز گذشتن افراد از موانع دیدن کردند .

دگر جنرال لوی درستیز در ختم مشاہدات شان در حالیکہ صاحب منصبان اداری و افراد قطعہ پراشوتی در میدان



دگر جنرال لوی درستیز با مدعوین و اعضا اداری قطعہ پراشوتی در پارک تعلیمی

تعلیمی اجتماع نموده بودند ضمن
بیانیه قیمتدار شان چنین فرمودند:

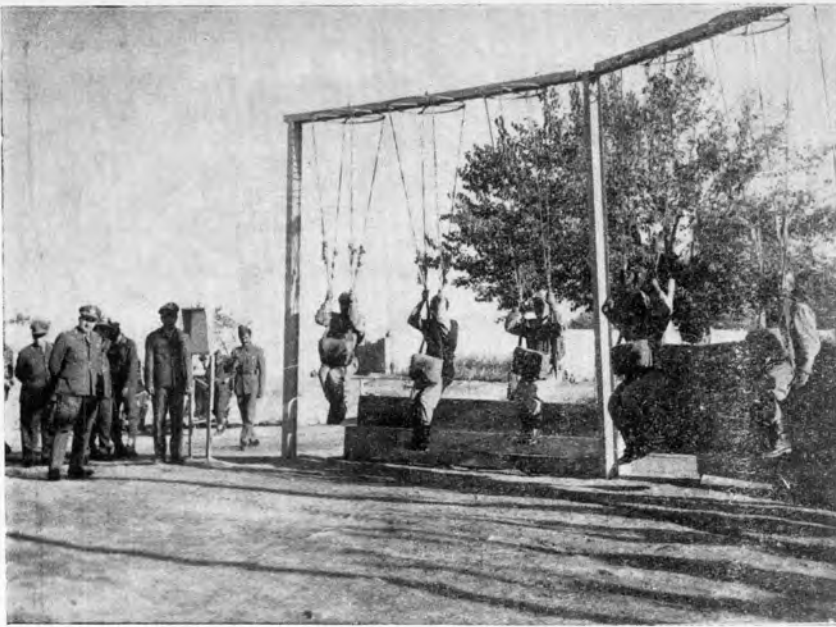
برادران عزیز .

من امروز ، با کمال مسرت مساعی
تعلیمی شمارا که ناشی از عرقریزیها
و زحمات شبانروزی تان میباشد از
نزدیک مشاهده نمودم .

بشما بهتر معلوم است که مسالک
مقدس عسکری ایجاب جسارت عسکری
روحی و فداکاری میباشد البته این
جسارت از تمام اردوی افغانستان
خواسته می شود اما شما قطعه پراشوتی
مادر نظر داشتن مسئولیت سنگین
خود در بالای تمام قطعات اردو
امتیاز خاصی دارید و این جسارت و
خودگذری زیادتر از شما انتظار
برده می شود .

بناغالی لوی درستیز فرمودند .

شما باید بدانید ، با شرف ترین
مخلوقات کسانی هستند که زندگی
آبرومندانه داشته حیات خود را وقف
خدمت جریان تکامل جامعه های بشری
بسازند ، شما باید افتخار کنید که در
تاریخ افغانستان عزیز در چوکات
اردودر یک موقوف خاصی قرار گرفته اید
زحمت کشی ها و عرقریزی های
امروزی تان نوید میدهد که

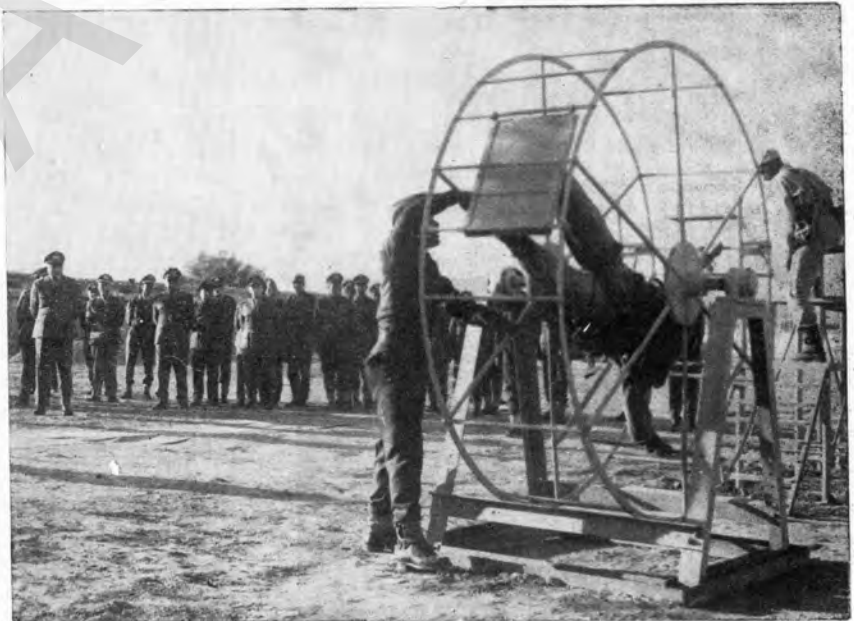


گوشه ای از مشق و تمرین پراشوتیست ها

تکنالوژی نوین اثبات این پدیده ها
بووده و بشر در تمام جهت های مادی
و معنوی حیات خود از نیروی
خارق العاده تخنیک استفاده
میکند ،

عندالضرورت خدمات برجسته ای
برای حفظ نوامیس ملی خود بعمل
خواهید آورد .

دگر جنرال لوی درستیز گفتند .
تخنیک امروزی باندازه ای دقیق
است که خطرات اکثر چیزها را بر
طرف ساخته و در مقابل هر نوع
دشواری ها تسهیلات لازمه را فراهم
نموده است چنانچه تکامل دانش و



چرخ پراشوتی

یکی از افراد حین پائین شدن از برج پراشوت



نمونه دیگری پائین شدن یکی از افراد از برج پاراشوت



پائین شدن از سیم های برج پاراشوت

لیکن با انهم بکار انداختن این نیرو
محتاج به نیروی انسانی میباشد و بدون آن
تکنولوژی امروزی کمترین ارزشی ندارند،
از اینرو با و صف تسهیلاتی که جهت رفع
خطرات پاراشوتیست ها فراهم شده است باز هم
شهادت و مساعی شما قابل قدر میباشد.

در اخیر بناغالی لوی درستیز فرمودند:

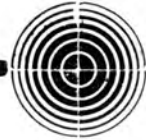
من از تمام صاحب منصبان و استادانیکه
در این راه مساعی بخرج میدهد و تمام افراد یکه
بدر نظر گرفتن مسئولیت تاریخی و ملی خود
در چو کات پروگرام های تعلیمی عرق میریزند
و از کمک های فابریکه حری که احضار و
تکمیل مالز مه تعلیمی پارک تعلیمی قطعه
پاراشوتی بعمل آورده است از صمیم قلب تشکر
نموده موفقیت اردوی شاهی افغانستان را تحت
قیادت اعلیحضرت معظم هما یونی از خدای
متعال تمنامیکنم.

(۱۰۴)



فعالیت افراد از برج پاراشوت

جریان مسابقات پهلوانی خزانی اردو

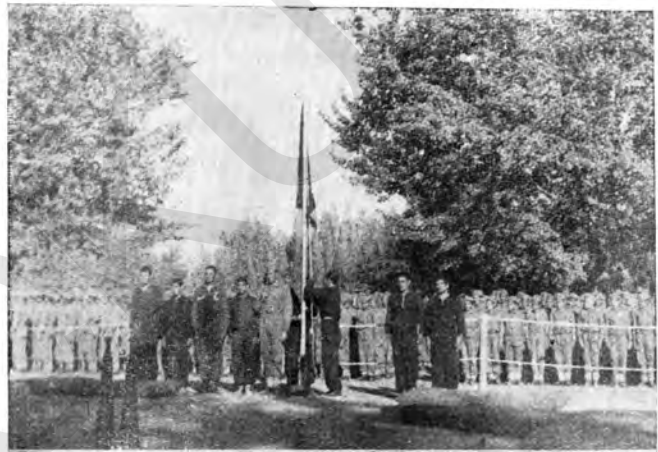


بتاریخ ۱۶ جوزا سال ۱۳۴۸ مراسم پهلوانی خزانی اردو با بیانیه تورن جنرال غلام علی (پنجشیری) آمر سپورت های ثقيله اردو افتتاح گردید .

پناغلی تورن جنرال (پنجشیری) حضار را مخاطب قرار داده چنین فرمود :
« شك نیست که در اردوی شاهی افغان از سالهای دراز باینطرف سپورت مورد توجه قرار داشته و این توجه روز بروز بیشتر میشود. مگر از نقطه نظر کفایت اساسهای علمی فزیکمی امروزی که از ایجابات تکنالوژی این عصر است بصورت عمیق ضرورت تجدید نظر احساس میگردد :



تورن جنرال غلام علی رئیس سپورتهای
ثقيله اردو حین ایراد بیانیه



قطعات اشتراك كنده در مسابقات حین بر افراشتن
بیرق در حربی پهلوانی



عده از مهمانان هنگام افتتاح
سپورتهای پهلوانی



مدعوین درائنائی باز دید مسابقات پهلوانی
در حربی پهلوانی



تیم پهلوانان اردو با متخصصین خارجی و معامین شان

ابراز نشکر نموده و موفقیت شانرا
 تمنا کرد . موصوف بیانیه خودرا بنام
 خدای شاه و وظیفه و مملکت پایان داده
 و بادعای طول عمر اعلیحضرت معظم
 همایونی سر قوماندان اعلی اردوی
 ونیرو مندی اردوی شاهی افغانستان
 را افتتاح نمود .

در مراسم افتتاح عده از جنرالان
 و صاحب منصبان اردو و شایعاً محمد فاروق
 سراج رئیس المپیک و نمایندگان ریاست
 تربیت بدنی وزارت معارف و جمعی
 از علاقه مندان سپورت پهلوانی اشتراک
 ورزیده بودند .

مسابقات طی سه روز با دلچسپی
 ادامه یافت . درین تورنمنت تیم های
 منتخب کلاپ های تندر . عسکری
 و تیم های حربی پوهنتون . حربی شونگی
 و دوپروضا بطا و بونگی سهم گرفته بودند

که از دو سال باینطرف در قطعات ،
 مؤسسات و در مکاتب مربوطه مشق
 و تمرین این سپورت باستانی دوام
 داشته هر سال در بهار و خزان تورنمنت
 ها و مسابقات آن در کابل برگزار
 میگردد در عین زمان در بعضی مسابقات
 خصوصی و رسمی پهلوانان داخلی
 و خارجی هم سهم فعالی میگیرند .
 تورن جنرال آمر سپورت های ثقیله
 اردو درباره فعالیت سپورتی امسال
 گفت .

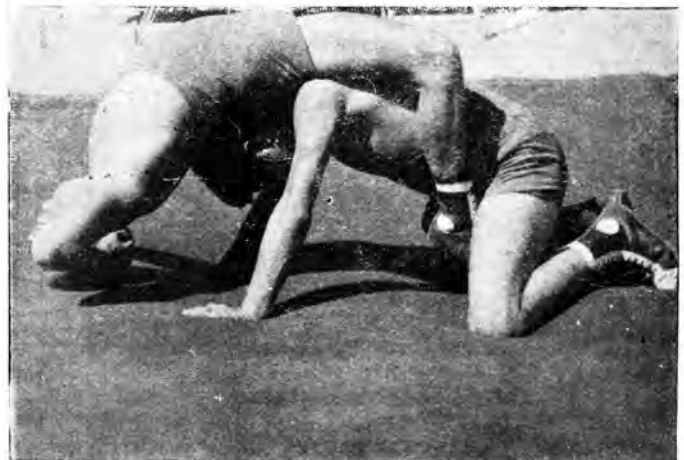
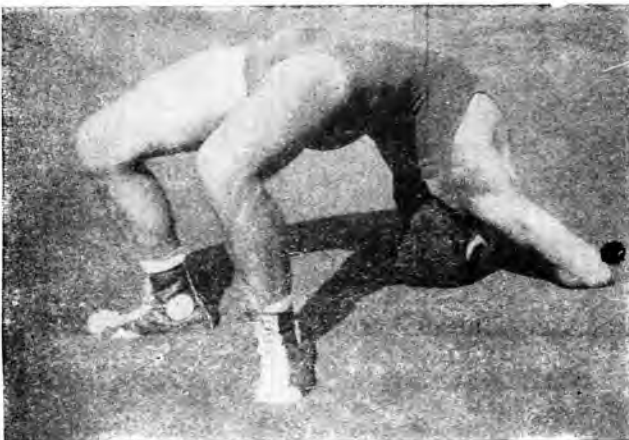
امسال نظر با امر مقام عالی ستر
 در ستیز برای اینکه طلاب حربی بپوونگی
 از نزدیک تطبیقات عملی پهلوانی را
 مشاهده نموده بتوانند . تورنمنت خزان
 پهلوانی در اینجا اجرا میشود .
 شایعاً امر سپورتهای ثقیله اردو از
 مسابقات ریاست لوژ ستیک ،
 قوماندانی حربی بپوونگی و سایر همکاران

بدین ملحوظ وزارت دفاع ملی
 دو سال قبل موضوع را مطرح بحث قرار
 داده و هیأتی مرکب از صاحب منصبان
 با صلاحیت تحت اداره ع . ع . ش .
 دگر جنرال محمد عیسی قوماندان قوای
 مرکز از زمان تعیین گردید تا امور
 سپورتی اردو را بداخل اساسها و تعلیمات
 لازمه تنظیم نمایند که خوشبختانه
 نتایج آن قناعت بخش میباشد .

شایعاً (پنجشیری) درباره تأسیس
 کورسهای مختلف سپورتی توئیجات
 داده و علاوه کرد .

« اینها همه فعالیت های سپورت است
 که در اردو روز بروز در حال انکشاف
 و ترقی بوده و کوشش و مساعی دوام
 دارد تا خدا (ج) بخواهد مطابق با شرائط
 (علمی و عملی) سپورت در اردو انکشاف
 بیشتر بنماید .

از جمله سپورت پهلوانی میباشد





گروپ افراد

نیاز محمد ولد فیض محمد از کلب تندر
اسلام الدین ولد غوث الدین از کلب اردو
میر افغان ولد غلام رسول از کلب تندر
حبیب الله ولد محمد عمر از کلب اردو
عبدالرزاق ولد عبدالرحیم از کلب اردو
محمد نادر ولد غلام رسول از کلب اردو
محمد امین ولد میرزاجان از کلب تندر
نور آقا ولد سید امیر شاه از کلب اردو
محمد طاهر ولد محمد جان از ح پ
محمد قاسم ولد غلام علی از تندر
جان آقا ولد غلام رسول از کلب تندر
مومن ولد مسعودین از کلب تندر
عبدالهادی ولد افضل از کلب اردو
سردار محمد ولد عبدالعلی از تندر
امرال دین ولد غیاث الدین از ح پ
مونیجی ولد محمد یعقوب از کلب اردو
قرار معلوم نتایج این مسابقات
تشویق کننده و موفقیت آمیز بود .



از مکاتب

(مقام اول شاه ملنگک)

(مقام دوم رحمت الله)

مقام سوم عنایت الله

گروپ طلاب

وزن ۵۲ - کیلو گرام

مقام اول - احمد شاه ولد محمد خلیل

از ح ، پ

مقام دوم - قربانعلی ولد غلام رضاء

از ح ، پ

مقام سوم - میر افغان ولد محمد -

یعقوب از ح ، پ

در وزن - ۵۷ - کیلو گرام

مقام اول - حبیب الله ولد سمندر از ح ، پ

مقام دوم - فضل قادر ولد محمد انور « »

مقام سوم - پیر دل ولد شیر دل « »

در وزن ۶۲ - کیلو گرام

مقام اول - غلام جان ولد ذوالفقار از ح پ

مقام دوم - محمد امین ولد محمد معصوم

از ح پ

مقام سوم - محمد گل ولد گل محمد از ح ش

در وزن ۶۸ - کیلو گرام

مقام اول - محمد اعظم ولد گل محمد از ح پ

مقام دوم - جان محمد ولد نور محمد از ح ش

مقام سوم - محمد قاسم ولد علی محمد « »

در وزن ۷۴ کیلو گرام

مقام اول - عبدالستار ولد محمد طاهر از ح پ

مقام دوم - عبدالله ولد پیر محمد از ح پ

مقام سوم - عبدالواحد ولد عبدالوهاب ح پ

در وزن ۸۲ - کیلو گرام

مقام اول شمس الدین ولد محمد حنیف

از ح ، پ

مقام دوم - ثانی گل ولد بهاوجان از ح پ

مقام سوم

در وزن ۹۰ کیلو گرام

مقام اول - جانگل ولد محمد گل از ح پ

مقام دوم - محمد امان ولد محمد حکیم از ح پ

مقام سوم



که تعداد مسابقه کنندگان به (۷۴) نفر میرسد .

بعد از بیانیه تورنجرال (پنجشیری)

مراسم افراشتن بیرق ملی صورت گرفت
و متعاقباً مسابقات آغاز گردید .

این مسابقات بالای دو توشک

به سیستم خارج شدن بعد از اخذ شش نمره

جزای بدون فاینل اجرا گردید .

پهلوانان در (۹) وزن اشتراک داشتند

اما در وزن سنگین صد کیلو گرام

داوطلب موجود نبود و در وزن نهم

بین (۹۰ - ۱۰۰) کیلو گرام یک نفر

اشتراک ورزید که بوی مقام اول

داده شد .

نتایج مسابقات مذکور قرار ذیل بود

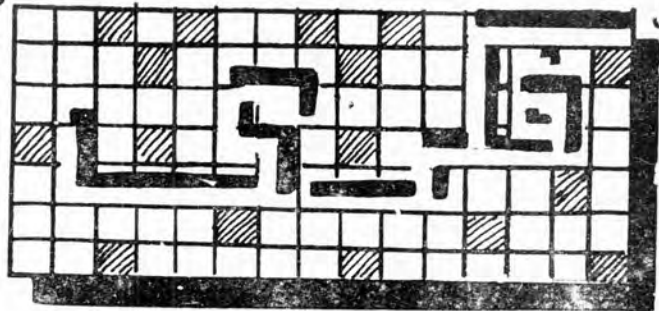
وزن ۴۸ کیلو گرام از کلب ها

(عسکری و تندر) هیچ پهلوانان اشتراک

نورزیدند



مشغولیت‌های



آزبایکده موفق بحل معمای شماره « ۷ » مجله اردو گردیده اند .



غلام محمد سخری زاده
متعلم صنف هفتم
لیسه نادریه



محمد هاشم یونس زاده
از مطبوعه دفاع ملی



خواجه نعیم متعلم صنف
هشتم «د» حربی بیونئی



حبیب الله «تسخیر»
فارغ التحصیل
صنف ۱۲ نادریه



میر نصرالدین انصاری
متعلم صنف پنجم الف
مکتب جمال مینه



محمد رحیم شهید
فارغ التحصیل
مکتب مسعود سعد

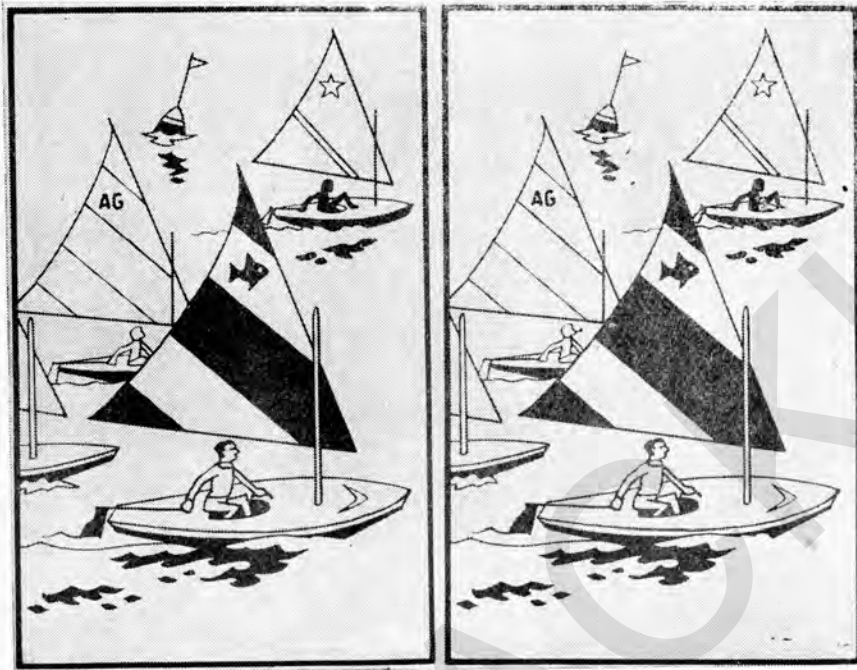
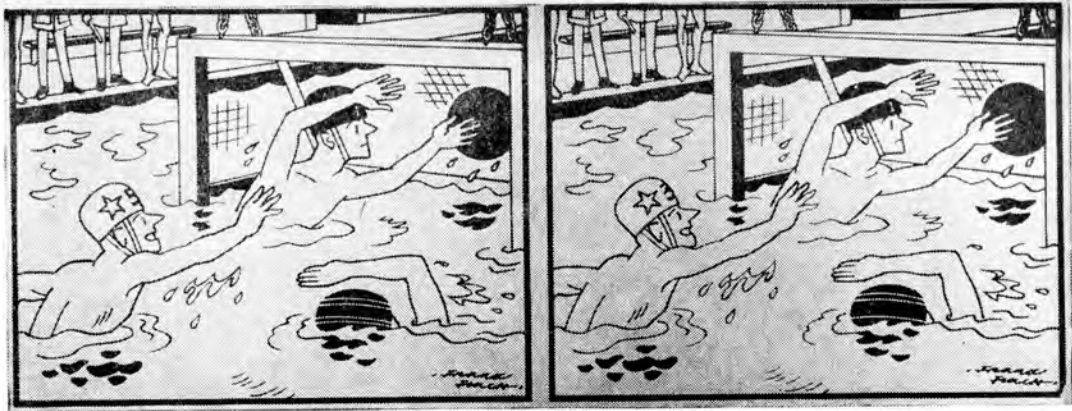


محمد نسیم شهید متعلم
صنف ۱۱ لیسہ نادریه



محمد امین شهید متعلم
صنف ۷ لیسہ نادریه

هم چنان پیغله ملالی متعلمه صنف دهم از لیسہ رابعه بلخی، پیغله دینا متعلمه صنف هفتم لیسہ عایشه درانی، بیاغلی دین محمد متعلم صنف هشتم لیسہ غازی، پیغله فریده متعلمه صنف هشتم لیسہ ملالی، پیغله هما متعلمه صنف هفتم از لیسہ رابعه بلخی، بیاغلی عبدالرحمن متعلم صنف هفتم لیسہ حبیبیه، بیاغلی عبدالله از لیسہ خان آباد، پیغله گل مکی از لیسہ رابعه بلخی، بیاغلی دوست محمد از وزارت معادن و صنایع، پیغله سیمه متعلمه لیسہ شاهدخت بلتیس، بیاغلی علی محمد از لیسہ تالقان، بیاغلی عبدالجاول از لیسہ غازی، بیاغلی محمدجان از مکتب محمود میباشد .



لطفاً اختلافات این چهار شکل را
حل نموده ضم آن یک قطعه فوتوی
خود را بفرستید تا در شماره آینده
نشر شود.



صدای فیرهای ماشینه‌دار های تانک را حالا خوب
شنیده می‌توانیم .



بدون شرح

خلص سوانح مرحوم سيد عبد الغنى

دگرمن قواى هوائى و مدافعه هوائى

در عين سال دوباره در بست قواى هوائى مقرر و تاکنون اجرائى وظيفه مينمود نامبرده در زمان وظيفه دارى خویش به مکافات هاى نقدى نائل گردیده و نشان هاى که در ادوار ماموریت خویش اخذ کرده قرار ذیل است :

- ۱- مدال و پتیا برنز
- ۲- « نکلی »
- ۶- « رشتین »

به کمال تأسف اطلاع گرفتیم که دگرمن مرحوم در اثر مریضی که عاید حال آن بوده به عمر (۴۲) سالگی داعی اجل را لبیک گفته پدروود حیات نمود انالله وانا الیه راجعون .

وزارت دفاع ملی از فوت دگرمن مرحوم که يك تن از صاحبمنصبان لایق و در عين حال يك افسر دارای اخلاق عالی بوده متأثر و متالم گردیده از بارگاه خداوند یکتا برای مرحوم طلب مغفرت و برای بازماندگانش صبر جمیل میخواهد .



(مرحوم سيد عبد الغنى)

عالی به اتحاد شوروی اعزام گردید در سال ۱۳۴۴ از روسیه موفقانه بوطن عودت نموده و بحیث آمر شعبه حرکات قوماندانی هوائى و مدافعه هوائى مقرر گردید در سال ۱۳۴۴ برتبه دگرمنى ارتقاء جسته در سال ۱۳۴۶ در بست کمبود قوماندانی عمومی طوپچی تبدیل

مرحوم در سنه ۱۳۰۶ شمسی در قریه چهلدر خان آباد تولد یافته تحصیلات مقدماتی خود را در مکتب ابتدائیه خان آباد به ا کمال رسانیده بعداً بمکتب رشديه شامل و بعد از فراغ صنف دوازده به قوماندانی حربى پوهنخى داخل گردیده در سال ۱۳۲۶ برتبه وکیل ضابط نشئت و به مفرزه قوماندانی ح ، پ مقرر گردید در سال ۱۳۲۷ برتبه بلو کمشرى ثالث تر فیع در سال ۱۳۲۹ برتبه بلو کمشرى ثانی ترفیع در سال ۱۳۳۱ برتبه بلو کمشرى اول ترفیع در سال ۳۳ برتبه تولیمشرى ابتدائى ترفیع و بعداً غرض تحصیلات عالی به ترکیه اعزام گردید در سال ۱۳۳۷ برتبه تولیمشرى قدمدار ترفیع در سال ۱۳۳۸ موفقانه از ترکیه بوطن عودت در بست اتلتون تعیین و مقرر گردید در سال ۱۳۳۹ برتبه جگمى ترفیع و بحیث آمر پلان و پرنسیب اتلتون تعیین شده در سال ۱۳۴۰ غرض تحصیلات

خلص سوانح عتیق الله جگتورن قواى پگتیا

بست قوماندانی عمومی طوپچی مقرر و در عين سال بریاست تعمیرات مقرر شده در سال ۱۳۴۶ برتبه جگک تورنى ارتقاء جسته در سال ۱۳۴۷ به قواى پگتیا تبدیل و به اخذ یک عدد مدال و پتیا برنز نائل گردیده است .

به کمال تأسف اطلاع گرفتیم که جگتورن مذکور به اثر مریضی که عاید حال آن بوده بتاريخ ۱۴/۷/۴۸ به عمر (۴۷) سالگی داعی اجل را لبیک گفته پدروود حیات نمود .

وزارت دفاع ملی از فوت جگتورن مرحوم که يك تن از صاحبمنصبان لایق بوده متأثر و متالم گردیده از بارگاه خداوند یکتا برای مرحوم طلب مغفرت و برای باز مانده گانش صبر جمیل میخواهد .



(مرحوم عتیق الله)

برتبه تولیمشرى ترفیع در سال ۱۳۴۲ از بست فرقه ۲۰ بریاست لوژستیک تبدیل و مقرر شده در سال ۱۳۴۳ در بست احتیاط پذیرفته شده در سال ۱۳۴۴ در

مرحوم در سنه ۱۳۰۱ شمسی در خانداری پغمان تولد شده است . بعد از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۲۷ بکورس محاسبه شامل گردیده بحیث مامور رتبه ۱۳ تثبیت رتبه و به ریاست حربى مقرر شده در سال ۱۳۲۸ برتبه ۱۲ و در سال ۱۳۲۹ برتبه ۱۱ و در سال ۱۳۳۱ برتبه ۱۰ و در سال ۱۳۳۳ برتبه ۹ ترفیع نموده در سال ۳۴ به لوائى احتیاط فرقه ۱۵ قندهار موقتاً اعزام و در عين سنه واپس بوظیفه اصلی آن خواسته شد در سال ۱۳۳۵ ب قوماندانی فرقه ۲۰ نمرین تبدیل و در سال ۳۵ قرار فرمان نمبر ۷۹۵ - ۱۳۳۵/۵/۳۱ حضور شاهانه برتبه بلو کمشرى ثانی تعدیل رتبه گردیده در سال ۳۷ برتبه بلو کمشرى اول ترفیع در سال ۱۳۴۱

در تاریخ حیات ماروزهائی است که چون ستاره میدرخشند .
و گاه به (ذی طلوع) سرافرده میزدیم .
و چون صرصر به قلب دشمن تاخت می آوردیم و نارو مارشان میکردیم .
چون سلاح جنگک برتن میپوشیدیم چنان سهندک میشدیم که از بیم زوزه در
گلوی سگان قبیله میشکست و ماهر چه بر سر راهمان بود میشکستیم و میکشتم .
چون آسیاب جنگک را بگردش میاوردیم جز تنها و جمجمه های خاک شده
حاصلی برجای نمی گذاشتیم .
گاه نطق این آسیاب را در مشرق (نجد) می افکندیم .
و دانه آنرا از اجساد (قضاغه) میکشتم .
چون سمانان ، ولی باعنگک جنگک بماری آوردید و ما هم حق میزبانی بجای
آوردیم و یکبار کشتار تان کردیم زیرا تاخیر در ماحضر را از کرم دور دیدیم .
دشمن اگر فاصله گیرد بدندان سپاه و اگر نزدیک شود به تیغ سپیدخونش میریزیم .
سرها و دستها در آن میدان نبرد به شایبه بارهای اشترانی بود که در سر زمینی
سنگلاخ فرو افتاده باشند ما خون ریاخون میشوئیم و کینه را با کینه میزدائیم .
و شکست را با انتقام جبران میکنیم .
این مجد و غرور را از پدران مان به میراث برده ایم و شرف و آزادگی به کعب
نیزه هایمان بسته است .
هنگامیکه طناب خیمه ها گسسته گردد خیمه نشینان و حرم دشمن را از تجاوز
سپاه حفاظت میکنیم و چون دشمن بحرم ما تجاوز کند
مردان رزمجوی ما دست از جان شسته بدفاع برخیزند آیا هنوز اینان نمی دانند
که مادر نبرد میکشیم و نابود میکنیم ؟؟
هان !! قضائل ما را نادیده بگیرید که مانیز .
دیده برهم نهاده همه قضائل شما ، خط نسیان میکشیم .
ندانم وقتی که بیدریغ تیغ بروی شما میکشیم و سرعایتان را چون برگ خزان
بر زمین میریزیم ما را از چه بیم میدهد ؟؟
شمشیر های پولادین را چنان بسیکی در دست میگردانیم .
که گوئی بازیگران باشمشیرهای چوبی خود بازی میکنند .
و لباسهای مان چنان گلسگون میشود که پنداری بارغوان رنگین شده است
حملات مان با جوانی آغاز میگردد که مرگ را شرات خود میدانند .
و پیران جنگک آزه و ده ای داریم که در صحنه نبرد عمر بسر آورده اند .
قبائل (معد) نیک میدانند که چون در صحرا
چادر حایمان را بر پا کنیم
سمانان را میزبان شایسته ،
و متجاوزان را دشمنان هولناکیم .
و پناه جویندگان را مددگار .
و برتری فروشان را سرکوب کننده ایم .
آبهای گوارا را بدوستان مینوشانیم .
مردانهای لجن آلود را بدشمنان میسپاریم .
اگر باورندارید از (بنی الطماع) بپرسید که با ما چه کردند .
از ما چه دیدند .
و هنگامیکه پادشاه جهان مردم را مطیع و منقاد خود سازد ،
ما همچنان خواهیم بود .
آوازه بزرگی و شجاعت ما
خشکیها و دریاها را بر ساخته است و وقتی فرزندان ما را از شیر باز گیرند جابره
روزگار در مقابلشان سر فرود آورند .



دملی دفاع وزارت - ستردرستیز
دنشریاتولوی مدیریت - دار دو مجله

دتاسیس کال ۲۱ حمل ۱۳۹۹

اتمہ نگہ - د ۱۳۴۸ کال دلپرم دمیا شت

(نمره تیلفون مدیر مجله : ۲۳۲۰۸)

AFGHAN MILITARY REVIEW

Address: De Urdu Mudjella Kabul - Afghanistan

Subscription rate for abroad 5 dollars

NOV 1969

Tel . 24574 - 23208

دملی دفاع مطبعه

افغانستان - کابل